

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ ایران و جهان (۱)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته ادبیات و علوم انسانی

این کتاب در سال ۱۳۹۲ براساس نتایج ارزشیابی کشور مورد تجدید نظر کلی قرار گرفت.

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب : تاریخ ایران و جهان (۱) - ۲۳۵/۴

شورای برنامه ریزی گروه تاریخ : فرج الله احمدی، حسین احمدی، عباس پرتوی مقدم، یعقوب توکلی، نیره دلیر، سیدابوالفضل رضوی، امیر رون،

حسنت الله سلیمی، ناهید شفیعی، غلامرضا شکوهی، فاطمه غدیری، فهیمه فرهمندپور و ابوظالب محسنی

مؤلفان : عباس پرتوی مقدم، مسعود جوادیان، عبدالرسول خیراندیش، سیدابوالفضل رضوی، جواد عباسی، محمدعلی علوی کیا،

طوبی فاضلی پور و فهیمه فرهمندپور؛ با همکاری حسین احمدی، حسنت الله سلیمی و فاطمه غدیری

ویراستار : محمدکاظم بهنیا

آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : لیدا نیکروش

رسام : هدیه بندار، فاطمه رئیسیان فیروزآباد

طراح جلد : محمدحسن معماری

صفحه آرا : شهرزاد قنبری

حروفچین : کبری اجابتی

مصحح : فاطمه گیتی جبین، علی نجمی

امورآماده سازی خیر : سپیده ملک ایزدی

امورفنی رایانه ای : سیده شیوا شیخ الاسلامی، مریم دهقان زاده

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

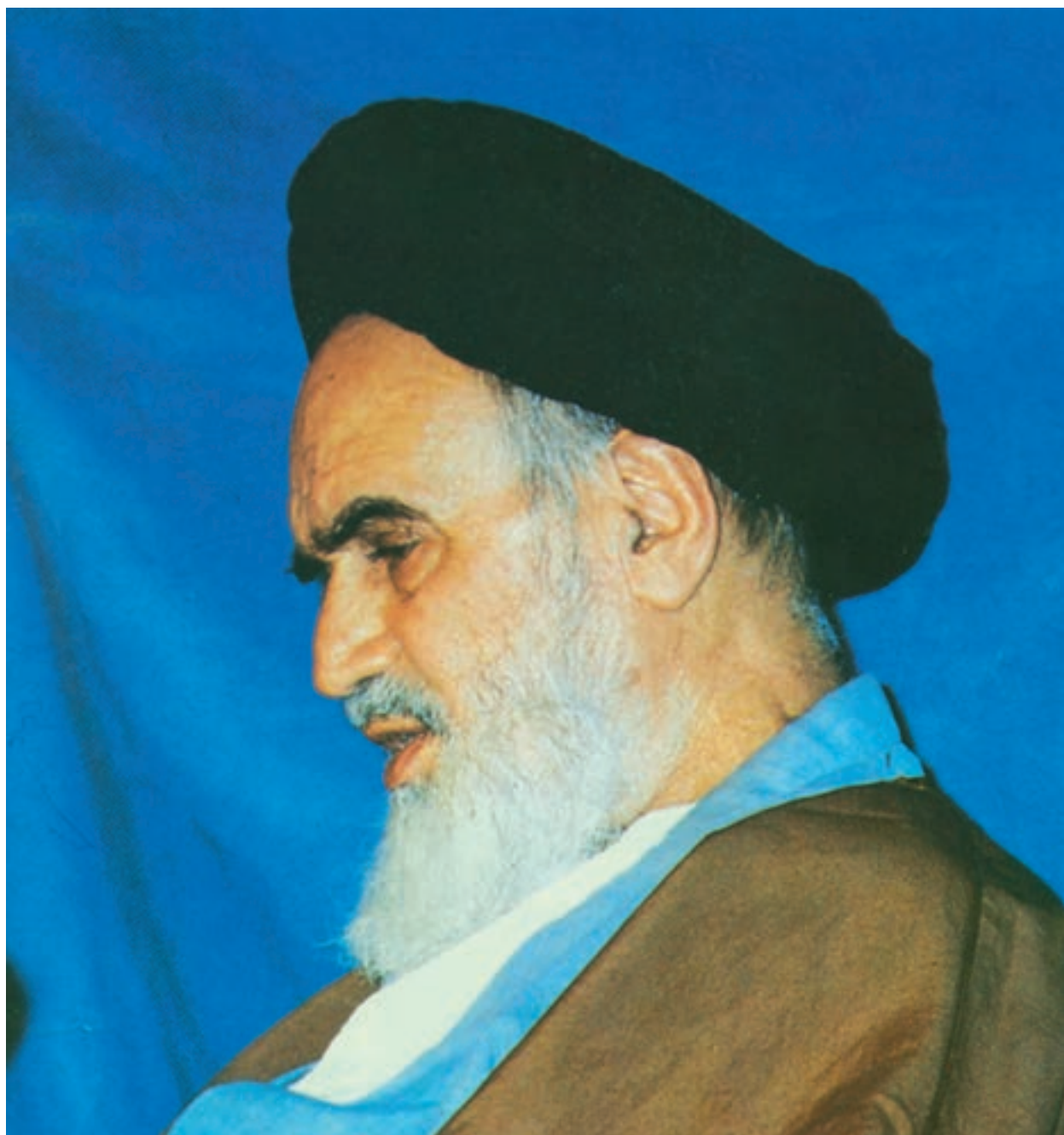
چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ شانزدهم ۱۳۹۴

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۳۲۶-۱ ISBN 978-964-05-2326-1

۱۳۹۴



تاریخ معلم انسان ها است.
حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)

سخنی با دبیران گرامی

همکاران گرامی، کتاب حاضر نخستین کتاب از سه کتاب درسی تاریخ دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی به ارزش چهار واحد است که تاریخ تطبیقی ایران و جهان را از ابتدا تا حدود قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی در بر دارد که البته با توجه به محدودیت ساعات تدریس و نیز ظرفیت ذهنی فراگیران، خلاصه‌نویسی و ساده‌نگاری در آن مورد اهتمام مؤلفان قرار داشته است. ادامه تحولات تاریخ جهان نیز در کتاب «تاریخ ایران و جهان (۲)» ارائه شده است.

برای استفاده، تدریس و ارزشیابی مطالب کتاب حاضر، توجه به چند نکته خالی از فایده نیست:

۱- در راهنمای برنامه درس تاریخ دوره متوسطه اهداف، اصول و سایر مطالب مفید و ضروری برای همکاران محترم ارائه شده است. علاقه‌مندان جهت مطالعه این موارد می‌توانند به شماره‌های دهم و یازدهم مجله رشد آموزش تاریخ و یا سایت گروه درسی تاریخ به آدرس <http://history-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنند.

۲- در تألیف کتاب حاضر تلاش شده است - جز در موارد ضروری - از ذکر سال و وقوع حوادث و موضوعات تاریخی اجتناب گردد. گرچه در مواردی مؤلفان - به اقتضای تألیف یک متن تاریخی - از ذکر سنوات ناگزیر بوده‌اند، اما یقیناً چنین ضرورتی در شیوه ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموزان وجود ندارد و باید تنها اطلاع دانش‌آموزان از سال و وقوع حوادث بسیار مهم که مبدأ یک دوران تاریخی، تحولی اساسی و نظایر آن بوده است، مورد ارزیابی قرار گیرد.

۳- هر چند تلاش فراوانی برای کاستن از حجم کتاب صورت گرفته است، اما به ملاحظه ارزش چهار واحدی این درس، حجم موجود منطقی است. از آنجا که مطالبی که با عنوان «یک توضیح»، «برای مطالعه» یا داخل کادر ارائه شده و نیز تصاویر، جدول‌ها، نقشه‌ها و نظایر آن تنها به منظور جذاب کردن مطالب و تعمیق آموخته‌ها به خصوص برای علاقه‌مندان به مطالعه بیشتر تهیه شده است، حجم واقعی کتاب بسیار کمتر از چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد.

۴- شایسته است که دبیران محترم، با مطالعه و آمادگی کافی به تدریس بخش‌های مختلف کتاب بپردازند. برای تدریس کتاب حاضر مطالعه مستمر و مراجعه به منابع معتبر و مرتبط با محتوای آن لازم است. فهرست منابع کتاب می‌تواند راهنمای مناسبی برای علاقه‌مندان در این باره باشد. ۵- با توجه به اهمیت آموختن تدریجی مطالب کتاب، ضروری است شیوه تدریس متن و ارزیابی دانش‌آموزان به گونه‌ای سامان داده شود که آنان در طول سال تحصیلی به مطالعه مستمر و تدریجی کتاب بپردازند و به مطالعه متن در شب امتحان اکتفا نکنند. مطالعه یک باره و یک جا هر چند با هوش فراوان و حافظه عالی، تحقق اهداف آموزشی را میسر نخواهد ساخت.

۶- «برسش‌های نمونه» - همان گونه که از نام آن پیداست - ارزیابی میزان تحقق تمام هدف‌های آموزشی مورد نظر را در بر ندارد. یقیناً همکاران محترم به اقتضای شرایط کلاس و به ملاحظه زمانی که در اختیار دارند خود به طرح و تهیه برسش‌هایی دیگر اقدام خواهند نمود.

۷- فعالیت‌هایی که با عنوان «اندیشه و جست‌وجو» عرضه گردیده، به منظور تکمیل و تحکیم یادگیری مطالب طراحی شده است. انجام هر یک از آنها، بسته به عواملی چون تعداد دانش‌آموزان در کلاس و میزان دسترسی آنان به کتابخانه، می‌تواند به شکل فردی یا با تقسیم دانش‌آموزان به چند گروه و انجام فعالیت به شکل گروهی انجام شود.

۸- مجله «رشد آموزش تاریخ» فصلنامه‌ای تخصصی ویژه دبیران تاریخ است که در آن مطالب متنوعی در زمینه شیوه‌های آموزش تاریخ، تفصیل نکاتی که در کتاب درسی به اشاره آمده است، معرفی کتاب و گفت‌وگو با صاحب نظران و نیز تازه‌های خبر و گزارش در ارتباط با مسائل حرفه‌ای همکاران محترم ارائه می‌شود. مطالعه مستمر این مجله می‌تواند در ارتقای کیفی فعالیت‌های ارزشمند آموزشی آنان مؤثر باشد. همکاران شما در گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری و نیز اعضای شورای برنامه‌ریزی و مؤلفان محترم متن حاضر امیدوارند حاصل تلاش فراوان آنان در برنامه‌ریزی، تألیف و ارزیابی مکرر این اثر، مورد توجه و رضایت دبیران محترم و استفاده هر چه بیشتر دانش‌آموزان عزیز قرار گیرد.

گروه تاریخ

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

دانش آموزان گرامی

درس تاریخ یکی از درس‌های اصلی در رشته ادبیات و علوم انسانی است که در برنامه درسی سال‌های دوم و سوم دبیرستان برای شما پیش‌بینی شده است. در این دو سال، شما با مهم‌ترین تمدن‌ها، رویدادها و شخصیت‌های تاریخی ایران و جهان آشنا می‌شوید. محتوای کتاب‌های درسی تاریخ فقط شامل بیان اخبار و توصیف حوادث نیست و کوشش شده به علت‌ها (یا چراها) و نیز پیامدها و آثار مربوط به هر موضوع نیز توجه شود. ممکن است چنین تصور کنید که در دوره ابتدایی و یا راهنمایی مطالبی درباره بسیاری از موضوعات مطرح شده در این کتاب (از قبیل سلسله‌های حکومتی، جنگ‌ها و...) خوانده‌اید و نیازی به خواندن دوباره آنها وجود ندارد. اما لازم است توجه داشته باشید که اگرچه در ظاهر موضوعات مشابه‌اند اما محتوای مربوط به هر موضوع کاملاً متفاوت و جدید است؛ مثلاً، اگر شما در دوره راهنمایی در چند سطر با تاریخ مصر باستان آشنا شده‌اید، در اینجا دانستنی‌های بیشتری در این باره در اختیار شما قرار می‌گیرد. همچنین در کتاب حاضر توجه بیشتری به مسائل تمدنی و فرهنگی شده است و تاریخ حکومت‌ها، تنها محور مباحث کتاب نیست. در واقع، شما در دوره دبیرستان به‌طور عمیق‌تر و تحلیلی‌تر به مطالعه تاریخ ایران و جهان می‌پردازید.


برای آنکه یادگیری مطالب این کتاب برای شما آسان‌تر شود، شایسته است به نکات زیر توجه کنید :

● مطالب کتاب در چند بخش تنظیم شده است و هر بخش شامل یک دوره از تاریخ ایران و جهان است که در قالب چند درس ارائه شده است. هدف از این کار، مطالعه تاریخ ایران و تاریخ جهان به صورت تطبیقی است. این شیوه به شما کمک می‌کند تا بتوانید هر دوره از تاریخ ایران را با اوضاع سایر مناطق جهان در همان دوره مقایسه کنید و درک زمانی بهتری از مطالب تاریخی داشته باشید.

● هر درس شامل قسمت‌های مختلفی است. در ابتدا یک مقدمه کوتاه آورده شده و سپس توضیحات مربوط به موضوع درس در زیر عنوان‌های جزئی‌تر آمده است. مطالبی نیز با عنوان «یک توضیح» (یک نکته) وجود دارد که هدف از آوردن آنها تکمیل اطلاعات تاریخی شما و نیز جذاب‌تر کردن محتوای درس است. این مطالب در ارزشیابی‌های کلاسی که معلم انجام می‌دهد، ملاک عمل هستند، اما برای امتحانات نیم‌سال و پایان سال از آنها سؤال طرح نمی‌شود.

● در پایان هر درس چند پرسش نمونه و فعالیت خارج از کلاس (اندیشه و جست‌وجو) پیش‌بینی شده است. توجه داشته باشید که پرسش‌ها «نمونه» هستند و ارزشیابی از آموخته‌های شما فقط محدود به آنها نخواهد بود. در خصوص فعالیت‌های خارج از کلاس نیز انجام همه آنها توسط هر یک از شما مد نظر نیست؛ بلکه بنا به انتخاب شما یا تعیین معلم یکی از آنها را با توجه به امکانات موجود انجام خواهید داد. ضمناً می‌توانید با نظر معلم خود موضوعات دیگری را نیز که با محتوای درس ارتباط داشته باشد برای تحقیق انتخاب کنید.

● در هر درس نقشه‌ها، نمودارها و عکس‌هایی نیز برای کمک به یادگیری بهتر آورده شده است. به آنها توجه کنید و توضیحات مربوط به هر یک را به دقت بخوانید. در زیرنویس بعضی از عکس‌ها، پرسش‌هایی نیز مطرح شده است که شما می‌توانید به عنوان یک فعالیت فکری و تحقیقی درباره آنها بیندیشید یا متنی به عنوان پاسخ تهیه کنید.

● در هر درس یک یا چند فعالیت کلاسی وجود دارد که با عنوان «فکر کنید و پاسخ دهید» مشخص شده‌اند. با راهنمایی و کمک معلم خود، به صورت فردی یا گروهی به بحث درباره آنها بپردازید. سعی کنید پاسخ‌نهایی هر فعالیت را یادداشت کنید. علاوه بر این در بعضی دروس جدول‌های تکمیل‌کردنی وجود دارد که برای جلسه بعد آنها را کامل می‌کنید. انجام این فعالیت‌ها بخش مهمی از نمره کلاسی شما را به خود اختصاص می‌دهد و در امتحانات نیم‌سال و پایان سال نیز ممکن است از آنها سؤال مطرح شود. البته از فعالیت‌هایی که با علامت سؤال ممنوع  مشخص شده‌اند پرسشی در آزمون‌های پایانی طرح نمی‌شود.

● سعی کنید مطالب هر درس را در همان هفته‌ای که تدریس می‌شود، یاد بگیرید و این کار را به زمان امتحان موکول

نکنید. توجه به توضیحات معلم و بحث‌هایی که در کلاس میان دانش‌آموزان با یکدیگر و با معلم مطرح می‌شود و مطالعه متن درس در خارج از کلاس، مهم‌ترین کار شما در این زمینه است.

● همچنان که می‌دانید گستردگی تاریخ بشری بسیار زیاد و بحث درباره همه آنها از حوصله کتاب درسی و کلاس درس خارج است. به همین جهت، کتاب درسی شما نیز شامل گزیده‌ای از مهم‌ترین مطالب مربوط به تاریخ ایران و جهان است. بنابراین، در صورتی که علاقه‌مندید درباره بعضی از رویدادها، شخصیت‌ها، آثار تاریخی و غیره چیزهای بیشتری بدانید، این کار را به فرصتی خارج از کلاس درس واگذارید و از معلم خود بخواهید چند منبع مطالعاتی به شما معرفی کند.

موفق باشید

گروه تاریخ دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

تاریخ و آغاز آن

بخش اوّل

تاریخ چیست و مورخ کیست؟

مقدمه

در ابتدای سال تحصیلی، بعید است که شما هنگام پرداختن به درس‌هایی مانند عربی، فارسی، زبان انگلیسی و نظایر آن از خود پرسید «این درس‌ها چیست؟» حتی اگر کسی از شما در این باره سؤال کند، می‌توانید به او پاسخ بدهید. اما در مورد تاریخ، مسئله فرق می‌کند؛ چون در گذر زمان مفهوم تاریخ یکسان نبوده است، حتی اگر امروزه از افراد مختلف پرسید «تاریخ چیست؟» یا برای آشنایی با نظریات پژوهشگران به کتاب‌های مختلف رجوع کنید، خواهید دید که پاسخ‌ها یکسان نیست. با مطالعه این درس یک بار دیگر سؤال مذکور را از خود پرسید، آن‌گاه ببینید آیا به پاسخی قانع‌کننده دست یافته‌اید.

تاریخ و مورخ

و تمام قوای جسمی و روحی خویش را به کار می‌گرفت. با گذشت زمان بر تجربیات انسان افزوده شد و به تدریج توانست ابزار بسازد، کشاورزی کند، خانه بسازد، وسایل حمل و نقل تهیه کند و روز به روز بر طبیعت تسلط بیشتری یابد. کم‌کم شهرها به وجود آمدند، دولت‌ها تشکیل گردیدند، پیامبران برای هدایت انسان‌ها مبعوث شدند و اینک ما، با وجود جنگ‌های خونین و سایر مشکلات و مسائل، میراث‌هایی از زندگی، تلاش و کوشش و اندیشه‌های پیشینیان در اختیار داریم. تاریخ شرح همین ماجراهاست؛ تاریخ سرگذشت زندگی اجتماعی انسان است؛ سرگذشتی که بسیار طولانی است و خود از ماجراهای بسیاری تشکیل شده است.

می‌دانید که هزاران سال از عمر انسان بر روی زمین می‌گذرد و از قدیمی‌ترین دوران تاکنون، تغییرات بسیاری در زندگی او پدید آمده است. روزگاری انسان‌ها به صورتی بسیار ابتدایی می‌زیستند. هنوز نه ابزاری ساخته شده بود، نه حیوانی اهلی شده بود، نه آتش و فلزات کشف شده بودند و نه دهکده‌ها و شهرها پدید آمده بودند. خط نیز اختراع نشده بود تا از این طریق تجربه‌های نسل‌های پی‌درپی اندوخته شود و به نسل‌های بعد منتقل گردد. بنابراین، زندگی انسان بسیار سخت می‌گذشت. او برای تأمین غذا و حفظ کردن خود از آسیب سرما و حیوانات درنده و بیماری‌ها باید کوشش بسیاری می‌کرد

قدیمی و طبقه‌بندی آنها و پژوهش دربارهٔ آنها می‌پردازد و با حفاری و کشف آثار مربوط به انسان‌های پیشین، نظیر خرابه‌های مسکونی، ظرف‌ها، سکه‌ها، لوحه‌ها، مجسمه‌ها و... از دل زمین و یا بررسی آثار باقی‌مانده مانند تخت جمشید، طاق‌بستان، مسجد جامع اصفهان و صدها اثر دیگر، گزارش‌هایی دربارهٔ آنها تهیه می‌کند. باستان‌شناسان تاکنون موفق شده‌اند نکات بسیاری دربارهٔ زندگی انسان در روی زمین و تمدن‌های بسیار قدیمی کشف و شناسایی کنند. علاوه بر این، در گذشته در دربار شاهان، وقایع نگارانی بوده‌اند که وظیفه‌شان ثبت وقایع و اخبار بوده است. آنها ماجراهای مربوط به جنگ، ازدواج، شکار، میهمانی، ساختن بناها و... را می‌نوشتند.



بخش بسیاری از آگاهی‌های تاریخی - به ویژه دربارهٔ گذشته‌های دور - از طریق حفاری‌های باستان‌شناسی به دست آمده است.

همچنین طی سالیان دراز، بعضی از مردم، خاطرات زندگی و سفرهای خود را نوشته‌اند. از آن گذشته، کتاب‌های ادبی، دینی، اجتماعی و جز آنها از دوره‌های پیشین به جا مانده است. این مجموعه به مورخ کمک بسیاری می‌کند تا بتواند گذشته را بشناسد و از ماجراهای

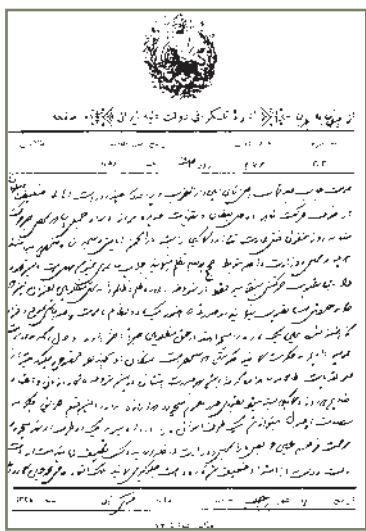
علم تاریخ به بررسی رویدادها و جریان‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و ادبی در گذشته می‌پردازد. مورخ نیز کسی است که این بررسی را انجام می‌دهد و حاصل آن را به صورت یک نوشته کوتاه (مقاله) یا بلند (کتاب) عرضه می‌کند. وی برای انجام این کار، از حاصل کوشش‌های سایر پژوهشگران نیز استفاده می‌کند. می‌دانید چگونه؟ در تاریخ دوره راهنمایی خواندید که از عمر خط ۵۰۰۰ سال می‌گذرد؛ بنابراین، آثار مکتوب به جای مانده نیز مربوط به همین مدت است، اما در کتاب‌های تاریخی موضوعات مربوط به چندین قرن پیش از پیدایش خط نیز شرح داده شده است؛ مورخ این اخبار را از کجا آورده است؟ وقتی می‌گوییم خط در حدود ۵۰۰۰ سال پیش اختراع شده است، به این معنا نیست که کتاب نویسی هم از ۵۰۰۰ سال پیش آغاز شده است؛ زیرا خط، ابتدا «تصویری» بوده و برای اینکه به صورت «الفبایی» درآید، تغییرات بسیاری کرده است. زمانی هم که الفبا شکل گرفت، هنوز مورخی به معنای امروز نبود تا مثل عصر ما به ثبت اخبار بپردازد. بعدها، کسانی که به شغل وقایع نگاری مشغول بودند تا مدت‌ها تنها به ثبت جنگ‌های پادشاهان و سایر اعمال آنان می‌پرداختند.

با کمی اندیشه در این باره، درمی‌یابید که کار مورخ چندان هم ساده نیست. اکنون ببینیم مورخ چگونه تاریخ را بررسی می‌کند و به نگارش آن می‌پردازد.

تاریخ نگاری

مورخ برای نگارش تاریخ، همه چیزهایی را که از گذشته به جا مانده بررسی می‌کند و برای این کار از دانش‌های بسیاری کمک می‌گیرد. یکی از آن دانش‌ها، «باستان‌شناسی» است. آیا می‌دانید باستان‌شناس کیست؟ باستان‌شناس کسی است که به گردآوری اشیاء و ابزارهای

مورخان اطلاعات خود درباره گذشته را از منابع مختلف به دست می آورند.



آن مطلع شود. مگر مورخ در پی آگاهی از گذشته نیست؟ پس هرچه را از گذشته به جا مانده است - حتی نامه های شخصی و اداری، قصه ها و افسانه ها، تابلوهای نقاشی، روزنامه ها و ... - را مورد استفاده قرار می دهد.

تاریخ دانش بسیار گسترده ای است. به همین دلیل، هیچ کس به تنهایی نمی تواند در همه موضوعات و دوره های تاریخی متخصص و صاحب نظر شود، ناچار هر کس می کوشد در یکی از دوره های تاریخی تخصص یابد؛ مثل دوره باستان، قرون وسطا و قرون جدید.

گفتیم که مورخ که کمک آثار و اخباری که از گذشته به جا مانده است، به نگارش تاریخ می پردازد، اما چنین نیست که هر کس با مطالعه آثار و اخبار بتواند تاریخ بنویسد. حتی ماهرترین پزشک و مهندس و بهترین شیمی دان و فیزیک دان، بدون آموزش های مخصوص و تمرین بسیار، نمی تواند یک موضوع تاریخی بنویسد. اگر هم بنویسد، نوشته اش ناقص خواهد بود.

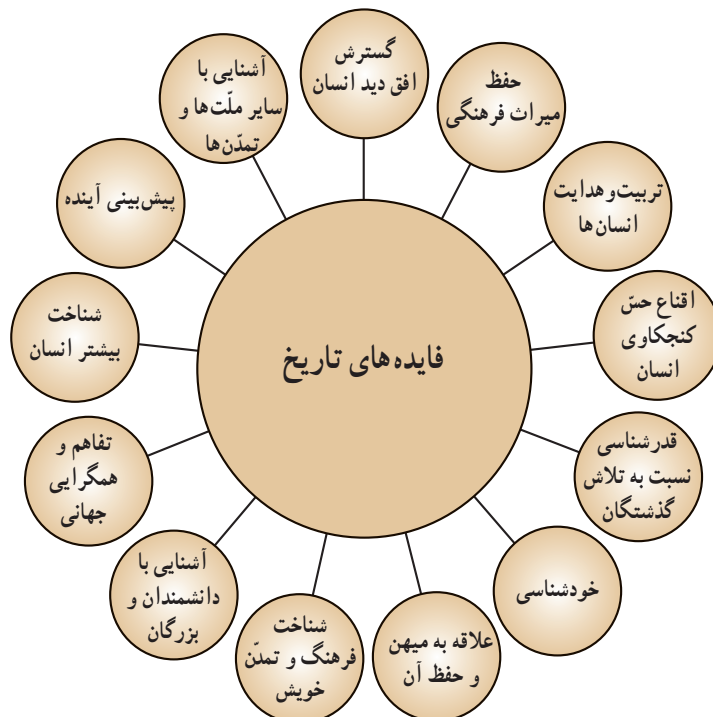


فواید مطالعه تاریخ

فیلم‌های تاریخی، از مطالعه تاریخ ناگزیرند؛ ادیبان برای فهم و شناخت اشعار و نوشته‌های زمان‌های قبل، از مطالعه تاریخ آن عصر کمک می‌گیرند؛ هنرمندان با مطالعه آثار هنری قبل از خود و اوضاع و احوال مربوط به آن آثار و نیز بررسی سرگذشت ابداع‌کنندگان آنها، نگرشی عمیق‌تر می‌یابند و در کار خود موفق‌تر می‌شوند، حتی ورزشکاران نیز پس از چندی احساس می‌کنند که باید از ماجراهای ورزشی مربوط به دوران قبل از خود یعنی تاریخ ورزش آگاهی یابند. هرکس در هر شغل و حرفه‌ای که هست، به داشتن آگاهی‌های تاریخی درباره حرفه خود نیازمند است اما تاریخ فایده‌هایی مهم‌تر از اینها هم دارد. فایده‌هایی که مربوط به یک حرفه یا مخصوص پیر و جوان و دختر و پسر نیست؛ بلکه فایده‌های عام‌تری است که مربوط به همه انسان‌ها و همه زمان‌هاست. در نمودار زیر با برخی از این فایده‌ها آشنا می‌شوید.

«به فرض که پذیرفتیم تاریخ‌نگاری، حرفه‌ای ویژه است؛ اصلاً تاریخ به چه کار می‌آید؟ اگر تاریخ نخوانیم چه اتفاقی می‌افتد؟ تاریخ مربوط به گذشته است و گذشته در دسترس نیست.» اینها حرف‌هایی است که ممکن است شما بشنوید یا شاید هم حرف دل خود شما باشد، اما بیایید کمی بیشتر فکر کنیم؛ می‌دانیم که به وسیله یک آچار می‌توان پیچی را باز یا بسته کرد، با یک اسکناس می‌توان چیزی خرید و با یک وسیله نقلیه می‌توان به مکان و مقصدی سفر کرد. اگر با این دید به تاریخ نگاه کنیم، خواهیم گفت که تاریخ به هیچ کاری نمی‌آید! اما با این حال، زندگی امروز و فردای ما با تاریخ عجین است. حتی اگر مخالف آن باشیم، بدان نیازمندیم. سیاستمداران برای موفقیت در کار خویش ناچارند هم تاریخ سرزمین خود و هم تاریخ کشورهای دیگر را بدانند؛ فیلم‌سازان برای تهیه

مهم‌ترین فایده‌های مطالعه تاریخ



تاریخ گذاری

ه.ش. و یا ش. ← هجری شمسی

ه.ق. و یا ق. ← هجری قمری

ق.م. ← قبل از میلاد مسیح ص

م. ← میلادی یا بعد از میلاد مسیح ص

هجری شمسی، تقویم رسمی ایرانی - اسلامی، هجری قمری تقویم رسمی عربی - اسلامی و میلادی تقویم رسمی اروپایی است. در ایران تا قبل از تاج گذاری رضاشاه، تقویم قمری رایج بود و از آن پس، تقویم شمسی رایج شد. به همین دلیل، کتاب های تاریخی که تا این زمان نوشته شده حوادث را به سال قمری نوشته اند و بنابراین، حوادث مهم تاریخی مربوط به آن دوران به تقویم قمری ثبت شده است؛ مانند سال های تأسیس یا انقراض سلسله ها (تأسیس سلسله صفوی = ۹۰۷ ق.، انقراض سلسله صفوی = ۱۱۳۵ ق.) به همین دلیل در کتاب های درسی معمولاً حوادثی که به تاریخ قمری یا میلادی (مسیحی) مشهور است به همان تاریخ بیان می شود و برای یادگیری بیشتر، معادل شمسی آن نیز نوشته می شود که برای مطالعه همه نوع تاریخ (مانند تاریخ دوران قدیم و جدید یا تاریخ علوم) باید آن را بیاموزیم.

تقسیم بندی دوره های تاریخ

به دلیل سابقه طولانی زندگی بشر و براساس ویژگی های هر دوره از زندگی یک ملت یا همه ملّت ها، مورخان تقسیم بندی هایی را برای تاریخ مطرح کرده اند. این تقسیم بندی ها سبب می شوند که شناخت روشن تر و درست تری از گذشته به دست آوریم. در اینجا سه نوع تقسیم بندی را که برای تاریخ بشر - به طور کلی - ارائه شده است، می بینید.

۱- دوران پیش از تاریخ
۲- دوران تاریخی } (الف)

۱- عصر سنگ
۲- عصر فلز } (ب)

- پ)
- ۱- دوران شکار و گردآوری غذا (از ۱/۵ میلیون تا ۱۰ هزار سال پیش از میلاد)
 - ۲- دوران کشاورزی و اهلی کردن جانوران (از ۱۰ هزار تا ۷ هزار سال پیش از میلاد)
 - ۳- دوران زندگی در دهکده‌های اولیه (از ۷ هزار تا ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد)
 - ۴- دوران آغاز شهرنشینی و تشکیل حکومت‌های اولیه (از ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد)
 - ۵- شکوفایی شهرنشینی و رشد آیین‌های بزرگ (از ۳۰۰۰ تا ۷۰۰ سال پیش از میلاد)
 - ۶- دوران امپراتوری‌های بزرگ و ارتباطات گسترده بین‌المللی (۷۰۰ سال پیش از میلاد تا ۱۴۰۰ میلادی)
 - ۷- دوران اکتشافات جغرافیایی و گسترش فن دریانوردی و رنسانس (۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی)
 - ۸- دوران رشد روزافزون فناوری و تحوّل علوم پایه (۱۶۰۰ تا ۱۹۶۰ میلادی)
 - ۹- دوران فناوری صنعتی و الکترونیکی (۱۹۶۰ تاکنون)

- یکی از مشهورترین تقسیم‌بندی‌های تاریخ بشر
- تقسیم دوران زندگی انسان به پنج مرحله زیر است:
- ۱- دوره پیش از تاریخ
 - ۲- دوره باستان
 - ۳- دوره میانه (قرون وسطا)
 - ۴- دوره جدید
- ۵- دوره معاصر
- اگرچه این تقسیم‌بندی را مورخان اروپایی بر مبنای سیر تاریخ اروپا ارائه کرده‌اند؛ اما با تغییراتی می‌توان آن را برای تاریخ ایران نیز به کار گرفت. این کتاب درسی نیز با توجه به همین تقسیم‌بندی تنظیم شده است.

پرسش‌های نمونه

- ۱- تاریخ را تعریف کنید.
- ۲- باستان‌شناس چه کسی است و چگونه کار می‌کند؟
- ۳- پنج مورد از منابعی را که می‌توان در مطالعه تاریخ از آنها استفاده کرد، نام ببرید.
- ۴- چهار مورد از فواید مطالعه تاریخ را نام ببرید.
- ۵- تقسیم‌بندی پنج مرحله‌ای تاریخ بشر را مشخص کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- با کمک دبیر محترم خود، یک رویداد یا جریان تاریخی را انتخاب و درباره آن مطالعه کنید. سپس فایده یا فایده‌های این بررسی را در کلاس بیان نمایید.
- ۲- سه آیه از آیات قرآن را که نشانگر اهمیت مطالعه تاریخ است، استخراج کنید.

پیش از تاریخ

پیش از تاریخ چیست؟

همان گونه که در تاریخ اول راهنمایی خواندید، ابداع خط عامل و علت تقسیم بندی سرگذشت بشر به دو دوران «پیش از تاریخ» و «تاریخی» است. باستان شناسان با استفاده از دستاوردهای زمین شناسان، زیست شناسان، شیمی دان ها، جغرافی دان ها و به کمک روش های تحقیق ویژه خود، توانسته اند آگاهی های جالبی درباره انسان های پیش از تاریخ به دست آورند.

انسان غارنشین

از حدود ۴۰۰,۰۰۰ سال پیش، تغییراتی در آب و هوای زمین رخ داد که در سرنوشت موجودات زنده تأثیر زیادی داشت. کاهش دمای متوسط جهان موجب شد که بخش های وسیعی از شمال آسیا، اروپا، امریکای شمالی و نواحی مرتفع کوهستانی جهان چندین نوبت از یخ پوشیده شود. به طوری که ماموت ها (اجداد فیل های امروزی) نتوانستند خود را با شرایط آب و هوایی جدید انطباق دهند و از میان رفتند. در این دوران، مناطق استوایی آفریقا برای زندگی مناسب تر بود. هر چند بقایای جسد هایی از انسان های نخستین در نقاط مختلف دنیا نظیر آفریقای جنوبی، پکن (چین)، هایدلبرگ^۱ (آلمان) به دست آمده است؛ اما از زندگی بشر پیش از عصر یخبندان، اطلاعات چندانی در دست نیست. با افزایش نسبی دمای هوا و ذوب شدن یخچال های طبیعی، و بارش باران های فراوان کم کم جنگل هایی وسیع پدید آمد. در این دوران باران های زیادی می بارید. حال باید پرسید: «در این دوران انسان چگونه

اگر بخواهیم با سرگذشت انسان از پیدایش نخستین تمدن ها و حکومت ها تا عصر حاضر آشنا شویم، چه می کنیم؟ حتماً، کتاب های تاریخی را می خوانیم. در این کتاب ها از پیدایش قدیمی ترین تمدن ها و حکومت ها سخن به میان می آید. همچنین تاریخ پیدایش و گسترش دانش هایی نظیر نجوم، پزشکی، شیمی، معماری و ... بخش های جالب و خواندنی این کتاب ها را شامل می شود. ظهور پیامبران بزرگ و تحولات عظیم در تاریخ بشر، جنگ ها و لشکر کشی های عظیم، اختراعات، چگونگی گسترش اسلام، اکتشافات جغرافیایی، پیدایش استعمار غربی و جریان های علمی و اجتماعی، فصل های مختلف تاریخ تمدن بشر را تشکیل می دهد و با گذشت زمان، موضوعات پیچیده تر و متنوع تری به وقوع می پیوندد. همه این موضوعات، تاریخ بشر را می سازند؛ با این همه، این بخش از سرگذشت انسان در مقایسه با عمر بشر در روی زمین بسیار اندک است!

۵۰ سال پیش، عمر قدیمی ترین فسیل یافته شده از انسان های نخستین را نیم میلیون سال تخمین زده بودند؛ اما امروزه فسیل هایی در نقاط مختلف جهان یافته اند که عمر برخی از آنها حدود ۴,۰۰۰,۰۰۰ سال است. بنابراین، ۵۰۰ سال دوره تاریخی در مقایسه با ۴,۰۰۰,۰۰۰ سال دوره پیش از آن، بسیار اندک است. با این حال، آگاهی ما از دوره تاریخی بسیار بیشتر از دوران پیش از تاریخ است.

را به روشنایی و سردی را به گرمی تبدیل کرد. در نتیجه، ترس او از طبیعت وحشی و ناشناخته کاسته شد. همچنین می توانست خود را گرم کند و در پناه آتش آرام گیرد و نیز با استفاده از آتش، گوشت و غذا را برای خود گوارتر سازد.



نمونه‌هایی از آثار سنگی مربوط به دوران پیش از تاریخ. هزاران قطعه از این آثار در گوشه و کنار جهان و از جمله ایران به دست آمده است.

زندگی می‌کرد؟» بدیهی است در دورانی که هنوز اختراعات مهم پدید نیامده و دانش بشر از طبیعت اندک بوده، انسان زندگی بسیار سختی در طبیعت گذرانده است. با این حال، انسان به دلیل استعداد های ذهنی و داشتن دست های توانا – که با آنها قادر به انجام فعالیت های متنوع تر از حیوانات بود – با پناه بردن به غارها و تلاش برای بقا، توانست خود را با شرایط جدید منطبق سازد و به حیات خویش ادامه دهد.

خداوند در این باره می‌فرماید :

«و زمین را گسترانیدیم و در آن، کوه های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده ای در آن رویانیدیم و برای شما و هر کس که شما روزی دهندۀ او نیستید، در آن وسایل زندگی قرار دادیم.»

(سوره مبارکه حجر، آیه های ۱۹ و ۲۰)

بنابراین، منابع لازم برای بقای انسان، در طبیعت موجود بود و او تنها باید با کوشش خود این منابع را می‌شناخت و راه استفاده از آنها را می‌آموخت. این کار هزاران سال طول کشید. ابتدا انسان با استفاده از میوه های جنگلی و شکار حیوانات شکم خود را سیر می‌کرد، از پوست حیوانات بدن خویش را می‌پوشاند و در غارها و حفره های موجود در دامنه کوه ها می‌خوابید تا خود را از سوز سرما و گزند حیوانات وحشی حفظ کند.

عصر سنگ و کشف آتش

طی سالیان دراز، تنها ابزار انسان برای شکار و تکه تکه کردن گوشت و دفاع از خود، «سنگ» بود؛ یعنی ابزار ساده ای که از محیط خود تهیه می‌کرد. به همین دلیل، باستان شناسان این دوران از زندگی انسان را عصر سنگ نامیده اند.

کشف آتش از نخستین و مهم ترین کشفیات بشر بود که زندگی اش را بهبود بخشید. انسان با کشف آتش، تاریکی

با گذشت زمان، انسان ابزارهای کامل تر و متنوع تری می ساخت. با تراشیدن سنگ، آن را به شکل های مختلف درمی آورد، مثلاً از آن تبر، نیزه، تیشه و ارّه می ساخت. همچنین علاوه بر سنگ از استخوان حیوانات و از چوب درختان نیز برای ساختن ابزارهای گوناگون استفاده می کرد. برای تغذیه، علاوه بر شکار از میوه درختان و ریشه برخی گیاهان بهره می برد. همه این کارها را به صورت «گروهی» انجام می داد؛ گروه های کوچک در حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر که با هم می زیستند و با هم به شکار می پرداختند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، مهم ترین عامل کشف و اختراع

چیست؟

یکجانشینی انسان

عصر یخ بندان به دوره های مختلف تقسیم می شود که آخرین دوره آن در حدود ۱۱۰۰۰ سال پیش به آخر رسید و آب و هوای مناطق مختلف جهان وضعیتی نسبتاً ثابت یافت. در این زمان، اجتماعات متعدّد انسانی در میان دو رود، آسیای صغیر، آسیای میانه، مصر، چین، امریکای مرکزی، ایران، اروپا و استرالیا می زیستند. باستان شناسان موفق به کشف آثار باقی مانده از زندگی انسان در این مناطق شده اند. کشاورزی: از آنجا که زنان به دلیل تفاوت های جسمانی نمی توانستند همانند مردان در عملیات مربوط به شکار شرکت کنند، معمولاً به نگهداری کودکان، گردآوری میوه ها و دانه های درختان و بوته ها و ساختن ابزار لازم از سنگ، استخوان و چوب می پرداختند. به همین دلیل، زنان را ابداع کننده کشت و زرع و برخی اختراعات نظیر سفال سازی

می دانند. آنان، احتمالاً، هنگام گردآوری گیاهان دریافتند که دانه گیاهانی که بر زمین می ریزد بعد از مدتی می روید. پس، از این طریق به کشاورزی پی بردند. کشاورزی از مهم ترین ابداعات زندگی انسان در روی زمین بود؛ زیرا موجب تحولاتی نظیر یکجانشینی، ذخیره غذا، تقسیم کار و پیدایش اجتماعات منظمی شد که بنیان تمدن ها را تشکیل داد. در خاورمیانه کشت گندم و جو، در چین کشت برنج و ارزن و در امریکای مرکزی کشت ذرت توسعه یافت. کشاورزی در اروپا چند هزار سال دیرتر رایج شد.

گله داری و دامپروری: اهلی کردن حیوانات، از

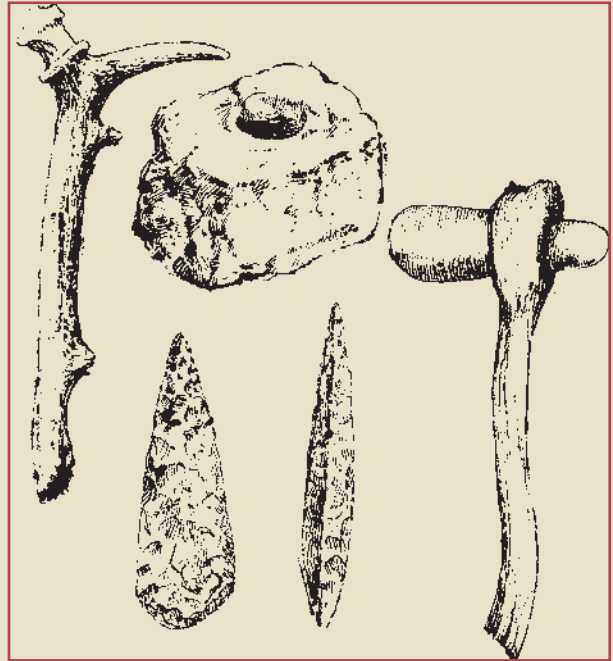
دیگر اقداماتی بود که موجب کاهش زحمت انسان شد. انسان با اهلی کردن گوسفند، گاو و بز، توانست از گوشت آنان برای خوراک استفاده کند و نیز از گاو برای بردن بار و شخم زمین سود جوید. در این زمان، ساخت ابزار توسعه بیشتری یافت و انسان توانست قلاب ماهیگیری، سوزن، قاشق، آسیاب و سلاح های بهتر بسازد. در این دوران، گروه هایی از انسان ها همچنان به زندگی از طریق شکار، صید و دامداری مشغول بودند. به تدریج، در دشت های آسیای مرکزی گله داری رواج یافت. اسب نیز نخستین بار در همین منطقه اهلی شد و مورد استفاده قرار گرفت. در قسمت های ساحلی اروپا، صید ماهی و ساخت ابزار صید معمول شد.

یکجانشینی موجب توسعه خانه سازی، تهیه انواع ظرف، پارچه و سفال نیز شد. اختراع چرخ از دیگر دستاوردهای مهمی بود که تأثیر بسزایی در سرنوشت بشر گذاشت. چرخ کوزه گری، آسیاب و ارابه از جمله ارمغان های اختراع چرخ است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرخ - به صورت‌های مختلف - چه

نقشی در تمدن امروز دارد؟



انسان پدید آمد. داس، ارّه، خنجر و قیچی به فراوانی مورد استفاده ساکنان دهکده‌ها قرار گرفت.

باید دانست که پیدایش اجتماعات یکجانشین و توسعه ابزارسازی و کشاورزی بیش از همه در مشرق زمین - به‌ویژه در خاورمیانه - صورت گرفت و مقدمات پیدایش تمدن‌های، نظیر سومر، مصر، ایلام و غیره را فراهم کرد.

جوامع یکجانشین، بیشتر در کنار رودهایی نظیر دجله، فرات، کارون و سند ساکن بودند. استفاده از زمین برای کشت و زرع مستلزم مسطح کردن زمین‌ها، زه‌کشی آنها و استفاده از کانال آبیاری است. انجام این امور و نیز کارهای مربوط به پاشیدن تخم و جمع‌آوری محصول مستلزم کار دسته‌جمعی است. به همین دلیل، با پیدایش نخستین دهکده‌ها و تقسیم کار، به تدریج شیوه جدیدی از زندگی اجتماعی به‌وجود آمد که با زندگی در غارها، جنگل‌ها و کوچ‌نشینی متفاوت بود. زندگی در دهکده‌ها لزوم وجود فردی برای مدیریت روستا و حلّ و فصل اختلافات را مطرح ساخت. همچنین، بر اثر تولید محصول اضافی و ظهور شغل‌های جدید از قبیل سفالگری و ساخت ظروف فلزی، داد و ستد رواج گرفت. با رواج داد و ستد و ضرورت ثبت معاملات، مقدمات اختراع خط فراهم شد. بدین ترتیب جوامع ابتدایی در آستانه ورود به دوره‌ای جدید قرار گرفتند. به نظر شما، منظور از این دوره جدید، کدام دوره است؟

کشف فلز: در فاصله ۱۰,۰۰۰ تا ۶,۰۰۰ سال

پیش بشر توانست فلز را بشناسد و از آن در ساخت ابزار استفاده کند. نخستین فلزی که کشف شد، مس بود. ذوب فلز و قالب‌ریزی مس، بلافاصله پس از کشف آن آغاز نشد بلکه تا مدت‌ها مس را به همان صورت طبیعی می‌کوبیدند و مورد استفاده قرار می‌دادند. احتمالاً، قلع دومین فلزی بود که مورد استفاده انسان قرار گرفت؛ پس از کشف آهن و رواج بهره‌برداری از آن، تحولات عمیق‌تری در زندگی

پرسش‌های نمونه

- ۱- انسان اولیه چگونه توانست با استفاده از طبیعت به زندگی خود ادامه دهد؟
- ۲- چرا آغاز کشاورزی و سفال‌سازی، در تاریخ به نام زنان ثبت شده است؟
- ۳- به چه دوره‌ای عصر سنگ گفته می‌شود؟
- ۴- چرا روی آوردن انسان به کشاورزی موجب بروز تحولی مهم در زندگی او گردید؟
- ۵- مقدمات پیدایش تمدن‌های بزرگ در کدام منطقه جغرافیایی شکل گرفت؟ چرا؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره قدیمی‌ترین آثار انسانی شناخته شده در ایران مطلبی تهیه کنید.
- ۲- به نظر شما مهم‌ترین پیشرفت‌های بشر در دوران پیش از تاریخ کدام‌اند؟ در این باره مطلبی در یکی دو صفحه بنویسید.

جهان باستان

بخش دوم

تمدن در «میان دو رود»

پیدایش شهرها

نخستین شهرهای میان دو رود باستان در سومر پدید آمد. سومر هم نام قسمت جنوبی میان دو رود و هم نام اقوامی است که در آنجا زندگی می‌کردند. اور^۱، اوروک^۲، کیش^۳، لاگاش^۴، لارسا^۵ و نیپور^۶ از جمله این شهرها می‌باشند. هر یک از این شهرها به همراه روستاهای اطراف خود به صورت مستقل اداره می‌شدند؛ به همین دلیل، آنان را دولت شهر یا کشور شهر نامیده‌اند.



مجسمه گودا^۷ یکی از فرمانروایان شهر لاگاش

سرزمین «میان دو رود» و اهمیت تاریخی آن

حدود ۴ قرن پیش، مورخان دربارهٔ سابقه و سرگذشت تمدن در میان دو رود (بین‌النهرین - سرزمین مابین دو رود دجله و فرات) اطلاعات زیادی نداشتند و عمده آگاهی‌های آنان دربارهٔ این منطقه، از تورات گرفته شده بود؛ اطلاعاتی که ضمن بیان سرگذشت پیامبران بدان‌ها اشاره شده است. تا اینکه برخی از سیاحتگران اروپایی به این منطقه پا نهادند و مدتی در آنجا زیستند. در آنجا، الواح گلی‌ای را که حاوی نوشته‌هایی بود، مشاهده کردند که چون کسی قادر به فهم آن نوشته‌ها نبود، دریافتند که باید مربوط به مدت‌ها قبل باشد. جهان‌گردان تعدادی از این الواح را به اروپا بردند و پژوهشگران به مطالعه آنها مشغول شدند. نظیر رویدادی که در ایران نیز اتفاق افتاد و نتیجه آن، کشف و بازخوانی خط میخی بود. سپس شمار زیادی از پژوهشگران به میان دو رود آمدند و از نزدیک، به کاوش‌های باستان‌شناختی و مطالعه آثار تاریخی پرداختند. به تدریج، معلوم شد که میان دو رود (جنوب عراق کنونی) خاستگاه کهن‌ترین تمدن بشری بوده است.

۱- Ur

۲- Uruk

۳- Kish

۴- Lagash

۵- Larsa

۶- Nippur

۷- Gudea

در میان هر شهر معبدی بود که مجسمهٔ خدای حامی شهر در آن قرار داشت. ادارهٔ این شهرها با کاهنان بود که به رئیس آنان انسی می گفتند.

دولت شهرهای سومری اغلب با یکدیگر رقابت و دشمنی داشتند و میان آنان جنگ‌های خونین رخ می داد.

اوضاع سیاسی میان دو رود از ابتدا تا قرن ششم ق.م.

در سراسر میان دو رود، اقوام و گروه‌های انسانی بسیاری می زیستند که هر یک برای مدتی کوتاه یا طولانی توانستند حکومت‌هایی تشکیل دهند^۱. همسایگان دور و نزدیک این سرزمین نیز با آنان روابط سیاسی – گاه خصمانه و گاه دوستانه – و تمدنی داشته‌اند^۲.

گفتیم که انسی‌ها نخستین فرمانروایان دولت شهرهای سومری بودند. هر چند تا قرن‌ها میان دولت شهرهای سومری جنگ و خصومت برقرار بود؛ اما هیچ یک به طور کامل و



مجسمهٔ سراسرگن فرمانروای مقتدر اکدی

برای زمان طولانی بر دیگران پیروز نمی شد. بنابراین، دولت متمرکزی در سومر پدید نمی آمد.

یکی از فرمانروایان بسیار کهن سومر اِتن^۳ نام داشت. او توانست مدتی بر همهٔ دولت شهرهای سومری مسلط شود. گیل گمش^۴ نیز از دیگر فرمانروایان نخستین سومر بود.



میان دو رود باستان

۱- علاوه بر سومری‌ها، آگدی‌ها، آموری‌ها، آشوری‌ها و کلدانی‌ها از این جمله‌اند.

۲- هیتی‌ها و میتانی‌ها (در شمال) و ایلامی‌ها و کاسی‌ها (در شرق) از جملهٔ این همسایگان بودند.

در حدود ۲۴۰۰ ق.م. اقوام آگدی که در مرکز میان دو رود می‌زیستند با هجوم به شهرهای سومری توانستند بر آنان غلبه کنند. فرماندهی آگدی‌ها را در این حملات سارگن^۱ به عهده داشت که در تاریخ سیاسی میان دو رود شهرت زیادی دارد و او را نخستین امپراتور میان دو رود باستان می‌دانند؛ زیرا طی فتوحات بسیار توانست از خلیج فارس تا قسمت‌های شمالی میان دو رود را تصرف کند و بر آن حکم براند. جانشینان سارگن حدود دو قرن قدرت را در دست داشتند تا اینکه گوتی^۲ها از کوهستان‌های شمال شرق هجوم بردند و به حکومت آنان خاتمه دادند. هجوم گوتی‌ها موجب ویرانی بسیاری از شهرهای سومری شد. تسلط آنان حدود یک قرن به طول انجامید. سرانجام، سومریان آنها را از سرزمین خود بیرون راندند.

در حدود ۲۰۰۰ ق.م. ایلامی‌ها که مرکز حکومت آنها در خوزستان قرار داشت و همواره با سومریان درگیر

بودند، سرانجام آنان را شکست دادند و برای همیشه به حکومت سومریان خاتمه دادند. ایلامی‌ها شهر اور را ویران کردند و سپس آن را آتش زدند و پادشاه آن را به ایلام آوردند. پس از مدتی قوم تازه نفس آموری با بیرون راندن ایلامی‌ها جای آنها را گرفتند.

از پادشاهان معروف آموری، حمورابی^۳ است که به دلیل اقداماتش در زمینه کشاورزی، بازرگانی و قانونگذاری شهرت بسیاری دارد.

پایتخت حمورابی شهر بابل^۴ بود که بزرگ‌ترین و آبادترین شهر دنیای باستان به شمار می‌رفت. حکومت آموری‌ها را به نام پایتخت آنان، حکومت بابل قدیم نیز نامیده‌اند.

با مرگ حمورابی شورش‌هایی در شهرهای میان دو رود رخ داد که نتیجه آن زوال حکومت آموری‌ها بود. عاقبت آشوری‌ها به قدرت رسیدند.

یک توضیح

بخشی از قانون نامه حمورابی

- اگر شخصی، فرد دیگری را متهم کرد و او را مسئول قتل دانست، اما آن را اثبات نکرد، متهم کننده باید به قتل برسد.
- اگر شخصی خانه‌ای را به شخص دیگری اجاره بدهد و مستأجر مبلغ اجاره تمام سال را به طور کامل به مالک خانه پردازد و مالک خانه پیش از اینکه مدت اجاره او کامل شود به مستأجر بگوید: «خانه را تخلیه کن»، مالک خانه باید تاوان پولی را که مستأجر به او پرداخته است بدهد؛ زیرا او موجب شده که مستأجر در حالی که مدت اجاره او هنوز کامل نشده بود، خانه را تخلیه کند.
- اگر شخصی پولی را برای شراکت به شخص دیگری داد، آنان باید در مقابل خدا سود یا زیان حاصل را به نحو مساوی تقسیم کنند.

۱- Sargon

۲- Gothi

۳- Hammurabi

۴- Babylon



شبیه‌سازی دروازه ایشتر در بابل که در موزه‌ای در شهر برلین (آلمان) قرار دارد.

بودند. در هر معبد مجسمه‌ی خدای نگه‌دارنده‌ی شهر قرار داشت. در جنگ‌ها مردم برای حفظ این مجسمه‌ها تا پای جان فداکاری می‌کردند؛ زیرا اسیر شدن آنها، به معنای اسیر شدن خدای شهر بود و سرافکنندگی، غم و غصه‌ی مردم را در پی داشت. مردمان میان دو رود برای رضایت خدایان خود مراسم مختلفی برگزار می‌کردند؛ مانند قربانی کردن یا خواندن سرودهای مذهبی به صورت دسته‌جمعی. آنان به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند و وقتی شخصی می‌مرد کلیه‌ی وسایل او را همراه وی در قبر می‌گذاشتند. باستان‌شناسان بسیاری از این وسایل را در گورهای این منطقه یافته‌اند.

کشاورزی: بنیانی‌ترین عامل پیدایش شهرها و رونق زندگی اجتماعی در گذشته کشاورزی بوده است.

آشوری‌ها اقوام جنگجویی بودند که از قرن‌ها قبل در شمال میان دو رود سکونت داشتند. در قرن نهم ق.م. یکی از شاهان آشوری^۱ توانست به پیروزی‌های زیادی دست یابد و قلمرو آشور را تا سواحل مدیترانه گسترش دهد. چندی بعد پادشاه آشور مصر را فتح کرد و نیز با حمله به شهرهای ایلام به حیات سیاسی آنان خاتمه داد. پایتخت آشوری‌ها شهر نینوا^۲ بود که غارت سرزمین‌های اطراف ثروت‌های زیادی را به آن سرازیر کرد و موجب رونق آنجا شده بود.

آخرین قومی که بیش از یک قرن در میان دو رود حکومت کردند، کلدانی‌ها بودند. حکومت کلدانی‌ها به حکومت بابل جدید مشهور است. آنان در جنوب میان دو رود می‌زیستند. کلدانی‌ها ابتدا نسبت به ایلامی‌ها و آشوری‌ها ضعیف بودند؛ اما به تدریج قدرت یافتند. در نتیجه اتحاد آنان با حکومت ایرانی ماد، نینوا فتح شد و حکومت آشور برای همیشه منقرض گردید.^۳

با فتح بابل به دست کوروش هخامنشی (۵۳۹ ق.م.) میان دو رود قرن‌ها جزو قلمرو ایران گردید و سرنوشت آن با سرنوشت ایران گره خورد.

فرهنگ و تمدن میان دو رود

دین: مردمان میان دو رود به خدایان بسیاری چون خدایان آسمان، ماه، ستارگان، کشاورزی و غیره معتقد بودند و هر یک را به نامی می‌خواندند. همچنین برای برخی از آنها مجسمه‌ای ساخته بودند و آن را می‌پرستیدند. در مرکز هر یک از شهرها معبدی بود که معمولاً بر روی تپه‌ای قرار داشت. این معبدها که چند طبقه داشتند زیارتگاه مردم

۱- شمالاناسار سوم

۳- سال ۶۱۲ ق.م

بازرگانی : مردمان میان دو رود به سنگ‌های قیمتی و معادن فلز دسترسی نداشتند. آنان از راه بازرگانی با همسایگان دور و نزدیک به این مواد دست می‌یافتند. شنیدنی است که سومریان و اقوام پس از آنان با هند، مصر و آسیای میانه مناسبات بازرگانی داشته‌اند.



مجسمه بزرگایلی یکی از زیباترین آثار به جا مانده از سومریان

وجود منابع آبی عظیم چون دجله و فرات و طغیان‌های آنها، اصلی‌ترین علت رونق کشاورزی بود. کشاورزی خود موجب پیدایش سازمان منظم آبیاری شده بود که نظام زندگی اجتماعی را در پی داشت. گندم، جو و ذرت از جمله محصولات کشاورزی بود.



مجسمه گاو بالدار با گردن شیر، بال عقاب و سر انسان، از شاهکارهای هنر در عصر آشوری. این مجسمه در دروازه یکی از کاخ‌های آشوری وجود داشته و سمبل نگهبانی از کاخ بوده است.

خط میخی نیز دست کم به همین میزان عمر دارد. اکنون هزاران قطعه از این الواح در اختیار پژوهشگران است که با زحمت بسیار موفق شده‌اند آنها را بخوانند. این الواح در واقع کتاب‌های آن دوران هستند. به همین دلیل، می‌توان گفت قدیمی‌ترین کتابخانه‌های جهان در میان دو رود پدید آمده است. محتوای این الواح شامل موضوعاتی چون تعلیم و تربیت، پرستش خدایان، مسائل حقوقی، افسانه‌های پیشینیان، جنگ‌ها، داد و ستدها و ... می‌شود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چگونه می‌توان ثابت کرد که مردمان

میان دو رود با سرزمین‌های دور دست داد و ستد

می‌کرده‌اند؟

خط و نگارش : در ابتدای این درس به موضوع الواح اشاره شد. عمر قدیمی‌ترین این الواح تقریباً به ۵۰۰۰ سال پیش می‌رسد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پیدایش

یک توضیح

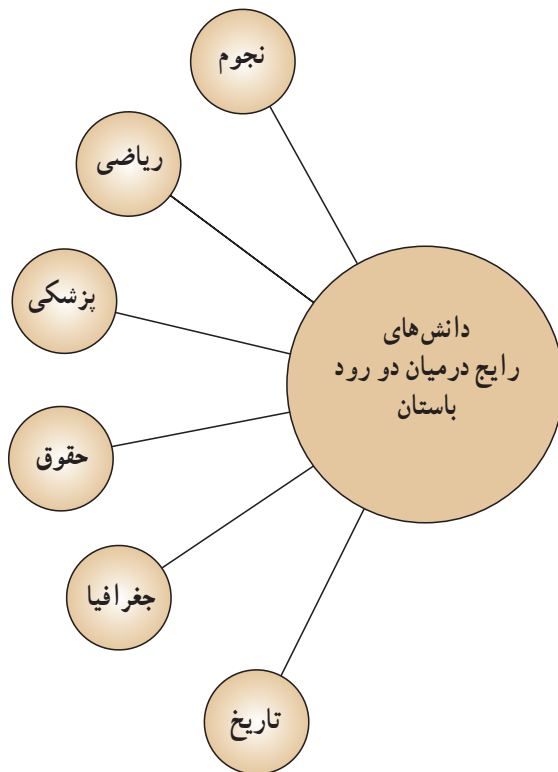
گیل گمش از نخستین فرمانروایان سومر است. وی پس از مرگش به فردی افسانه‌ای تبدیل شد. داستان‌های فراوانی دربارهٔ او نقل کرده‌اند. براساس الواح سومری، پس از ماجراهای بسیاری که در زندگی گیل گمش رخ داد، او برای یافتن زندگی جاودانه به راه افتاد و سراسر زمین را زیر پا نهاد تا سرانجام به مردی به نام اوت - نپیشتم رسید. اوت - نپیشتم برای او تعریف کرد که سال‌ها قبل طوفانی عظیم سراسر دنیا را فراگرفت و ... برخی این روایت را شاهدی بر وقوع طوفان نوح علیه السلام دانسته‌اند.



یک لوحه با نوشته‌هایی به خط میخی که در میان دورود به دست آمده است.

علوم: نجوم از مهم‌ترین دانش‌هایی است که مردم میان دورود در آن پیشرفت چشمگیری کردند. علت این امر را پرستش ستارگان و تأثیر حرکات آنان در سرنوشت انسان‌ها دانسته‌اند. به علاوه، دادوستد و امور بازرگانی به پیشرفت علم ریاضی در میان آنان کمک شایانی کرد. پزشکی نیز از دانش‌های رایج بود؛ هر چند در آن زمان با خرافات آمیخته بود؛ برای مثال، بیماری را ناشی از ورود ارواح خبیث به بدن می‌دانستند و با روش‌هایی می‌کوشیدند این ارواح را از بدن بیمار بیرون بکشند. از دیگر دانش‌ها می‌توان به حقوق، جغرافیا و تاریخ اشاره کرد.

بردگان: برده‌داری در تمام دوران باستان در میان دورود رواج داشت و عده‌ای به خرید و فروش بردگان مشغول بودند. بردگان کسانی بودند که یا در جنگ‌ها اسیر می‌شدند و یا به دلیل قرض و دلایل دیگر برده می‌شدند. بردگان از حقوق چندانی برخوردار نبودند و زندگی سختی داشتند.



پرسش‌های نمونه

- ۱- وضعیت سیاسی سومر چگونه بود؟
- ۲- اوضاع سیاسی میان دورود از زمان انقراض قدرت سومر تا هنگام تصرف آنجا توسط کوروش هخامنشی را توضیح دهید.
- ۳- چهار مورد از مشخصات عقاید دینی مردم میان دورود را بیان کنید.
- ۴- دربارهٔ وضع علوم در میان دورود توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- آیا می‌دانید پژوهشگران چگونه توانستند کتیبه‌های میخی را بخوانند؟ در این باره مطلبی تهیه کنید.
- ۲- دربارهٔ پیامبران الهی که در میان دورود ظهور کرده‌اند، مقاله‌ای بنویسید.

مصر، هدیه نیل

مقدمه

باستان شناسان موفق شده اند آثاری از انسان های پیش از تاریخ در مصر را شناسایی کنند. براین اساس در اوایل، گروه های انسانی به صورت پراکنده، زندگی کوچ نشینی داشتند، تا اینکه پیشرفت هایی در شیوه زندگی آنان حاصل شد و در کناره های نیل استقرار یافتند.

طغیان های سالانه نیل موجب حاصل خیزی خاک اطراف آن می شد و ماهی های متنوع موجود در آن به تأمین خوراک مردم کمک می کرد.

با گذشت زمان، نخستین دهکده ها و شهرها پدید آمدند. این شهرها و دهکده ها از یکدیگر مستقل بودند و هنوز حکومت واحدی نداشتند، اما جنگ و رقابت فرمانروایان محلی سرانجام موجب شد که تمام مصر به زیر سلطه فرمانروایی که از بقیه قوی تر بود، در آید!



۱- این فرمانروا مینس (Menes) نام داشت.

دوره‌های تاریخ مصر باستان

مورخان تاریخ مصر باستان را به سه دوره اصلی تقسیم کرده‌اند:

۱- دوران پادشاهی کهن

۲- دوران پادشاهی میانه

۳- عصر امپراتوری یا دوران پادشاهی نوین

در هر یک از این دوران‌ها در مصر حوادث زیادی رخ داد. برای آشنایی با آن حوادث باید به کتاب‌های تاریخی رجوع کنید.

فرعون‌ها

از میان ده‌ها فرعونی که بر مصر حکومت کرده‌اند

برخی از شهرت بیشتری برخوردار بودند که از جمله اینها سلاطین اهرام^۲ بودند که در عصر کهن مصر می‌زیستند و اهرام مصر در دوره آنان ساخته شده است. برخی از فرعون مصر زن بودند.

یکی از فرعون‌های معروف مصر که بیشترین آثار باقی مانده از مصر باستان مربوط به اوست، رامسس دوم است که حضرت موسی علیه السلام در زمان او ظهور کرد. در زمان آخرین فرعون دوره نوین، مصر به تصرف هخامنشیان درآمد و بعدها نیز اسکندر و رومیان آنجا را به تصرف خود درآوردند.



اهرام بزرگ مصر: از جمله آثار مهم به جا مانده از مصر باستان، هرم‌هایی هستند که به دستور فرعون‌ها برای زندگی پس از مرگشان ساخته شده است. تعداد هرم‌ها بسیار زیاد است و هر چه فرعون‌ها قدرتمندتر و ثروتمندتر بودند، هرم‌های آنها نیز بزرگ‌تر می‌شد. در داخل هرم (تصویر گوشه سمت راست) محل‌هایی برای نگهداری جسد فرعون و لوازمی که ممکن بود برای زندگی او پس از مرگ ضروری باشد، وجود داشت. به همین دلیل، هرم‌ها گنجینه‌هایی از آثار متنوع تاریخی هستند.

۱- فرعون: یعنی خانه بزرگ. احتمالاً این نام در اوایل به کاخ‌های پادشاهان مربوط بوده که به مرور تغییر معنا داده و بر پادشاهان مصر اطلاق شده است.

۲- خوفو، خفرع و منکورع

فرهنگ و تمدن مصر باستان



مجسمه آنویس یکی از خدایان مصری که در مقبره توتنخامون به دست آمده است. این مجسمه از چوب تراشیده شده و با طلا تزیین شده است. چشم‌های آن هم از سنگ مرمر است.

می‌پوشاندند و در قبر می‌گذاشتند؛ اما به تدریج شیوه‌هایی برای حفظ جسم از فساد آموختند که به مومیایی کردن مشهور است. آنان تمامی وسایل مورد نیاز مرده را در مقبره او می‌نهادند. این وسایل برای مردم عادی در حد زندگی ساده آنان بود، اما برای اشراف و به ویژه فرمانروایان، این وسایل شامل انواع خوراکی‌ها، لباس، تختخواب، ظرف‌ها و حتی گاه یک قایق برای عبور از رودها می‌شد.

دین: میراث‌های فرهنگی مصر باستان، شامل شمار زیادی از اهرام، مومیایی‌ها، معابد و مقبره‌های صخره‌ای، مجسمه‌ها، نقوش و کتیبه‌ها، سرودها و ... است که همه در سایه عقاید دینی به وجود آمده‌اند. بنابراین، آشنایی با اندیشه‌ها و آداب دینی مصریان تنها اطلاعات تاریخی در اختیار ما قرار نمی‌دهد؛ بلکه لازمه و مقدمه فهم یادگارهای تاریخی این تمدن کهن نیز هست.

مصریان باستان به انواع اسطوره‌ها و خدایان اعتقاد داشتند. از نظر آنان ماه، خورشید، نیل و حیواناتی چون گاو، گربه، نهنگ، قورباغه و سوسک همه مقدس بودند. در معبد‌های کوچک و بزرگ، تصاویر یا مجسمه‌های این موجودات را قرار داده بودند و به آنها احترام می‌گذاشتند. از نظر مصری‌ها، انسان همزادی (روحی) داشت که پس از مرگ مدتی سرگردان بود. سپس دوباره به بدن بازمی‌گشت و زندگی جدید خود را آغاز می‌کرد. تنها شرط ادامه حیات، حفظ جسم و جلوگیری از فاسد شدن جسد بود. مصری‌ها در اوایل، جسد را تنها با پارچه‌ای

یک توضیح

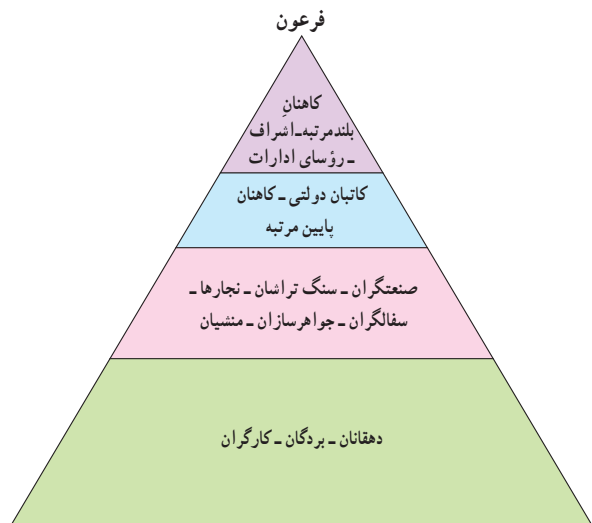
از بنای اهرام تا دره شاهان

فراعنه نخستین برای خود مقبره‌های عظیمی (اهرام) می‌ساختند که برای ساخت آن به هزاران کارگر و سرمایه فراوان نیاز داشتند؛ اما از زمان حت‌چسوت^۱ ساختن نوع دیگری از مقبره مخصوص شاهان رواج یافت. او دستور داد در قسمت مغرب نیل در دره‌ای - که بعدها به دره شاهان مشهور شد - در دل صخره‌ها برای وی مقبره‌ای بسازند و همه وسایل شاهانه را در آن قرار دهند. فراعنه بعدی نیز از او پیروی کردند. بدین ترتیب، بعد از مدتی دره مذکور پر از مقبره فرمانروایان مصر شد؛ مقبره‌هایی که برای جلوگیری از دستبرد سارقان، آنها را پنهان می‌کردند. اکنون این مکان از مشهورترین مکان‌های تاریخی دنیاست.

مصری‌ها برای خدایان خود قربانی می‌کردند و سرودهایی را که کاهنان آموزش می‌دادند، می‌خواندند. کاهنان مصری از مقام و موقعیت بالایی برخوردار بودند. تقریباً همه دانش‌های مصری در اختیار آنان بود که به خط هیروگلیف نوشته می‌شد و تنها آنان با این خط آشنا بودند. مومیایی کردن جسد فراغنه، تأیید سلطنت آنان و بسیاری کارهای دیگر با آنها بود. تعداد بسیار زیادی از زمین‌های کشاورزی در اختیار معابد بود و کاهنان درآمد آن را صرف امور مختلف می‌کردند. آموزش‌های دینی و شفای بیماران از دیگر وظایف آنان بود.

زندگی اجتماعی: اهرام مصر را به خاطر آورید. جامعه مصری در واقع از یک هرم چهار طبقه تشکیل شده بود که در هر طبقه، گروهی از مردم قرار داشتند.

فکر کنید و پاسخ دهید:
 به این هرم نگاه کنید. آیا می‌توان برای جامعه میان دو رود باستان نیز چنین هرمی ترسیم کرد؟ تفاوت این دو هرم در چه چیزهایی خواهد بود؟



در رأس این هرم فرعون قرار داشت که با قدرت تمام بر مردم حکومت می‌کرد. ارتش، قانونگذاری، مذهب و سازمان‌های اداری، همه در اختیار وی بود که به کمک وزیر آنها را اداره می‌کرد.

مصری‌ها مردمی صبور، آرام و مطیع بودند. ظاهراً، مجموع این خصال و آموزه‌های دینی آن عصر موجب می‌شد که مصریان قوانین ظالمانه و ستم فراغنه را تحمل کنند نظیر مالیات‌های سنگینی که از کشاورزان و سایر گروه‌ها گرفته می‌شد. جمعیت فراوان مصر، نیروی رایگانی در اختیار فراغنه بود که از آنها در ساختن آرامگاه‌ها، کاخ‌ها، معابد و نیز در جنگ‌ها استفاده می‌شد. این وضع صدها سال ادامه داشت.

در مصر باستان شأن و منزلت زنان بهتر از موقعیت آنها در سایر جوامع بود. زنان طبقات پایین علاوه بر خانه‌داری و پرورش فرزند، در امور کشاورزی و ... به مردان کمک می‌کردند. زنان طبقات اشراف همچون مردانشان ساعاتی از روز را به تفریح و سرگرمی مشغول بودند و خود را با انواع زیورآلات می‌آراستند.

ادبیات: بیشتر نوشته‌های باقیمانده از مصریان باستان به خط هیروگلیف است. هیروگلیف از کهن‌ترین خط‌هایی است که بشر اختراع کرده است. کاهنان مصری برای نگارش مطالب مربوط به آرامگاه‌های فراغنه، کاخ‌ها و معابد از این خط استفاده می‌کردند. آنان در مدارس ویژه خط هیروگلیف و ظرایف ادبی را به دانش‌آموزانی که قرار بود بعدها منشی ادارات گردند، آموزش می‌دادند. خط دیگری نیز رایج بود که دموتیک نامیده شده است. طبقات متوسط، تجار و ... از خط

۱- در فرهنگ اسلامی وزیر فرعون به عزیز مشهور است. براساس روایات دینی حضرت یوسف از جمله کسانی است که به این مقام رسید و در دوران وزارت خود منشأ خدمات

زیادی شد.



ΠΤΟΛΕΜΑΙΟΣ

ΠΤΟΛΕΜΑΙΟΣ

ΠΤΟΛΕΜΑΙΟΣ

موضوع خط در مصر باستان از جمله مباحث مورد اهمیت در تاریخ این سرزمین است. خط مصری باستان دوره‌های مختلفی را از سرگذرانده است. این خط که به هیروگلیف معروف است تا مدت‌ها برای پژوهشگران و مورخان ناشناخته بود (تصویر سمت چپ). در اواخر قرن هجدهم میلادی با کشف سنگ نوشته رشید (روزت) تصویر سمت راست) که در آن یک مطلب به سه خط هیروگلیف (بالا)، دموتیک (وسط) و یونانی (پایین) نوشته شده است، زمینه برای شناخت خط مصری باستان فراهم شد. متن سنگ نوشته رشید شامل تصمیم کاهنان مصری در مورد به تخت نشستن یکی از فرمانروایان یونانی مصر (جانشینان اسکندر) به نام بطلمیوس پنجم است. از آنجا که در میان آثار به جا مانده از مصر باستان مطالب بسیاری به خط هیروگلیف وجود دارد، شناسایی این خط کمک بزرگی برای شناخت بهتر تاریخ این سرزمین بوده است.

کرد که در واقع کتاب‌های تاریخ آن زمان است. در این سال‌نامه‌ها، منشی‌های مصری شرح پیروزی‌های فرعون‌ها و مسائل مربوط به ایشان را نگاشته‌اند.

معماری و هنر: شهرت تمدن مصر، بیش از هر چیز به خاطر میراث‌های فرهنگی است که از آن به یادگار مانده است. این آثار شامل اهرام، معابد، کاخ‌ها، مجسمه‌های سنگی و چوبی، نقش برجسته‌ها و نقاشی‌هایی است که این مجموعه غنی‌ترین و باشکوه‌ترین میراث تاریخی است که در جهان وجود دارد. این آثار هم نشانه کبر و نخوت

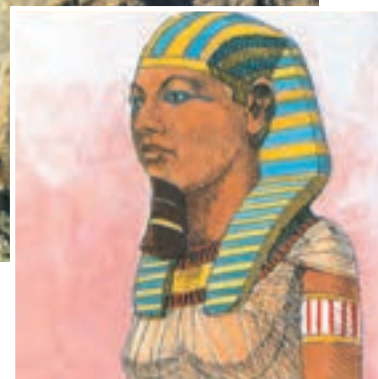
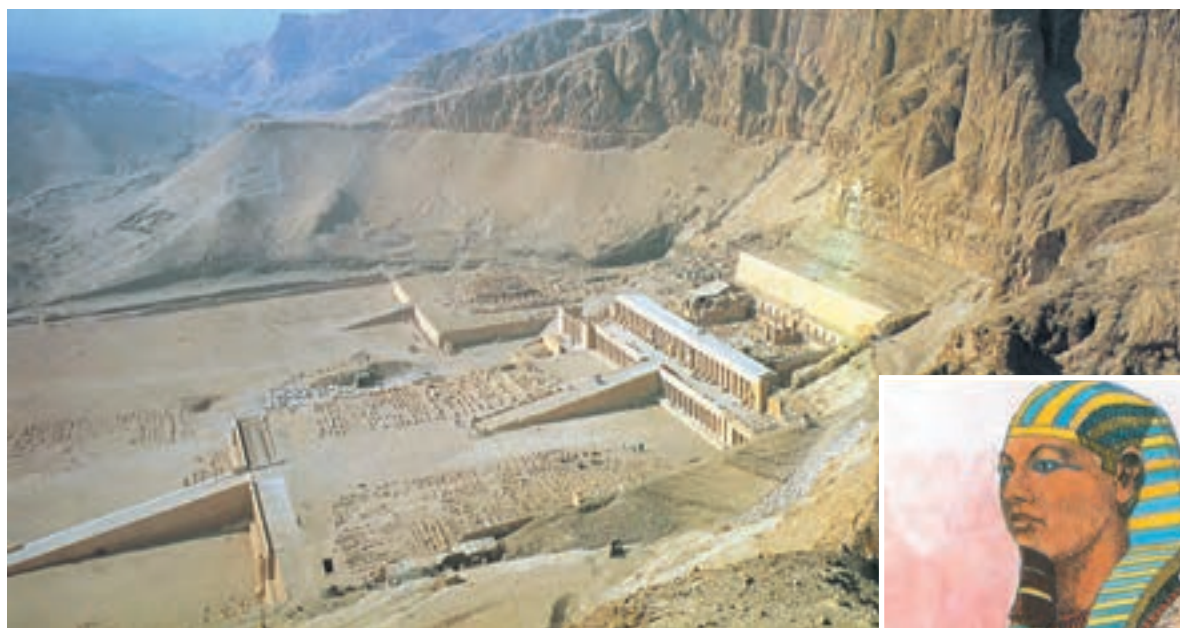
دموتیک استفاده می‌کردند.

مدرسه محلی بود که کاهنان در آن به تربیت فرزندان اشراف می‌پرداختند و علوم مختلف را به آنها آموزش می‌دادند و آنها را برای شغل‌های مختلف آماده می‌کردند. استفاده از پاپیروس – یعنی قدیمی‌ترین کاغذ شناخته شده در تاریخ – در مدارس دولتی رایج بود. امروزه شمار زیادی از این پاپیروس‌ها یافته شده که دارای مطالب مختلف اداری، ادبی، داستان‌های خیالی و به ویژه، سرودهای دینی است. همچنین باید از سال‌نامه‌هایی یاد

بسیار آباد بودند و در اطراف آنها مکان‌هایی قرار داشت که مخصوص زندگی کاهنان، بردگان و سایر کارکنان بود. معابد پر از مجسمه‌های حیوانات مقدس بود. این معابد بزرگ بر روی ستون‌های غول‌پیکری ساخته می‌شد که بدنه آنها پر از نوشته‌ها و نقش و نگارهای دینی بود.

فرمانروایان و ظلم و ستمی است که بر توده‌های مردم روا می‌شده است و هم نشان از هوش و دانش سازندگان آن است؛ مانند: اهرام سه گانه مصر.

علاوه بر اهرام باید از معبدهای زیادی یاد کرد که در طول زمان ساخته شده‌اند. این معبدها در زمان خود



پرستشگاه، حتچسوت در مصر. حتچسوت دختر یکی از فراعنه مصر بود که به همسری یکی دیگر از فراعنه در آمد. او پس از مرگ همسرش، به مدت بیست سال به عنوان فرعون حکومت کرد. او چهره و پوشش خود را شبیه فرعون‌های مرد کرده بود.

علم : علم و دانش بیشتر در اختیار کاهنان بود. از جمله می‌توان از پزشکی و چشم‌پزشکی یاد کرد. مومیایی کردن اجساد موجب شده بود که با گذشت زمان با برخی اعضا و اندام‌های بدن به خوبی آشنا شوند. پزشکان مصری برای درمان بیماری‌ها، هم از داروهای گیاهی و انواع روغن‌ها و هم از شیوه‌هایی که جنبه روانی داشت، استفاده می‌کردند؛ مثلاً فرد هنگام سرماخوردگی باید این جمله را تکرار می‌کرد: «ای سرمای پسر سرما بیرون شو! ای که استخوان‌ها را خرد می‌کنی، خارج شو!» پزشکی

فکر کنید و پاسخ دهید:

تا اینجا به اختصار با برخی از جلوه‌های تمدن مصر آشنا شدید. هرودتاً مورخ یونان باستان که خود به مصر سفر کرده بود، گفته است: «مصر هدیه نیل است.» به نظر شما:

۱- منظور او از این سخن چیست؟

۲- آیا شما این سخن را قبول دارید؟ چرا؟

نمونه‌ای از معاینه پزشکی مصری‌ها

در یکی از نوشته‌های مصر باستان، آمده است: اگر معاینه کردی و دیدی مهره گردن بیمار آسیب دیده و از جا دررفته است و بیمار، توانایی حرف زدن ندارد، باید بدانی سر او به سبب از جا دررفتن مهره گردن روی بدن استوار نیست و به همین سبب نمی‌تواند دست و پایش را حرکت دهد. تشخیص: درباره چنین بیماری باید بگویی: «کسی که مهره گردنش آسیب دیده باشد، نشانه این است که به دردی بی‌درمان مبتلا شده است.»

اندازه‌گیری میزان بالا آمدن آب و نیز محاسبات مربوط به برپایی اهرام از جمله اموری بودند که موجب پیشرفت هندسه و ریاضی در میان مصریان می‌شدند. به علاوه مصریان همچون مردم میان دو رود به تأثیر حرکت ستارگان در سرنوشت انسان اعتقاد داشتند و توجه به اموری از این قبیل و نیز ضرورت داشتن تقویم موجب پیشرفت نسبی نجوم در میان آنها شده بود.

مصریان با خرافات آمیخته بود؛ مثلاً معتقد بودند برای بند آمدن گریه بچه باید گرد و غبار روی دیوار را با ساقه خشخاش مخلوط کرد و به بچه خوراند! یا برای درمان بیماری‌ها از خون سوسمار و گوشت برخی حیوانات و گوشت گندیده استفاده می‌کردند.

طغیان‌های رود نیل که موجب از بین رفتن نشانه‌گذاری‌های زمین‌های کشاورزی می‌شد، ضرورت

پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا مصری‌ها اجساد مردگان را مومیایی می‌کردند؟
- ۲- درباره اختیارات و وظایف کاهنان در مصر باستان توضیح دهید.
- ۳- به نظر شما چرا از تمدن و فرهنگ مصر باستان در مقایسه با سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌های باستانی آثار و اطلاعات بیشتری به جا مانده است؟
- ۴- درباره موقعیت زنان در مصر باستان توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

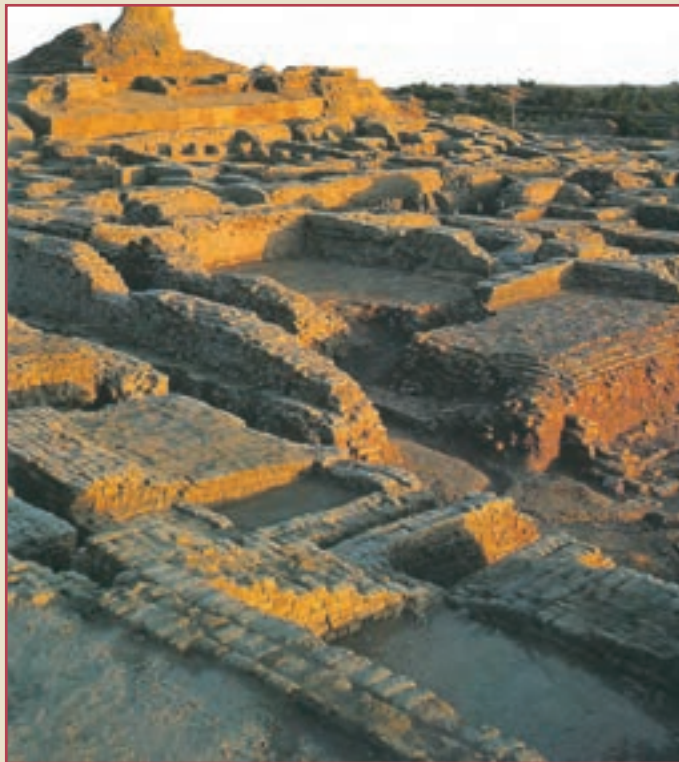
- ۱- درباره مشخصات و ویژگی‌های اهرام بزرگ مصر گزارشی بنویسید.
- ۲- درباره سرگذشت یکی از فراعنه بزرگ مصر مطلبی تهیه کنید.
- ۳- از مطالب مربوط به حضرت موسی عليه السلام در قرآن به چه واقعیت‌هایی درباره تاریخ مصر باستان می‌توان بی‌برد؟ در این باره مطلبی بنویسید.

چین و هند باستان

مقدمه

چین و هند^۱ از قدیمی‌ترین مراکز پیدایش تمدن در آسیایند. این دو سرزمین از حیث وسعت، جمعیت و تنوع آب و هوایی و نیز وجود اقوام و فرهنگ‌های گوناگون شهرت بسیاری دارند؛ هر دو این تمدن‌ها در کناره رودهای بزرگ پدید آمده‌اند. همچنین این دو سرزمین زادگاه ادیان و اندیشه‌هایی‌اند که نقشی اساسی در تاریخ ایفا کرده‌اند. این دو در روزگار کهن روابط بازرگانی و فرهنگی قابل توجهی نیز با یکدیگر داشته‌اند. بازرگانان از طریق جاده ابریشم کالاهای ساخت چین را به هند می‌آوردند و تولیدات آن را نیز به نقاط دیگر جهان می‌بردند.

دین بودایی ابتدا در هند پیدا شد، اما بعدها در آسیای مرکزی و چین پیروان زیادی یافت؛ به طوری که امروزه تبت^۲ مهم‌ترین مرکز بوداییان است. چین و هند دستاوردهای تمدنی بسیاری داشته‌اند که در این درس به اختصار با آنها آشنا می‌شوید.



آثار به جا مانده از موهنجودارو (تصویر سست چپ) در تصویر سست راست تعدادی از مهرهای کشف شده در آنجا نیز دیده می‌شود.

۱- توجه داشته باشید که در اینجا منظور از هند، سرزمینی است که هنوز پاکستان و بنگلادش امروزی از آن جدا نشده بودند.

هند پیش از آریایی‌ها

در اوایل قرن بیستم میلادی، باستان‌شناسان بقایای دو منطقه باستانی «موهنجودارو»^۱ و «هاراپا»^۲ را در هند کشف کردند. این دو منطقه که قدمت آنها به ۳۰۰۰ سال ق.م. می‌رسد، در زمان خود بسیار آباد بودند. ساکنان آن با کشاورزی، نساجی و کوزه‌گری آشنا بودند و ابزارهایی مانند تبر، تیشه، مَهرهای سنگی و ... می‌ساختند و نیز با سومری‌ها و مصریان باستان روابط بازرگانی داشتند.

ورود آریایی‌ها

از حدود ۱۵۰۰ ق.م. گروه‌هایی از قبایل آریایی به هند وارد شدند.^۳ آنان مردمان جنگجویی بودند که از اسب و ارابه استفاده می‌کردند و آداب و عقاید ویژه خود را داشتند. آنان با سرکوب مردم بومی هند، یعنی دراویدی‌ها،

بر شهرها و دهکده‌های آنان مسلط شدند. تسلط آریایی‌ها بر قسمت‌های شمالی هند موجب شد که عده‌ای از دراویدی‌ها به قسمت‌های مرکزی و جنوبی هند مهاجرت کنند. و در سواحل جنوبی هند، شهرهای بزرگی بسازند.

مهاجران آریایی که به هندوستان رفتند حکومت واحدی تشکیل ندادند؛ بلکه در گوشه و کنار آن سرزمین پراکنده شدند. هریک از قبایل آریایی قلمرو کوچکی را به خود اختصاص داد و در آن ساکن شد.

زبان آریایی‌های هند سانسکریت بود. آنان سرودهای دینی خود را به این زبان می‌خواندند. آریایی‌ها همچون سایر اقوام باستانی تصور می‌کردند که هریک از پدیده‌های طبیعی، خالق جداگانه دارد؛ بنابراین، به خدایان متعددی اعتقاد داشتند.



۱- در پاکستان امروزی

۲- Harappa

۳- شمال غربی هند (گذرگاه خیبر) مسیر اصلی اغلب مهاجرت‌ها و هجوم‌های قبایل مختلف، به داخل این شبه‌قاره بوده است. آریایی‌های اولیه، هخامنشیان، یونانیان، مسلمانان و مغولان، اغلب از اینجا به هند قدم نهادند و در تحولات تاریخی آن سرزمین نقش ایفا کردند.

۴- Dravidian

طریق به آنچه می‌خواهد نرسیده است. بنابراین، شیوه‌های رایج ریاضت را که اساس آن عبارت از انزوا و روزه‌های طاقت‌فرسا بود، ترک کرد. سرانجام، روزی در زیر یک درخت احساس کرد به آرامش رسیده و راه درست زندگی را دریافته است. از آن پس، سیدارتا که به بودا (نجات یافته، روشن شده) معروف شده بود، پیروانی یافت و به تبلیغ اندیشه‌های خود پرداخت. بودا با قربانی کردن حیوانات، تناسخ و ... مخالف بود؛ به همین دلیل، برهمنان با او دشمن شدند و با عقایدش به مخالفت پرداختند.



مجسمه بودا. در سرزمین‌های بودایی نشین تعداد نسبتاً زیادی از این‌گونه مجسمه‌ها وجود دارد.

نخستین پادشاهان هند

داریوش اول، پادشاه هخامنشی، شمال هند را فتح کرد

مجموعه متون دینی آریایی‌ها را وداها می‌نامند. وداها شامل سرودهای ستایش خدایان و دستورات مربوط به آداب دینی (مانند قربانی کردن) است. وداها قدیمی‌ترین سند درباره طبقات جامعه هند باستان است. علاوه بر آن در دو کتاب اوپانیساده‌ها و مهابهاراتا نیز اطلاعات ارزشمندی درباره مردان بزرگ و دانای آریایی و اندیشه‌های آنان در مورد جهان و انسان وجود دارد.

برهمن‌ها (روحانیون آریایی)	} طبقات اجتماعی هند در عصر آریایی
کشاتریاها (نظامیان)	
ویس‌ها (کشاورزان، بازرگانان و پیشه‌وران)	
شودراها (کارگران و اسیران)	

ظهور بودا^۲

در فاصله رواج وداها تا ظهور بودا، آیین‌ها و اندیشه‌های بسیاری در هند گسترش یافته بود که اغلب آنها مراسم سخت و طاقت‌فرسایی را بر پیروان خود تحمیل می‌کردند و با خرافات بسیاری همراه بودند. عده‌ای از مردم، اعتقاد خود به دستوره‌های دینی را از دست داده بودند. برهمنان بیش از پیش قدرت یافته بودند و بر زندگی مردم تسلط داشتند. در این شرایط، در خانواده‌ای اشرافی فرزندی متولد شد که او را سیدارتا^۳ نامیدند. سیدارتا در محیطی سرشار از نعمت‌های دنیوی، بزرگ شد، ازدواج کرد و صاحب فرزند شد اما اندیشه مداوم او درباره بیماری، پیری و مرگ سرانجام موجب شد تحول عمیقی در اندیشه‌های وی پدید آید. پس شهر و دیار خود را ترک کرد و همچون برخی برهمن‌ها در انزوا به ریاضت پرداخت؛ اما بعد از مدتی احساس کرد که از این

۱- Veda

۳- Siddarta

و آن را خراجگزار ایران کرد. با سقوط هخامنشیان به دست اسکندر، شمال هند به دست یونانیان افتاد اما با انتشار خبر مرگ اسکندر، یک فرمانده هندی به نام چندراگوپتا^۱ علیه یونانیان قیام کرد و آنان را بیرون راند. او در مدت کوتاهی توانست حکومت‌های محلی را تابع خویش کند و حکومت قدرتمندی به وجود آورد. این حکومت را موریا^۲ نامیده‌اند. از دیگر پادشاهان مشهور حکومت موریا، آشوکا^۳ است که در تاریخ شهرت فراوانی دارد و پادشاهی خوشنام است. حکومت موریا پس از مرگ آشوکا ضعیف شد. بعد از مدتی، قدرت جدیدی در هند به وجود آمد. این قدرت جدید، حکومت گوپتا^۴ بود که از برخی جهات با حکومت موریا تفاوت داشت. از جمله این تفاوت‌ها، گرایش مذهبی گوپتاهاست. آنان طرفدار برهمنان و مخالف سرسخت بوداییان بودند. حکومت گوپتا تا قرن‌ها قدرت را در دست داشت، ولی به تدریج، دچار ضعف و زوال شد. مقارن ظهور اسلام، حکومت‌های محلی بسیاری در هند حکومت می‌کردند.



یک توضیح

سفر مگاستینس^۵ به هند در عصر موریا

در زمان چندراگوپتا یک سفیر مقدونی از جانب سلوکیان (جانشینان اسکندر در ایران و میان دورود) به هند فرستاده شد. او در بازگشت شرح مشاهدات خود را درباره هند نوشت. براساس نوشته وی، هند در عصر چندراگوپتا بسیار آباد و پر رونق بوده؛ به ویژه پایتخت آن، پاتالی پوترا^۶، ساختمان‌ها، بازارها، خیابان‌ها و جمعیت فراوانی داشته است. سفرنامه مگاستینس برای مورخان ارزش زیادی دارد؛ زیرا از این سفرنامه برای شناخت اوضاع هند باستان، استفاده‌های فراوانی می‌کنند.

۱- Chandra gupta

۲- Muria

۳- Ashoka

۵- Megasthenes

۶- Patali putra

فرهنگ و تمدن هند باستان

زندگی اجتماعی: بسیاری از مردم هند کشاورز و گله‌دار بودند و در روستاها زندگی می‌کردند. عده‌ای نیز به نجاری، فلزکاری، نقاشی، آهنگری، چرم‌سازی و ... مشغول بودند. در سواحل نیز به ماهیگیری می‌پرداختند. در هند برای پدر خانواده احترام زیادی قائل بودند. هندی‌ها در روابط اجتماعی، اهل ادب بودند و به دیگران احترام می‌گذاشتند. بهداشت فردی را رعایت می‌کردند و به زیورآلات اهمیت می‌دادند. در هند رسم بود که برای تزئین از گل استفاده کنند.

دین در زندگی آنان نقش زیادی داشت؛ به طوری که بخشی از درآمد خود را به برهمن‌ها می‌دادند تا در انجام آداب و رسوم دینی (قربانی کردن، خواندن سرود، فروش طلسم‌های جادو و ...) به ایشان کمک کنند. زیارت مکان‌های مقدس همچون معابد، زادگاه پیشوایان دینی و محل وقوع معجزات و نیز رود گنگ برای آنها اهمیت زیادی داشت، به طوری که برای زیارت آنها راه‌های دور و دراز را طی می‌کردند و رنج سفر را به جان می‌خریدند. فرارسیدن عیدهای مختلف برای مردم فرصتی بود تا به شادی بپردازند؛ مانند عید بهار که در آن، مردم صورت خود را رنگ می‌کردند و به کوچه و بازار می‌رفتند.

زنان هندی با اینکه به شوهران خود بسیار احترام می‌گذاشتند، فرزندان را تربیت می‌کردند و کارهای خانه را انجام می‌دادند، ولی رسم غیرانسانی ساتی دربارهٔ آنان به اجرا درمی‌آمد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید رسم ساتی چیست؟

هنر و معماری: قدیمی‌ترین جلوه‌های هنر و معماری

هند را می‌توان در خرابه‌های موهنجودارو و هاراپا یافت. با گسترش بودایی‌گری و سایر ادیان و عقاید هندی، معابد بسیاری در سراسر این سرزمین وسیع ساخته شد. برخی از معابد را در دل کوه‌ها و میان غارها می‌ساختند. علاوه بر آن، بقایای کاخ‌های چندراگوپتا، آشوکا و سایر فرمانروایان هند، بیانگر پیشرفت هنر و معماری هند باستان است. معماران عصر آشوکا به تقلید از تخت جمشید، کاخ باشکوهی برای پادشاه خود ساختند که خرابه‌های آن هنوز باقی است. هنرمندان هند باستان دیوارهای کاخ‌ها و بسیاری از معابد را با نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌های گوناگون می‌آراستند.

مجسمه‌سازی از دیگر کارهای هنرمندان هند باستان است که از قدیم‌ترین دوران رواج داشته است. از جمله، می‌توان به مجسمه‌های فراوانی از خدایان هندی و نیز بودا اشاره کرد که از چوب و سنگ ساخته شده است و در



مجسمه شیرها مربوط به دوره حکومت آشوکا

سراسر هند به پرستش آنها مشغول بودند.

از دیگر هنرهای رایج در هند باستان موسیقی است که هم به شکل دینی (سرودهای مذهبی) و هم به شکل سرودهای بزمی در دربارها رواج داشت. مشهور است که بهرام گور، پادشاه ساسانی، عده‌ای از آوازه‌خوان‌های هندی را به دربار خود آورده بود.

علوم و فنون: پزشکی از جمله دانش‌هایی است که در هند باستان پیشرفت زیادی کرد. شعار یک پزشک هندی^۱ این بود که: «نه به خاطر خود و نه به خاطر پول بلکه فقط برای نیکی، بیماران را درمان کنید!» اختراع صفر و عدد پی در ریاضی نیز از کارهای هندیان است. نجوم نیز به دلیل ضرورت تعیین روزهای جشن و قربانی مورد توجه بود. پارچه‌بافی و فلزکاری نیز در هند رواج بسیاری یافت. مشهور است که مصریان پارچه‌های مخصوص برای مومیایی کردن مردگان را از هند وارد می‌کردند. همچنین، در هند ساخت وسایل مختلف از عاج فیل رواج داشت.

چین؛ از اسطوره تا تاریخ

تاریخ نگاری چینیان همچون بسیاری از ملت‌های جهان، با «اساطیر» آغاز می‌شود. این اساطیر درباره خاقان‌های نیکوکاری است که هر یک عمر بسیار طولانی کرده و دانش‌های گوناگون را در میان مردم پدید آورده‌اند.

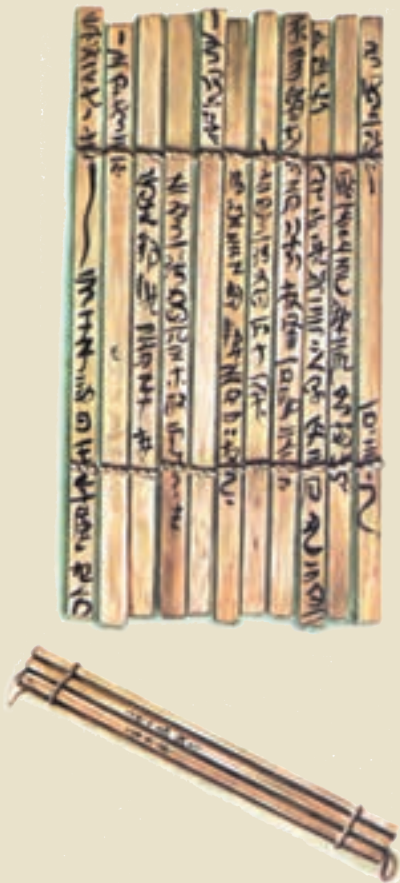
فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا سرگذشت همه ملت‌ها با

اساطیر آغاز می‌شود؟

که از ۱۵۰۰ سال ق.م. پدید آمد. پیدایش و گسترش خط و تقویم در میان آنها از نخستین پدیده‌های مدنیت بود. ساخت ظروف چینی و تهیه ابریشم از دیگر دستاوردهای تمدنی عصر شانگ است.

دومین سلسله‌ای که در چین پدید آمد، چو نام داشت که فرمانروایان آن از ۱۰۲۸ تا ۲۵۶ ق.م. حکومت کردند. در اواخر حکومت آنان، آشوب و جنگ‌های داخلی در چین زیاد شد تا سرانجام قبایلی به نام چه این‌بر کشور مسلط شدند و یکی از مشهورترین حکومت‌های چین باستان را بنیان گذاردند.



چینی‌ها تا پیش از ابداع کاغذ، نوشته‌های خود را بر روی قطعات چوب می‌نوشتند و بعد با کنارهم قراردادن آنها، صفحاتی درست می‌کردند.

نخستین سلسله بزرگ چین باستان شانگ^۲ است

نامید. از جمله کارهای شی هوانگ تی بنای دیوار بزرگ چین است که در زمان سلطنت او بیش از دو هزار کیلومتر از آن ساخته شد. برای این کار، بیش از یک میلیون نفر به کار گرفته شدند. این دیوار که یکی از عجایب عالم است، برای جلوگیری از حمله قبایل بیابانگرد به داخل چین ساخته شد.^۱

در سال ۲۴۶ ق.م در خاندان چه این، پسری سیزده ساله که به شی هوانگ تی شهرت داشت، به سلطنت رسید. شی هوانگ تی نوع نظامی زیادی داشت، به همین دلیل، طی چند پیروزی در جنگ توانست حکومت‌های کوچک را یکی پس از دیگری از میان بردارد و برخاک گسترده چین مسلط شود. او خود را نخستین امپراتور



دیوار بزرگ چین یکی از آثار تاریخی مشهور جهان به شمار می‌رود.

شی هوانگ تی دستور داد تمامی آثار مربوط به کنفوسیوس را نابود سازند؛ اما پس از مرگش دوباره اندیشه‌های کنفوسیوس علنی شد. از این رو، این اندیشه‌ها قرن‌ها در مدارس چین آموزش داده می‌شد.

شی هوانگ تی با اندیشه‌های کنفوسیوس^۲ به مخالفت پرداخت. کنفوسیوس از اندیشمندان بزرگ چینی است که چند صد سال پیش از شی هوانگ تی، می‌زیست و منشأ خدمات اجتماعی و فرهنگی بسیاری شد. در زمان شی هوانگ تی طرفداران کنفوسیوس زیاد شده بودند.

یک توضیح

علمی که اندیشه هضمش نکرده باشد، کاری بی‌فایده است؛ فکری که با علم همراه نباشد، خطرناک است^۳ (کنفوسیوس).

۱- Shi Huang ti = یعنی نخستین امپراتور مستقل چین

۲- عده‌ای نیز معتقدند شی هوانگ تی با ساختن دیوار بزرگ توده‌های مردم را مشغول نگه می‌داشت تا علیه او قیام نکنند.

۳- Confusius

۴- هنری لوکاس، تاریخ تمدن، جلد اول، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص ۵۸.



حکومت های کوچکی در گوشه و کنار چین شکل گرفتند.

فرهنگ و تمدن چین باستان

زندگی اجتماعی: بیشتر مردم چین را کشاورزان تشکیل می دادند که در روستاها ساکن بودند. اصلی ترین محصول آنان برنج بود. چینی ها زندگی بسیار ساده ای داشتند. در خانواده چینی، پدر حرمت و اقتدار زیادی داشت و با قدرت تمام بر زن و فرزندان فرمان می راند. داشتن فرزند پسر برای خانواده ها اهمیت زیادی داشت؛ زیرا پسران بهتر می توانستند در مزارع کار کنند. دهقان ها باید به سران حکومت ها مالیات می پرداختند و در صورت لزوم، کار مجانی انجام می دادند؛ مانند زمان شی هوانگ تی که دهقانان وقت زیادی صرف ساختن دیوار بزرگ کردند.

سلسله هان: با مرگ شی هوانگ تی، هرج و مرج چین را فرا گرفت. عده ای از مردم به کاخ او حمله ور شدند و آن را نابود ساختند. چندی بعد، سلسله هان^۱ در چین تشکیل شد. در زمان حکومت خاندان هان، راه ابریشم از امنیت و آبادانی برخوردار بود. در همین زمان، آیین بودا به چین نیز راه یافت. مبلغان بودایی با سفر به چین، بودایی گری را در آنجا گسترش دادند و به پیروان این آیین افزودند.

عاقبت هجوم های مکرر اقوام شمالی و نیز جنگ های داخلی موجب ضعف حکومت هان شد. در سال ۲۲۰ میلادی، این حکومت منقرض شد و تا ۴ قرن پس از آن، حکومت قدرتمند دیگری در چین پدید نیامد که بتواند تمام کشور را به زیر سلطه بکشد؛ در نتیجه،



نمایی از زندگی شهری در
چین قدیم

مهم ترین بخش شهر،
بازار آن بود که بازرگانان
و صاحبان جَرَف در آنجا
کالاهای خود را به نمایش
می گذاشتند.

یک توضیح

لی پو^۱ از شاعران مشهور چین است. سخنان او هنوز مورد توجه چینیان است. سوماچی پین^۲ نیز از مشهورترین مورخان چینی است که ده ها جلد کتاب درباره خاقان های چین نوشته است. لائوتزه^۳ و کنفوسیوس نیز عمیق ترین تأثیرات فرهنگی را در جامعه چینی باقی گذارده اند.

۱- Li Po

۲- Szuma chien

۳- Lao-tze

آموزش: خط چینی همچون خط‌های هیروگلیف، میخی و... از خط‌های باستانی است، ولی برخلاف آنها، طی قرون مورد استفاده قرار گرفته است و هنوز هم رواج دارد. در چین باستان، فرزندان دهقانان از آموزش محروم بودند و تنها فرزندان اشراف به مدارس فرستاده می‌شدند تا برای انجام کارهای حکومتی آماده شوند. در پایان تحصیل از آنان امتحانات جدی و سختی به عمل می‌آمد که تنها در صورت قبولی، مورد پذیرش قرار می‌گرفتند. برخی نیز برای

فرزندان خود معلم خصوصی می‌گرفتند. علوم و فنون: چینی‌ها از نخستین مردمانی هستند که به خوبی با سفالگری و فلزکاری آشنا بودند. بعدها نیز که حکومت‌های بزرگ پدید آمد، شهرهای بزرگ^۱ پر از دانشمندان و صنعتگرانی شد که در رشته‌های گوناگون تخصص داشتند. اختراع کاغذ و فن چاپ، قطب‌نما و باروت از افتخارات مردم چین است. ظروف چینی در عصر خود کم‌نظیر بود و نیز فن نساجی پیشرفت زیادی کرده بود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- درباره اسامی و اصطلاحات زیر توضیح دهید.
(الف) دراویدی‌ها
(ب) سانسکریت
(ج) وداها
- ۲- بودا در چه شرایطی ظهور کرد؟
- ۳- درباره آغاز و انجام حکومت موریای توضیح دهید.
- ۴- جلوه‌های مهم هنر و معماری هند باستان کدامند؟
- ۵- دستاوردهای مهم تمدن چین باستان چیست؟
- ۶- درباره حکومت سلسله «چه‌این» و سرنوشت آن، توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره روابط چین با هند باستان با ایران مطلبی تهیه کنید.
- ۲- با مطالعه درباره زندگی کنونی مردم هند یا چین، درباره تأثیرات میراث باستانی آنها بر زندگی امروزی‌شان، مطلبی بنویسید.
- ۳- عقاید بودا و کنفوسیوس را با یکدیگر مقایسه کنید.

۱- مانند بی‌بن لیانگ (کای فنگ کنونی) و لیان (هانگ چو کنونی)

سرزمین و مردم ایران قبل از آریایی‌ها

مقدمه

با نگاهی به نقشه کره زمین در می‌یابیم که بیشترین خشکی‌های کره زمین در نیمکره شمالی قرار دارد. کشور ما در جنوب غربی وسیع‌ترین خشکی نیمکره شمالی یعنی قاره آسیا واقع شده است. جایی که کشور ما در آن قرار دارد، به فلات ایران معروف است؛ یعنی منطقه وسیعی که از یک طرف به رود سند و از جانبی دیگر به رود فرات محدود می‌شود. نقش ارتباطی فلات ایران و مجاورت آن با دشت‌های وسیع و گسترده آسیا و اروپا، از ابتدای تاریخ توجه قبایل بیابانگرد و گله‌دار را به خود جلب کرده است. در نتیجه به عنوان محل استقرار و نیز گذرگاه اقوام مختلف درآمده است. اقوام دامداری که مهاجرت خود را در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد آغاز کردند، خود را آریایی می‌خواندند. تاریخ نویسان روزگار باستان نیز در نوشته‌های خود از نام آریایی‌ها یاد کرده‌اند. شاخه‌هایی از این قوم در فلات ایران استقرار یافتند و از آن پس نام این قوم برای محل استقرارشان به کار برده شد. کلمه ایران که امروز به کشور ما اطلاق می‌شود، ادامه همان نام اقوام آریایی است.



فلات ایران

ساکنان بومی فلات ایران قبل از آریایی‌ها

باستان‌شناسان با کشف آثار (ظروف، ابزارها، بناها) دریافته‌اند که فلات ایران از دیرباز محل سکونت اقوامی بوده که مراحل گوناگون زندگی را طی سده‌های مختلف سپری کرده‌اند. این اقوام، همانند دیگر ساکنان اولیه کره زمین، ابزارشان از سنگ و چوب ساخته می‌شد و در غار زندگی می‌کردند. سپس مرحله کوچ‌نشینی را پشت سر

گذاشتند، با کشاورزی آشنا شدند و در حدود ۹۰۰۰ سال پیش ساکن شدند؛ روستاها را ایجاد کردند و وارد مرحله تولید غذا شدند. اقوام بومی ایران، همانند دیگر تمدن‌ها با همسایگان خود روابط بازرگانی داشته‌اند و از اعتقادات خاصی برخوردار بوده‌اند. در جدول زیر با نام برخی از اقوام بومی ایران و محل استقرار آنها آشنا می‌شوید.

نام	محل استقرار	زمان و مسائل مهم
لولویی	بخش وسیعی از بالای رود دیاله تا دریاچه ارومیه	هزاره دوم قبل از میلاد - دامدار - نبرد طولانی با حکومت‌های میان دورود
گوتی	مجاور لولویی - آذربایجان و کردستان	هزاره دوم قبل از میلاد - دامدار - نبرد با میان دورود
کاسی (کاشی)	دامنه‌های زاگرس محل استقرار اولیه این قوم قبل از زاگرس احتمالاً منطقه جنوب غربی دریای خزر بوده است.	هزاره سوم قبل از میلاد - دامدار - در گل‌نوشته‌های آشوری محل استقرار کاسی‌ها را کار کاسی ^۱ یعنی شهر کاسیان می‌خواندند. کاسی‌ها به وسیله ایلامی‌ها منقرض شدند.
مانایی	آذربایجان کنونی	هزاره اول قبل از میلاد - دامدار - کشاورز - اولین اتحادیه علیه آشور را به وجود آوردند. آثارشان در سه منطقه زیویه ^۲ ، حسنلو ^۳ و فلایحی ^۴ به دست آمده است. ^۵

برخی به اشتباه، آغاز تاریخ ایران را از زمان مهاجرت آریایی‌ها می‌دانند. در حالی که امروزه معلوم شده است، قبل از مهاجرت آریایی‌ها به ایران، اقوام مختلفی در این سرزمین می‌زیسته‌اند و از حیث تمدن و فرهنگ پیشرفت‌هایی کرده بودند. در جدول بالا با برخی از این اقوام آشنا می‌شوید.

۱- نام اولیه همدان

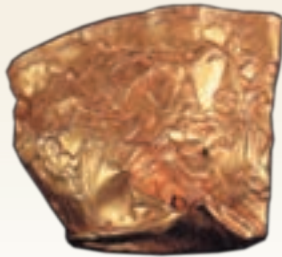
۲- ۵۴ کیلومتری جنوب شرقی سقز

۳- ۹ کیلومتری شمال شرقی نقده

۴- حومه بوکان

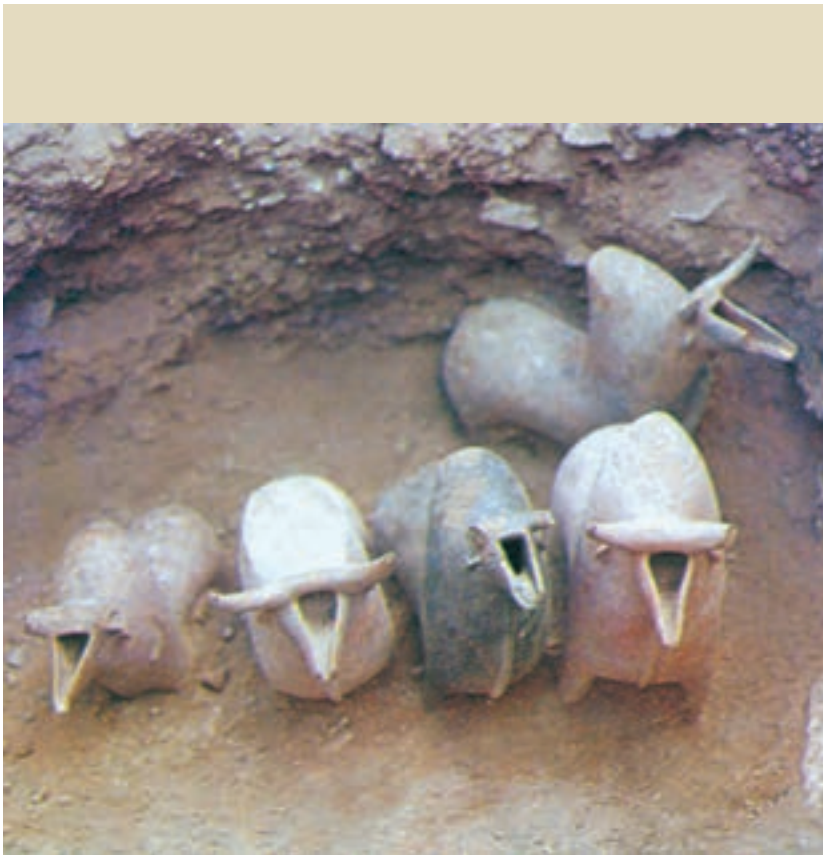
۵- آثار مانایی از نظر پیشرفت‌های فرهنگ و تمدن فلات ایران به خصوص مادها نقش تعیین‌کننده داشته و در مقابل حملات آشور جزو متحدین ماد بودند.

یک توضیح



پژوهشگران می‌گویند: نام شهرهای کاشان، قزوین (کسپین) و دریای کاسپین برگرفته از نام اقوام کاشی (کاسی) است.

جام حسنلو: کشف شده در تپه حسنلو واقع در حدود ۱۰ کیلومتری نقده در آذربایجان غربی



یکی از مراکز مهم تمدنی در ایران پیش از آمدن آریایی‌ها، تپه مارلیک در گیلان است. در تصاویر بالا، بعضی آثار به دست آمده در این مکان دیده می‌شود. سمت راست، نیم تنه طلایی یک فرمانروا و سمت چپ، چند مجسمه سفالی به شکل گاو کوهان دار است.

بوده‌اند، اما پس از اختراع چرخ کوزه‌گری، این کار به مردان سپرده شد و از آن پس به یک تخصص تبدیل گشت. در جدول صفحه بعد با نام برخی از مکان‌های استقرار دائم و ویژگی تمدنی اقوام بومی آشنا می‌شوید.

پژوهشگران معتقدند که مخترعان سفال، ساکنان فلات ایران بوده‌اند؛ زیرا در کشفیات باستان‌شناختی، قدیمی‌ترین نمونه‌های سفال، در مکان‌های مختلف ایران کشف شده است. زنان، سازنده اولین ظرف‌های سفالی

نام	محل	دستاوردها
۱- غرب (الف) تپه گوران	۶۰ کیلومتری جنوب شرقی کرمانشاه	ساخت ابزارهای تولید کشاورزی، خانه‌های گلی با خشت‌های دست‌ساز، استفاده از ظروف سفالی، دفن اموات در مناطق مسکونی.
(ب) تپه علی‌کش	نزدیک رود میمه در استان ایلام	کوچ‌نشینی و کشاورزی، خانه‌های گلی تک اتاقه، اشیایی که نشانگر روابط اقتصادی با مکان‌های دور دست است، استفاده از ظروف سفالی، دفن مردگان همراه با وسایل شخصی
(ج) تپه گنج‌دره	بین راه هرسین و کرمانشاه	ظروف سفالی، خانه‌های گلی و خشتی با دیوار و کف گاه‌گل اندود.
(د) تپه گیان	نزدیک نهاوند	ظروف سفالی با نقش‌های تزیینی، ظروف فلزی، خانه‌های گلی.
۲- شمال غربی (الف) گوی تپه	آذربایجان	ابزارهای مسی، ظروف سفالی با نقوشی از انسان، خانه‌های گلی
(ب) تپه سلدوز	جنوب دریاچه ارومیه و شرق نرده	ابزارهای کشت غلات، ظروف سنگی، بافت حصیر و سبید، ظروف سفالی، ساخت زیورآلات از رگه‌های مس طبیعی، خانه‌های گلی دو اتاقه، دفن مردگان در خارج مناطق مسکونی.
۳- فلات مرکزی (الف) تپه زاغه	بخش جنوبی دشت قزوین	ظروف سفالی، خانه‌های گلی و خشتی با چهار دیوار که یکی از دیوارها با خانه مجاور مشترک بود، دفن اموات همراه با زیورآلات شخصی.
(ب) تپه سیلک	نزدیک کاشان	ساخت سرمه از رگه‌های طبیعی مس، کوچرو و کشاورز، ظروف سفالی با نقوش سیاه، اختراع چرخ سفالگری و تولید انبوه سفال و صدور آن، کشف و ذوب فلز، ساخت زیورآلات مسی و قالب‌گیری، دفن مردگان با اشیای شخصی.
۴- شمال شرقی (الف) تپه سنگ چخماق (ب) تورنگ تپه	شمال شاهرود، نزدیک بسطام ۱۷ کیلومتری شمال شرقی گرگان	اشیای گلی، سفالی، استخوانی، شیشه، سنگ، خانه‌های گل‌اندود سه اتاقه، دفن مردگان با اشیای ظروف سفالی نقش‌دار و رنگ‌آمیزی شده، سفال لعاب‌دار با نقش‌های تزیینی
۵- شمال تپه مارلیک	گیلان، دره گوهر رود	گورستان سرداران و سلاطین آن منطقه، اشیای کنار مردگان معرف حرقه آنها بوده است ^۲ .
۶- جنوب شرقی (الف) کنار صندل (ب) شهر سوخته	۳۰ کیلومتری جیرفت ۷۰ کیلومتری زابل	ابزارهای ساخته شده از سنگ و سفال، بقایای یک بنای عظیم ظرف‌های سفالی، پارچه، خانه‌های گلی، مهر

۱- اقوام در دوره استقرار فصلی یا موقت فقط مدتی از سال را در یک منطقه ساکن می‌شدند، سپس به محل دیگر نقل مکان می‌کردند و پس از مدتی بازمی‌گشتند. در این رفت و آمد آثار انسانی در یک محل انباشته می‌شد و به صورت تل یا تپه درمی‌آمد.

۲- احتمالاً ساکنین مارلیک از اقوام باستانی آتردها بوده‌اند که در مقابل هجوم مکرر آشوری‌ها آن منطقه را ترک کرده و به سیلک مهاجرت کرده‌اند.



شهر سوخته



اشیای به دست آمده از یک قبر در شهر سوخته
(۲ تا ۳ هزار سال پیش از میلاد)

فکر کنید و پاسخ دهید:

با نگاه به جدول صفحه قبل، مشترکات این

تمدن‌ها را یک بار دیگر بیان کنید.

یک توضیح

در سال «۱۲۹۵ ش ۱» باستان‌شناسان محوطه وسیعی را در ۵۷ کیلومتری جاده زابل به زاهدان کشف کردند که شهر سوخته نام دارد و قدمتش به هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد می‌رسد. در کشفیات شهر سوخته بیشتر مهرهای گلی، پیکره‌های کوچک گلی حیوانات، اشیای زینتی از سنگ لاجورد، فیروزه و عقیق و قطعات چوبی که به یک نوع بازی شطرنج شباهت دارد به دست آمده است. از مهم‌ترین آثار کشف شده، لوحی به زبان ایلامی است. بنابراین، شهر سوخته مرکز ارتباطی غرب و شرق فلات بوده است.

کشاورز بودند.

بیشترین اطلاعات تاریخی تمدن ایلام از شوش^۴ به دست آمده است. دشت شوش که حاصل خیزش مدیون جریان رود دز است انبار واقعی گندم و میوه و محل تلاقی راه‌های مهم آن زمان بوده است. ایلامی‌ها کشورشان را هل تمّتی («سرزمین خداوند») می‌نامیدند. این تمدن به ایالاتی تقسیم می‌شد که هر کدام مستقل بودند، اما به هنگام حملات

تمدن ایلام: (هل تمّتی) ۳۰۰۰-۶۴۵ ق.م

آگاهی ما درباره ایلام در مقایسه با میان دورود بسیار اندک است، زیرا هنوز رموز زبان و خط ایلامی کشف نشده است. ایلام حفظ نام خود را مدیون تورات و برخی از گل‌نوشته‌های میان دورود است^۳. این سرزمین شامل دشت خوزستان، استان‌های فارس و بوشهر، قسمت‌هایی از کرمان، لرستان و کردستان می‌شد که مردم آن دامدار و

۱- ۱۹۱۶ میلادی

۲- Hal-tam-ti

۳- نام ایلام نخستین بار در نامنامه شاهان سومری آمده است.

۴- این شهر به مدت طولانی پایتخت قدیمی و مرکز سیاسی حکومت ایلام بود. کهن‌ترین آثار زندگی شهرنشینی نیز در همین شهر به دست آمده است.

همسایگان با یکدیگر متحد شده و در مقابل دشمن ایستادگی می کردند. شاهان ایلام برای جلوگیری از جدا شدن ایالات از طریق پیوندهای خانوادگی آنها را به خود وفادار می ساختند. این شیوه حکومتی تا سقوط دولت ایلام ادامه داشت.

ایلام سه دوره تاریخی را سپری کرده است.

۱- ایلام قدیم دورانی که از نظر سیاسی از میان دو رود ضعیف تر بود^۱.

۲- ایلام میانه زمان شکوفایی تمدن و اوج قدرت

ایلام که مورخان آن را عصر طلایی ایلام نامیده اند^۲.

۳- ایلام نو عصر رقابت سیاسی با آشور^۳.

ایلام میانه: رشد نیروی نظامی ایلام در عصر میانه، به گسترش قلمرو، رشد شهرها، شکوفایی معماری، هنر، ادبیات، صنعت و کسب ثروت انجامید.

گسترش قدرت ایلام موجب شد تا از نفوذ فرهنگ و تمدن بیگانه جلوگیری شود. به منظور تأکید بر خدای دینی ایلام، این شوشینک، خدای رسمی اعلام شد.

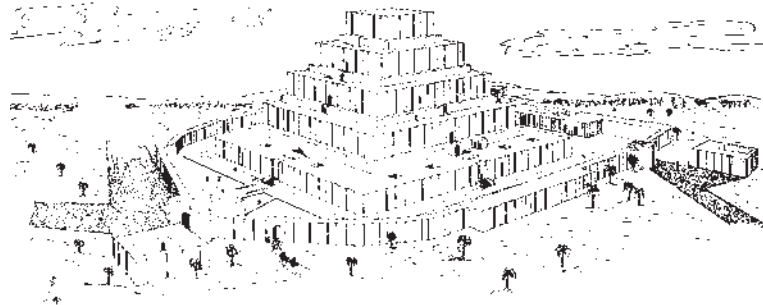


- ۱- از حدود ۱۹۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م
- ۲- از حدود ۱۴۵۰ تا ۱۱۰۰ ق.م
- ۳- از حدود ۹۰۰ تا ۶۴۵ ق.م

زوال حکومت ایلام : اقتدار حکومت ایلام دیری نپایید. به دلیل حمله‌های مکرر آشوری‌ها به سرزمین ایلام، پایتخت از شوش به شهرهای دیگر انتقال یافت. در اثر این حمله‌ها، شهرها یکی پس از دیگری ویران شد و حکومت ایلام سقوط کرد، اما دستاوردهای فرهنگی تمدن ایلام، به دوره هخامنشیان انتقال یافت.

فرهنگ و تمدن

دین : ایلامی‌ها مانند دیگر اقوام باستان، مظاهر طبیعت را می‌پرستیدند و اعتقاد داشتند که خدایان، دارای قدرت اسرار آمیزند و با قربانی کردن، می‌توان نظر آنها را جلب نمود. هنگام مراسم قربانی، موسیقی نواخته می‌شد و مردم با پای برهنه در مراسم شرکت می‌کردند.



زیگورات چغازنبیل. در تصویر بالا نمای بازسازی شده آن را می‌بینید.

شاتن‌ها مراسم دینی را برگزار می‌کردند و هنگام عبادت و نیایش در صف مقدم جای داشتند. ایلامی‌ها برای خدایان خود، مانند تمدن‌های میان‌دورود، معبد‌های چند طبقه می‌ساختند که یک نمونه آن، زیگورات چغازنبیل است. هنگام برگزاری مراسم دینی، نذرهایی پیشکش خدایان می‌شد.

مردم هر شهر در تلاش بودند تا پیکره خدای شهر حفظ شود. انتقال پیکره‌ها از شهری به شهر دیگر، نشانه ضعف آن بود. اعتقاد به زندگی پس از مرگ، دفن وسایل مورد نیاز همراه مردگان و جاری کردن آب (مایه حیات) در قبرها، به منظور رفع تشنگی مردگان، از مراسمی بود که ایلامی‌ها به آن اعتقاد داشتند.

موقعیت زنان : زنان ایلامی نسبت به زنان میان‌دورود از جایگاه و منزلت بالاتری برخوردار بودند. اعتقاد به نوعی جاودانگی برای زن که قابل احترام و حافظ نسب خانواده بود، پرستش الهه‌های مادر که در رأس خدایان ایلامی قرار داشتند، شتین‌های زن که رهبران دینی جامعه شمرده می‌شدند و نیز پذیرش حق ارث زنان و الزام فرزندان به ادای احترام فوق‌العاده به مادر، از نشانه‌های منزلت اجتماعی زنان در جامعه ایلامی است.

خط : ایلامی‌ها خط میخی رایج را از سومریان اقتباس کردند، هر چند خود خطی داشتند که هنوز برخی از علائم آن خوانده نشده است.

هنر و معماری : ایلامی‌ها در ساخت ظرف‌های سفالی، قیری، فلزی و مجسمه‌سازی، مهرسازی و نقش‌های برجسته روی سنگ مهارت بسزایی داشتند. از ویژگی‌های هنر ایلامی تزئین ظروف فلزی با بدن جانوران (ریتون) بود.

احتمالاً استفاده از آجرهای لعابدار (آبی و سبز رنگ) در بنا برای نخستین بار به وسیله آنان ابداع شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما وجه تشابهی بین دین ایلامی‌ها و

مردمان میان دو رود وجود دارد؟



پیکره ملکه ناپیر - اسو همسر اونتش گل قرن سیزدهم ق.م - بلندی ۱/۲۹ سانتی‌متر - عرض ۷۳ سانتی‌متر - جنس مفرغ در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود.



ظرف سفالی از گل پخته مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد. این ظرف که ارتفاع ۲۸/۵ سانتی‌متر و قطر دهانه آن ۱۶ سانتی‌متر است و در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود، مربوط به دوران اوج هنر سفال‌سازی در ایلام است. درباره تصاویر روی این ظرف و معنای استفاده از آنها مطلبی تهیه کنید.

تمدن جیرفت

در همان زمان که تمدن‌های سومر و ایلام دوران رونق و شکوفایی خود را می‌گذراندند، در مشرق ایران شهرهای آباد و باشکوهی وجود داشت که از حیث پیشرفت‌های علمی و صنعتی چیزی از شهرهای سومری و ایلامی کم نداشتند. کناره‌های هلیل‌رود از جمله مراکز تمدنی شرق ایران بوده که آثار و بقایای شهرهای آن در تپه‌های واقع در ۳۰ کیلومتری جیرفت، یافت شده است. بقایای ساختمان‌های مسکونی، مقبره‌ها و ظروف و ابزارهای سفالی و سنگی از جمله آثار کشف شده از این شهرهاست. از میان این آثار، ظروف و ابزارهای سنگی از جنس سنگ صابون که تصویر نمونه‌هایی از آنها را می‌بینید، زیباتر و چشمگیرترند. نقوش تزیین شده بر روی این آثار هنری از حیث دقت و زیبایی بسیار قابل توجه‌اند؛ به طوری که موجب شگفتی صاحب‌نظران و متخصصان هنر شده است. این نقوش شامل موضوعات مختلف می‌باشد، نظیر: عقاب، مار، پلنگ، شیر، بز کوهی، گاو، کاخ‌ها، باغ‌ها و موجوداتی که نیمی حیوان و نیمی انسان‌اند. همان‌گونه که در تصاویر می‌بینید، نبرد پلنگ با مار، مار با عقاب و اشتغال برخی حیوانات به گیاه‌خواری از جمله این نقوش است که با هنرمندی تمام ساخته شده‌اند. برخی از این صحنه‌ها برگرفته از مضامین

آنها چه نام داشته و میان آنها و سایر تمدن های آن عصر چه ارتباطی برقرار بوده است؟ از آنجا که آثار مکتوب قابل توجهی از این تمدن کشف نشده است، هنوز در این باره با اطمینان نمی توان سخن گفت. پژوهش های آینده به این گونه پرسش ها، پاسخ خواهد گفت.^۱

اسطوره ای اند. بر روی ظروف سفالی نیز تصاویر مختلفی وجود دارد. یکی از مهم ترین بناهای کشف شده، بقایای ساختمانی است که برخی باستان شناسان معتقدند کاخ پادشاه بوده است.

مردمان تمدن جیرفت و نواحی دور و نزدیک آن، که در مسیر هلیل رود می زیسته اند، چه کسانی بوده اند؟ حاکم



نمونه هایی از آثار یافت شده در ۳۰ کیلومتری جیرفت

پرسش های نمونه

- ۱- درباره موقعیت جغرافیایی ایران و اهمیت آن توضیح دهید.
- ۲- با توجه به مطالب درس پیش از تاریخ، دوره های مختلف زندگی قدیمی ترین ساکنان فلات ایران را توضیح دهید.
- ۳- محدوده جغرافیایی ایلام باستان را بیان کنید.
- ۴- ایلامی ها به هنگام اجرای مراسم مذهبی چه اعمالی انجام می دادند؟
- ۵- تمدن جیرفت همزمان با چه تمدن هایی بوده است؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره اثرات فرهنگی و تمدن میان دو رود بر ایلام مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد آثار تاریخی ایلام در شوش گزارشی تهیه کنید.
- ۳- در مورد زیگورات چغازنبیل مطلبی تهیه کنید.

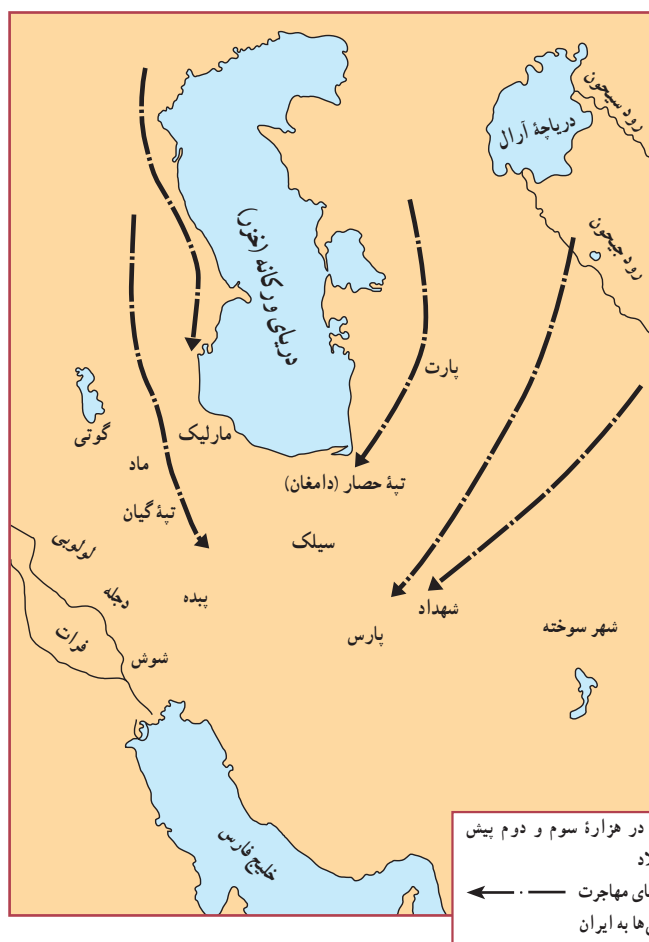
۱- برای مطالعه بیشتر در این باره رک به: جیرفت، کهن ترین تمدن شرق ایران نوشته یوسف مجیدزاده و حفاریات باستان شناسی در تپه های کنار صندل جیرفت، اداره کل میراث فرهنگی استان کرمان.

تلاش برای زیستن؛ آریایی‌ها از مهاجرت تا تشکیل حکومت

مقدمه

در درس قبل با گروه‌های انسانی ساکن در ایران، مراحل زندگی و محل تجمع شان آشنا شدید.

در این درس با اقوام آریایی و تشکیل نخستین حکومت آنان آشنا می‌شوید.



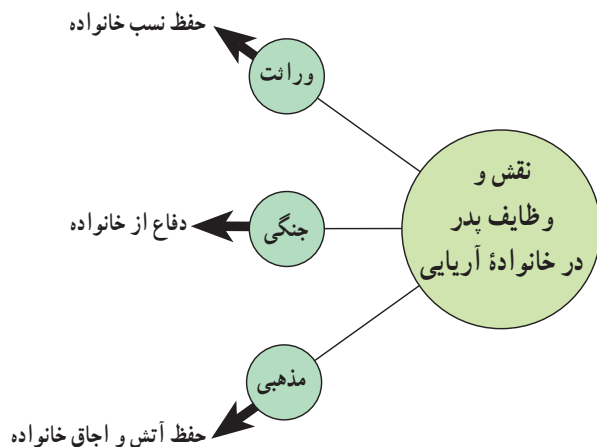
سرزمین اولیه آریایی‌ها

گروه‌هایی از آریایی‌ها در حدود ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد وارد ایران شدند. محل تجمع اولیه آریایی‌ها را، علفزارهای اوراسیا دانسته‌اند. مهاجران آریایی پس از ورود به سرزمین ایران به سه گروه تقسیم شدند و در سمت غرب، شمال شرق و جنوب ایران، راه خود را ادامه دادند. آنان در مسیر حرکت خود با اقوام بومی روبه‌رو شدند که از تمدن دیرینه‌ای برخوردار بودند و کشاورزی می‌کردند. (در درس قبل به نام اقوام بومی و محل استقرار آنها اشاره شده است). آریایی‌ها، اقوام بومی را مطیع خود کردند و دانش‌های آنان را آموختند. آریایی‌ها با استفاده از اسب و ارابه به حرکت خود سرعت بخشیدند و بر بومیان مسلط شدند. آنان سه حکومت ماد، هخامنشی و اشکانی را ایجاد کردند.

۱- دشت‌های آسیای مرکزی، شمال قفقاز، شبه جزیره کریمه، اروپای شمالی

یک توضیح

سرزمین کم‌آب ایران، آریایی‌ها را وادار کرد تا آب را از اعماق زمین بیرون بکشند و حفر قنات را در تاریخ بشر به نام خود ثبت کنند.

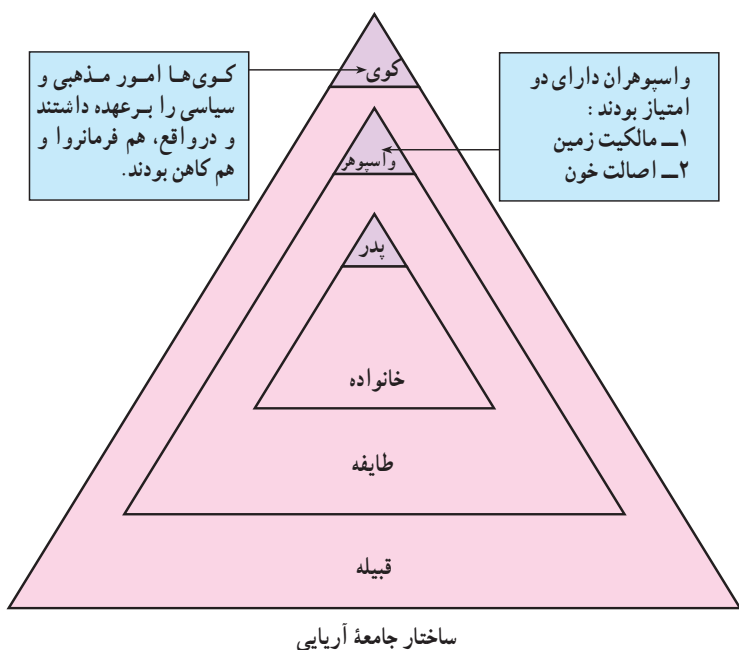


فکر کنید و پاسخ دهید:
به نظر شما چه عواملی ممکن است موجب مهاجرت آریایی‌ها شده باشد؟

نخستین ساختار اجتماعی

پژوهشگران معتقدند که مشکلات معیشت گله‌داری و مبارزه دائم با طبیعت اقوام آریایی را سخت‌کوش، پرتاقت، با انضباط و درستکار ساخته بود. آنان پس از ورود به ایران بومیان را مطیع کردند و دانش‌های آنان را در زمینه کشاورزی و غیره آموختند.

پس از مدتی کوی‌ها که رئیس قبیله‌ها بودند، ثروت و قدرت بسیار به دست آوردند و علاوه بر فرمانروایی، مراسم دینی قبیله را نیز برگزار کردند. این فرمانروایان کاهن، در شرق فلات ایران سلسله‌کیانیان را تشکیل دادند که سرزمینشان پیوسته مورد حمله بیابانگردان بود. فردوسی جنگ‌های طولانی آنان را در شاهنامه به نظم کشیده است. اقتصاد جامعه آریایی شبانی و روستایی بود. در چنین جامعه‌ای مردم به سه گروه دامدار، روحانی و جنگ‌آور تقسیم می‌شدند.



ساختار جامعه آریایی

اعتقادات آریایی‌ها

اعتقادات آریایی‌ها، با مردم آن روزگار تفاوت چندانی نداشت. آنان برای جلب رضایت ایزدان خوب و دور کردن خشم ایزدان بد، حیوانات را قربانی می‌کردند. اجرا کنندگان آداب دینی، مَغ نام داشتند که با گذشت زمان، اندیشه‌های دینی را بیش از پیش با خرافات آمیختند. مَغ‌ها به مردم القا می‌کردند که زندگی آنها اسیر نیروهای خارق‌العاده طبیعت است و تنها آنها قادر به مهار کردن نیروهای خارق‌العاده‌اند. در چنین شرایطی زردشت ظهور کرد.^۱

آموزه‌های زردشت: زردشت پرستش ایزدان متعدد، خرافه پرستی و قربانی کردن حیوانات را که به گله‌داری آسیب می‌رساند از میان برداشت. او پرستش اهورامزدا پروردگار یکتا و بی‌همتا را گسترش داد. طبق آموزه‌های زردشت، در جهان دو نیرو دخالت داشتند:

اصل خیر و نیکی و اصل زشتی و بدی. نور و روشنایی، جانداران مفید، راستی و درستی به وسیله اصل خیر و نیکی و تمام زشتی‌ها، بیماری‌ها، و بدی‌ها به وسیله اصل بدی رواج داشتند. او با این آموزه‌ها، نگرش جامعه را نسبت به هستی تحول بخشید و مردم را به اجرای کارهای نیک، و دوری از کارهای ناروا فراخواند. زردشت مردم را به پیروی از سه اصل پندار، گفتار و کردار نیک دعوت کرد؛ سه اصلی که موجب سعادت دنیوی و اخروی می‌شد. مجموعه دستورات دینی او، در کتاب او ستا جمع‌آوری شده است. آیین زردشت، نظام جامعه آریایی را تغییر داد و به طبقه

کشاورز در کنار دو طبقه جنگ‌آور و روحانی اهمیت داد. آداب دینی پیروان زردشت را، موبدان برگزار می‌کردند. آنان مجریان مراسم مذهبی و آموزگاران دوران خود بودند و به مردم، دانش‌های دوران خود را آموزش می‌دادند.

آریایی‌ها از اتحاد تا تشکیل حکومت: آریایی‌های ساکن غرب ایران، ماد خوانده می‌شدند و نام آنان برای نخستین بار در الواح گلی آشوری آمده است. ماد هم نام مکان و هم نام قبایل آریایی بود که در حدود آذربایجان کنونی زندگی می‌کردند و به پرورش اسب شهرت داشتند. استفاده از اسب نشانه توانایی اقوام مادی بود و با بهره‌مندی از این امتیاز توانستند دولت نیرومند آشور را منقرض کنند.^۲ آشوریان که به منابع فلز دامنه‌های زاگرس نیاز داشتند، به دفعات مسکن قبایل ساکن در زاگرس را مورد حمله قرار دادند تا آنکه اقوام مختلف در برابر تجاوزهای آنان متحد شدند و بعدها دولت ماد از درون این اتحادیه سر برآورد.

تشکیل حکومت ماد: همان‌طور که در ساختار اجتماعی آریایی خواندید، رؤسای قبایل روستاها را اداره می‌کردند. یکی از رؤسای قبایل، دیاکو نام داشت که به تدبیر و کاردانی مشهور بود. او در مقابل حملات آشور رؤسای قبایل مختلف را به تشکیل اتحادیه دعوت کرد،^۳ اما آنان از ترس انتقام آشور، از شرکت در اتحادیه خودداری کردند و در حالی که به آشور باج می‌پرداختند، همچون قبایل دیگر برای مکان استقرار خود قلعه‌های مستحکم می‌ساختند. دیاکو^۴ در مدت پنجاه سال ریاست

۱- یکی از پژوهشگران، زمان تولد و مرگ زردشت را یکی از این تاریخ‌ها می‌داند:

(۱) ۶۳۰ تا ۵۵۳ ق.م. (۲) ۶۲۸ تا ۵۵۱ ق.م. (۳) ۶۱۸ تا ۵۴۱ ق.م. - علاوه بر این، تاریخ‌های دیگری را نیز حدس زده‌اند.

۲- ۶۰۶ ق.م.

۳- قوم ماننا که در دامنه‌های زاگرس ساکن بودند، قبل از مادها نخستین اتحادیه را تشکیل دادند.

۴- دیاکو برای اتحاد، رؤسای قبایل را به مقر ریاست خود هگمتانه (هنگمن، انجمن به معنای محل گرد آمدن) دعوت کرد. نام یونانی هگمتانه، اکباتان بود.

فاتح آشور: از آن پس، سرزمین ماد به مدت ۲۸ سال به دست سکاها افتاد. چون هُوخْشْتَرَه جانشین فرَوَرْتِش، قدرت مقابله با اقوام بیابان گرد را نداشت، به ناچار، با آنان صلح کرد. سکاها با تاخت و تاز خود ویرانی‌های بسیاری به جا گذاشتند. در این فرصت، هُوخْشْتَرَه که مدیری قابل و سرداری فاتح بود قدرت نظامی‌اش را افزایش داد و باروش‌های جنگی سکاها نیز آشنا شد. سرانجام، رؤسای آنان را به یک میهمانی دعوت کرد و همگی را کشت. او حکومت ماد را دوباره احیا کرد و با تشکیل اتحادیه‌ای قوی از حکومت‌های کوچک و بزرگ مستقر در فلات ایران که پیوستگی فرهنگی داشتند به سراغ دشمن خود آشور رفت. بابل دشمن دیگر آشور نیز به این اتحاد پیوست و به قدرت آشور خاتمه داده شد (۶۱۲ ق.م). با سقوط نینوا هُوخْشْتَرَه تسلط آشور بر سراسر آسیای غربی را برانداخت. شاه ماد برای کسب

خود تلاش کرد اقوام را با یکدیگر متحد کند و سرانجام فرزندش فرَوَرْتِش توانست به این هدف دست یابد. او با تقویت نیروی نظامی با آشور به مقابله پرداخت، اما سرانجام در جنگ با سکاها کشته شد.



شیر سنگی در همدان یکی از معدود آثار به‌جا مانده از دوره مادها

یک توضیح

هرودت مورخ یونانی که به پدر تاریخ معروف است، می‌نویسد: آشوری‌ها در آسیای علیا پانصد سال حکومت کردند و اولین مردمی که سر از اطاعت آنها پیچید، مادها بودند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چه عاملی در تشکیل حکومت ماد

مؤثر بود؟

ثروت و درآمد، سفر جنگی خود را به سمت آسیای صغیر آغاز کرد؛ جایی که شهرهای ثروتمند داشت و لودی‌ها بر آن فرمان می‌راندند. نیروی نظامی ماد و لودیه در کنار رود هالیس (قزل ایرماق امروزی) با یکدیگر روبه‌رو شدند. نبرد بی‌حاصلشان پس از پنج‌سال و با وساطت بابل به صلح انجامید و رود قزل ایرماق، مرز مشترک دو کشور شد.

۱- کشوری در مغرب آسیای صغیر که مردم آن آریایی بودند و پایتختش شهر معروف سارد بود.

هوخشتره نخستین فرمانروایی بود که سپاهش را بر حسب نوع سلاح تقسیم کرد.



ایران در زمان مادها

چرا حکومت ماد منقرض شد؟

پرداخت. شاه ماد با بی توجهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی به سلطنت ظالمانه خود ادامه می داد. سرزمین ماد به چندین ایالت تقسیم شده بود و توسط والیان اداره می شد. یکی از ایالت ها، انشان نام داشت که حاکم آن با دختر شاه ماد، ازدواج کرد. تولد

فتح آشور موجب قدرت یافتن و ثروتمند شدن گروهی از بزرگان و فرماندهان نظامی ماد شد. هوخشتره پس از صلح با لودیه، جان سپرد و جانشین او ازدهاک به تقلید از دربار آشور، با تجمل و شکوه به حکومت

دین مادها

مادها پیرو آیین مغان بودند. مغان که جمع مَغ است، روحانیون جامعهٔ ماد بودند. آنان مراسم مذهبی مادها را با روشن کردن آتش بر فراز کوه‌ها، انجام می‌دادند. هر چند مادها به خدای یکتا که آن را **اهورامزدا** می‌نامیدند، اعتقاد داشتند، اما مغان مراسم مذهبی را با اعتقاد به جادو و خرافات، آمیخته بودند، تا آنکه یکی از مغان به نام زردشت علیه خرافات و جادوگری به مبارزه برخاست.

کوروش (بنیانگذار سلسلهٔ هخامنشی) حاصل این ازدواج بود. کوروش که شاهد نابسامانی حکومت ماد بود، بزرگان دربار ماد را به سوی خود جلب کرد و با پادشاه بابل نیز روابط نزدیکی برقرار نمود. اتحاد بزرگان ماد با کوروش، ازدهاک را به وحشت انداخت. وی چاره‌ای اندیشید و کوروش را به دربار خود احضار کرد، اما کوروش از رفتن به دربار ماد خودداری کرد. فرماندهان نظامی ماد که برای سرکوبی کوروش فرستاده شده بودند، به او پیوستند. کوروش با لشکر کشی به هگمتانه به حکومت ماد خاتمه داد (۵۵۰ ق.م).

پرسش‌های نمونه

- ۱- موقعیت جغرافیایی ایران چه تأثیری بر زندگی مهاجران آریایی داشت؟ توضیح دهید.
- ۲- پیامدهای اصلاحات زردشت در اعتقادات آریایی‌ها را توضیح دهید.
- ۳- دورهٔ حکومت کدام شاه مادی را از نظر تاریخی مهم می‌دانید؟ چرا؟
- ۴- مهم‌ترین دستاورد حکومت ماد چه بود؟
- ۵- با مروری بر مطالب تاریخ حکومت ماد علل انقراض آن را بیان کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- مطلبی در مورد زندگی و اندیشه‌های زردشت تهیه کنید.
- ۲- دربارهٔ مشخصات شهر هگمتانه در زمان مادها مطلبی تهیه کنید.
- ۳- نقشهٔ جغرافیایی ایران عصر ماد و هخامنشی را مقایسه و تفاوت‌ها و اشتراکات آن را مشخص کنید.

هخامنشیان

مقدمه

در درس قبل با چگونگی انقراض حکومت ماد آشنا شدید. حال با چگونگی تشکیل بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان - یعنی امپراتوری هخامنشی - و تحولات سیاسی و فرهنگی این عصر آشنا می‌شوید. امپراتوری‌ای که شیوه‌کشورداری آن، در قرن‌های بعد مورد تقلید بسیاری از فرمانروایان شرق و غرب قرار گرفت امروزه نیز مورخان بزرگ دنیا با علاقه‌مندی بسیار به مطالعه جلوه‌های گوناگون آن می‌پردازند.



چشم اندازی از تخت جمشید
مجموعه بناهای تخت جمشید هنوز
به عنوان یکی از شاهکارهای
معماری و هنری ایران و جهان
شناخته می‌شود. در تصویر بالا
(سمت راست)، نقاشی خیالی‌ای که بر
مبنای آثار به‌جا مانده در تخت جمشید
کشیده شده است، دیده می‌شود. در
سمت چپ نیز یک لوحه طلایی که در
تخت جمشید یافت شده، می‌بینید.

یک فرمانروای خوش نام

خواندید که کورش، نوه آخرین پادشاه ماد بود و با همراهی فرماندهان مادی توانست قدرت را به دست گیرد و سلسله هخامنشی را تأسیس کند. کورش در میان پادشاهان دنیای قدیم و جدید، ویژگی‌های خاصی داشت که بدان مشهور است و می‌توان همه آنها را در خردمندی خلاصه کرد. او به خوبی می‌دانست با اقوام و ملت‌های مختلف چگونه رفتار کند؛ به همین دلیل، شیوه فرمانروایی او با شیوه حکمرانی پادشاهانی که تا آن زمان بر مردم دنیا حکومت کرده بودند تفاوت داشت.

با انتشار خبر سقوط حکومت ماد، فرمانروایان لودییه (در ترکیه امروزی) و بابل (در عراق امروزی) به طمع افتادند که قسمت‌هایی از قلمرو مادها را تصرف کنند. پادشاه لودییه - که ادعای خویشاوندی با مادها داشت - با فرمانروایان بابل و مصر و نیز سایر حکمرانان آسیای صغیر متحد شد و درصدد ضربه زدن به کورش برآمد. کورش نیز پس از آگاهی از این اتحاد با سرعت به سوی سارد، پایتخت لودییه، حرکت کرد و حکومت لودییه و حکومت شهرهای آسیای صغیر را شکست داد. با تسلط بر این شهرها - که از راه تجارت، بسیار ثروتمند شده بودند - حکومت هخامنشیان تقویت شد.

هدف بعدی کورش، بابل، پایتخت حکومت کلدیه، بود. در این زمان، نبونید بر بابل فرمان می‌راند. بابل شهری آباد، وسیع و در واقع، بزرگ‌ترین شهر آسیا بود که مردمانی از اقوام گوناگون در آن می‌زیستند. با این حال، همه چیز برای سقوط آن فراهم بود؛ مثلاً: نبونید شایستگی حکومت بر مردم بابل را نداشت و آنان را از خود رنجانده

بود، به‌ویژه، بی‌احترامی او نسبت به مردوک خدای مورد احترام بابلیان، کاهنان بابلی را آزرده بود؛ از طرفی، با اینکه بابل شهری بزرگ و آباد بود، ولی اختلاف طبقاتی در آن بسیار بود؛ در حالی که گروهی اندک از درباریان و تاجران در ناز و نعمت و فساد و تجمل‌پرستی غرق بودند، بیشتر مردم زندگی فقیرانه‌ای داشتند (این عوامل را هنگام مطالعه سقوط حکومت هخامنشی به خاطر داشته باشید). نبونید نیز در ماجرای همراهی با پادشاه لودییه بهانه حمله به بابل را به کورش داده بود. کورش در حمله به بابل نیز کامیاب بود. در عین حال، رفتار او هنگام غلبه بر دشمن با فرمانروایان آن دوره فرق داشت. در آن زمان با سقوط یک شهر به دست دشمن، مردم قتل عام می‌شدند و به‌ویژه، خدایان مورد احترام آنان مورد اهانت قرار می‌گرفتند. کورش ضمن خودداری از این‌گونه کارها، به اقوامی که طی حمله فرمانروایان قبلی بابل، اسیر و به بردگی گرفته شده بودند اجازه داد به وطن خود بازگردند.



مقبره کورش در پاسارگاد

فکر کنید و پاسخ دهید:

با استفاده از آنچه در دوره راهنمایی خوانده‌اید،

بگویید فرجام کورش چگونه بود؟

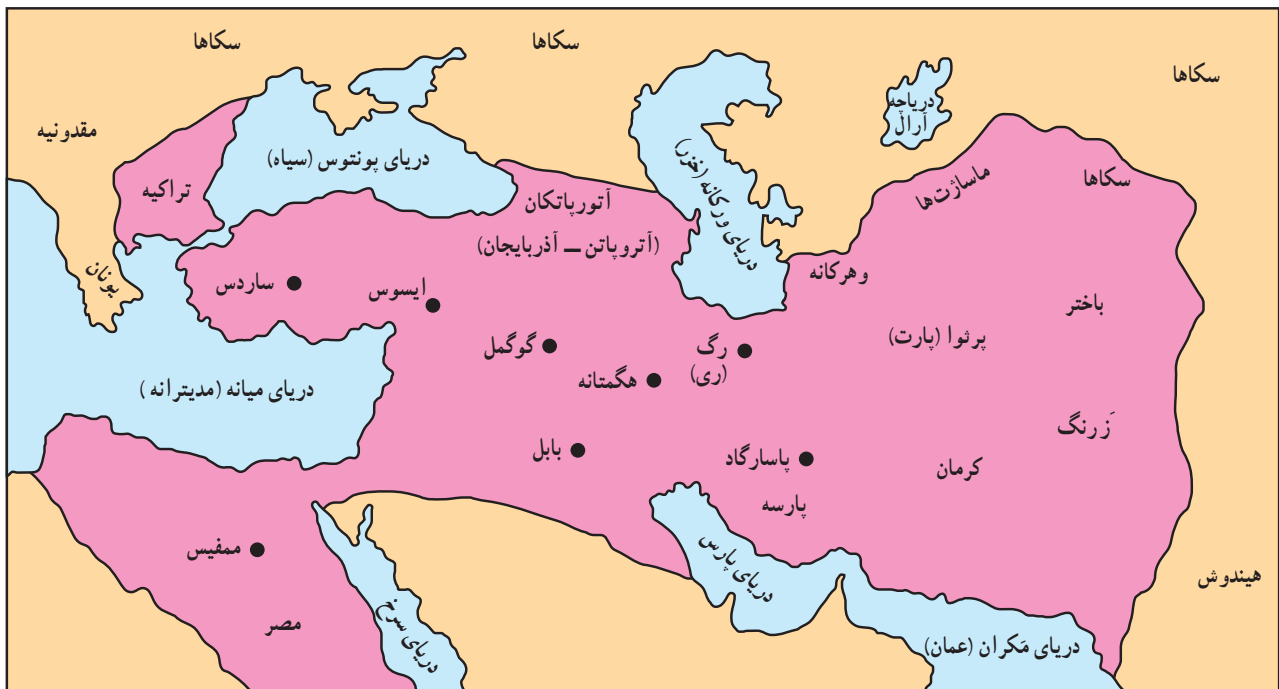
آیا قول دیگری در این باره شنیده‌اید؟

کمبوجیه، فاتح مصر

هجوم ببرند اما حملهٔ ایرانیان از خشکی آنان را غافلگیر ساخت و در نهایت، کمبوجیه توانست مصر را فتح کند. فتح مصر برای ایرانیان اهمیت زیادی داشت. آنان در پی فتوح زمان کورش، اکنون توانسته بودند بر یکی دیگر از دولت‌های مشهور جهان پیروز شده و بر سرزمین‌های وسیعی مسلط شوند.

در آغاز، برخورد کمبوجیه با مصریان شبیه برخورد کورش بود. او به آداب و رسوم مصریان احترام گذاشت و دین آنان را گرامی داشت. به همین دلیل، با مقاومت سرسختانهٔ مصری‌ها روبه‌رو نشد. کمبوجیه در صدد تصرف قسمت‌های دیگر آفریقا بود اما خبرهایی که از ایران رسید او را ناگزیر به بازگشت کرد. او ابتدا فرمانروایی ایرانی برای مصر تعیین کرد، سپس راه بازگشت در پیش گرفت اما پیش از رسیدن به ایران مرد. مشهور است که از شنیدن خبرهای مربوط به بردیا - که در ادامه خواهید خواند - دچار خشم شدیدی شد و خودکشی کرد.

پس از کورش پسرش، کمبوجیه، جانشین او شد. اقدام مهم کمبوجیه حمله به مصر بود. بهانهٔ کمبوجیه این بود که فرعون مصر او را به دامادی نپذیرفته بود، اما انگیزهٔ واقعی وی از این حمله عبارت بود از همدستی فرعون مصر با پادشاه لودیه در ماجرای توطئهٔ حمله به ایران (در زمان کورش) و نیز ثروت بیکران مصر. مصر کشوری بزرگ و دارای تمدنی با شکوه با دانشمندان و صنعتگران مشهور بود، اما این کشور نیز همچون بابل دچار نابسامانی داخلی بود. در این سفر جنگی، فرعون مصر تصور می‌کرد ایرانیان از راه دریا به این سرزمین



قلمرو حکومت هخامنشی در دورهٔ داریوش اول

افسری که بزرگ‌ترین امپراتوری جهان را سازمان داد
 هنگامی که سپاهیان کمبوجیه به ایران رسیدند، اوضاع ایران آشفته بود. در غیاب کمبوجیه، فردی به نام بردیا، خود را برادر کمبوجیه و جانشین حقیقی کوروش اعلام کرده بود. او با بخشش مالیات‌ها توانسته بود حمایت برخی از حکمرانان را به خود جلب کند. از طرفی، برخی از ایالت‌های دور و نزدیک سر به شورش برداشته بودند. در چنین شرایطی، یکی از جوانان خاندان هخامنشی به نام داریوش، توانست بزرگان خانواده‌های هخامنشی را با خود همراه سازد. آنان برای تصرف قدرت با هم متحد شدند. داریوش نخست با حمله به محل سکونت بردیا، او را به قتل رساند. سپس شورش‌ها را سرکوب کرد. او طی دو سال به عملیات نظامی وسیعی دست زد که طی آن ۱۹ جنگ صورت گرفت و ۹ پادشاه محلی به قتل رسیدند. در برخی از این سفرهای جنگی، داریوش خود شرکت داشت و در برخی دیگر، فرماندهان مورد اعتمادش را می‌فرستاد. او خود به مصر رفت و شورش آنجا را فرو نشاند. همچنین

شمال هند را به امپراتوری خود ضمیمه کرد. داریوش شرح بیشتر این لشکرکشی‌ها را در کتیبه بیستون به یادگار گذاشته است. این کتیبه با خط میخی نوشته شده و از قدیمی‌ترین متن‌های تاریخی جهان است که در نگارش تاریخ هخامنشیان کمک بسیاری به مورخان کرده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

هدف داریوش از ایجاد کتیبه بیستون چه بود؟

داریوش در سال‌های پایانی عمر خود به یونان لشکرکشی کرد. در این زمان، بخش بزرگی از آسیای صغیر جزو قلمرو ایران بود. با این حال، تعدادی از فرمانروایان آن نواحی سر به شورش برداشته بودند. در این شورش، شهرهای یونانی – که مشهورترین آنها آتن^۱ و اسپارت^۲ بودند – دست داشتند. در این سفر جنگی، داریوش به تنبیه شورشیان پرداخت. هنگامی که سپاهیان او به نزدیکی آتن رسیدند، مردم آتن به پایداری پرداختند. در این جنگ که به جنگ ماراتن^۳ معروف است، آتنی‌ها



کتیبه بیستون یکی از مهم‌ترین آثار به‌جامانده از دوره هخامنشیان است که در آن مطالبی از زبان داریوش اول (بزرگ) درباره چگونگی به سلطنت رسیدن وی و قسمت‌های مختلف قلمرو هخامنشی در زمان او نوشته شده است.

۱_ Athen

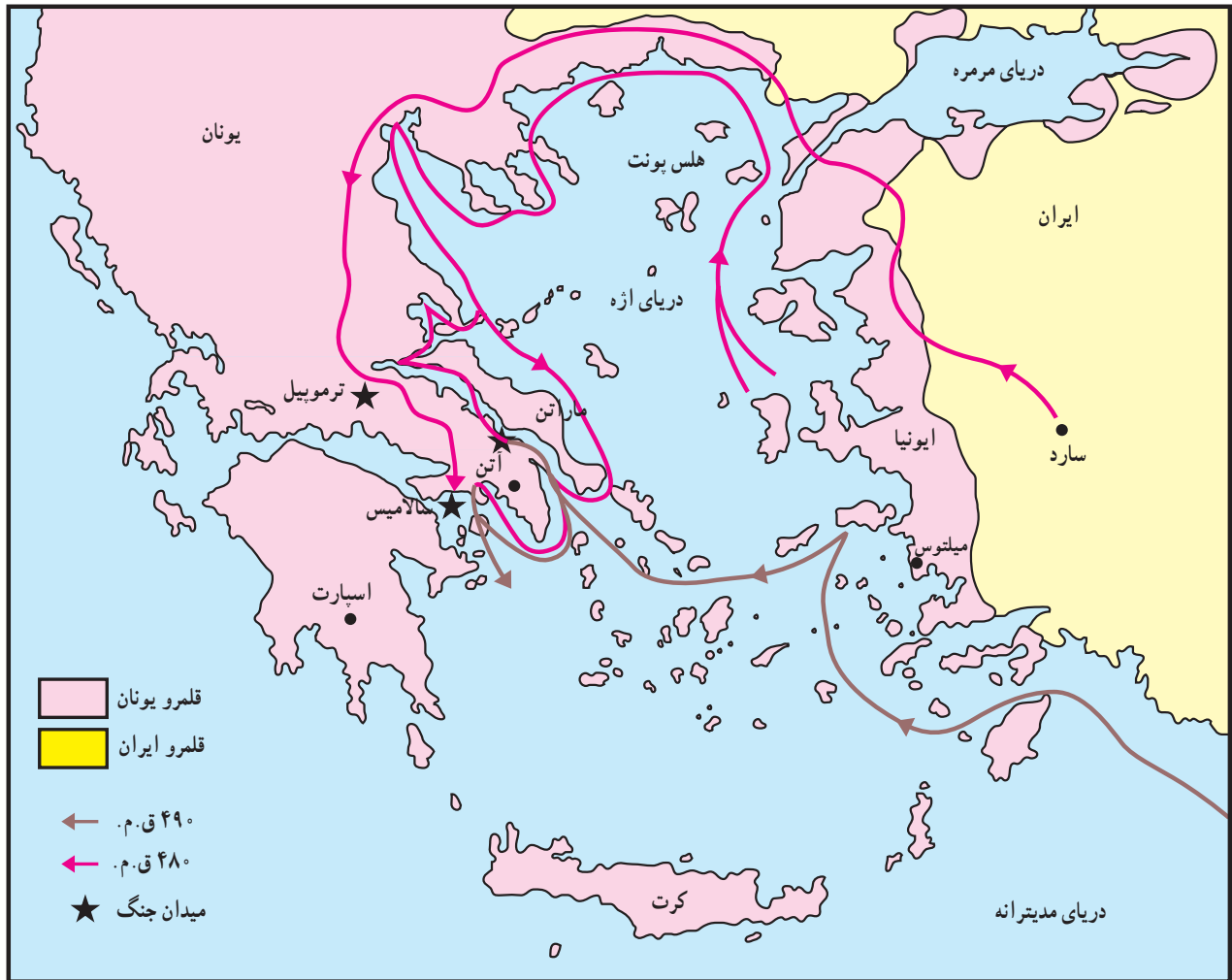
۲_ Sparta

۳_ Marathon



جام طلایی، یکی از زیباترین آثار به جا مانده از دوره هخامنشی است.

توانستند از سقوط شهرشان جلوگیری کنند. داریوش به سپاهیان دستور داد که باز گردند. او قصد داشت سال بعد دوباره به یونان لشکرکشی کند، اما بعد از مدتی، مرد آتنی‌ها از اینکه توانسته بودند شهر خود را از فتح شدن برهاند بسیار خوشحال شدند و شادمانی کردند. مورخان یونانی نیز این حادثه را به عنوان شکست داریوش قلمداد کردند و در کتاب‌های خود در توصیف آن اغراق بسیار کردند.



جنگ‌های ایران و یونان

از مرگ داریوش تا انقراض سلسله هخامنشی

همزمان با روی کار آمدن خشایارشا، پسر و جانشین داریوش^۱، شورش‌هایی در مصر و بابل رخ داد که هخامنشیان آنها را سرکوب کردند. سپس خشایارشا تصمیم گرفت نقشه پدر را برای حمله دوباره به یونان عملی سازد. او برای این کار سپاه بزرگی به راه انداخت. خشایارشا در نبردهای زمینی پیروز بود؛ اما در نبرد دریایی به نام سالامیس توفیق چندانی نداشت. از آن پس، خشایارشا بیشتر اوقات خود را به خوشگذرانی مشغول شد و عاقبت به دست یکی از درباریان به قتل رسید. دربار هخامنشی نیز بیش از پیش از پیش کانون توطئه‌ها و رقابت‌های درباریان شد. در زمان داریوش دوم، همسرش پروشات (پریزاد) قدرت و نفوذ زیادی در شاه داشت، به همین دلیل، در تصمیم‌گیری‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کرد. از وقایع مهمی که او در آن دست داشت، لشکرکشی کوروش کوچک برای به چنگ آوردن قدرت بود؛ داریوش دوم پیش از مرگ، پسرش اردشیر (دوم) را به جانشینی انتخاب کرد اما پسر دیگرش به نام کوروش کوچک که در آسیای صغیر حکومت داشت، به این انتخاب راضی نبود. بعد از مرگ داریوش دوم، کوروش کوچک ضمن همفکری و هماهنگی با مادرش، با سپاهی که بیشتر آنان یونانی بودند به سوی پایتخت به راه افتاد؛ اما در جنگی که رخ داد شکست خورد و کشته شد.

در زمان اردشیر دوم، یونان که دچار ضعف و انحطاط شده بود، توسط فیلیپ مقدونی، حاکم مقدونیه، فتح شد. در زمان جانشین او – یعنی اردشیر سوم – بسیاری از افراد خاندان هخامنشی کشته شدند که موجب ضعیف شدن حکومت هخامنشی شد. در زمان داریوش



هخامنشیان

سوم، اختلافات داخلی، تن‌پروری و سستی بر هخامنشیان غلبه داشت و دیگر از شور و شجاعت سال‌های پیش چیزی نمانده بود. در چنین شرایطی، اسکندر مقدونی در چند جنگ هخامنشیان را شکست داد و در شهرهای ایران کشتار زیادی به راه انداخت. جانشینان اسکندر در ایران سلوکیان بودند که مدتی بر کشور ما فرمان راندند و سرانجام، توسط اشکانیان به تدریج بیرون رانده شدند.

آریوبرزن

در جریان حمله اسکندر به ایران، هنگامی که او و سپاهیان به کوهستان‌های غرب فارس رسیدند با حمله آریوبرزن و یارانش روبه‌رو شدند. آریوبرزن از بالای کوه‌ها راه را بر سپاه اسکندر بسته و با پرتاب تخته‌سنگ‌های عظیم، آنان را در وضعیت سختی گرفتار کرده بود اما اسکندر به راهنمایی فردی یونانی که در جنگ‌های قبل به اسارت ایرانیان درآمده بود، توانست راه صعود از کوه را بیابد. پس اسکندر سپاهی را برای جنگ با ایرانیان روانه کرد. آریوبرزن و یارانش شجاعانه در برابر آنان جنگیدند؛ اما چون تعدادشان از دشمن بسیار کمتر بود، کاری از پیش نبردند و در این راه جان باختند.

فرهنگ و تمدن ایران در عصر هخامنشیان

به فاصله هر ۲۴ کیلومتر چاپارخانه‌ای ساختند. در این چاپارخانه‌ها همیشه اسب‌های تازه نفس آماده بود. پیک‌های دولتی با رسیدن به این چاپارخانه‌ها، اسب خود را عوض می‌کردند و با اسبی تازه نفس، با سرعت به راه خود ادامه می‌دادند.

اداره کشور: داریوش قلمرو هخامنشی را به ایالت‌های مشخصی تقسیم و برای هر یک از آنها یک شهربان تعیین کرد. یک دبیر (رئیس امور اداری) نیز به امور اداری ایالت رسیدگی می‌کرد. یک فرمانده سپاه نیز در هر ایالت وجود داشت که در کار خود مستقل بود. هر یک از این سه، مأموران و کارمندان بسیاری داشتند. به علاوه جاسوس‌های شاه که به چشم و گوش او مشهور بودند، در همه جا حضور داشتند و اخبار مختلف را به اطلاع او می‌رساندند.

خط: برای مکاتبات اداری ابتدا از خط آرامی و بابلی استفاده می‌کردند؛ اما بعد از مدتی، خط میخی پارسی نیز ابداع و به آنها افزوده شد.

اقتصاد: اقدام دیگر داریوش، ضرب سکه طلا و نقره بود. پیش از او، پادشاهان سارد از طلا سکه ضرب کرده بودند. برای سامان یافتن اقتصاد کشور لازم بود که هم پول

پس از سرکوبی شورش‌های دور و نزدیک و نیز پیوستن سرزمین‌های جدید بر قلمرو هخامنشیان، داریوش دریافت که برای اداره این کشور وسیع، لازم است امپراتوری او به شیوه‌ای نو سازماندهی و قانون‌ها و مقررات تازه‌ای وضع شود. پیشگیری از وقوع دوباره شورش‌ها از طریق نظارت مستمر بر ایالات، آگاهی از میزان محصولات و درآمدها برای تعیین مالیات‌ها و ایجاد مؤسساتی برای تنظیم امور ایالت‌ها و رسیدگی به کارهای مختلف آنها از جمله دلایل این امر بود.

راه‌سازی و ارتباطات: نخستین اقدامی که لازم بود انجام شود، ایجاد تسهیلاتی برای ارتباطات بود؛ زیرا در دوره‌ای که رفت و آمد و سفر - عمدتاً از خشکی - به استفاده از اسب و ارابه منحصر می‌شد لازم بود چاره‌ای اندیشیده شود تا اخبار و اطلاعات به سرعت از نقاط دوردست امپراتوری به دربار (و بالعکس) برسد؛ بنابراین، ساخت راه آغاز شد. این جاده‌ها شوش را به سارد و بابل را به شوش وصل می‌کرد. به علاوه جاده‌های کوتاهی نیز در داخل ایران ساخته شد.

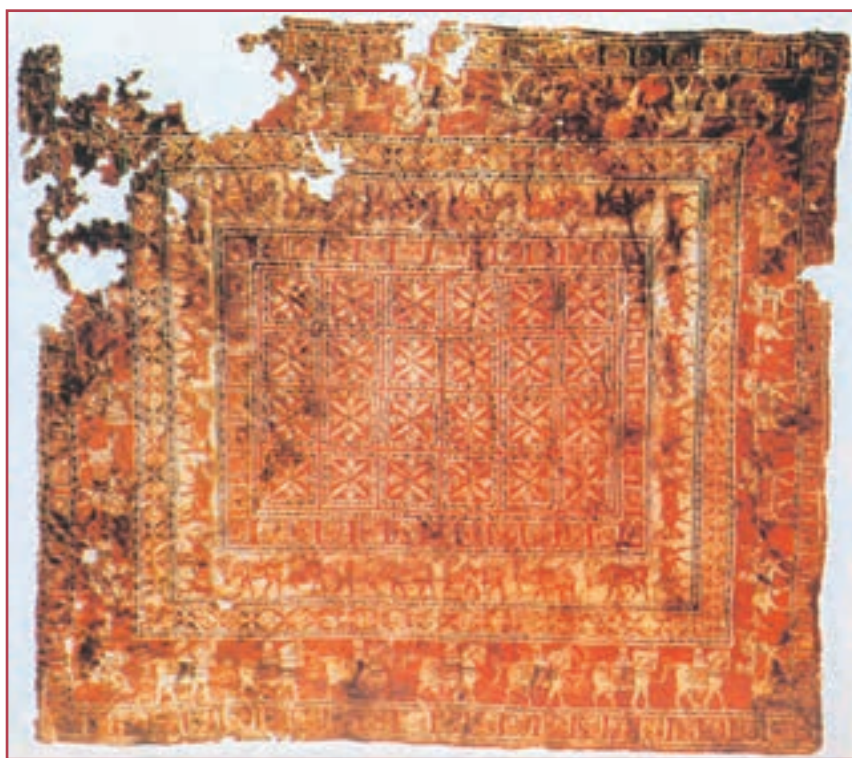
درباریان بود. او فرماندهان نظامی را از میان پارسیان انتخاب می کرد؛ زیرا به آنان اعتماد بیشتری داشت.

هنر، صنعت، معماری: کورش پس از تأسیس سلسله هخامنشی در پاسارگاد (در فارس امروزی) برای خود کاخی ساخت و اطراف آن را با باغ های زیبا تزئین کرد. کمبوجیه فرصت چندانی برای ساختن کاخ نیافت؛ اما داریوش در مدت بیش از سی سال فرمانروایی، کاخ های مجلل ساخت. پس از او، سایر شاهان هخامنشی نیز برای خود کاخ ها و بناهایی ساختند. داریوش در سال های نخست فرمانروایی در شوش کاخ باشکوهی ساخت، اما طرح اصلی و عظیم او برای نمایش هیبت و قدرتش در تخت جمشید اجرا شد.

واحد در کشور رواج یابد و هم مقررات مشخصی که نحوه دریافت مالیات ها، اجاره زمین ها، دستمزدها و ... را معین کند، گذاشته شود.

با این اقدامات درآمدهای حکومت افزایش یافت و اقتصاد عمومی کشور رونق گرفت و سطح زندگی مردم اندکی بالا رفت؛ به طوری که ایران در دوره هخامنشیان ثروتمندترین حکومت آن روزگار شد.

نیروی نظامی: داریوش همچنین یک سپاه ده هزار نفری به وجود آورد که از نظر تجهیزات جنگی و آموزش های نظامی از بقیه سپاهیان ورزیده تر بودند. این سپاه یک سپاه دائمی و وظیفه آنان، بیشتر، محافظت از کاخ های شاه و



فرش پازیریک؛ این فرش که در یک گور در روسیه به دست آمده، یکی از قدیمی ترین فرش های جهان است که شامل نقوش هندسی، گل، حیوانات افسانه ای و انسان های سوار بر اسب و پیاده است. بنا به روایات مشهور، این فرش در دوره هخامنشیان در ایران بافته شده است.

با تزئینات بسیار و مجسمه های شاهان هخامنشی آراسته شد که برای این منظور، مجسمه ها و نقوش برجسته های مورد نظر شاهان هخامنشی تهیه گردید.

پس از داریوش، ساخت بناهای جدید در تخت جمشید ادامه یافت و تا ۱۵۰ سال بعد از او نیز در این مکان بناهای دیگری تأسیس شد. درون ساختمان ها

انواع آثار فلزی از طلا، نقره و مفرغ مانند سکه‌ها، سلاح‌ها، جام‌ها، ریتون‌ها، ظروف، وزنه‌ها، لوحه‌ها که از دوران هخامنشی به جای مانده است، بیننده را شگفت زده می‌کند؛ زیرا ساخت آنها برای هنرمندان امروزی نیز کار راحتی نیست. دقت در این آثار نشان می‌دهد که هنرمندان آن عصر، علاوه بر مهارت در کار از ابزار و دانش موردنیاز برای ساخت چنین آثاری برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین، صنعت ایران در عصر هخامنشی نیز پیشرفت زیادی کرده بود. بخشی از کتیبه داریوش اول هخامنشی در تخت جمشید به همراه ترجمه آن در زیر آمده است.

𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶
𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶	𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶𐎠𐎡𐎹𐎷𐎡𐎹𐎶

اهوره مزدا با خدایان خاندان سلطنتی مرا یاری کنادا! این کشور را اهوره مزدا از دشمن، از خشکسالی [و] از دروغ، محفوظ داردا! به این کشور نیاید نه دشمن، نه خشکسالی [و] نه دروغ. این را [چون] برکتی از اهوره مزدا با خدایان خاندان سلطنتی در خواست می‌کنم. این را به من [چون] برکتی اهوره مزدا با خدایان سلطنتی بدهادا!

یک توضیح

ریتون^۱

ریتون واژه‌ای است یونانی و در لغت‌نامهٔ دهخدا واژهٔ «تکوک^۲» به عنوان معادل آن به کار رفته است. تکوک یا ریتون، ساغر یا جامی بوده که ایرانیان در زمان باستان آن را از جنس فلزاتی همچون طلا، نقره، آهن و یا سفال و به شکل سر حیواناتی نظیر شیر، گاو، قوچ، بز، اسب و آهو می‌ساختند و از آن برای نوشیدن استفاده می‌کردند. ایرانیان اعتقاد داشتند نوشیدن در ظرفی به شکل سر حیوان، توان آن حیوان را به انسان می‌بخشد.

۱_ Rhiton , Riton

۲_ Takuk



نمونه‌هایی از ظروف نقره‌ای مربوط به دوره هخامنشی. در عکس بالا، ظرف کوزه‌ای شکل با طلاکاری و دسته‌های ظریف به شکل بز کوهی و در عکس پایین، بشقابی با نقش‌هایی از بز کوهی دیده می‌شود. به نظر شما، توجه هنرمندان ایران به این حیوان (بز کوهی) برای چیست؟

ظروف سفالی در میان اشراف و نیز در میان مردم عادی کاربرد فراوان داشت. در دوران هخامنشی ظروف سفالی مانند کاسه، خمره‌های بزرگ برای ذخیره گندم و جو، قمقمه و ریتون رواج بسیار داشت.

نقش برجسته‌های باقیمانده از دوران هخامنشی و نیز آثاری مانند فرش مشهور پازیریک نشانگر وجود بافندگان هنرمند و خوش ذوق این عصر است. در عصر هخامنشی، پارچه‌های چیندار رواج بسیار داشت و مردان و زنان درباری با لباس‌های رنگارنگ با زیورآلات طلائی به خودآرایی می‌پرداختند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- کدام دولت‌ها توسط کورش منقرض شدند؟ چگونگی آن را توضیح دهید.
- ۲- علل آغاز جنگ‌های ایران و یونان در دوره هخامنشی چه بود؟
- ۳- چهار مورد از اقدامات مهمی را که در زمان فرمانروایی داریوش انجام شد، ذکر کنید.
- ۴- چرا حکومت هخامنشی نتوانست در برابر حملات اسکندر مقدونی ایستادگی کند؟
- ۵- چرا در دوره هخامنشیان به توسعه و تعمیر راه‌ها توجه ویژه‌ای می‌شد؟
- ۶- از مجموع رویدادها و تحولات تاریخ ایران در دوره هخامنشی چه نتایج و درس‌هایی می‌توان گرفت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره جایگاه امپراتوری هخامنشی در جهان باستان یا نظرات مورخان و اندیشمندان غیرایرانی در مورد این امپراتوری مطلبی تهیه کنید.
- ۲- در مورد محتوای یکی از کتیبه‌های دوره هخامنشی تحقیق کنید و نظر خودتان را درباره آن بیان کنید.
- ۳- فهرست ایالت‌های ایران در زمان هخامنشی را تهیه کنید و هر یک از آنها را با نقشه کنونی ایران و سرزمین‌های همسایه تطبیق دهید.

یونان و روم

مقدمه

در این درس به اختصار با تمدن‌های یونان و روم باستان آشنا می‌شوید. هر دوی این تمدن‌ها مربوط به اروپا در دوران باستان است. اروپاییان تا یکی، دو قرن پیش، دربارهٔ تمدن‌های یونان و روم چیز زیادی نمی‌دانستند تا اینکه کشفیات باستان‌شناختی و مطالعات تاریخی، جلوه‌های زیادی از این دو تمدن را آشکار کرد. امروزه اروپاییان به تمدن یونان و روم اهمیت زیادی می‌دهند و به آن افتخار می‌کنند. حتی تأثیر این امر در زندگی اجتماعی و فرهنگی آنان مشهود است؛ اکنون ساختمان‌های زیادی در شهرهای بزرگ اروپا به تقلید از سبک معماری یونان و روم ساخته شده است. نام‌های یونانی و رومی کاربرد زیادی دارد. هنرمندان در رشته‌های مختلف هنر، به یونان و روم توجه دارند و از آن الهام می‌گیرند. ادبیات یونان و روم اعم از اسطوره‌ها، سرودها، اشعار، حماسه‌ها و ... در آموزش‌های رسمی و غیررسمی رواج دارد. با این حال باید دانست که هر دوی این تمدن‌ها نقایص جدی داشته‌اند، به طوری که مورخان غربی به تفصیل دربارهٔ آن به بحث پرداخته‌اند.

دولت شهرهای یونانی

پذیرفته بودند؛ زیرا دریانوردان مصری و فنیقی بدان منطقه رفت و آمد داشتند.

از حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد، مهاجرت برخی از قبایل آریایی از سمت شمال به سرزمین یونان آغاز شد. وجود جزایر پراکنده و کوهستان‌های زیاد و همچنین تعصبات قبیله‌ای موجب شد که قبایل یونانی با وجود برخی مشترکات فرهنگی، جدای از هم و به طور مستقل زندگی کنند. بدین ترتیب در یونان به تدریج، دولت-شهرهای متعددی پدید آمد.

وضعیت جغرافیایی یونان، تأثیر چشمگیری در سرنوشت مردم آن داشته است.

تاریخ یونان باستان را می‌توان به دو دورهٔ قبل و بعد از آریایی‌ها تقسیم کرد. تمدن کِرت^۱ مربوط به دورهٔ قبل از آریایی‌هاست که دستاوردهای تمدنی آن به سایر جزایر یونان منتقل شده است. اگر به نقشه نگاه کنید، در جنوب یونان، جزیرهٔ کرت را می‌بینید. باستان‌شناسان توانسته‌اند آثار زیادی را که مربوط به ۴۰۰۰ سال پیش بود، در آنجا بیابند. مردمان کرت از تمدن مصر و فنیقیه تأثیر زیادی

۱- Crete

سخت و طاقت فرسا بود. البته رزم‌آوری در میان اهالی آتن نیز اهمیت داشت؛ اما مردم این شهر بیشتر به خاطر علاقه‌مندی به حکومت و دموکراسی و رواج اندیشه‌های علمی و فلسفی شهرت یافته‌اند.

همزمان با دولت - شهرهای یونانی، حکومت مقتدر هخامنشی قدرت بلامنازع آسیا بود و فتوحات آن در آسیای صغیر روبه‌گسترش بود. در نتیجه کشمکش‌ها و نبردهایی میان ایرانیان و برخی شهرهای یونانی رخ داد که مدت‌ها ادامه داشت.

اسکندر مقدونی

رونق اقتصادی و برخی اصلاحات اجتماعی رهبرانی همچون پریکلس موجب پیشرفت قابل توجه آتن و شهرهای تابعه آن شد. با این حال، رقابت و دشمنی میان دولت - شهرهای یونانی همچنان ادامه داشت. آنان به دو گروه اصلی تقسیم شده بودند که آتن در رأس یکی و اسپارت در رأس دیگری قرار داشت. دولت هخامنشی نیز در خفا بر اختلافات آنان دامن می‌زد و به اسپارت کمک مالی می‌کرد. جنگ‌های داخلی یونان که به جنگ‌های پلوپونز^۲ معروف است، سال‌ها ادامه داشت تا سرانجام به پیروزی اسپارت انجامید. بدین ترتیب، هخامنشیان به دست خود یونانی‌ها از آتنی‌ها انتقام گرفتند. اسپارتی‌ها نیز با فتح آتن از آنان انتقام گرفتند و مردم آتن را بسیار تحقیر کردند؛ هر چند دیری نپایید که خود نیز مغلوب یکی دیگر از دولت - شهرها به نام تیس^۳ شدند. بدین ترتیب، اختلافات داخلی روزبه‌روز یونان را ضعیف می‌کرد. چنین شرایطی، فیلیپ مقدونی که حاکم مقدونیه^۴ در شمال یونان بود، توانست طی چند جنگ بر یونانیان پیروز شود.



فکر کنید و پاسخ دهید :

با توجه به نقشه، حدس بزنید که چرا وضعیت جغرافیایی یونان در زندگی مردم و تحولات تاریخی آن نقش چشمگیری داشته است؟

دولت - شهرهای یونان با یکدیگر رقابت داشتند و دائم با هم جنگ می‌کردند. در تاریخ یونان، دولت - شهرهای اسپارت و آتن از بقیه مشهورترند. شیوه حکومت و نیز تربیت اهالی آتن و اسپارت با یکدیگر متفاوت بود. این دو، رقابت و دشمنی شدیدی با یکدیگر داشتند. اهالی اسپارت به جنگ‌آوری شهرت بسیاری داشتند و آن را برای خود افتخار می‌دانستند. آنان پسران خود را از همان کودکی به ورزش‌های سخت و تربیت بدنی عادت می‌دادند. آموزش‌های نظامی آنان بسیار

۱- Pericles

۲- Peloponnesus

۳- Thebes

۴- Macedon

اسکندر برای خود جانشینی تعیین نکرده بود، سال‌ها میان فرماندهان سپاهش جنگ درگرفت تا عاقبت یکی از این سرداران به نام آنتی‌گون^۱ بر یونان مسلط شد. با این حال، حکومت مقدونیان بر یونان دیری نپایید؛ زیرا قدرت تازه‌ای در گوشه دیگری از اروپا شکل گرفت و یونان را به تصرف خود درآورد. این قدرت جدید امپراتوری روم بود که در ادامه درس با آن آشنا خواهید شد.

پس از فیلیپ، پسرش اسکندر با سپاهیانی که از سراسر یونان جمع کرده بود به آسیای صغیر (ترکیه امروزی) آمد، از آنجا عازم مصر شد و آن سرزمین را فتح کرد. سپس با شعار «انتقام گرفتن یونانیان از ایرانیان»، راهی ایران شد و در شرایطی که هخامنشیان – به دلیل اختلافات و فساد درونی – دچار ضعف شده بودند، توانست آنان را در چند جنگ شکست دهد و تا شمال هند نیز پیش برود. اسکندر در بازگشت در بابل مرد. از آنجا که



که جایگاه تعدادی از آنها در آسمان و محل سکونت تعدادی در روی زمین و نیز در زیر زمین است. از نظر یونانیان، تعدادی از خدایان همواره از اعمال انسان‌ها به خشم می‌آمدند و درصدد تنبیه آنان بودند. به همین دلیل، یونانیان برای فرونشاندن خشم خدایان قربانی می‌کردند.

فرهنگ و تمدن در یونان باستان

دین: یونانیان به خدایان بسیاری اعتقاد داشتند. آنان همچون بسیاری از مردم جهان باستان معتقد بودند که پدیده‌هایی چون آسمان، زمین، رعد و برق، جنگ، عشق و زیبایی، علم و دانش، هریک خالق ویژه‌ای دارند

۱- Antigone

می گذاشتند. ارواح مردگان در نظر آنان حرمت زیادی داشت و برای شاد کردن آنها، آداب و رسوم خاصی انجام می گرفت. در دولت - شهرهای یونان معابد بسیاری وجود داشت که مردم برای انجام مراسم دینی به آنجا می رفتند. کاهنان معابد در نزد مردم محترم بودند. برخی از آنان علاوه بر انجام مراسم دینی، پیشگویی نیز می کردند.

از نظر یونانیان جایگاه تعدادی از خدایان بر فراز کوه المپ بود. به همین دلیل، مسابقات ورزشی که چند سال یکبار در شهر المپی برگزار می شد، ریشه مذهبی داشت، مسابقات المپیک^۱ در عصر ما، یادگاری از همین مسابقات است. یونانیان به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند. آنان هنگام دفن مردگان، برخی از وسایلشان را در قبر



بنای پارتنون یکی از آثار تاریخی مشهور که از یونان باستان به جامانده است.



ظرف آب یونانی. تصاویر نقاشی شده برگرفته از اساطیر یونانی است.

هنر و معماری: از یونان باستان آثار بسیاری چون مجسمه ها، معابد، ظروف، سکه ها و گچ بری ها شناسایی شده است اما معماری و مجسمه سازی یونانیان شهرت بیشتری دارد. یونانیان، هم برای خدایان و هم برای فرمانروایان مجسمه می ساختند. آنان به زیبایی و تناسب اندام اهمیت زیادی می دادند. از این رو، مجسمه سازی رشد و رونق بسزایی یافت. یونانیان اغلب ساختمان های خود را از چوب و آجر می ساختند، بعدها برای بنای معابد بزرگ و کاخ ها از سنگ استفاده کردند. موسیقی و تئاتر نیز در میان یونانیان رواج زیادی داشت.

دستاوردهای علمی مردمان آسیا و افریقا به یونان راه یافت و بر آن افزوده شد.

۳- مشهور است که اسکندر پس از حمله به ایران به کتابخانه بزرگ هخامنشیان در تخت جمشید دست یافت و پیش از آتش زدن آنجا، دستور داد کتاب‌های آن را به یونان منتقل کنند. بدین ترتیب، یونانیان به بسیاری از دستاوردهای علمی ایرانیان دست یافتند و آن را به کار گرفتند.

علم و فلسفه: علم و فلسفه در یونان باستان پیشرفت زیادی کرد؛ زیرا:

۱- یونانیان به بحث و گفت‌وگوی علمی علاقه زیادی داشتند و ساعت‌ها با یکدیگر به گفت‌وگو می‌نشستند.

۲- کشتی‌های بازرگانی یونانی به مصر و آسیای صغیر رفت و آمد می‌کردند. از این طریق، بسیاری از

یک توضیح

پلوتارک، با نوشتن کتاب *حیات مردان نامی*، نام خود را در میان مورخان جاودان ساخت. او در این کتاب به شرح حال مردان بزرگی که در یونان و روم پدید آمدند پرداخته و کوشیده است با مقایسه آنها، ابعاد مختلف شخصیت هر یک را تشریح کند.

از رُم تا روم

کارتاژا (در تونس فعلی)، گرفته بودند. آنان قسمت‌های زیادی از سواحل شمال افریقا و جزایر دریای مدیترانه را در اختیار داشتند. جنگ‌های رومی‌ها با کارتازی‌ها بیش از نیم قرن طول کشید. سرانجام، با وجود رشادت‌های هانیبال^۲، سردار کارتازی، رومی‌ها پیروز شدند و به عمر دولت کارتاز خاتمه دادند (۱۴۶ ق.م.). جنگ‌های رومی‌ها و کارتازی‌ها به جنگ‌های پونیک^۳ معروف است.

رومی‌ها به تدریج بر پیروزی‌های خود افزودند و با فتح مصر و آسیای صغیر کشوری وسیع پدید آوردند. بدین ترتیب، حکومت روم به امپراتوری روم تبدیل شد. گستردگی بیش از حد قلمرو روم برای آن امپراتوری مشکلاتی در پی داشت. همسایگی رومیان با دولت ایران، سرآغاز مسائل بسیاری در سرنوشت دو کشور بود. تا این زمان رومی‌ها آشنایی زیادی با حکومت ایران آن زمان - یعنی

در همان زمان که یونان دوران شکوفایی خود را می‌گذراند، در شمال غربی آن - یعنی در شبه جزیره ایتالیا - اقوامی می‌زیستند که از حیث فرهنگ و تمدن بسیار عقب‌تر از آنان بودند. از شهرهای مهم این اقوام، شهر روم بود. رومی‌ها حکومت جمهوری داشتند. آنان به طور دائم با همسایگان خود در جنگ بودند. به همین دلیل، جنگاوری در میان رومی‌ها اهمیت زیادی داشت و پسران خود را پس از دوران کودکی به آموزش‌های سخت نظامی مشغول می‌کردند.

در قرن سوم قبل از میلاد، توسعه فتوحات رومی‌ها موجب شد که با حکومت کارتاز همسایه شوند و بر سر منافع اقتصادی و راه‌های دریایی، با یکدیگر بجنگند.

کارتازی‌ها عنوان خود را از پایتخت خود، شهر

۱- Carthage

۲- Hannibal

۳- Punic

یکی از علل این مشکلات وسعت بیش از حد قلمرو امپراتوری بود. امپراتور کنستانتین شهر بیزانسیوم (قسطنطنیه) را که در شرق امپراتوری بود به پایتختی انتخاب کرد. این اقدام مقدمه تقسیم روم به دو قسمت شرقی و غربی گردید (۳۹۵ م.).

از آن پس، روم غربی به دلیل حملات مداوم اقوام بیابانگرد روبه انحطاط نهاد و به عکس، روم شرقی به دلیل برخورداری از سرزمین‌های ثروتمند امپراتوری و راه‌های بازرگانی تا مدت‌ها به حیات خود ادامه داد تا آنکه در ۱۴۵۳ م. پایتخت آن توسط ترکان مسلمان فتح شد و بدین ترتیب، یکی دیگر از امپراتوری‌های بزرگ جهان منقرض شد.

اشکانیان – نداشتند. همسایگی آنان با اشکانیان موجب برخورد منافع و در نتیجه، جنگ‌های بسیاری شد که تا اواخر دوره ساسانی ادامه یافت. این جنگ‌ها در نهایت موجبات ضعف هر دو کشور را فراهم کرد.

فکر کنید و پاسخ دهید :

در یکی از سوره‌های قرآن کریم، به جنگ‌های ایران و روم اشاره شده است. آیا در این باره چیزی می‌دانید؟

مشکلات و دلایل ضعف امپراتوری روم

امپراتوری روم از قرن سوم میلادی دچار مشکلاتی شد که به تدریج قدرت آن را به تحلیل می‌برد.



مسیحیت و تأثیر آن در جامعه روم

با حضور و گسترش مسیحیت، فرهنگ مسیحی که از جهات بسیاری بر فرهنگ موجود جامعه روم برتری داشت در زندگی اجتماعی مردم نفوذ کرد و بر آن تأثیر گذاشت. در ضمن، رومیان علاوه بر اینکه بر جوامع زیر سلطه خود تأثیر می‌گذاشتند، از فرهنگ و تمدن آنان نیز تأثیر می‌گرفتند. قلمرو روم شامل سرزمین‌های وسیعی در اروپا، آسیا و افریقا می‌شد. راه‌های زمینی و دریایی، این قلمرو وسیع را به هم می‌پیوست و اندیشه‌های اقوام گوناگون را از قسمتی به قسمت دیگر انتقال می‌داد. رومی‌ها حتی در بعضی از زمینه‌ها، از تمدن ایران در عصر اشکانی و ساسانی تأثیر پذیرفتند.

دین: در روم معابد فراوانی وجود داشت که مردم برای پرستش به آنجا می‌رفتند. در این معابد معمولاً غیبگوهای وجود داشت که مردم به آنها معتقد بودند.

مسیحیت، در جامعه رومی تأثیر بسیار عمیقی پدید آورد که از آن جمله می‌توان به تغییر در اندیشه‌های آنان اشاره کرد. مسیحیان به خدایان رومی، قداست و پرستش امپراتوران و اموری از این قبیل اعتقاد نداشتند. به همین دلیل، در اوایل با بغض و کینه کاهنان و مأموران دولتی رو به رو بودند؛ اما با گسترش مسیحیت اندیشه‌های دینی آنان جای اندیشه‌های کهن را گرفت. به علاوه، برخی از اندیشه‌های دینی ایرانیان در بخش‌هایی از اروپا رسوخ یافت؛ مثلاً، پرستش میترا و نیز اندیشه‌های مانی از آن جمله است.

راه‌ها: از طریق جاده ابریشم، کالاهای چین و ایران مانند ابریشم، پارچه و... به روم می‌رفت که در آنجا مشتاقان فراوان داشت. از طریق این راه‌ها، انسان‌ها در سراسر قلمرو روم رفت و آمد می‌کردند و علاوه بر کالاهای تجاری، اندیشه‌ها و آداب و رسوم ملل مختلف را به تدریج به جاهای دیگر می‌بردند.

پیدایش مسیحیت، مهم‌ترین حادثه در تاریخ روم باستان است. مسیحیان در ابتدا مسئله مهمی برای حکومت روم به شمار نمی‌رفتند؛ اما به مرور زمان به شمار و اهمیت آنان افزوده شد. تعالیم مسیحیت در جامعه‌ای که فساد و خشونت در آن گسترش فراوانی داشت، مردم را به پارسایی و مهربانی دعوت می‌کرد. به علاوه، تعالیم آن با بسیاری از سنت‌های شرک‌آمیز رومیان در تضاد بود. به همین دلیل، از طرفی بسیاری از بردگان و گروه‌های مردم بدان گرویدند و از طرف دیگر، موجبات خشم و نگرانی روحانیون یهودی و حاکمان رومی را فراهم آورد. از این رو، سختگیری نسبت به مسیحیان بیشتر و بیشتر شد. بسیاری از مسیحیان در این راه جان باختند؛ اما روند گسترش مسیحیت ادامه داشت و آموزه‌های آن در زندگی فردی و اجتماعی پیروانش پایدارتر می‌شد تا اینکه کنستانتین به مسیحیت گروید. از آن پس، این دین در اروپا رسمیت پیدا کرد و روز به روز به پیروانش افزوده شد و حتی در خارج از مرزهای اروپا نیز پیروانی یافت.

فرهنگ و تمدن در روم باستان

فرهنگ و تمدن در روم باستان از عوامل مختلفی تأثیر پذیرفته و در گذر زمان تغییر و تحولاتی داشته است. در اوایل، رومی‌ها بیشتر تحت تأثیر فرهنگ ساکنان قبلی شبه جزیره ایتالیا بودند.

پس از فتح یونان نیز رومی‌ها به رغم برتری نظامی، به تدریج با میراث تمدنی آنجا آشنا شدند. بدین ترتیب، علم و دانش، آداب و رسوم و بسیاری از جنبه‌های دیگر فرهنگ یونانی در متصرفات روم گسترده شد. در واقع، بسیاری از جنبه‌های فرهنگ یونانی در روم استمرار یافت و امروزه نیز در زندگی مردم اروپا متجلی است.

شغل‌های گوناگون اشتغال داشتند. طبقات ثروتمند، بسیاری از اوقات خود را در تئاترها و مسابقات ورزشی می‌گذراندند. خانه‌های آنان بسیار بزرگ بود و شامل قسمت‌های لازم مانند اتاق خواب، حمام، آشپزخانه، محل سکونت بردگان و ... می‌شد.

فکر کنید و پاسخ دهید :

آیا می‌دانید رومیان بیشتر به کدام مسابقات

ورزشی علاقه داشتند؟

زندگی اجتماعی : در اوایل تشکیل حکومت روم، جامعه رومی از سه گروه اصلی رومی‌های اصیل، مردمان غیر رومی و بردگان تشکیل شده بود. حق مالکیت زمین و شرکت در انتخابات مخصوص گروه اول بود و مقامات بالای کشوری نیز از میان آنها انتخاب می‌شدند؛ اما این وضع با گذشت زمان تغییر کرد و گروه دوم از طریق اعتراضات و اقدامات فراوان به تدریج توانستند از امتیازات گروه نخست برخوردار شوند. بردگان در روم، وضعی اسف‌بار داشتند. از این رو، گاهی شورش می‌کردند. در جامعه رومی، گروه‌های مختلف مردم به

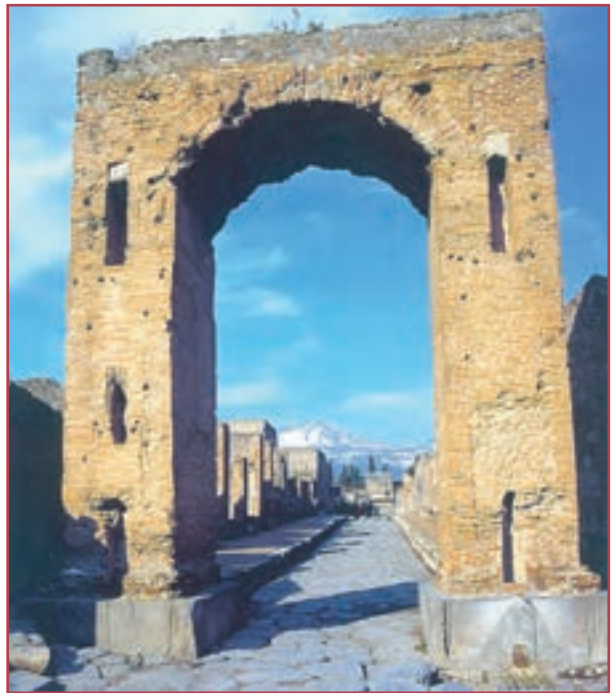


یکی از آمنی تئاترهای رومی‌ها با ظرفیت ۲۵۰۰۰ نفر. دیدن نمایش‌های مختلف از جمله مهم‌ترین تفریحات رومیان — به ویژه طبقات اشراف و بزرگان رومی — بود.

در ساختن پل، مجسمه و انواع ساختمان پیشرفت نمودند. بناهای رومی شامل معبدها، کاخ‌ها، پادگان‌ها و گردشگاه‌هاست که نمونه‌هایی از آنها در کشورهای امروزی موجود است.

هنر و معماری : از روم باستان آثار فراوانی چون ظرف‌ها، سکه‌ها، سلاح‌ها، بناها، گچ‌بری‌ها و مجسمه‌ها برجای مانده که پژوهشگران با مطالعه آنها توانستند به نکات بسیاری درباره تمدن روم پی ببرند. به ویژه، رومی‌ها

رومیان مسابقات ورزشی و رزمی را در مکان‌هایی مانند ورزشگاه‌های امروزی برگزار می‌کردند. در این مکان‌ها، بردگان را به جنگ تن به تن وادار می‌کردند و از تماشای جنگ و خونریزی آنها لذت می‌بردند!



بقایای شهر پمپئی، یکی از شهرهای روم باستان. این شهر در اواخر قرن اول میلادی در اثر فعالیت آتش‌فشانی کوه وزوو در زیر گدازه‌ها مدفون شد. در اوایل قرن ۱۸ میلادی بود که ایتالیایی‌ها در حین حفز زمین از وجود چنین مجموعه‌ای دهن شده‌ای باخبر شدند و از آن پس، به تدریج، این شهر را از زیر گدازه‌ها و خاکسترهای آتش‌فشانی بیرون آوردند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- علل و چگونگی پیدایش دولت - شهرها در یونان را توضیح دهید.
- ۲- علت و نتیجه جنگ‌های پلوپونز چه بود؟ آیا می‌دانید دلیل نامگذاری این جنگ‌ها به «پلوپونز» چیست؟
- ۳- اعتقادات دینی یونانیان باستان را با آنچه در دوره هخامنشی در ایران رایج بود، مقایسه کنید.
- ۴- علل پیشرفت علم و فلسفه در یونان باستان چه بود؟
- ۵- علت و نتیجه جنگ‌های پونیک چه بود؟
- ۶- گروه‌های اصلی در جامعه روم کدام‌ها بودند؟ حقوق و وضعیت هر یک از آنها چگونه بود؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره تبادلات فرهنگی یونانیان و رومیان با ایرانیان مطلبی بنویسید.
- ۲- درباره یکی از آثار تاریخی مشهور یونان یا روم باستان گزارشی تهیه کنید.

اشکانیان

مقدمه

دوره حکومت اشکانی در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از خود (هخامنشیان و ساسانیان) طولانی‌تر بوده است. با این حال، آگاهی پژوهشگران از ایران عصر اشکانی کمتر از دیگر دوره‌هاست. برای مثال، مورخان دوره اسلامی در کتاب‌های خود، درباره آنان بسیار اندک نوشته‌اند، حتی برخی از آنان به مراحت اعلام می‌دارند که چیز زیادی از اشکانیان نمی‌دانند. علت این امر را دشمنی ساسانیان با آنان و کوشش برای محو آثارشان، عدم وجود حکومت مرکزی مقتدر در دوره اشکانی و در نتیجه، بی‌توجهی به ثبت اخبار در سال‌نامه‌ها و ... دانسته‌اند. در یکی، دو قرن اخیر، کاوش‌های باستان‌شناسی، مطالعه کتیبه‌های اشکانی، پژوهش‌های سکه‌شناسان و مانند آن به مورخان کمک کرد تا بتوانند شناخت بیشتری از این سلسله به‌دست آورند.

سلوکیان

شورش‌های مکرر در شرق و غرب کشور آرامش را از ایشان می‌گرفت. سرانجام در حالی که پارت‌ها از مشرق به تدریج پیش رفتند و سلوکیان را از ایران بیرون راندند، رومیان نیز که از غرب سربرآورده بودند و روز به روز بر قدرت خود می‌افزودند به عمر این سلسله خاتمه دادند.

تأسیس حکومت اشکانی

پارت‌ها گروهی از آریایی‌ها بودند که پس از مهاجرت در شمال شرقی ایران ساکن شدند.

پارت‌ها مردمانی چادرنشین بودند و زندگی سخت صحرائشینی، آنان را چابک، شجاع و پرتحرک بارآورده بود. آنان شجاع‌ترین و قوی‌ترین افراد قبیله را پهلوان می‌نامیدند. حدود هفتاد سال پس از تأسیس حکومت

خواندید که پس از مرگ اسکندر فرماندهان سپاه او بر سر قدرت به جنگ با یکدیگر پرداختند. بنابراین، تا مدت‌ها قلمرو بسیار وسیعی که او به کمک سپاهیانش فتح کرده بود، صحنه جنگ و کشمکش میان فرماندهان سپاه شد. عاقبت سلوکوس در بابل مستقر شد (۳۱۲ ق.م. و مصر و سایر سرزمین‌ها نصیب دیگر فرماندهان مقدونی گشت. سلوکوس چندی بعد شهر سلوکیه را بنیان نهاد و آن را به پایتختی خود برگزید.

بدین ترتیب، سلسله‌ای از پادشاهان مقدونی در ایران پدید آمد که به سلوکیان مشهور شد. سلطه آنان کمتر از یک قرن بود؛ زیرا علاوه بر کشمکش‌های داخلی دربار سلوکی، بیگانه بودن آنها در میان ایرانیان و بروز

مهرداد، قلمرو اشکانیان را در شرق و غرب وسعت داد. مورخان مسلمان، حکومت اشکانیان را ملوک الطوائف نامیده‌اند؛ زیرا در طول حکومت آنان، پادشاهان مناطقی همچون ارمنستان، آذربایجان و پارس از استقلال داخلی برخوردار بودند و فقط هنگام جنگ به کمک شاه اشکانی می‌آمدند.



سکه نقره مربوط به زمان مهرداد اول یکی از پادشاهان معروف اشکانی

سلوکی، یکی از پهلوانان به نام اشک برضد سلوکیان قیام کرد (۲۴۸ ق.م). سپاهی که دولت سلوکی برای سرکوبی اشک فرستاد از جنگاوران پارتی شکست خورد. مورخان، زمان این پیروزی را سال تأسیس حکومت اشکانی می‌دانند.

فکر کنید و پاسخ دهید:
 یکی از امپراتوران سلسله «هان» (۱۴۱-۸۷ ق.م.) در چین سفیری به دربار مهرداد دوم پادشاه اشکانی فرستاد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. مهرداد به هنگام بازگشت سفیر چین، سفیری همراه او به چین اعزام کرد. به نظر شما اعزام سفیر برای دو کشور چه دستاوردی داشته است؟

از آن پس، پارت‌ها بر متصرفات خود افزودند و به تدریج به سوی غرب پیشروی کردند. تیرداد، برادر و جانشین اشک، در تثبیت حکومت اشکانی نقش زیادی داشت.



قلمرو ایران در زمان اشکانیان

ایران و روم

این جنگ‌ها، گاه ایران و گاه رومیان پیروز می‌شدند؛ اما در مجموع، ایرانیان بارشادت از کشور خود در برابر مهاجمان محافظت می‌کردند و برای استقلال ایران می‌کوشیدند.

یکی از مشهورترین جنگ‌های ایران و روم، جنگ حرّان است که در سال ۵۳ ق.م. روی داد. در این سال، یکی از سرداران بزرگ روم به نام کراسوس^۱ - که تا پیش از آن به فتوح زیادی دست یافته بود - با سپاهی عظیم به سوی ایران رفت و قصد داشت ماجرای اسکندر را تکرار کند؛ اما سورنا فرمانده جوان ایرانی با درایت و شجاعت بسیار توانست او را شکست دهد و تعداد بسیاری از رومیان را اسیر کند.

هنگامی که اشکانیان مشغول بیرون راندن یونانیان بودند، حکومت قدرتمند روم در اروپا حکومت می‌کرد و هر روز بر اقتدار آن افزوده می‌شد. رومی‌ها علاوه بر فتح یونان و مصر در آسیای صغیر نیز پیشروی کردند و بقایای دولت سلوکی را از میان برداشتند. بدین ترتیب، با اشکانیان همسایه شدند. دیری نپایید که میان دو حکومت ایران و روم مشکلاتی پیش آمد؛ زیرا رومی‌ها در صدد توسعه متصرفات خود در آسیا بودند. دشمنی بین ایران و روم تا حدود ۷۰۰ سال، یعنی در سراسر دوران اشکانیان و ساسانیان، ادامه داشت. در طول این مدت دو کشور با یکدیگر بسیار جنگیدند که در

یک توضیح

در زمان حمله کراسوس، اُرد پادشاه اشکانی بود. هنگامی که یکی از سپاهیان سر کراسوس را نزد اُرد برد، او مشغول تماشای نمایش نامه‌ای بود. مشهور است که سر کراسوس را جلوی پای اُرد انداختند. در این موقع، یکی از هنرپیشه‌ها آن سر را برداشت و با گفتن کلماتی، آن را به موضوع نمایش نامه مرتبط کرد.



یک جنگجوی عصر اشکانی. به این جنگجویان سواران سنگین اسلحه می‌گفتند. آیا می‌دانید چرا؟ به نظر شما، توانایی‌ها و محدودیت‌های این سواران چه بوده است؟

مسئله ارمنستان: سرزمین ارمنستان یکی از مهم‌ترین مسائل مورد نزاع میان ایران و روم بود. چرا که ارمنستان جزئی از قلمرو حکومت اشکانی بود؛ اما شاهان آن ایالت از استقلال داخلی برخوردار بودند. دولت روم در آنجا دخالت می‌کرد و سعی داشت آن سرزمین را از ایران جدا سازد؛ اما موفق نشد.



مسیرهای اصلی جاده ابریشم و مسیرهای فرعی آن در ایران

شرق ایران

علاوه بر مسئله ارمنستان، هجوم مداوم قبایل ساکن در شرق ایران نیز همواره ذهن دولتمردان اشکانی را به خود مشغول کرده بود. یکی از این اقوام، کوشان‌ها بودند که دولتی نیز تشکیل داده و چون به آیین بودا گرویده بودند، موجب گسترش این آیین در مرزهای شرقی قلمرو اشکانی شدند.

فرهنگ و تمدن عصر اشکانیان

حکومت اشکانی چگونه حکومتی بود؟ در حکومت اشکانیان، قدرت و نفوذ پادشاه همچون قدرت و نفوذ پادشاهان هخامنشی نبود. حاکمان محلی از استقلال داخلی برخوردار بودند و شاه در تعیین آنها نقش زیادی نداشت. در این دوره، مجلس مهستان در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور مثل تعیین جانشین برای پادشاه یا تصمیم‌گیری برای جنگ نقش زیادی داشت. اعضای این مجلس را رهبران مذهبی، شاهزادگان، حاکمان مناطق و فرماندهان سپاه تشکیل می‌دادند. آنان



مجسمه یک مرد بارتی. این مجسمه از مهم‌ترین آثار به جا مانده از دوره اشکانی است.

املاک وسیعی داشتند و افراد زیادی را در زیر دستشان به خدمت گرفته بودند تا روی زمین‌هایشان کار کنند یا خدمات دیگری انجام دهند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، شیوه حکومت اشکانیان چه نتایجی

را در پی داشت؟

ایران نیز آیین بودایی گسترش پیدا کرد. از آنجا که حکومت اشکانی در امور مذهبی مداخله زیادی نمی‌کرد، زمینه مناسبی برای افزایش پیروان مسیحیت و آیین بودا فراهم شد. موبدان زردشتی از این سیاست دینی اشکانیان ناراضی بودند. آنان عقیده داشتند که حکومت اشکانی باید از دین زردشتی حمایت کند. چنان‌که خواهید خواند، یکی از علل سقوط اشکانیان نارضایتی همین گروه از حکومت اشکانیان بود.

خط و زبان: در عصر اشکانی، هر یک از اقوام و ملیت‌های مختلف ساکن در ایران به زبان ویژه خود سخن می‌گفتند؛ مانند پارت‌ها، یونانی‌ها، یهودی‌ها و ... همان‌گونه که گفته شد، از دوره اشکانی هم سنگ نوشته و هم پوست نوشته‌ها و نیز نوشته‌هایی بر روی ظروف سفالین باقی مانده که نشان‌دهنده خط رایج در آن زمان است. این نوشته‌ها هم به خط یونانی و هم به خط پهلوی اشکانی است. منشأ خط پهلوی اشکانی، خط آرامی بود که توسط دیران نگاشته می‌شد. ظروف سفالی که به ویژه در نسا در نزدیکی عشق‌آباد کنونی، یافت شده، کمک ارزشمندی به شناخت تاریخ و فرهنگ عصر اشکانی کرده است.



تصویری از معبد آناهیتا در کنگاور

در اوایل دوره اشکانیان، نفوذ فرهنگ یونانی در میان اشراف هنوز از میان نرفته بود. به طوری که آثار آن در شیوه زندگی، تفریحات و سرگرمی‌ها و شیوه نگارش آنان دیده می‌شد. با گذشت زمان، کشمکش و رقابت بزرگان کشور بیشتر شد، به طوری که هیچ یک از آنها برتری دیگری را نمی‌پذیرفت. ادامه این وضع موجب بروز آشفتگی و هرج و مرج و در نهایت، سقوط اشکانیان شد.

دین و اخلاق: در اوایل دوره اشکانی، مهرپرستی (میترائیسم) در ایران رواج بسیار داشت. در این زمان، مهرپرستی - مانند گذشته - آیین ساده‌ای نداشت که تنها شامل پرستش خورشید و قربانی کردن حیوانات باشد؛ بلکه دارای پیچیدگی بسیار شده بود؛ به طوری که برای تربیت پیروان خود مراحلی قائل شده بود و به آنان آموزش اخلاق و آداب پهلوانی می‌داد. در این دوره مغ‌ها که از بزرگان کشور به حساب می‌آمدند، عهده‌دار اداره آتشکده‌ها و امور معابد بودند. آنان در مجلس مهستان نیز حضور می‌یافتند.

از جمله معابدی که در این دوره بسیار مورد توجه قرار گرفت، معبد آناهیتا بود. آناهیتا خدای آب‌ها بود و به اعتقاد مردم، شکل یک زن بود. در اوایل دوره اشکانی، دین یهود در غرب ایران پیروانی داشت. با ظهور مسیحیت، این دین در بخش‌هایی از ایران به ویژه ارمنستان پیروانی یافت. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در نواحی شرقی

یک توضیح

کتاب‌های «ویس و رامین» و «سندبادنامه» از کتاب‌های مشهوری‌اند که قرن‌ها بعد از عصر اشکانی و در دوره اسلامی تاریخ ایران به نگارش درآمدند. پژوهشگران داستان‌های این دو کتاب را مربوط به دوره اشکانی دانسته‌اند.

به‌خصوص در آغاز پیدایش و شکل‌گیری آن، تحت تأثیر هنر تمدن‌های مشرق‌زمین پیشین و یونان قرار داشت. پس از مدتی، با تلفیق آن هنرها، اشکانیان هنر خاص خود را پدید آوردند. متأسفانه، بیشتر آثار هنری دوره اشکانی طی گذشت زمان از بین رفته‌اند.

سکه‌ها نمونه‌های خوبی از وجود سبک‌های مختلف هنری در عصر اشکانی است؛ برای مثال، در برخی از این سکه‌ها چهره پادشاه به صورت نیم رخ است و در برخی به صورت تمام رخ. پژوهشگران سکه‌های نوع اول را متأثر از سکه‌های سلوکی و سکه‌های نوع دوم را سکه‌های سبک اشکانی دانسته‌اند (به تصویر زیر نگاه کنید).



معماری و شهرسازی: در زمان اشکانیان علاوه بر شهرهای کهنی همچون بابل، ری، همدان، مرو و بلخ، شهرهای دیگری مانند کنگاور و تیسفون نیز بازسازی یا ساخته شد. در کوه خواجه در سیستان نیز بقایای یک شهر اشکانی کشف شده است.

شهرهای عصر سلوکی به شیوه شطرنجی ساخته می‌شد؛ یعنی مربع بود و خیابان‌های آن، یکدیگر را قطع می‌کردند. در دوره اشکانی ساخت شهرهای دایره‌وار رواج یافت؛ یعنی شهرهایی که به شکل دایره بود و گرداگرد آنها را دیواری از خشت فرا گرفته بود. شهرهای زمان اشکانیان عموماً شامل این قسمت‌ها بود:

– محل سکونت حاکم؛ در وسط شهر و به شکل یک قلعه؛

– خانه‌های بزرگان و اشراف؛

– خانه‌های سایر طبقات مردم چون کشاورزان، پیشه‌وران و صنعتگران.

هر شهر معابد و بازار یا بازارهایی نیز داشت. شهر معروف هاترا (الحضر) که در عراق امروزی قرار دارد، چون شهر مرزی میان ایران و روم بود، اهمیت زیادی داشت. این شهر دارای استحکامات و برج‌های دفاعی زیادی بود. هنر عصر اشکانی: هنر عصر اشکانی،

از آثار هنری دوره اشکانی سلاح‌ها، ظرف‌های شیشه‌ای، کوزه‌ها، نقش برجسته‌ها، مجسمه‌های کوچک و همچنین کارهای زیبایی بر روی عاج یافت شده است.

در کوه خواجه در سیستان، آثار نقاشی‌های دیواری اشکانی پیدا شده است. به علاوه، در خرابه‌هایی چون نسا و دورا نقاشی‌هایی باقی مانده است که یادگار هنر آن عصرند. پژوهشگران با بررسی آثار باقیمانده از روم و ایران باستان دریافتند که این دو بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند. بدین ترتیب، روابط ایران و روم فقط به جنگ‌های دو کشور محدود نمی‌شد و جنبه‌های فرهنگی نیز داشت.



مجسمه‌ای از سنگ آهک مربوط به دوره اشکانی (قرن دوم میلادی)

یک توضیح

در دوره اشکانیان عده‌ای به خوانندگی مشغول بودند. این خوانندگان به گوسان معروف بودند. گوسان‌ها با سازهای خود در کوچه‌ها و بازارها قدم می‌زدند و سرودهای زیبا می‌خواندند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- حکومت اشکانی چگونه تأسیس شد؟ توضیح دهید.
- ۲- علل و چگونگی جنگ‌های ایران و روم در دوره اشکانیان را توضیح دهید.
- ۳- وضعیت دینی ایران در دوره اشکانیان چگونه بود؟
- ۴- ویژگی‌های شهرسازی در دوره اشکانیان کدام‌اند؟
- ۵- نظر شما در مورد نحوه حکومت و سیاست دینی حکومت اشکانی چیست؟

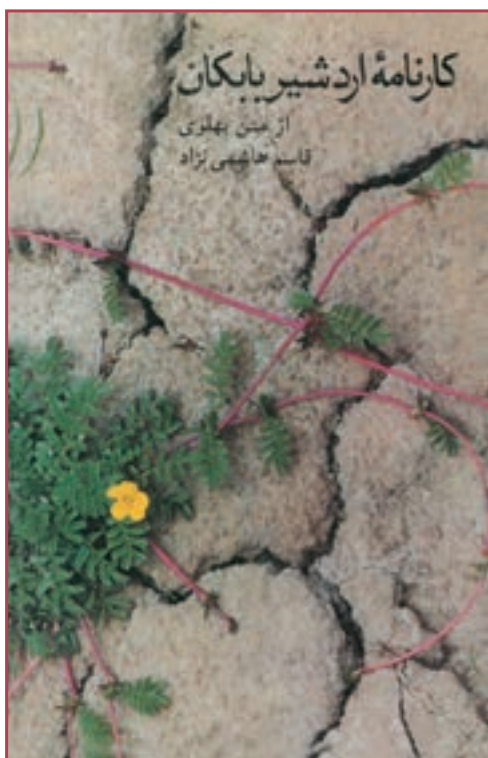
اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره یکی از آثار تاریخی دوره اشکانی مطلبی بنویسید.
- ۲- مطلبی در مورد جریان و جزئیات یکی از جنگ‌های ایران و روم در دوره اشکانی بنویسید و علل و نتایج جنگ مورد نظر را مشخص کنید.
- ۳- در دوره اشکانی اشعار حماسی که شخصیت‌های برجسته آن زمان را می‌ستود، مورد تشویق قرار می‌گرفت. یکی از قهرمانان دوره اشکانی را شناسایی و در چند سطر او را معرفی کنید.

ساسانیان

مقدمه

در این درس با آخرین حکومت ایران باستان آشنا می‌شوید. اگرچه طلوع این حکومت در آن زمان برای ایران و ایرانیان مفید بود اما غروب آن به معنای پایان بی‌عدالتی و محو آثار کبر و نخوت ساسانیان و وابستگان آنها بود. با این حال، فرهنگ و تمدن ایران باستان در این دوره تداوم یافت و به صورت‌های مختلف جلوه‌گر شد. در این درس به اختصار با آن آشنا می‌شوید.



کارنامه اردشیر بابکان، کتابی است که سرگذشت اردشیر را بیان می‌کند.

شامگاه اشکانیان، بامداد ساسانیان

اردشیر بابکان بنیانگذار حکومت ساسانیان است. او نزد مورّخانی که در قرن‌های نخستین هجری می‌زیستند، پادشاهی خوش‌نام است. جدّ او، ساسان، موبدی زردشتی بود که ریاست معبد آناهیتا را در پارس به عهده داشت. از این‌رو، خاندان ساسان در پارس از نفوذ و احترام لازم برخوردار بودند. ساسان با دختر حاکم پارس، ازدواج کرد و از آن پس موقعیت اجتماعی بهتری پیدا کرد و توانست جانشین پدرزن خود شود. چندی بعد، در زمانی که خاندان اشکانی به دلیل اختلافات داخلی و جنگ‌های خارجی ضعیف شده بودند، اردشیر (نوه ساسان) به فکر دست یافتن به حکومت افتاد.

انتخاب کرد. شاپور پادشاهی شجاع بود. او در مدت فرمانروایی اش لشکرکشی‌های زیادی کرد. وی به ارمنستان رفت و حاکمی برای آن منصوب کرد. کوشان‌ها را در شرق ایران شکست داد. به‌ویژه، در جنگ‌هایی که با رومیان داشت به پیروزی رسید. مشهورترین نبرد او با رومیان، در زمان والرین^۳ امپراتور روم رخ داد که در آن، رومیان شکست خوردند و امپراتورشان اسیر ایرانیان شد. به دستور شاپور، خاطره این پیروزی را در چند نقش برجسته جاودانه ساختند. در فاصله مرگ شاپور و پادشاهی شاپور دوم چند تن دیگر به حکومت رسیدند، ولی هیچ‌یک توانایی این دو را نداشتند. در این مدت، درباریان به دلیل ضعف پادشاهان در امور کشور دخالت می‌کردند و با یکدیگر به کشمکش می‌پرداختند. در این زمان، رومیان به پیروزی‌هایی دست یافتند و توانستند قسمت‌هایی از خاک ایران را تصرف کنند. غرب و شرق کشور نیز عرصه تاخت و تاز بیگانگان شد.

اردشیر می‌گفت که حکومت ملوک الطوائفی موجب آشفتگی اوضاع ایران شده است و نیز رواج ادیان و آیین‌های مختلف، دین زردشتی را تهدید می‌کند؛ او وعده می‌داد که اگر به قدرت برسد دین زردشتی را رسمیت خواهد بخشید و به جای شیوه ملوک الطوائفی حکومت مرکزی مقتدری ایجاد خواهد کرد و وسعت مرزهای ایران را به قبل از حمله اسکندر خواهد رساند. اردشیر تقریباً به وعده‌های خود عمل کرد. او پس از غلبه بر اردوان^۱ آخرین پادشاه اشکانی در چندین نبرد با حاکمان مناطق مختلف به پیروزی رسید. معابد بسیاری در شهرهای ایران برپا کرد و به جنگ رومیان رفت؛ زیرا دولت روم که خبر سقوط اشکانیان را شنیده بود، فرصت را مغتنم شمرده و در امور ارمنستان دخالت می‌کرد. او قصد داشت در آنجا حکومتی دست‌نشانده ایجاد کند (سرنوشت جنگ ایران و روم در زمان جانشین اردشیر، شاپور اول، روشن شد).
فرمانروایی دو شاپور: اردشیر، پیش از اینکه بمیرد، پسرش، شاپور، را به جانشینی خود



بقایای یک کاخ مربوط به دوره ساسانیان در سروستان فارس



شاپور اول ساسانی پس از پیروزی بر رومیان و به اسارت در آوردن والرین امپراتور روم، دستور داد صحنه تسلیم شدن امپراتور روم را بر روی دیواره‌ای سنگی در فارس حک کنند. شما از این تصویر چه چیزهایی را برداشت می‌کنید؟



قلمرو ساسانیان

شاپور دوم، سومین پادشاه قدرتمند ساسانی بود^۱ که توانست به اوضاع کشور سروسامان بدهد. اعرابی را که موجب ناامنی در جنوب کشور بودند به شدت تنبیه کرد، ترکان ساکن شمال شرق را شکست داد و در نبردی بزرگ بر رومیان پیروز شد.

از دیگر اقدامات شاپور دوم سختگیری نسبت به عیسویان ایران است. در این زمان، دین مسیحی در روم رسمی شده بود. در نتیجه، مسیحیان ایران مورد سوءظن شاپور قرار گرفتند. او آنها را به چشم طرفداران روم نگاه می‌کرد؛ زیرا در جنگ با امپراتوری روم به شاه کمک نمی‌کردند. در نتیجه، به اقداماتی چون گرفتن مالیات‌های سنگین، جلوگیری از تبلیغ مسیحیت و حتی آزار و اذیت آنها دست زد. در این راه، موبدان زردشتی محرک و مشوق شاپور بودند^۲.

عصر انوشیروان: در فاصله مرگ شاپور دوم تا ظهور انوشیروان، چندین تن دیگر به حکومت رسیدند که دو تن از آنان از بقیه مشهورترند: بهرام گور و قباد. بهرام گور به جنگ هپتال‌ها^۳ رفت و پس از مدت‌ها توانست آنان را سرکوب کند. هپتال‌ها اقوامی بیابانگرد در شمال شرق ایران بودند که با حملات مکرر خود به شمال خراسان موجب ناامنی و زحمت مردم آن نواحی می‌شدند.

قباد نیز وارث مشکلات بسیاری بود. البته برای حل آنها تلاش کرد، اما توفیق زیادی نیافت. همزمان با روی کار آمدن قباد، جنگ‌های مکرر در شرق و غرب ایران ساسانیان را سردرگم کرده بود. به علاوه کشمکش با بزرگان که مدام در امور کشور دخالت می‌کردند و برای کسب قدرت

با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند، شاهان ساسانی را دچار زحمت می‌کرد. از طرفی، مالیات‌های سنگین و ستم بر مردم، پریشانی اوضاع را بدتر می‌ساخت. وقوع خشکسالی نیز بر مشکلات افزود و قباد را در وضعیت سختی قرار داد. در چنین شرایطی مزدک ظهور کرد. او خود از اشراف

بود؛ اما اندیشه‌های تازه‌ای درباره شیوه اداره کشور مطرح کرد؛ از جمله، خواهان توزیع آذوقه در میان مردم قحطی‌زده و کاهش قدرت بزرگان (فرماندهان نظامی، زمین‌داران و...) بود. قباد، مزدک را وسیله‌ای برای کاهش قدرت بزرگان دید؛ بنابراین، او را به خود نزدیک کرد؛ اما گروهی از بزرگان که وجود مزدک را به زیان خود می‌دیدند با طرح این شعار که مزدک از اصول دین زردشتی منحرف شده است، علیه او و قباد دست به کار شدند. آنان قباد را برکنار ساختند و مزدک را زندانی کردند. مدتی بعد، قباد به کمک پادشاه هپتال‌ها دوباره به قدرت رسید و این بار برای حفظ قدرت از حمایت مزدک و طرفدارانش دست کشید. در نتیجه، مزدک و بسیاری از آنان به دست بزرگان خاندان ساسانی به قتل رسیدند. در این کار، انوشیروان نیز با بزرگان همراه بود.

خسرو انوشیروان در شرایطی به قدرت رسید که حکومت ساسانی با بحرانی جدی روبه‌رو بود. او برای سروسامان دادن به اوضاع کشور اصلاحاتی انجام داد؛ از جمله:

- ۱- ارتش را از نو سازماندهی کرد.
 - ۲- تقسیمات کشوری را تغییر داد.
 - ۳- روش جدیدی برای گرفتن مالیات برقرار نمود.
- روابط ایران و روم در دوره سلطنت انوشیروان،

۱- ۳۱۰-۳۷۹ میلادی

۲- مشکل مسیحیان با دولت ساسانیان سال‌ها ادامه داشت تا عاقبت در اواخر قرن پنجم میلادی، مسیحیان ایران اعلام کردند که در امور دینی خود مستقل هستند و از مسیحیان روم پیروی نمی‌کنند. در نتیجه، از فشار به آنها کاسته شد و مسیحیان آزادی نسبی به دست آوردند.

بسیار متغیر بود. این روابط گاه دوستانه بود و بین دو کشور تبادل سفیر در جریان بود و گاه درگیری‌های مرزی در می‌گرفت. سرانجام دو کشور قرارداد صلحی امضا کردند که سال‌ها دوام داشت.



طاق کسری یا ایوان مداین مشهورترین اثر به‌جامانده از عصر ساسانی است که در کشور عراق امروزی قرار دارد. این بنا در فرهنگ و ادبیات ایرانیان به‌عنوان مظهر ناپایداری اوضاع جهان شناخته شده است.

یک توضیح

یکی از زمینه‌های رقابت ایران و روم در زمان خسرو انوشیروان، سرزمین یمن بود که به دلیل قرارگرفتن در مسیر تجارت دریایی اهمیت داشت. انوشیروان به منظور خارج کردن یمن از دست حاکم دست‌نشانده روم، سپاهی را به فرماندهی وهرز دیلمی به یمن فرستاد. این سپاه یمن را تصرف کرد و حکومت آنجا به دست ایرانیان افتاد. ایرانیان ساکن در یمن در زمان ظهور اسلام، مسلمان شدند.

روابط بازرگانی بدون واسطه ایران بودند. انوشیروان در یک لشکرکشی موفقیت‌آمیز، شکست سختی بر هپتال‌ها وارد کرد و برای همیشه به حکومت آنان خاتمه داد.

مسئله هپتال‌ها: سپس نوبت به حکومت هپتال‌ها رسید. فرمانروای هپتال‌ها در جنگ‌های خسرو بارومیان، جانب رومی‌ها را گرفت و علیه ایران جنگید؛ زیرا آنان از تسلط ایران بر جاده ابریشم ناراضی بودند و خواهان

ساسانیان در سراسیابی سقوط

خسرو پرویز: پس از خسرو اول، حکومت ساسانی دوباره دچار ضعف شد. شورش یکی از فرماندهان نظامی به نام بهرام چوبین علیه هُرمز، جانشین خسرو، از جمله عوامل آشوب و ناامنی بود. در این میان خسرو پرویز، پسر هُرمز که به روم گریخته بود به کمک امپراتور روم به ایران بازگشت و تاج و تخت را تصرف کرد. او با کشتار مخالفان، کوشید پایه‌های قدرتش را محکم کند.

خسرو پرویز آخرین پادشاه مشهور ایران باستان^۱ است. دو تن از زنانش مسیحی بودند که یکی از آن دو، دختر امپراتور روم بود. نتیجهٔ انس با این دو، نفوذ مسیحیان در دربار و آزادی بیش از حد آنان بود؛ عاملی که ناخرسندی موبدان و سایر درباریان را در پی داشت و از عوامل برکناری و قتل خسرو پرویز در چند سال بعد شد.

خسرو پرویز مردی متکبر و خودپسند بود و همین نکته موجب رنجش و نفرت اطرافیان از وی شد. برخورد نامناسب او با فرستادگان پیامبر اسلام در تاریخ مشهور است.

در زمان فرمانروایی خسرو پرویز، امپراتور روم^۲ و خانواده‌اش در توطئه‌ای به قتل رسیدند. در نتیجه، خسرو به بهانهٔ انتقام خون پدرزنش به صلح ایران و روم پایان داد و به روم لشکر کشید. در این لشکرکشی، ابتدا پیروزی‌های زیادی نصیب خسرو پرویز شد؛ اما همان‌گونه که قرآن (در سورهٔ روم) پیش‌بینی کرده بود، شکست خورد و از مقابل سپاه روم گریخت. در بازگشت نیز از بدرفتاری با اطرافیان دست نکشید.

در اواخر سلطنت خسرو، اختلاف و نزاع سیاسی در دربار ساسانی دوباره اوج گرفت. شیرویه، پسر و جانشین

او، با همدستی اشراف و بزرگان، ضمن برکناری و قتل پدر، شمار زیادی از افراد خاندان شاهی از جمله برادرانش را کشت. رقابت و کشمکش‌های سیاسی در درون دربار چنان بالا گرفت که در فاصلهٔ چهار سال، ده نفر که دو تن از آنان دختران خسرو پرویز بودند بر تخت شاهی نشستند.

در سال‌های پایانی حکومت ساسانیان، بر اثر طغیان رودهای دجله و فرات و شکسته شدن سدها، بخش وسیعی از زمین‌ها و مزارع کشاورزی منطقهٔ سواد (مناطق مرکزی و جنوبی عراق کنونی) به زیر آب رفت و نابود شد. پیامد اقتصادی این حادثه برای امپراتوری ساسانی زیانبار بود؛ زیرا بخش مهمی از منابع درآمد خود را از مالیات آن منطقه تأمین می‌کرد. شیوع بیماری‌های مسری و مرگ شمار زیادی از ساکنان ناحیهٔ مذکور نیز شرایط را بدتر کرد.

سپاه ساسانی که در گذشته بارها توانمندی نظامی خود را در نبردهای بزرگ با دشمنان و مهاجمان به مرزهای ایران نشان داده بود، در اواخر عصر ساسانی، به سبب شورش سپهسالاران و دخالت آنان در درگیری‌های سیاسی، از آمادگی و توان رزمی مطلوبی برخوردار نبود و نتوانست در برابر حملهٔ اعراب مسلمان ایستادگی کند.

روابط ایرانیان و اعراب در دورهٔ ساسانیان

همسایگی شبه‌جزیرهٔ عربستان با فلات ایران، موجب برخورد و ارتباط مداوم ساکنان این دو سرزمین بود. امپراتوری‌های ایران باستان به منظور جلوگیری از هجوم و دستبرد قبایل بیابانگرد عرب به آبادی‌ها و شهرهای مرزی، اقدام به تأسیس امارت‌های وابسته از میان اعراب کردند. به همین منظور در دورهٔ ساسانی امارتی دست‌نشانده به

۱- ۵۹۰-۶۲۷ میلادی

۲- مورس

روستاهای آبادی داشت که جمعیت آنها را کشاورزان، گله‌داران، پیشه‌وران، صنعتگران، تاجران و ... تشکیل می‌دادند. روستاییان ایرانی با آنکه زندگی خوبی نداشتند و همواره فشار مالیات‌ها بر دوش آنان سنگینی می‌کرد و از ترقی و دستیابی به مشاغل بالای اجتماعی محروم بودند، چندان شکایتی از زندگی خود نداشتند؛ زیرا تبلیغات ساسانیان به آنان باورانده بود که خون آنها با خون اشراف زادگان و بزرگان متفاوت است؛ یکی زاده شده بود تا کشاورز شود و دیگری به دنیا آمده بود تا آقای او باشد. توده مردم به دین زردشتی اعتقاد داشتند و براساس آموزه‌های آن زندگی می‌کردند. تعلیم و تربیت، ازدواج، شرکت در مراسم جشن و سرور یا عزاداری و بسیاری امور دیگر آنها براساس تعلیم دین زردشتی و آداب کهنی که از دوران قبل بر جا مانده بود، برگزار می‌شد. آنان هنگام صلح زندگی نسبتاً آرامی داشتند و هنگام جنگ به اجبار یا به انگیزه‌های دینی و ملی به صف سپاهیان می‌پیوستند و به نبرد با دشمنان می‌پرداختند.

جامعه عصر ساسانی، جامعه‌ای طبقاتی بود. در یک طرف بزرگان قرار داشتند که شامل خاندان شاهی، خاندان‌های قدیمی^۲، حاکمان ولایات و مقامات دولتی و نظامی می‌شدند و در طرف دیگر، توده مردم بودند؛ یعنی کشاورزان، صنعتگران و پیشه‌وران. ارتقا از طبقه دوم به طبقه نخست غیرممکن بود.

عصر ساسانی، به‌ویژه عصر انوشیروان، دوران شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران باستان است. گرچه این فرهنگ و تمدن تا حد زیادی درباری بود و با دستگاه حاکم ارتباط بسیاری داشت، با این حال، بقایای آن نشانگر ذوق

ریاست خاندان عرب لخمی (آل لخم) شکل گرفت که مرکز آن شهر مرزی حیره در ساحل غربی رود فرات بود. همچنین چندین مرزبان‌نشین ایرانی در نقاط حساس و مهم عربستان از جمله بحرین (هَجْر^۱)، عمان (مزون) و یمن مستقر بود.

هنگامی که خسرو پرویز حکومت لخمیان را به سبب تردید در وفاداری و اطاعت آنان نسبت به خود برانداخت، مرزهای جنوب غربی ایران آسیب پذیر شد. شکست واحدهایی از سپاه ساسانی در برابر یکی از قبیله‌های عرب در آبشخور ذوقار^۲ هیبت و اقتدار امپراتوری ساسانی را نزد اعراب فروریخت و به آنان جسارت داد که مکرر شهرها و آبادی‌های سواد را مورد یورش و غارت قرار دهند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا حکومت‌های هپتال و روم که از دشمنان ایران بودند، هر یک در مقطعی خاص از یکی از پادشاهان معزول یا شکست خورده ایرانی (قباد و خسرو پرویز) حمایت کردند و آنها را به پادشاهی بازگرداندند؟

فرهنگ و تمدن ایران عصر ساسانی

اوضاع اجتماعی: آنچه تاکنون خواندید، حدود ۴۰۰ سال تاریخ سیاسی ساسانیان بود. بیشتر این سال‌ها در جنگ‌ها و کشمکش‌های سیاسی طی شد. اما باید توجه داشته باشید که دوران حکومت ساسانیان همه در جنگ و خونریزی نمی‌گذشت؛ بلکه در این دوران طولانی، ایران یکی از دو قدرت بزرگ جهان بود. ایران شهرها و

۱- بحرین یا هجر به نواحی ساحلی جنوب خلیج فارس که اکنون احسان نام دارد، گفته می‌شد.

۲- آبشخور ذوقار در جنوب عراق میان شهرهای کوفه و واسط واقع بوده است.

۳- واسپوهران

و استعداد دانشمندان، هنرمندان و ادیبان ایرانی است؛ به طوری که حتی با ظهور اسلام، میراث تمدن ساسانیان تداوم یافت و به حیات خود ادامه داد؛ مانند طاق و ایوان در معماری ساسانی که در مساجد اسلامی جلوه گر شد؛ یا آثاری چون کلیله و دمنه^۱، ویس و رامین و مضامین ادبی که در دوران اسلامی نیز به حیات خود ادامه داد.

اگر چه شاهان ساسانی در شیوه حکومت، روشی جز استبداد نمی شناختند، خون انسان های پیرامونشان از نظر آنان ارزشی نداشت و به راحتی دستور قتل و حبس خطاکاران را صادر می کردند؛ اما برخی از آنان مانند شاپور و انوشیروان به دانش و گسترش آن علاقه داشتند. دین: خاندان ساسانی پس از به قدرت رسیدن، برای توسعه دین زردشتی کوشش بسیار کردند؛ آتشگاه های زیادی در گوشه و کنار ایران بر پا نمودند، زمین های کشاورزی را وقف آنها کردند و موبدان را ارتقا بخشیدند. موبدان اجرای مراسم دینی و آموزش احکام دین زردشت را به عهده داشتند و رئیس آنان را موبدان موبد می گفتند. در بیشتر روستاها و شهرها آتشکده ای قرار داشت؛ اما در سراسر کشور سه آتشکده از بقیه مهم تر بودند:

۱- آتشکده آذر قُربُغ در فارس؛ مخصوص موبدان

۲- آتشکده آذر گُشَسب در آذربایجان؛ مخصوص

شاهان و جنگ جویان

۳- آتشکده آذر برزین مهر در خراسان؛ مخصوص

کشاورزان

صابئین: آیین پیروان حضرت یحیی است که طرفداران آن بیشتر در میان دورود می زیستند. صابئین مراسم دینی و آداب و رسوم ویژه ای داشتند؛ مثلاً، خوردن گوشت گاو را حرام می دانستند و نماز صبح را پس از

طلوع آفتاب می خواندند.

مانویان و مزدکیان: مانی از دانشمندی بود که در زمان شاپور اول ظهور کرد. او با ادیان و اندیشه های عصر خود آشنایی کافی داشت و اختلاف مذاهب مختلف همواره ذهنش را مشغول می داشت. از این رو، سعی کرد با گزینش بخش هایی از آموزه های ادیان مسیحی، زردشتی، بودایی و ...، آیین جدیدی به وجود آورد. او به واسطه هنر و دانش خود به شهرت رسید و به دربار راه یافت و اندیشه های خود را به شاپور عرضه کرد. شخصیت مانی توجه شاپور را به خود جلب کرد. او، مانی را در تبلیغ اندیشه های خود آزاد گذارد؛ اما موبدان که از این کار ناخرسند بودند علیه مانی دست به کار شدند و شاپور را واداشتند تا از حمایت او دست بکشد. سرانجام، در زمان بهرام اول فرمان قتل مانی را از شاه گرفتند، ولی پیروان او دست از اعتقادات خود برنداشتند. آیین مانی به مرور توسط پیروانش در ایران و به ویژه در آسیای مرکزی، طرفداران زیادی یافت. مانی چندین کتاب نوشت که از آن میان، ارژنگ شهرت بیشتری دارد. او از نخستین نویسندگانی است که اهمیت تصویر در آموزش را دریافته بود. به همین دلیل، کتاب ارژنگ وی که مخصوص مردم عادی نوشته شده بود، تصاویر زیادی داشت.

مزدک آیین تازه ای با خود نیاورد. او علاوه بر گرایش های اجتماعی و سیاسی تفسیر تازه ای از موضوع نور و ظلمت ارائه کرد. مزدک معتقد بود که پیروزی خیر بر شر قطعی است و وظیفه مردم یاری رساندن به خیر است. هرچند او نیز توسط مخالفانش به قتل رسید؛ اما اندیشه هایش تا چند قرن از بین نرفت و پیروانش اندیشه های وی را گسترش دادند.

۱- اصل این اثر از هند بود که توسط برزویه طبیب، در دوره انوشیروان به ایران آورده شد و به زبان پهلوی ترجمه گردید.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، ظهور آیین‌های مزدک و مانی نشانگر چه مسائلی در دوره ساسانی است و این آیین‌ها چه پیامدهایی داشت؟

به عهده داشت، اداره می‌شد. در رأس آنان، وزیر اعظم قرار داشت که نزدیک‌ترین فرد به شاه بود و می‌توانست در او نفوذ بسیار داشته باشد.

هریک از استان‌ها و شهرهای کوچک و بزرگ حاکمی داشت که امور آن را اداره می‌کرد. شیوه کشورداری ساسانیان بعدها مورد تقلید بنی‌عباس و حکومت‌های پس از آنان قرار گرفت.

خط، ادبیات و آموزش: مشهورترین خط‌های رایج در عصر ساسانیان، خط پهلوی اشکانی و خط پهلوی ساسانی است. این خط‌ها از خط آرامی اقتباس شده بود و همه مکاتبات اداری، نوشته‌های ادبی و تاریخی و کتیبه‌های شاهان ساسانی بر سینه صخره‌ها و... به این خط‌ها نوشته می‌شد. از بسیاری از شاهان ساسانی، کتیبه‌های متعددی باقی مانده است که چگونگی فتوح، تاج‌گذاری و... را بیان می‌کند و ارزش ادبی و تاریخی فراوانی دارد.

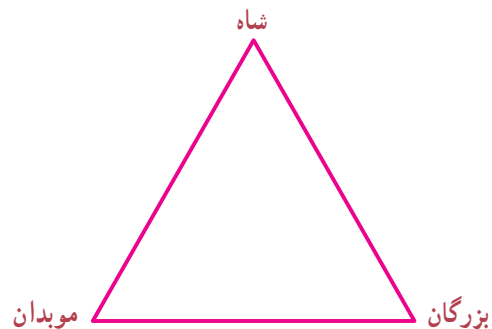
در زمان ساسانیان تنها فرزندان بزرگان آموزش می‌دیدند و فرزندان مردم عادی از آموزش محروم بودند. آنها بیشتر مطالب اوستا را آموزش می‌دیدند. تیراندازی، چوگان بازی و شنا از دیگر کارهایی بود که جوانان به آن مشغول می‌شدند تا هنگام جنگ آمادگی لازم را داشته باشند.

جندی‌شاپور از مراکز مهم آموزش و پژوهش بود و دانشمندان و پزشکان بسیاری در آن به کار و پژوهش مشغول بودند. انوشیروان عده‌ای را برای کسب علوم به هند فرستاد. او عده‌ای از فلاسفه یونان را که از تنگ‌نظری و تعصب مسیحیان روم، به ایران پناهنده شده بودند به گرمی پذیرفت و از آنان حمایت کرد.

معماری و حجاری: خرابه‌های چندین کاخ و آتشگاه در فیروزآباد، بیشاپور و... جلوه‌گاه معماری

عده‌ای از ایرانیان نیز یهودی، مسیحی و بودایی بودند. از این میان، مسیحیت رقیب سرسخت آیین زردشت به حساب می‌آمد؛ اما با انقراض حکومت ساسانی و گسترش اسلام در ایران همه آنها نفوذ گسترده خود را از دست دادند.

اداره کشور: ساسانیان خود را وارث هخامنشیان می‌دانستند؛ بنابراین، می‌کوشیدند شیوه کشورداری آنان را احیا کنند و مورد تقلید قرار دهند. به طور کلی، تمرکز و عدم تمرکز قدرت در زمان ساسانیان را می‌توان به کمک مثلث زیر نشان داد.



همان‌گونه که خواندید، بزرگان شامل کسانی همچون اعضای خاندان سلطنتی، مقامات دولتی و فرماندهان سپاه بودند. اگر شاه فردی قدرتمند بود، از نفوذ بیش از حد بزرگان و موبدان کاسته می‌شد و اگر کفایت لازم را نداشت، دو ضلع دیگر این مثلث قدرت بیشتری می‌یافتند. در دوران ساسانی، هر یک از امور مالی، اقتصادی، کشاورزی، اداری و... زیر نظر فردی که ریاست آن‌را

عصر ساسانی است. معماران این دوره در اوایل دنباله‌رو معماران عصر اشکانی بودند؛ اما با گذشت زمان، در بنای کاخ‌ها و آتشگاه‌ها شیوه‌ها و سبک‌هایی در پیش گرفتند که در گذشته فراگیر نبود؛ مانند استفاده از طاق و ایوان؛ با استفاده از طاق، دیگر به برپایی ستون نیاز چندانی نبود. معماران عصر ساسانی از گچ‌بری‌های زیبا و گاه کاشی‌کاری استفاده می‌کردند. کاخ‌هایی مانند کاخ تیسفون (معروف به ایوان کسری) و کاخ فیروزآباد در زمان خود شکوه و جلال زیادی داشتند و چشم‌همگان را خیره می‌کردند. شاهان ساسانی در این کاخ‌ها به اداره امور می‌پرداختند، دستورات لازم را صادر می‌کردند، فرستادگان حکومت‌های دیگر را به حضور می‌پذیرفتند و نیز به تفریح و خوشگذرانی می‌پرداختند.

برخلاف بناها و شهرهای دوره ساسانی که در گذر زمان جز خرابه‌هایی از آنها باقی نمانده است، نقش برجسته‌های فرمانروایان ساسانی در فارس، کرمانشاه و ... با گذشت صدها سال - تا اندازه‌ای سالم مانده و مورد توجه پژوهشگران است. موضوع این نقش برجسته‌ها شامل مراسم تاجگذاری، جنگ و شکار شاهان ساسانی است.

هنر و صنعت: علاوه بر فعالیت‌های هنری ذکر شده در عصر ساسانی، قالی‌بافی، پارچه‌بافی، فلزکاری و شیشه‌گری نیز رونق بسزایی یافت. در این عصر، پارچه‌های بافت ایران در روم مشتریان زیادی داشت. فلزکاران ماهر در خدمت شاهان و شاهزادگان بودند و برای آنان ظروف بسیار ظریف و زیبایی از طلا و نقره می‌ساختند. نمونه‌هایی از این ظروف امروزه در موزه‌های اروپا توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان را به خود جلب می‌کند.

در آن زمان، موسیقی نیز رونق داشت. موسیقی‌دانان و آوازه‌خوان‌های دربار را هُنیاگر (خُنیاگر) می‌گفتند. آنان

برای شاهان انواع ترانه‌ها را می‌ساختند و به مناسبت‌های مختلف اجرا می‌کردند. خسرو پرویز بیش از سایر شاهان ساسانی به موسیقی علاقه داشت؛ به طوری که ساعات خود را به چهار قسمت تقسیم کرده بود و یک قسمت آن را به شنیدن موسیقی اختصاص داده بود.

بازرگانی: در این دوره، جاده ابریشم جولانگاه کاروان‌های بازرگانی بود. این کاروان‌ها کالاهای ساخت چین، هند، ایران و روم را از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌بردند. در خلیج فارس صید مروارید رواج داشت. همچنین شهرهای میناب، سیراف و بوشهر در بازرگانی این دوره نقش بسزایی داشتند. مالیاتی که از بازرگانان و کشاورزان دریافت می‌شد، ثروتی انبوه بود که صرف مخارج دولتی و زندگی پرتجمل خاندان ساسانی، بزرگان و حاکمان می‌شد. ساسانیان برای حفظ جاده ابریشم و تسلط بر آن تلاش زیادی می‌کردند.



ظرف نقره‌ای مربوط به دوره ساسانی. به نظر شما، نقوش روی این ظرف چه آگاهی‌هایی در مورد دوره ساسانیان در اختیار ما می‌گذارد. درباره این موضوع در کلاس بحث کنید یا مطلبی در چند سطر بنویسید.

یک توضیح

باربد از مشهورترین موسیقی دانان و آوازه خوان‌های این دوره است. او بسیار علاقه مند بود که به دربار خسرو پرویز وارد شود؛ اما خنیاگر دربار، نکیسا، به او اجازه این کار را نمی‌داد. عاقبت، روزی باربد در بالای درختی که در مسیر شاه بود، پنهان شد و به خواندن آواز مشغول گشت. شاه با شنیدن صدای باربد بدان علاقه مند شد و سراغ او را گرفت. از آن پس، وی نیز به گروه خنیاگران خسرو پرویز پیوست و به شهرت زیادی دست یافت.



سکه دوره ساسانی از جنس طلا مربوط به زمان شاپور اول. چه چیزهایی را بر روی این سکه می‌بینید؟

پرسش‌های نمونه

- ۱- اردشیر بابکان اهداف حکومت خود را چه چیز اعلام کرد و پس از رسیدن به حکومت چه اقداماتی انجام داد؟
- ۲- اوضاع ایران در فاصله حکومت شاپور اول و شاپور دوم چگونه بود؟
- ۳- برخورد شاپور دوم با مسیحیان چگونه بود؟ علت آن چه بود؟
- ۴- انوشیروان چه اقدامات مهمی انجام داد؟
- ۵- ترکیب جامعه در عصر ساسانی چگونه بود؟ آن را با دوره‌های هخامنشی و اشکانی مقایسه کنید.
- ۶- علت ظهور اندیشه‌های مانوی و مزدکی در دوره ساسانی چه بود؟
- ۷- جایگاه ایران عهد ساسانی را در جهان معاصر با آن چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره روابط فرهنگی ایران با دیگر کشورها در عصر ساسانی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- یکی از بناها و نقش برجسته‌های دوره ساسانی را در چند صفحه توصیف کنید.
- ۳- دوران حکومت و اقدامات خسرو انوشیروان را با حکومت و اقدامات داریوش اول هخامنشی مقایسه و ارزیابی کنید.

ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ

بخش سوم

طلوع اسلام

مقدمه

در درس‌های قبل با تحولات تاریخ ایران و جهان در آستانه ظهور اسلام آشنا شدید. اسلام در شبه جزیره عربستان ظهور کرد، اما ظهور آن علاوه بر ایجاد تحول در این منطقه، سرآغاز تحولات بزرگی در سرزمین‌های مجاور آن مانند ایران و حتی سراسر جهان بود. بنابراین، آشنایی با تاریخ اسلام، گذشته از آنکه برای ما مسلمانان اهمیت دینی دارد، به دلیل ارتباط گسترده آن با تاریخ کشور ما ایران و اهمیت آن در شناسایی تحولات تاریخی جهان ضروری است.

شبه جزیره عربستان

عربستان مسکن دیرینه اقوام سامی است. کلمه عرب به معنای بدوی و صحرائنشین است. بیشتر ساکنان این شبه جزیره را بادیه نشینان تشکیل می‌دادند که معیشت آنان از طریق پرورش معدودی بز و شتر تأمین می‌شد، شماری نیز شهرنشین بودند و در اندک شهرهای شبه جزیره به تجارت و کشاورزی اشتغال داشتند.

عربستان بزرگ‌ترین شبه جزیره دنیاست که در جنوب غربی آسیا قرار دارد. اطراف آن را آب‌های خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند و دریای سرخ فرا گرفته و شمال آن به وسیله ریگزارهای وسیعی که به عراق و اردن محدود می‌شود، پوشیده شده است.



شبه جزیره عربستان

با یکدیگر بر سر مسائل کوچک و بزرگ در جنگ و کشمکش به سر می بردند. جنگ‌هایی که گاه سال‌ها به طول می انجامید و جز گسترش کینه و تشدید خشونت و بی‌رحمی، نتیجه دیگری نداشت. ریش سپیدان قبیله از میان خود فردی را که به شجاعت، سخاوت و تدبیر شناخته شده بود به ریاست قبیله برمی‌گزیدند. رئیس یا شیخ قبیله که مورد احترام همه افراد قبیله بود، ضمن برخورداری از امتیازاتی ویژه، با هرگونه خطا و سرپیچی افراد از مقررات و سنت‌های قبیله برخورد می‌کرد.

نظام اجتماعی: زندگی در سرزمین عربستان به دلیل شرایط جغرافیایی و آب و هوای گرم و خشک، بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. شرایط سخت زندگی و محدودیت منابع طبیعی، خلق و خو و شکل زندگی ساکنان آن سرزمین را تحت تأثیر قرار داده بود. زندگی اعراب شکل قبیله‌ای^۱ داشت. افراد قبیله نسبت به یکدیگر و حفظ آداب و رسوم و مقررات قبیله تعصب و احساس مسئولیت ویژه‌ای داشتند و در مقابل از حمایت بی‌چون و چرای قبیله برخوردار بودند. قبایل همواره

۱- قبیله به مجموع خانواده‌هایی گفته می‌شد که با یکدیگر ارتباط خونی و نسبی داشتند. وقتی قبیله‌ای گسترش می‌یافت، هر یک از آن خانواده‌ها، تحت عنوان یک تیره نوعی استقلال پیدا می‌کردند و با سایر تیره‌های قبیله خود به رقابت و کشمکش می‌پرداختند.

کشته شدگان بی گناه

در جنگ‌های قبیله‌ای زنان بیش از مردان آسیب می‌دیدند و در جریان غارت قبیله شکست خورده، کشته شده یا به اسارت و بردگی گرفته می‌شدند که این خود عامل خفت قبیله شکست خورده تلقی می‌گردید. افزون بر آن به سبب اینکه زنان نمی‌توانستند مانند مردان بجنگند و از قبیله خود دفاع کنند، موجوداتی پست و ناچیز و عامل ننگ و بدنامی قبیله به شمار می‌آمدند. سنت دلخراش زنده به گور کردن نوزادان دختر هم به این دلایل در میان بسیاری از قبایل عرب رایج شد. زنان جز در برخی خانواده‌های سرشناس از حق مالکیت برخوردار نبودند.

ادیان رایج در شبه جزیره عربستان (از خاطره توحید تا انحطاط شرک)

مجید به عرب عصر جاهلیت نسبت داده، شرک و پرستش بت‌هایی است که با دست خود می‌ساختند^۱. گرچه هر قبیله بت‌های خود را داشت؛ اما برخی بت‌ها مانند لات (خدای خورشید و مادر خدایان)، منات (خدای سرنوشت و مرگ) و عزی (خداوند زهره) از جمله بت‌های مورد احترام غالب قبائل بودند. خانه خدا که مردم از سراسر شبه جزیره در ماه‌های حرام^۲ برای زیارت آن به مکه می‌آمدند، به بتخانه‌ای مملو از بت‌های رنگارنگ تبدیل شده بود. بت پرستان تقریباً همگی بی‌سواد و تابع بی‌چون و چرای عقاید و سنت‌های خرافی بودند که در میان آنها رواج داشت.

۲- دین یهود: گذشته از یهودیان ساکن در یمن، بیشتر یهودیان شبه جزیره عربستان در یثرب و اطراف آن زندگی می‌کردند.^۳ روحانیون یهودی که حبر خوانده می‌شدند، در «بیت‌المدارس» به تدریس تورات و احکام

خانه خدا در شهر مکه، یادگار حضرت ابراهیم علیه السلام، پیامبر بزرگ الهی و فرزند او حضرت اسماعیل علیه السلام بود. زندگی آنان به ترویج یکتاپرستی و مبارزه با شرک سپری گشت. با گذشت زمان، از آیین و تعالیم ابراهیمی، جز خاطرات پراکنده و برخی سنت‌ها نظیر زیارت کعبه چیزی باقی نماند. در آستانه بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله شمار معدودی از اعراب، یکتاپرست و پیرو آیین ابراهیمی بودند و به روز رستاخیز ایمان داشتند. این عده که خود را حنفا می‌نامیدند، بیشتر در شهر مکه سکنا یافته بودند. اکثریت مردم این شبه جزیره پیرو عقاید دیگری بودند:

۱- شرک و بت پرستی: مهم‌ترین صفتی که قرآن

۱- گرچه اعراب جاهلی به خدایی برتر به نام الله اعتقاد داشتند؛ اما بت‌ها را به عنوان واسطه یا شفیع تلقی می‌کردند که باعث نزدیکی آنها به خدایی بزرگ‌تر می‌شدند. قرآن نیز به این باور خرافی اشاره کرده است (سوره زمر/ آیه ۴).

۲- چون جنگ‌های دائمی میان قبایل مانع رفت و آمد ایمن آنان به مکه و زیارت کعبه می‌شد، اعراب بر اساس سنتی کهن هرگونه جنگ و نزاع را در چهار ماه سال یعنی ذی‌القعدة، ذی‌الحجه، محرم و رجب ممنوع می‌دانستند و به آن ماه‌های حرام می‌گفتند. این سنت پس از ظهور اسلام نیز به عنوان یک حکم دینی مورد تأیید قرار گرفت.

۳- برخی معتقدند یهودیان عربستان، از قوم عرب نبودند؛ بلکه از تبار یهودیان مناطق دیگری بودند که به دلایل متعددی به سرزمین‌های مختلف از جمله شبه جزیره عربستان مهاجرت کرده بودند.

در میان قبایل شبه جزیره عربستان، قریش به دلیل داشتن امتیاز سرپرستی خانه کعبه و تجارت با شام، از اهمیت، قدرت و اعتبار بیشتری برخوردار بود. سود سرشار ناشی از تجارت و رباخواری و فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی روز به روز بر ثروت، رفاه و انواع آلودگی‌های اخلاقی بزرگان و رؤسای خانواده‌های بزرگ قبیله قریش می‌افزود و رنج و مشقت طبقات فرودست و به ویژه جمعیت رو به فزونی بردگان را افزایش می‌داد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا وجود خانه کعبه موجب رونق اجتماعی و اقتصادی شهر مکه شده بود؟

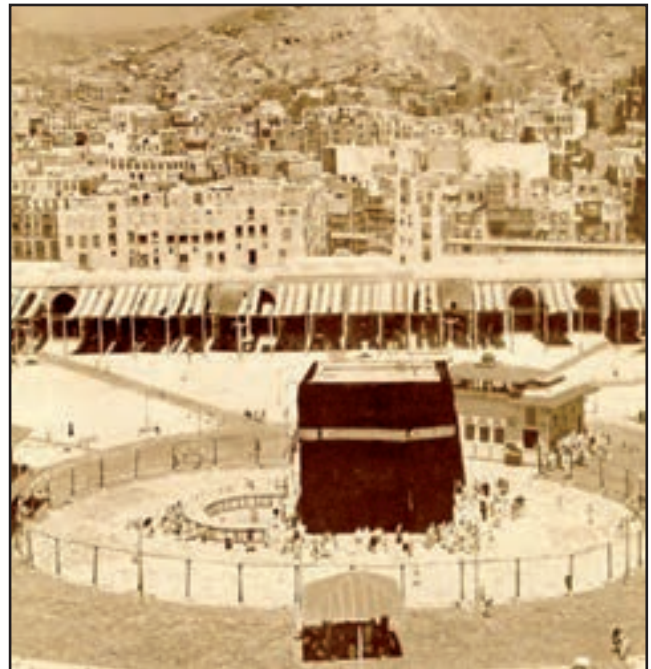
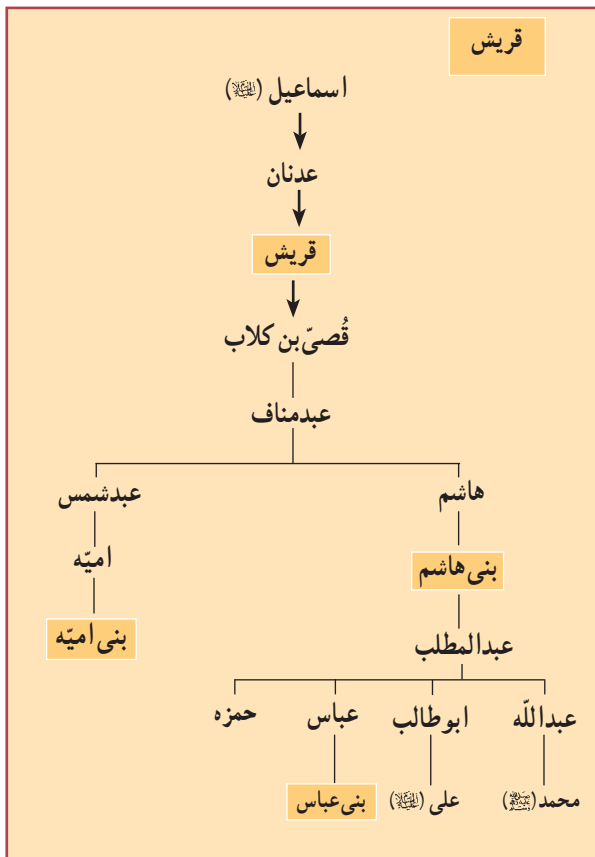
شرعی می‌پرداختند و حتی در مواردی پاسخگوی سؤالات یا داور نزاع و اختلافات اعراب بت پرست نیز بودند.

۳- دین مسیح: دین مسیح ابتدا در میان اعراب ساکن در شام و عراق پیروانی یافت. سپس مبلغان مسیحی در میان اعراب بیابان نشین نیز به تبلیغ پرداختند. راهبان مسیحی در محل استراحت کاروان‌های تجاری، عبادتگاه‌هایی برای تبلیغ مسیحیت میان اعراب برپا داشتند. مهم‌ترین مرکز مسیحیت در شبه جزیره عربستان، شهر نجران در جنوب آن شبه جزیره بود.

مکه و ساکنان آن: مکه شهر کوچکی در منطقه حجاز بود که گرچه از کمبود آب، هوای گرم و بیماری‌هایی چون وبا رنج می‌برد؛ اما به دو دلیل از رونق اجتماعی و اقتصادی برخوردار بود:

۱- وجود خانه کعبه

۲- تجارت با شام و یمن



مولود ستوده

را ترک نکرد و از جریان زندگی مردم عادی دور نشد. سرانجام در یکی از همین لحظه‌های با شکوه خلوت با خود، صدای فرشته وحی را شنید و دوران نبوتش آغاز شد.



در همان سال که پیل سواران ابرهه به قصد تخریب خانه کعبه به مکه هجوم آوردند، در خانه عبدالمطلب بن هاشم، محترم‌ترین شخصیت قریش و سرشناس در آن روزگار، نوزادی به دنیا آمد که او را محمد (ستوده) نامیدند^۱. پدرش عبدالله و مادرش آمنه بود. دوره کودکی خود را در بادیه نزد زنی به نام حلیمه گذراند^۲. پس از درگذشت زود هنگام والدینش، دوران خردسالی و نوجوانی وی نزد پدر بزرگش عبدالمطلب، و پس از وی در خانه عمویش ابوطالب، مرد کریم النفس قریش گذشت. مردم مکه حضرت محمد ﷺ را امین لقب داده بودند و در جامعه‌ای پر از فساد، دروغ و آلودگی او را به صداقت و پاکدامنی می‌شناختند. همین صداقت، توجه بانویی عفیف و توانگر به نام خدیجه را به خود جلب کرد و او را با سرمایه خویش برای تجارت به شام فرستاد. این آشنایی به ازدواج پربرکتی انجامید که یکی از ثمرات آن تولد دختری به نام فاطمه عليها السلام بود که در قرآن، کوثر (خیر فراوان یا چشمه‌ای پاکیزه) لقب گرفته است. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در پیمانی موسوم به «حلف الفضول» که برای دفاع از مظلومان و ضعیفان بسته شد، شرکت کرد و در واقعه نصب حجرالاسود نیز با داوری سنجیده خود، اختلافی را که هر لحظه ممکن بود شهر را به آشوب و خون بکشاند فیصله داد.

ظهور اسلام

دعوت خاص: دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز بر دو رکن اقرار به توحید و یگانگی خداوند و اعتقاد به روز رستاخیز استوار بود. در سه سال نخست بعثت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوتش را جز با کسانی که آمادگی فکری و روحی شنیدن و پذیرش آیین حق را داشتند در میان

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم طبق سنت توحیدی حضرت ابراهیم از پرستش بت‌ها بیزار بود. او گرچه در هر سال روزهایی را برای عبادت و تفکر در خلوت کوه جبل النور (غار حراء) می‌گذراند، ولی هیچ‌گاه مانند راهبان، جامعه

۱- ۱۷ ربیع‌الاول عام الفیل، مطابق با ۵۷۰ م.

۲- خانواده‌های ثروتمند ساکن شهرهای حجاز، برای ایمنی نوزادانشان از آلودگی‌های ناشی از بیماری‌های مسری مانند وبا و نیز برای آنکه کودکانشان با ویژگی‌های اخلاقی و

لهجه اصیل عربی خو بگیرند، آنان را به دایه می‌سپردند تا در بادیه پرورش یابند.

نمی گذاشت. نخستین ایمان آورندگان به اسلام سه کس بودند: خدیجه رضی الله عنها، علی بن ابی طالب رضی الله عنه و زید بن حارثه. به تدریج و در طول این دوران، هسته اولیه نهضت اسلام به نام «السابقون» شکل گرفت که پیشگامان توحید و اسلام در عربستان گردیدند.

دعوت عام: پس از سه سال پیامبر صلی الله علیه و آله مأموریت یافت دعوت خویش را عمومی سازد. او نخست طی مراسمی، خویشاوندان خود (بنی هاشم) را به اسلام دعوت کرد تا ضمن ابلاغ فرمان خداوند، از پشتیبانی عشیره خود در نظام قبیله ای مکه برخوردار شود. در مراسمی که بیش از ۴۰ تن از بنی هاشم در آن شرکت داشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن فراخواندن آنان به اسلام، فرمود: کدام

یک از شما مرا در این امر یاری می کند تا برادر، وصی و جانشین من باشد؛ جز علی رضی الله عنه هیچ کس حمایت خود را از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام نکرد. پس از این ماجرا پیامبر صلی الله علیه و آله رسالت خود را با شعار توحید بر بلندی های صفا اعلان نمود و آشکارا باورهای مشرکانه قوم و سنت های غلط نیاکان را تقبیح کرد. اشراف و رؤسای مکه به دشمنی با او برخاسته، ابتدا از طریق تطمیع و سپس از راه تحقیر و تهدید کوشیدند تا او را از ادامه دعوتش باز دارند. به رغم آنکه ابوطالب در دفاع از پیامبر مضر بود، ولی مشرکان از آزار پیامبر صلی الله علیه و آله دست برنداشتند و پیروانش را تا سرحد مرگ شکنجه کردند. یاسر و سمیه (نخستین شهدای مسلمان) بر اثر همین شکنجه ها به شهادت رسیدند.

یک توضیح

دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله برای مبارزه با پیشرفت اسلام و کاستن از محبوبیت روزافزون پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم، شیوه های مختلفی را به کار بستند. از جمله نضر بن حارث قرآن را مجموعه ای از قصه ها و افسانه های کهن معرفی و تلاش کرد با نقل افسانه های ایرانی از جاذبه قرآن بکاهد. ولید بن مغیره، پیامبر صلی الله علیه و آله را به جادوگری متهم کرد، عاص بن وائل کوشید پیامبر صلی الله علیه و آله را به دلیل آنکه پسر نداشت تحقیر کند، ابولهب پیغمبر صلی الله علیه و آله را دروغگو نامید و کسان دیگری چون ابوجهل نیز از هیچ آزاری فروگذاری نکردند.

محاصره اقتصادی و اجتماعی مسلمانان: مشرکان پس از ناکامی در بازگرداندن مسلمانان از حبشه، تصمیم گرفتند از طریق محاصره اقتصادی و اجتماعی، پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروانش را از پای درآورند. پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران با وفایش به منظور بی اثر ساختن این توطئه مشرکان به دره ای در میان کوه های مکه موسوم به «شعب ابوطالب» پناه بردند. آنان به مدت سه سال سخت ترین فشارهای روانی و معیشتی را تحمل کردند. گرچه پایداری و مقاومت

مهاجرت به حبشه: پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال یافتن پایگاهی برای انتشار آیین اسلام، نجات پیروان خویش، گروهی از مسلمانان را به حبشه فرستاد. پادشاه آنجا نجاشی به دادگری معروف بود. مشرکان گروهی از جمله عمرو عاص را برای بازگرداندن مهاجران به حبشه فرستادند، اما نجاشی که به حسن خلق و آداب ستوده و باورهای توحیدی پناهندگان مسلمان احترام می گذاشت، از تسلیم آنان خودداری ورزید.

مسلمانان، سرانجام مشرکان را وادار به رفع محدودیت کرد، اما تنها چند هفته پس از آن، وفات خدیجه و ابوطالب مؤثرترین پشتیبانان پیامبر ﷺ موجب اندوه فراوان او و پیروانش گردید^۱.

پیمان عقبه، زمینه‌ساز هجرت به مدینه : پس از خاتمه محاصره، آزار مشرکان مکه نسبت به پیامبر ﷺ بیشتر شد و او ناچار گردید تلاش‌هایش را به ماه‌های حرام به ویژه ایام حج محدود سازد. آن حضرت در مراسم حج، رؤسا و بزرگان قبایل عرب را که برای زیارت کعبه به مکه می‌آمدند به آیین اسلام فرا می‌خواند. در همین ایام از سال یازدهم بعثت، شش تن از بزرگان شهر یثرب (مدینه بعدی) به اسلام ایمان آوردند و عامل انتقال اولیه اسلام به آن شهر شدند. سال بعد، شش تن دیگر با آنان همراه گردیدند و در محلی موسوم به عقبه با پیامبر ﷺ پیمان بستند که به خداوند شرک نوزند، دزدی نکنند، فرزندان خود را نکشند و در کارهای خیر از رسول خدا فرمان برند. این پیمان که به عقبه اول معروف شد، چنان زمینه گسترش اسلام را در یثرب فراهم ساخت که در سال سیزدهم بعثت هفتاد تن از بزرگان آن شهر در

عقبه، پیمان دیگری با پیامبر ﷺ منعقد کردند که به پیمان عقبه دوم معروف شد. براساس آن پیمان، اهالی یثرب تعهد کردند از پیامبر اسلام ﷺ و یارانش چون کسان خویش پشتیبانی کنند و رسول خدا را در برابر دشمنانش یاری دهند. به این صورت زمینه مهاجرت تاریخی پیامبر اسلام و پیروانش از مکه به یثرب فراهم آمد.

توطئه برای کشتن پیامبر ﷺ : در واپسین روزهای پیش از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، مشرکان به پیشنهاد ابوجهل تصمیم گرفتند به صورت گروهی و در تاریکی شب به منزل رسول خدا ﷺ هجوم برند و او را به قتل برسانند. پس از آنکه پیامبر ﷺ از توطئه مشرکان آگاهی یافت، علی رضی الله عنه جان برکف در بستر او خوابید تا رسول خدا آسوده به یثرب هجرت کند.

«آنان که به دل ایمان آوردند و در راه خدا مهاجرت کردند و با مال‌ها و جان‌هایشان جهاد نمودند، نزد پروردگار جایگاهی رفیع یافتند»
(توبه/ آیه ۲۰)

۱- به این دلیل سال دهم بعثت را عام الحزن (سال اندوه) گویند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- زندگی قبیله‌ای چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ۲- درباره اسامی و اصطلاحات زیر توضیح دهید.
الف) حنفا ب) بیعت عقبه اول ج) السابقون
- ۳- در دوران پیش از اسلام چه دین‌هایی در شبه جزیره عربستان رایج بود؟
- ۴- علت و چگونگی مهاجرت مسلمانان را به حبشه توضیح دهید.
- ۵- چه جریانی زمینه ساز هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان به یثرب شد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- با مراجعه به قرآن یا نهج البلاغه درباره اوضاع شبه جزیره عربستان پیش از اسلام مطلبی تهیه کنید.
- ۲- آیا تاکنون فیلم «محمد رسول الله» را دیده‌اید؟ کدام قسمت آن را در ارتباط با تاریخ اعراب و اسلام تا زمان هجرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به یثرب جالب تر می دانید؟ چرا؟
- ۳- با مراجعه به کتاب‌های تاریخی، درباره انگیزه و اهداف سپاهیان ابرهه از حمله به مکه و تصمیم به تخریب کعبه مطلبی تهیه کنید.
- ۴- قرآن مجید ویژگی‌های جامعه عربی قبل از اسلام را خصوصیات جاهلیت نخستین معرفی می کند، با تطبیق شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره با جوامع بعدی در جهان (حتی دوران معاصر)، درباره تحقق دوباره جوامع جاهلی مطلبی تهیه کنید.

اسلام در مدینه

مقدمه

در درس گذشته با زندگی پیامبر ﷺ و کوشش‌های او در سیزده سال نخست دوران بعثت آشنا شدید. در این درس با مهم‌ترین تحولات نهضت اسلام در ده سال پایانی حیات رسول خدا پس از مهاجرت به یثرب - که از آن پس مدینه نامیده شد - آشنا می‌شوید.

تفاوت‌های مکه و مدینه در مواجهه با اسلام

با مقایسه شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مکه و مدینه می‌توان به دلایل واکنش متفاوت مکه و مدینه در مقابل پیام اسلام و تفاوت دامنه موفقیت پیامبر ﷺ در دو شهر یاد شده پی برد.

مکه: در این شهر فاصله معناداری میان دو طبقه حاکم و فرمانبر وجود داشت. طبقه حاکم که متشکل از رؤسای قبایل، تیره‌ها، عشیره‌ها و خاندان‌ها بود، تمام قدرت و ثروت جامعه را در اختیار داشت. این گروه برای حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود اسلام و آموزه‌های آن را نمی‌پذیرفت؛ طبقه فرمانبر و زیردست، شامل توده مردم و بردگان، نیز اگر چه قبول اسلام را داروی دردهای تاریخی خود می‌دانست، اما جز تحمل مشقت و شکنجه،

راهی برای حمایت از اسلام و رسول خدا ﷺ نمی‌یافت. این عوامل پیشرفت اسلام را در مکه کند و ادامه حضور پیامبر ﷺ و مسلمانان را در آن شهر بی‌فایده کرده بود. **مدینه:** شرایط اجتماعی و اقتصادی مدینه با مکه کاملاً تفاوت داشت. اقتصاد کشاورزی، دامداری و پیشه‌وری خرد در یثرب موجب شکل‌گیری طبقه متوسط نسبتاً قدرتمندی شده بود که می‌توانست بر سرنوشت شهر خود اثرگذار باشد؛ از سوی دیگر جنگ و ستیز طولانی دو قبیله اوس و خزرج در یثرب، عموم مردم را چنان خسته کرده بود که برای پایان یافتن چنین نزاع‌هایی لحظه‌شماری می‌کردند. بی‌تردید تعالیم اسلام بهترین پاسخ به این نیاز عمومی تلقی می‌شد.

در انتظار یک پیامبر

یهودیان که جمعیت قابل توجهی از ساکنان یثرب را تشکیل می‌دادند، در کتاب‌های کهن دینی خود خوانده بودند که آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم الهی در میان فرزندان ابراهیم مبعوث می‌شود و در مقابل کفار و مشرکان به پیروزی نهایی می‌رسد. آنان ظهور این پیامبر را در میان خود پیش‌بینی می‌کردند و هرگاه مورد آزار اوس و خزرج قرار می‌گرفتند، آنها را تهدید می‌کردند که پیامبر خاتم در میان ما برانگیخته می‌شود، ما به او ایمان آورده، بر شما مسلط خواهیم شد. به همین دلیل مردم یثرب پیش از ظهور اسلام، نسبت به احتمال بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمادگی ذهنی داشتند، اما یهودیان که خود در ایجاد این آمادگی دخیل بودند به دلایل مختلف از پذیرش اسلام سر باز زدند؛ از جمله آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برخلاف تصور آنها از قوم یهود نبود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طول سال‌های زندگی‌اش در مدینه، همهٔ امور اساسی جامعه را در مسجد سامان می‌داد؛ مواردی نظیر: آموزش و تربیت، قضاوت و داوری، مشورت و تصمیم‌گیری دربارهٔ مسائل مهمی چون جنگ و صلح، پذیرفتن نمایندگان سایر قبایل و مناطق و حتی تجهیز و تعلیم سپاهیان. شرکت عموم مسلمانان - اعم از مهاجرین (مسلمانان مکی) و انصار

مهم‌ترین اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از مهاجرت به مدینه

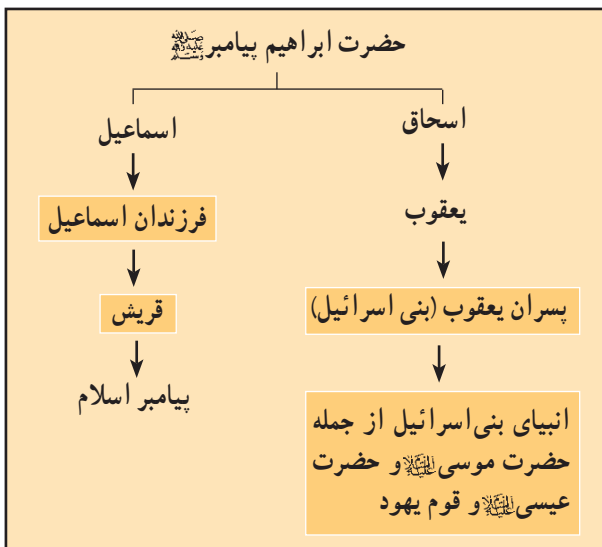
۱- تأسیس مسجد؛ پایگاهی عبادی و اجتماعی:

نخستین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بدو ورود به مدینه دستور ساخت مسجد بود. مسجد در اجتماع نبوی فقط محل عبادت، عرضه و ابلاغ آیات الهی نبود؛ بلکه اصلی‌ترین مرکز مدیریت و اعمال حاکمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر جامعه تلقی می‌شد.



مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم

داشتند. بنابراین، ایجاد اتحاد سیاسی و اجتماعی میان همه قبایل، گروه‌ها و جریان‌های فکری و مذهبی برای ایجاد امنیت داخلی و دفاع از شهر در مقابل هجوم دشمنان خارجی ضروری بود. بر این اساس با درایت پیامبر ﷺ پیمان‌نامه‌ای تدوین شد و مورد پذیرش همگان قرار گرفت. مطابق این پیمان‌نامه که همچون بخشی از قانون اساسی نخستین حکومت اسلامی شمرده می‌شود، تمام گروه‌های ساکن مدینه از جمله مسلمانان و یهودیان ملتزم گردیدند که ضمن برخورداری از آزادی در عقاید و اعمال مذهبی، حرمت عقاید و باورهای دینی دیگران را نگاه دارند، از دشمنی با هم بپرهیزند و به دشمنان یکدیگر یاری نرسانند.



دشمنان و دشمنی‌ها

با وجود آنکه مدینه می‌توانست پایگاهی مطمئن و امن برای رشد و توسعه اسلام باشد، اما پیامبر ﷺ و مسلمانان باید خود را برای مقابله با انواع مخالفت‌ها و دشمنی‌ها آماده می‌کردند. دشمنان اصلی عبارت بودند از:

الف) مشرکان: گرچه مسلمانان از مکه دور شده بودند؛ اما هنوز دلایل فراوانی برای خصومت و تقابل میان آنان و مسلمانان وجود داشت. به همین دلیل پیامبر ﷺ

(مسلمانان مدینه) و افراد متعلق به قبایل و تیره‌های مختلف، طبقات ثروتمند و فقیر— در ساخت مسجد، نخستین تمرین برای فراموش کردن اختلافات گذشته و تفاوت‌های ظاهری میان مردمی بود که پیش از آن به چشم رقیب یا بیگانه به یکدیگر نگاه می‌کردند.

۲- برقراری اخوت دینی به جای تعصب

قومی: نه تنها سابقه طولانی عداوت و اختلاف قومی و قبیله‌ای مردم مدینه را رنج می‌داد؛ بلکه رقابت میان آنها با ساکنان مکه نیز بی سابقه نبود، به علاوه سابقه اختلافات طبقاتی و اجتماعی میان مهاجران هم آشکار بود. وجود چنین زمینه‌هایی از تفرقه و پراکندگی می‌توانست به سرعت باعث شکل‌گیری مناقشات غیرقابل مهار در جامعه نوپای اسلامی شود. پیامبر ﷺ بلافاصله پس از ساخت مسجد در حرکتی بی سابقه مسلمانان را دو به دو با هم برادر و نسبت به هم مسئول و متعهد اعلام کرد و به این صورت از بروز بسیاری از اختلافات احتمالی در جامعه تازه تأسیس نبوی جلوگیری نمود. پیامبر ﷺ در انعقاد آخرین حلقه برادری، علی رضی الله عنه را برادر خود در دنیا و آخرت اعلام کرده، با او عقد اخوت بست.

۳- انعقاد پیمان همزیستی مسالمت آمیز:

در بدو ورود پیامبر ﷺ به مدینه افرادی با عقاید متضاد اعم از مسلمان، یهودی و حتی بت پرست در آن شهر حضور

فکر کنید و پاسخ دهید:

از جمله کسانی که با هم عقد اخوت بستند حمزه، عموی پیامبر و زید، غلام آزاد شده ایشان بود. این عقد چنان برای مسلمانان گرامی بود که حمزه وصیت کرد زید از او ارث ببرد. به نظر شما چه نکته‌ای در برادری میان این دو می‌توانست مورد نظر پیامبر باشد؟

در طول مدت ده ساله حیات خود در مدینه بارها ناچار به کشمکش و درگیری با مشرکان به خصوص مشرکان مکه گردید. برخلاف آنکه دشمنان اسلام در طول تاریخ تلاش کرده اند مسلمانان را گروهی جنگ طلب معرفی کنند که از راه خونریزی به توسعه باورهای دینی خود پرداخته اند؛ تاریخ گواه آن است که هیچ یک از نبردهای عصر پیامبر ﷺ جنبه تهاجمی نداشته و تنها واکنش دفاعی مقتضی در برابر تهاجم دشمنان اسلام بوده است.

مهم ترین جنگ های مسلمانان در طول سال های استقرار پیامبر ﷺ در مدینه^۱

ردیف	نام جنگ	زمان وقوع	طرف مخاصمه	دلیل بروز جنگ	نتیجه جنگ
۱	بدر	سال ۲ ق	مشرکان مکه	تلاش برای بازپس گیری اموال مسلمانان مکه که پس از هجرت آنان توسط قریش مصادره شده بود.	پیروزی قاطع مسلمانان و کشته شدن قریب ۷۰ تن از مشرکان
۲	احد	سال ۳ ق	مشرکان مکه	دفاع در مقابل حمله سپاه مکه به شهر مدینه که قصد جبران شکست خود در جنگ بدر را داشت.	شکست مسلمانان به دلیل سرپیچی تعدادی از جنگجویان مسلمان از دستور پیامبر ﷺ
۳	خندق (احزاب)	سال ۵ ق	مشرکان مکه و سایر قبایل هم پیمان آنان و برخی گروه های یهودی	دفاع در مقابل حمله سپاهی که گروه ها و احزاب هم پیمان برای نابودی اسلام به راه انداخته بودند.	شکست احزاب
۴	جنگ های متعدد با یهودیان	سال های ۶ و ۷ ق	قبایل و گروه های مختلف یهودیان مدینه (بنی قریظه، بنی مصطلق، بنی نضیر) و اهالی قلعه خیبر	پاسخ به پیمان شکنی ها، اهانت ها و خیانت های آشکار و پنهان یهودیان که مستقلاً یا با همدستی مشرکان بر ضد مسلمانان مرتکب شده بودند.	شکست یهودیان
۵	فتح مکه	سال ۸ ق	مشرکان مکه	پاسخ به پیمان شکنی مشرکان نسبت به مفاد صلح حدیبیه و حمله به هم پیمانان مسلمانان	پیروزی مسلمانان
۶	حنین	سال ۸ ق	مشرکان هوازن	دفاع در مقابل حمله قبایل بت پرستی که پس از فتح مکه، برای مبارزه با اسلام هم پیمان شده بودند.	شکست مشرکان
۷	موته	سال ۸ ق	سپاهیان بصری	پاسخ به قتل ناجوانمردانه سفیر پیامبر توسط حاکم بصری که نوعی اعلان جنگ محسوب می شد.	شهادت سه تن از فرماندهان سپاه اسلام و شکست مسلمانان
۸	تبوک	سال ۹ ق	سپاهیان روم	واکنش به تحرکات نظامی رومیان در مرزها	کار به برخورد نظامی نکشید.

۱- بررسی دلایل بروز این جنگ ها نشان می دهد که مسلمانان هرگز آغاز کننده جنگ نبوده اند و پیامبر از جنگ به عنوان ابزاری برای تحمیل اسلام استفاده نکرده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا دشمنان اسلام این همه تلاش کرده‌اند ثابت کنند اسلام، دینی پر از خشونت است و با تکیه بر شمشیر گسترش یافته است؟

عربستان، اگر چه از راه گفت‌وگو و مباحثه با پیامبر ﷺ به نتیجه نرسیدند و اسلام را نپذیرفتند، اما ضمن مصالحه با رسول خدا ﷺ و قبول تعهداتی در مقابل مسلمانان، از امنیت پایدار برخوردار شدند و مانند یهودیان به کشمکش و دشمنی مدام با مسلمانان پرداختند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

مسلمانان ابتدا به سوی بیت المقدس که قبله یهودیان بود نماز می‌خواندند، اما پس از آنکه یهودیان این مسئله را نشانه ضعف و وابستگی مسلمانان تلقی کردند، در سال ۲ ق خداوند دستور تغییر قبله به جانب کعبه را صادر کرد. به نظر شما مشترک بودن قبله مسلمانان و یهودیان چه پیامی داشت؟ و تغییر قبله چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

ج) منافقان: اقلیت ثروتمندی از اهالی یثرب به رهبری عبدالله بن ابی، جریان نفاق را در مدینه شکل دادند. آنان چون وابسته و یا تحت تأثیر اشرافیت حاکم بر مکه بودند، عملاً به نوعی تشکیلات مخفی علیه مسلمین تبدیل شدند. منافقان برخلاف باطن بی‌ایمانشان در ظاهر خود را مسلمان معرفی می‌کردند. به همین دلیل رویارویی و درگیری با آنها حتی از مواجهه با مشرکان یا یهودیان سخت‌تر بود. قرآن در آیاتی مسلمانان را متوجه پدیده نفاق و خطر منافقان کرد. پیامبر ﷺ برای حفظ آرامش اجتماعی همواره با سعه صدر، آزار و دشمنی منافقان را تحمل می‌کرد. جاسوسی و شایعه‌پراکنی به نفع دشمن، تضعیف روحیه مسلمانان در هنگامه کارزار، ایجاد اختلاف در میان آنها و کارشکنی در مقابل پیامبر ﷺ، از جمله شیوه‌های منافقان برای آسیب رساندن به جامعه اسلامی بود.

ب) یهودیان: یهودیان اهل کتاب و یکتاپرست به دلیل برخورداری از بیشترین وجوه اشتراک با مسلمانان می‌بایستی از نخستین ایمان آورندگان به اسلام یا حداقل هم‌پیمانان مسلمین باشند؛ اما عواملی چند، موجب بروز و تداوم دشمنی آنها با پیامبر ﷺ و مسلمانان شد، از جمله آنکه:

۱- اسلام سلطه فرهنگی یهودیان بر اعراب بی‌سواد و جاهل را شکست.

۲- به خطر افتادن ارتباط تجاری با مکه و اعلام حرمت رباخواری در اسلام، منافع کلان اقتصادی یهودیان را محدود کرد.

رفتار مسالمت‌جویانه پیامبر ﷺ و مفاد پیمان‌نامه اجتماعی نیز یهودیان را از ابراز دشمنی با مسلمانان باز نداشت. آزار روحی و تحقیر مسلمانان، خیانت به مسلمین از طریق همدستی با مشرکان و جاسوسی برای آنان و حتی جنگ رودررو با مسلمانان، از جمله رفتارهای خصمانه آنان با پیروان دین اسلام بود. پیامبر ﷺ در آغاز برای حفظ رابطه مسالمت‌آمیز با یهودیان، دشمنی‌های آنان را نادیده می‌گرفت؛ اما تداوم حسادت و لجاجت یهودیان نسبت به مسلمانان این رابطه را خدشه‌دار ساخت. تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به کعبه نشانه این رابطه آسیب‌دیده بود. سرانجام کار به برخورد نظامی کشید، برخی از یهودیان کشته شدند و بقیه ناچار به ترک منطقه گردیدند. البته شماری از پیروان دین یهود هم اسلام آوردند. این در حالی بود که رهبران مسیحی شبه جزیره

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما عوامل اجتماعی ظهور پدیده نفاق

چیست؟

چرا نفاق در مدینه بیشتر از مکه بروز کرد؟

تقویت پایگاه اسلام

گرچه درگیری‌های مستمر مسلمانان با دشمنانشان باعث لطمات جانی و مالی زیادی به جامعه نوپای اسلامی شده بود؛ اما پیروزی‌های مکرر آنان از یکسو موجب تقویت ایمان و اعتماد به نفس مسلمانان گردید و از سوی دیگر قدرت آنان را در نگاه دشمنانشان آشکار کرد. پیروزی در جنگ احزاب، تزلزل و فروپاشی اتحادیه شرک و کفر در منطقه محسوب می‌شد؛ اخراج یهودیان پیمان شکن از مدینه، حضور نمایندگان پیامبر ﷺ به عنوان مبلغان اسلام در میان قبایل مختلف عرب و پذیرش این دعوت از جانب برخی از آنان، گواه برتری و اقتدار مدینه در شبه جزیره عربستان بود. به علاوه در طول این سال‌ها با نزول آیات قرآن، به تدریج احکام شرعی متناسب با نیازهای جامعه اسلامی عرضه گردید و ساختار شریعت اسلامی شکل منظم و منسجمی به خود گرفت.

صلح حدیبیه، پیروزی آشکار

پیامبر ﷺ در سال ۶ ق تصمیم گرفت به همراه گروهی از مسلمانان نه به قصد جنگ، بلکه برای زیارت خانه خدا عازم مکه شود. موفقیت پیامبر ﷺ در این سفر به معنای پایان سلطه بت پرستی و شرک در شبه جزیره عربستان بود. بنابراین، سران مشرک مکه در مقابل چنین اقدامی مقاومت کردند و مانع ورود مسلمانان به مکه و

زیارت خانه خدا شدند. به رغم آنکه مسلمانان لباس احرام به تن داشتند و جز شمشیری در نیام، سلاحی همراه آنان نبود، اما در بیعتی دوباره با رسول خدا ﷺ بر پشتیبانی از او تا پای جان تأکید کردند. با تمایل پیامبر ﷺ به پرهیز از رویارویی نظامی، سرانجام مذاکره نمایندگان دو طرف به انعقاد قراردادی انجامید که به مناسبت محل تنظیم آن به صلح حدیبیه معروف شد. اصلی‌ترین ماده این صلحنامه، توافق بر ده سال متارکه جنگ میان مکه و مدینه و هم پیمانان آنها بود. براساس این توافق نامه مسلمانان در آن سال از ورود به مکه صرف نظر می‌کردند؛ اما سال بعد مشرکین چند روز از شهر مکه خارج می‌شدند تا مسلمانان با آرامش و در فضایی معنوی خانه خدا را زیارت کنند. مهم‌ترین پیامد این پیمان، شکل‌گیری مناسبات منطقه‌ای و جهانی مسلمانان و گسترش دامنه تبلیغات اسلام بود.

ابلاغ جهانی دعوت اسلام

در سایه آرامش و امنیت فراهم آمده از متارکه جنگ، در سال ۷ ق پیامبر ﷺ سفیران خود را به فراسوی مرزهای شبه جزیره عربستان فرستاد و رسالت خویش را جهانی کرد. رسول خدا ﷺ نامه‌هایی به سران کشورها نوشت و آنان را به اسلام دعوت کرد. مورخان تعداد این نامه‌ها را تا شش مورد نوشته‌اند. هرقل، امپراتور روم شرقی نامه رسول خدا را در بیت المقدس دریافت کرد، بعضی از مورخان نوشته‌اند که وی در باطن اسلام را پذیرفت، ولی از ترس عوام و یا برای حفظ قدرتش، آن را علنی نکرد. مشهور است که خسرو پرویز در تیسفون نامه پیغمبر ﷺ را پاره کرد و پیامبر او را نفرین نمود. مقوقس، حاکم مصر نیز فرستاده رسول خدا را گرامی

داشت و او را با هدایایی روانه ساخت.^۱

حنین^۲ که اندکی بعد از فتح مکه اتفاق افتاد، همراهی کنند و حتی جهت تألیف قلوبشان سهم بیشتری از غنایم را به آنان اختصاص داد.

گرچه سران یا مردم این کشورها پس از دریافت نامه‌ها یکباره اسلام نیاوردند، اما این اقدام پیامبر ﷺ، ضمن انتقال پیام اسلام به آن مناطق، توان حکومت نوپای اسلامی را در مخاطب قرار دادن مهم‌ترین قدرت‌های جهان آن روز نشان می‌داد.

فتح مکه، گشودن مهم‌ترین پایگاه بت پرستی:
در سال ۸ ق مشرکان مکه با تحرکات پراکنده نظامی، پیمان‌نامه حدیبیه را نقض کردند. سکوت پیامبر ﷺ در مقابل نقض آشکار مفاد صلح‌نامه می‌توانست به جسارت آنها و تکرار چنین حوادثی بینجامد و اقتدار مسلمانان و امنیت جامعه اسلامی را به خطر اندازد. بنابراین، پیامبر ﷺ سپاهی بزرگ فراهم آورد و عازم مکه گردید.

رسول اکرم ﷺ به ملاحظه حرمت مکه به عنوان شهر امن الهی تمایل داشت فتح آن شهر بدون خونریزی انجام گیرد. مشرکان نیز با مشاهده عظمت و قدرت سپاه اسلام، از مقاومت در برابر مسلمانان مأیوس گشته، به ناچار تسلیم شدند. بنابراین، مسلمانان با آرامش و اقتدار وارد مکه گردیدند و ابوسفیان سرکرده مشرکان به ناچار اسلام آورد. فتح مکه یک فتح نظامی ساده نبود، این واقعه اوج رأفت و کرامت انسانی پیامبر ﷺ و مسلمانان را به نمایش گذاشت. رسول خدا ﷺ در کمال قدرت و صلابت نظامی، مردم شهری را بخشید که بیست سال با او جنگیده، یارانش را شکنجه کرده یا به شهادت رسانده بودند و حتی از تکه‌تکه کردن اجساد شهدای مسلمان نیز خودداری نکرده بودند. پیامبر ﷺ به منظور جذب نومسلمانان مکی در درون جامعه اسلامی به آنها اجازه داد تا سپاه اسلام را در غزوه

فکر کنید و پاسخ دهید:

پس از فتح مکه، پیامبر ﷺ با تعبیر «انتهم الطلقاء» (شما آزادشدگانید) سران قریش را مورد عفو و اغماض خود قرار داد. پس از حماسه کربلا، حضرت زینب علیها السلام، یزید را با عنوان «یا بن الطلقاء» (ای پسر آزادشدگان) خطاب کرد. به نظر شما حضرت زینب علیها السلام با استفاده از این تعبیر چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

پس از فتح مکه مسلمانان ناچار به انجام اقدامات نظامی دیگری نیز شدند که یا مانند غزوه حنین برای از میان بردن آخرین سنگرهای فتنه و توطئه در داخل شبه جزیره بود و یا مانند غزوه تبوک که برای فرونشاندن تحرکات سپاه روم در مرزهای شمالی انجام شد.

دستاورد های اسلام و کارنامه پیامبر ﷺ

ظهور اسلام و ۲۳ سال تلاش پیامبر ﷺ، عامل تحول اساسی در اندیشه، اخلاق و شرایط اجتماعی و سیاسی زندگی اعراب و دیگر اقوام گردید. برخی از دستاوردهای مهم حرکت پیامبر ﷺ عبارت‌اند از:

۱- اصلاح عقاید و اندیشه‌ها: از میان رفتن شرک و عقاید خرافی، شکل گرفتن باوری عمیق و اصیل به توحید و برخورداری از شریعتی الهی، کامل و ماندگار، اساسی‌ترین دستاورد حرکت الهی پیامبر ﷺ بود.

۱- گفته‌اند که نجاشی، حاکم حبشه، نیز اسلام آورد و فرزند خود را به همراه جمعی برای اظهار دوستی روانه مدینه کرد، ولی همگی در دریا غرق شدند و به مقصد نرسیدند.

۲- غزوه به نبردهایی گفته می‌شد که پیامبر ﷺ شخصاً در صحنه جنگ حضور داشت و سپاه را فرماندهی می‌کرد. اما اگر پیامبر ﷺ در نبرد شرکت نمی‌کرد و فرماندهی سپاه را به شخص دیگری می‌سپرد، آن نبرد را سریه می‌گفتند.

۲- عرضه الگویی اخلاقی: پیامبر ﷺ در تمام دوران رسالتش به پالایش روحی و معنوی مسلمانان، تقویت روحیه اتحاد و برابری، زدودن کینه های جاهلی، نفی روحیه خشونت و جنگ طلبی و تبلیغ رأفت و یکدلی در جامعه اهتمام ورزید.

۳- تحقق عدالت اجتماعی: نفی امتیازات طبقاتی، انواع تبعیض اجتماعی، ملاک های قومی و ارزش های اقتصادی و تأکید صرف بر ایمان، عمل و اخلاق به عنوان معیار برتری و کرامت در جامعه اسلامی، نکته مهمی بود که همواره مورد توجه پیامبر ﷺ قرار داشت؛ در نتیجه رسومات قبیلگی و اشرافیت قومی تضعیف گشت، تفاوت میان عرب و عجم، سیاه و سپید،

زن و مرد در جایگاه انسانی و حقوق اجتماعی کنار گذاشته شد و حتی بردگان یا افراد فاقد جایگاه اجتماعی در عصر جاهلیت، از حقوق اساسی برخوردار گردیدند.

۴- ارتقای سطح دانش و معرفت عمومی: تشویق به تحصیل سواد و جست و جوی دانش و کمال علمی، آن هم در جامعه ای که تا چندی پیش از آن به جهالت و نادانی شهرت داشت، از افتخارات نهضت اسلام است.

۵- فراهم آمدن زمینه ظهور یک تمدن بزرگ جهانی: مجموع آموزه های قرآن، گفتار و کردار پیامبر ﷺ و پیشوایان دین زمینه ساز شکل گیری تمدن اسلامی شد. پویایی، زاینده گی و جهانی بودن، ویژگی های اصلی این تمدن است.

یک توضیح

استفاده از هر فرصتی برای گسترش سوادآموزی

بر اساس سنت های رایج در میان اعراب آن روزگار (و حتی سایر ملت ها)، اسیران جنگی یا به بردگی گرفته می شدند یا برای آزادی آنان مبلغی فدیة مقرر می شد که باید خود فرد یا خویشاوندانش پرداخت می کردند. پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، پیامبر ﷺ با سواد کردن ده نفر از مسلمانان را فدیة و شرط آزادی اسیران معین کرد. این در حالی بود که مسلمانان به شدت تحت فشار مالی بودند و مبلغ دریافتی در ازای آزادی اسرا می توانست به بهبود شرایط اقتصادی آنان بسیار کمک کند.

۶- ارائه یک الگوی جامع زندگی: اسلام موفق شد الگویی جامع برای زندگی افراد عرضه کند که در آن پرداختن به معنویات مانع استفاده از نعمت های مشروع زندگی نگردد و اهتمام به امور روزمره، انسان را از توجه به خدا و وظایف دینی اش غافل نگرداند.

۷- تأسیس حکومت اسلامی: تحقق اهداف دینی، تربیتی و اجتماعی اسلام و نیز دفاع از جامعه ای که از همه سو مورد تهدید و دشمنی قرار داشت، نیازمند

۶- ارائه یک الگوی جامع زندگی: اسلام موفق شد الگویی جامع برای زندگی افراد عرضه کند که در آن پرداختن به معنویات مانع استفاده از نعمت های مشروع زندگی نگردد و اهتمام به امور روزمره، انسان را از توجه به خدا و وظایف دینی اش غافل نگرداند.

۷- تأسیس حکومت اسلامی: تحقق اهداف دینی، تربیتی و اجتماعی اسلام و نیز دفاع از جامعه ای که از همه سو مورد تهدید و دشمنی قرار داشت، نیازمند

تهدیدهای پیش روی جامعه اسلامی در سال های

پایانی حیات پیامبر ﷺ

گرچه پیامبر ﷺ طی بیست و سه سال تلاش، نتایج عظیم و باورنکردنی کسب کرد؛ اما نمی توانست کار را در همین نقطه پایان یافته بداند و از مخاطرات و تهدیدهایی که بعد از وفات او متوجه آینده جامعه نوپای اسلامی می شد، غافل بماند. مهم ترین این مخاطرات و تهدیدها

عبارت بود از:

- ۱- زنده شدن مجدد فرهنگ، عقاید و سنت های عصر جاهلی
- ۲- درک نادرست دین و عرضه تفسیرهای غلط از اسلام بنا به انگیزه های اقتصادی و قومی
- ۳- تهدیدهای نظامی دشمنان خارجی به ویژه رومیان که در سال های پایانی حیات پیامبر ﷺ جدی شده بود.

یک توضیح

فرمانبری از جوان شایسته

با بالا گرفتن خطر حملات نظامی رومیان، پیامبر ﷺ در آخرین ماه های زندگی اش دستور داد سپاهی عظیم تجهیز شود که اکثر مسلمانان کارآزموده در آن شرکت داشتند، در حالی که برخی از اعضای سپاه میانسال و حتی سالخورده بودند، پیامبر ﷺ فرماندهی این حرکت مهم و خطیر را به اسامه، رزمنده ای غیور و شایسته، اما بسیار جوان سپرد. این اقدام پیامبر ﷺ را می توان از جمله آخرین تلاش های پیامبر ﷺ برای زدودن آداب و سنن جاهلی دانست که صرفاً بر شیخوخیت (کهنسالی) در توزیع جایگاه های مدیریتی تأکید داشت. مقاومت و مخالفت برخی از صحابه پیامبر ﷺ در مقابل فرماندهی اسامه - که منجر به تأخیر حرکت سپاه او شد - دلایل مختلفی داشت که بقایای اندیشه های جاهلی بود.

اساسی با همه مشکلات جامعه اسلامی باشد. اقدام نهایی و کارسازی که قرآن از آن به «کامل شدن دین و مایوس شدن کفار» تعبیر کرده است. ۱. پیامبر ﷺ با دوراندیشی از نخستین روزهای رسالت به فکر معرفی جانشین خود بود. پس از آن نیز در موقعیت های مختلف به این مسئله پرداخت که حادثه غدیر خم یقیناً مهم ترین این موقعیت ها بود. پیامبر ﷺ در راه بازگشت از حج در پایان سال ۱۰ق، قبل از آنکه حجاج پراکنده شوند و هر کدام به راهی

۴- ظهور مدعیان پیغمبری در چند منطقه از شبه جزیره که درصدد بودند با طرح دعاوی دروغین نبوت، قدرت و نفوذی همچون حضرت محمد ﷺ کسب کنند.

مسئله جانشینی

گرچه پیامبر ﷺ تا پایان عمر به برنامه ریزی و تلاش برای رفع مشکلات و تهدیدهای فوق مشغول بود، اما تنها یک اقدام نهایی می توانست تدبیری جدی برای مواجهه

نیز ضمن تأکید بر جدا نشدن قرآن و اهل بیت از یکدیگر، بر لزوم تمسک مردم به هر دوی این یادگارهای ارزشمند تأکید کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله سرانجام در ۲۸ ماه صفر سال ۱۱ ق به دیدار حق شتافت و جامعه اسلامی در آستانه آزمونی بسیار بزرگ قرار گرفت.

بروند، در محلی به نام غدیر خم توقف کرد؛ پس از سه روز انتظار برای جمع شدن همه حجاج در آن محل، رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک سخنرانی عمومی، علی بن ابی طالب رضی الله عنه را به جانشینی خود و رهبری جامعه اسلامی پس از خویش تعیین کرد. پس از سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله، مردم دسته دسته برای تبریک و اعلام حمایت از علی رضی الله عنه شتافتند و با او بیعت کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین سخنان خود

پرسش‌های نمونه

- ۱- دلایل انعقاد پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز میان ساکنان مدینه را بیان کنید.
- ۲- یهودیان مدینه برای ضربه زدن به مسلمانان چه کارهایی انجام دادند؟
- ۳- منافقان چه کسانی بودند و دست به چه اقداماتی زدند؟
- ۴- صلح حدیبیه چرا و چگونه منعقد شد و چه پیامدهایی داشت؟
- ۵- روش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را برای استقرار عدالت اجتماعی توضیح دهید.
- ۶- راه حل نهایی پیامبر صلی الله علیه و آله را برای پایان دادن به همه نگرانی‌ها و مخاطرات پیش روی جامعه اسلامی توضیح دهید.

دهید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- کارکردهای مسجد را در محله، روستا و شهر خود بررسی کنید و آن را با کارکردهای مسجدها در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله مقایسه نمایید.
- ۲- با مراجعه به قرآن و کتاب‌های تاریخی، مطلبی درباره مباحثه پیامبر صلی الله علیه و آله و مسیحیان تهیه کنید.
- ۳- درباره رفتار مسلمانان با بازماندگان و اسرای جنگی مطلبی بنویسید و ضمن آن، این رفتارها را با شیوه‌های متداول در جنگ‌های اعراب، ایرانیان و رومیان پیش از ظهور اسلام مقایسه کنید.
- ۴- با مراجعه به کتاب‌های تاریخی و مطالعه تاریخ نبردهای مسلمانان در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله، درباره شخصیت‌های مهم و مطرح در هر جنگ مطالبی تهیه کنید، مثلاً حمزه در بدر و احد، حضرت علی رضی الله عنه در خندق و خیبر، جعفر طیار در موه و ...

عصر خلفای نخستین

مقدمه

در درس قبل با دستاوردهای عظیم نهضت اسلامی در عصر نبوی آشنا شدید و درباره مشکلات و مسائلی که در سال‌های پایانی زندگی پیامبر ایجاد گردیده بود، مطالبی خواندید. در این درس ضمن بررسی عملکرد جانشینان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا شهادت امام علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، به مسئله فتوحات مسلمانان در خارج از شبه جزیره عربستان و درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی جامعه اسلامی پرداخته می‌شود. در پایان نیز دوره حساس و پر آشوب خلافت کوتاه امام حسن رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و دلایل و چگونگی صلح او با معاویه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رهبری جامعه پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

محمد جز فرستاده خدا نیست که پیش از او نیز رسولانی آمده‌اند، پس اگر بمیرد یا کشته شود، شما به روش گذشتگانتان باز خواهید گشت؟

(سوره آل عمران / آیه ۱۴۴)

رسوم عصر جاهلی، از جمله رسم شیخوخیت: کهنسالی از جمله مهم‌ترین شرایط احراز ریاست و فرماندهی جامعه جاهلی بود، برخی با همین تصور از پذیرش جانشینی علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ که کمتر از ۳۵ سال داشت، امتناع کردند.

به رغم آنکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غدیر خم، امام علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را به عنوان جانشین خود معرفی کرد، عواملی موجب گردید آن حضرت نتواند اداره حکومت اسلامی را پس از وفات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عهده‌دار شود. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱- بقایای خصلت‌های اخلاقی و آداب و

۲- حسادت و کینه توزی : نقش بی نظیر و

ارزنده امام علی علیه السلام برای پیشرفت اسلام در طول دوران رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و عشق عمیق رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به او، حسادت افراد بسیاری را برانگیخته بود؛ گروهی نیز به سبب آنکه یک یا چند تن از اعضای خانواده و قبیله اشان در جنگ های مختلف به وسیله امام علی علیه السلام کشته شده بودند، کینه آن حضرت را به دل داشتند.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

پیامبر صلی الله علیه و آله در واپسین روزهای عمر، اسامه جوان را به فرماندهی سپاهی عظیم گماشت. به نظر شما آیا می توان رابطه ای میان این تصمیم ایشان با پیش بینی بروز مخالفت برخی با جانشینی امام علی علیه السلام پیدا کرد؟

یک توضیح

در غزوه خندق وقتی عمرو بن عبدود از دلیران نامدار عرب از خندق عبور کرد و هموارد خواست، هیچ کس از مسلمانان داوطلب رزم تن به تن با عمرو نشد، تا اینکه علی علیه السلام پیش آمد و گفت : من به مبارزه او می روم. پیغمبر گفت : «این ابن عبدود است» و علی علیه السلام بی هیچ ترزلی پاسخ داد «من هم ابن ابی طالبم». گویند وقتی وی به مبارزه عمرو می رفت، پیغمبر گفت : اینک تمام اسلام به مبارزه با تمام کفر بیرون شد. این سخنان ستایش آمیز پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را نزد مسلمانان محبوب تر کرد.

۳- رقابت و امتیاز طلبی گروه های مختلف :

از یکسو انصار با استناد به خدمات و نقش خود در تأسیس و پیروزی حکومت اسلامی، جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را حق خود می دانستند، و از سوی دیگر سران قریش مدعی انحصار جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله در قبیله خود بودند. افزون بر آن در میان تیره های مختلف قریش نیز رقابت وجود داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله از بنی هاشم بود و بسیاری از تیره های دیگر قریش مایل نبودند که خلافت نیز در این خانواده استمرار یابد.

۴- توطئه های پنهان : فتنه های دشمنان دیرینه اسلام مانند ابوسفیان که در لباسی جدید به فکر ایجاد اغتشاش و تفرقه میان مسلمانان و لطمه زدن به اسلام

بودند، به این شرایط خطرناک دامن می زد.

انتخاب جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله : در حالی که امام علی علیه السلام و برخی از صحابه مشغول انجام مراسم تدفین پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، در گوشه دیگری از مدینه به نام سقیفه بنی ساعده و در پی گفت و گویی کوتاه، اما پر تنش بین سران انصار و مهاجر، ابوبکر با پشتیبانی جدی عمر بن خطاب و ابو عبیده جراح به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله انتخاب گردید و اعتراض امام علی علیه السلام و برخی دیگر از مسلمانان که نسبت به نادیده گرفتن دستور پیامبر صلی الله علیه و آله ابراز نارضایتی می کردند نیز به نتیجه نرسید.

۱- مورخان تنها تعداد کسانی که با ضربت علی علیه السلام در جنگ بدر کشته شدند را بیش از ۱۴ تن ذکر کرده اند که حنظله پسر ابوسفیان و برادر معاویه از جمله آنان بود.

خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ق)

ابوبکر کمتر از سه سال حکومت کرد. مهم‌ترین رویدادهای عصر خلافت او عبارت‌اند از:

۱- اعزام سپاه اسامه: این سپاه به دستور پیامبر ﷺ باید به جنگ با رومیان می‌رفت، اما حرکت آن تا زمان خلافت ابوبکر به تأخیر افتاد.

۲- سرکوب مخالفان و شورش‌های داخلی: گروه‌هایی از اعراب بادیه‌نشین با رحلت پیامبر ﷺ بار دیگر به شرک و بت‌پرستی بازگشتند. برخی قبایل نیز با امتناع از پرداخت زکات به خلیفه بر استقلال خود تأکید می‌کردند.^۱ ابوبکر با سرکوب آنان، کار مدعیان دروغین نبوت را نیز یکسره ساخت.

۳- آغاز فتوحات در مناطق تحت سلطه ایران و روم: در زمان خلافت ابوبکر جنگ و گریز قبایل عرب در مرزهای حکومت ساسانی شدت گرفت. در امتداد سرکوب مرتدان، خلیفه به سپاهیان مسلمان دستور داد در سرحدات امپراتوری‌های ساسانی و روم شرقی جهاد کنند. این فتوحات ضمن انتشار اسلام در سرزمین‌های جدید، موجب توجه اذهان به خارج از شبه جزیره و حفظ آرامش درونی جامعه اسلامی می‌گردید.

خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ق): گسترش قلمرو اسلامی

ابوبکر قبل از مرگ، عمر بن خطاب را به جانشینی خود منصوب کرد. پیروزی‌های گسترده مسلمانان در نبرد با دو قدرت مهم آن روز یعنی ایران و روم و فتح سرزمین‌های وسیعی از ایران، شام و مصر مهم‌ترین رویداد عصر خلافت خلیفه دوم به شمار می‌آید. سرعت پیشرفت

سپاه اسلام در مقابل سپاه پر شمار و مجهز امپراتوری‌های ساسانی و روم معلول عوامل زیر است:

۱- فشارهای داخلی و نابسامانی‌های اجتماعی: تشدید تبعیض‌ها و فقدان حداقلی از عدالت در نظام طبقاتی ساسانیان و ظلم و خشونت امپراتوری روم شرقی بر مناطق تحت سلطه‌اش (شام، مصر و ...)، موجب بروز نارضایتی گسترده و احساس نیاز به تغییر و رهایی در مردم این مناطق شده بود.

۲- جاذبه اسلام: این مسئله به‌ویژه در مورد ایرانیان که اسلام را با تعالیم آغشته به خرافات دین زردشت و سلطه بی‌حد و حصر موبدان مقایسه می‌کردند، بیشتر صدق می‌کرد.

۳- رفتار انسانی و صلح طلبانه سرداران سپاه اسلام: مردم سرزمین‌هایی که مورد حمله سپاهیان مسلمان واقع می‌شدند، اجازه داشتند با پرداخت مالیاتی تحت عنوان جزیه بر دین خود باقی بمانند و در امنیت کامل جامعه اسلامی قرار بگیرند. ساکنان شهرها و روستاهای زیادی در ایران، مصر و شام به این طریق با مسلمانان به توافق رسیدند.

پیامدهای فتوحات

اگرچه فتوحات موجب گسترش قلمرو حکومت اسلامی و افزایش شمار مسلمانان گردید؛ اما این مسئله پیامدهای نامطلوبی نیز داشت. از آن جمله‌اند:

۱- ارائه الگویی ناقص و انحرافی از دینداری: بیشتر افراد سپاه اسلام در دوران فتوحات را بدویان یا اعراب نومسلمانان تشکیل می‌دادند که از تربیت دینی کاملی برخوردار نبودند، به این دلیل محتوا و پیام دین اسلام به شکلی ناقص و بعضاً تحریف شده در نواحی مفتوحه انتشار یافت.

۱- این دسته اخیر قطعاً مرتد (یعنی بازگشته از دین) نبودند ولی خلیفه تمامی آنها را مرتد قلمداد کرد.

رفاه طلبی و ثروت اندوزی مبتلا کرد. وقتی خلیفه دوم توزیع مساوی درآمدهای عمومی را کنار گذاشت، روحیه مال اندوزی همراه با تبعیض های اقتصادی در جامعه اسلامی تشدید گردید و در دوره خلیفه سوم به اوج خود رسید.

۲- تقویت روحیه رفاه طلبی و تضعیف ارزش های معنوی: با آنکه سادگی رفتار و منش مسلمانان از مهم ترین عوامل پیشروی و پیروزی آنان بود، اما در درازمدت ثروت فراوانی که در پی گسترش فتوحات به جامعه اسلامی سرازیر گردید، بسیاری از مسلمانان را به

یک توضیح

خلیفه سوم چگونه انتخاب شد؟

عمر بن خطاب پس از آنکه در پی یک سوء قصد مجروح گردید و مرگ خود را نزدیک دید، تصمیم گیری در مورد خلافت پس از خود را به عهده شورایی از مسلمانان با سابقه گذاشت. اعضای این شورا عبارت بودند: از علی بن ابی طالب رضی الله عنه، عثمان بن عفان، عبدالرحمن بن عوف، طلحه بن عبیدالله، زبیر بن عوام و سعد بن ابی وقاص که در میان آنان، عبدالرحمن بن عوف از حق داوری نهایی برخوردار بود. پس از گفت و گوهایی میان اعضا، عبدالرحمن بن عوف، تعهد به رعایت سه شرط را برای خلیفه بعدی ضروری دانست: عمل به کتاب خدا، پیروی از راه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروی از روش شیخین (ابوبکر و عمر). او ابتدا شرایط خود را به علی بن ابی طالب رضی الله عنه عرضه داشت. آن حضرت دو شرط نخست را پذیرفت، اما حاضر نشد به رعایت شرط سوم متعهد گردد؛ ولی عثمان هر سه شرط را پذیرفت و عهده دار منصب خلافت شد، گرچه به تعهداتش پایبند نماند.

این خاندان را بر بخش های گسترده ای از سرزمین های اسلامی مسلط ساخت. فزونخواهی اشرافیت اموی، تجمل گرایی و رفاه طلبی مقامات لشکری و کشوری و تبعیض های گسترده در جامعه اسلامی، کم کم به بروز و توسعه نارضایتی عمومی انجامید. البته منتقدان خلیفه انگیزه های متفاوتی داشتند، برخی مانند ابوذر غفاری و عمار یاسر نگران فراموش شدن دین و از میان رفتن سنت های نبوی بودند و برخی مانند طلحه و زبیر امتیازاتی برابر با اشرافیت اموی می خواستند. به هر حال بی توجهی خلیفه به انتقادات و برخورد نادرست اطرافیان او با معترضان، منجر به اوج گیری خشم مخالفان و بروز شورش عظیمی شد که در نتیجه آن خلیفه توسط افرادی ناشناس به قتل رسید.

خلافت عثمان بن عفان (۲۴-۳۵ق)

در دوران عثمان، لشگرکشی و فتوح پیگیری شد و سپاه اسلام در ایران، ارمنستان، آسیای صغیر و شمال آفریقا پیروزی های چشمگیری به دست آورد. در این زمان برای نخستین بار نیروهای مسلمان به خاک اروپا قدم گذاشتند. نیروی دریایی مسلمانان تأسیس شد و تا جزیره قبرس پیش رفت. در ایران نیز زدگردد سوم در حالی که بی کس و یاور مانده بود، به دست آسیابانی در مرو کشته شد و حکومت ساسانی منقرض گشت (۳۱ق).

اعتراض به عملکرد عثمان: خلیفه سوم از بنی امیه بود و اگرچه خود از مسلمانان با سابقه شمرده می شد، اما ضعف او در مقابل زیاده خواهی و منفعت طلبی خویشاوندانش، راه را برای سلطه طلبی امویان گشود و

در غزوة تبوک ابوذر از سپاه اسلام جا ماند. او پس از چند روز، با تحمل مشقت‌های بسیار خود را به سپاه رساند. پیامبر ﷺ با مشاهده ابوذر از جای برخاست و او را در آغوش گرفت و فرمود: «خوش آمدی ابوذر، خدا تو را رحمت کند، که تنها می‌آیی، تنها می‌میری و تنها از خاک برانگیخته می‌شوی». ابوذر به سبب اعتراض بر عثمان به آبادی دور افتاده ریزه تبعید شد و همان‌جا درگذشت.

خلافت علی بن ابی طالب (۳۵-۴۰ ق)

سوگند به کسی که دانه را شکافت و جانداران را آفرید، اگر انبوه آن جماعت نمی‌بود و گرد آمدن آنان حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکمبارگی ستمکاران و گرسنگی ستمدیدگان خاموشی نگزینند، ریسمان این کار (خلافت) را برگردنش می‌افکنم.

(نهج البلاغه/ خطبه ۳)

۱- امتیازطلبان: شیوه مدیریت و حکومت عثمان در توزیع ثروت‌های عمومی و عزل و نصب‌های سیاسی و نظامی موجب گردید روحیه برابری و برادری دینی عصر نبوی کمرنگ گردیده، افرادی به اتکای سابقه مسلمانی یا نقش داشتن در توسعه و گسترش اسلام، خواهان امتیازات اقتصادی و سیاسی ویژه باشند. به علاوه کسانی مانند طلحه و زبیر که در شورش علیه عثمان دخالت داشتند، خود را مستحق دریافت امتیازات خاصی از امام علی (ع) می‌دانستند و حاضر به پذیرش رویه امام برای گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی نبودند. آنان گرچه در آغاز با امام بیعت کردند؛ اما چندی بعد بیعت خود را شکستند^۱ و در مقابل او به صف آرایی پرداختند. کوشش‌های امام (ع) برای دفع فتنه بی نتیجه ماند

پس از قتل عثمان، مسلمانان به امام علی (ع) پیشنهاد کردند تا سکانداری جامعه بحران‌زده اسلامی را عهده‌دار شود. آن حضرت با توجه به شناختی که از مردم زمانه خود داشت، ابتدا از قبول آن پیشنهاد سر باز زد؛ اما سرانجام به اصرار مردم خلافت را پذیرفت. امام در نخستین اقدام حکومتی خود والیان و استانداران دوره عثمان را عزل کرد و به توزیع عادلانه ثروت‌های عمومی اهتمام ورزید. تلاش آن حضرت برای احیای روش حکومتی پیامبر ﷺ و توسعه عدالت اجتماعی - در جامعه‌ای که بیست و پنج سال با ارزش‌های اجتماعی عصر نبوی فاصله گرفته بود - با مشکلات و مخالفت‌های فراوانی روبه‌رو گردید. مخالفان اصلی حرکت‌های عدالت‌طلبانه امام علی (ع) عبارت بودند از:

۱- به همین دلیل به ناکثین (پیمان شکنان) معروف شدند.



و جنگ جمل بر آن حضرت تحمیل شد. این جنگ در اطراف بصره اتفاق افتاد و امام پس از پیروزی بر اصحاب جمل (طلحه، زبیر و عایشه) به کوفه رفت و آن شهر را مرکز خلافت خود قرار داد.

۲- امویان و وابستگان آنها: امویان در دوران سه خلیفه اول بر جامعه اسلامی نفوذ و سیطره یافتند. از جمله معاویه فرزند ابوسفیان از سوی خلیفه دوم حاکم شام شد و روز به روز بر دامنه قدرت و نفوذ خود در شام و مصر افزود. قدرت و ثروت معاویه و سایر افراد خاندان اموی در دوره خلافت عثمان به اوج خود رسید. این گروه که در تاریخ به قاسطین (ستمکاران) معروف گشتند هرگز حاضر به واگذاری قدرت و حتی تحمل حکومت امام علی (علیه السلام) نبودند. آنان به سرکردگی معاویه، به بهانه خونخواهی عثمان، به مخالفت با علی (علیه السلام) و سرکشی در مقابل او پرداختند و جنگ دیگری بر جامعه اسلامی تحمیل کردند. این جنگ در منطقه صفین - جایی در حدود مرز عراق و شام - رخ داد. در آستانه پیروزی سپاه امام، با دسیسه عمروعاص که در اردوی امویان بود، سپاهیان معاویه قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند و خواستار حکمیت شدند. کوشش یاران صادق امام مانند مالک اشتر به نتیجه نرسید و پیشنهاد حکمیت به سبب کوفه بینی برخی از افراد سپاه امام علی (علیه السلام) بر او تحمیل شد. به این صورت معاویه از شکست قطعی نجات یافت.

۳- خوارج: این افراد که به مارقین نیز معروف شده‌اند، همان کسانی بودند که در بحبوحه جنگ صفین، امام را وادار به قبول حکمیت کردند، اما وقتی دریافتند معاویه آنان را فریب داده، پشیمان شدند، ولی به جای سرزنش خود، در یک اقدام غیر منطقی، امام را مورد نکوهش قرار دادند. امام با ملایمت و از طریق موعظه سعی

کرد آنان را به راه راست هدایت نماید و مانع آشوبگری شود، اما خوارج بر جهالت و تعصب خود سماجت کردند و سرانجام در مقابل امام آماده اقدام نظامی شدند. امام به ناچار در نهروان در برابر آنان ایستاد. با نصیحت امام (علیه السلام) بیشتر خوارج از اردو خارج شدند. بقیه در جنگ کشته شدند یا از معرکه گریختند.

در طول سال‌های درگیری امام با مخالفان و دشمنان عدالت، عده‌ای نفع خویش را در کناره‌گیری و انزواطلبی دیدند و در جدال حق و باطل سکوت کردند. گوشه‌گیری این گروه که در تاریخ به قاعدین (برجای نشستگان) معروف شدند، در واقع جبهه امتیازطلبان و اشرافیت مال اندوز را تقویت و جبهه حق را تضعیف کرد.

ملاک داوری

چون بسیاری از مخالفان امام علی (علیه السلام) را چهره‌های سرشناسی تشکیل می‌دادند که به ظاهر دارای اعتبار دینی بودند، آن حضرت به سختی می‌توانست مردم ظاهرین را در مقابل آنان بسیج نماید. امام در یک سخنرانی تاریخی و در کلامی نغز به مردم گوشزد نمود به جای آنکه صرفاً موقعیت ظاهری افراد را ملاک تشخیص حق و باطل قرار دهند، نخست برای شناسایی حق از باطل تلاش کرده، سپس حق را ملاک داوری در مورد افراد، اندیشه‌ها و رفتارهای آنان بدانند.

حاضر به همراهی وی در نبردی دیگر نبودند. امام رنجیده خاطر از فتنه دشمنان، شهادت یاران و سستی همراهانش، همچنان برای سامان بخشیدن اوضاع جامعه اسلامی در تلاش بود که سرانجام در ۱۹ رمضان سال ۴۰ ق در مسجد کوفه، با شمشیر زهرآلود ابن ملجم - از بقایای خوارج نهروان - مجروح شد و دو روز بعد به شهادت رسید.

روزهای پایانی خلافت امام علی (علیه السلام): ماجرای حکمیت و درگیر شدن امام با فتنه خوارج، موجب سرکشی بیشتر معاویه گردید. بنابراین، امام پس از جنگ نهروان تصمیم گرفت بار دیگر برای رویارویی با امویان مهیا شود؛ اما در حالی که بهترین یاران امام مانند محمد بن ابی بکر و مالک اشتر با دسیسه‌های معاویه کشته شدند، مردم کوفه

بخشی از خطبه امام خطاب به کوفیان

به کسانی گرفتار شده‌ام که چون آنها را می‌خوانم، جواب نمی‌دهند. نفرین بر شما، برای نصرت و یاری دین خدا منتظر چه هستید؟ آیا باوری نیست که شما را گرد آورد؟ آیا غیرتی نیست که شما را تکان دهد؟ در میان شما ایستاده‌ام و فریادکنان یاری و همراهی می‌طلبم، ولی سخن مرا گوش نمی‌دهید و فرمانم را پیروی نمی‌کنید. سوگند به خدا، درخانه‌ها بسیارید و در زیر پرچم‌های جنگ اندک. به من خبر رسید که لشکر معاویه به شهر انبار وارد شد و یکی از لشکریان آنها به خانه یک زن مسلمان و یک زن غیر مسلمان داخل شده و دستبند و گردن‌بند او را گرفت؛ ولی آنان نتوانستند مانع او شوند. اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد، بر او ملامت نیست.

بررسی است: زهد و ساده‌زیستی امام؛ ممانعت او از هرگونه سوءاستفاده افراد - حتی اعضای خانواده‌اش - از اموال

با وجود همه درگیری‌ها و آشوب‌ها، حکومت کوتاه اما پرفراز و نشیب امام از جهات مختلف قابل توجه و

و امکانات عمومی؛ رسیدگی به طبقات محروم جامعه و اهتمام به برخورداری آنها از حداقل امکانات زندگی؛ رفع هرگونه تبعیض اجتماعی و اقتصادی و تلاش برای توسعه عدالت و امنیت برای همه مردم اعم از مسلمانان باسابقه، تازه مسلمانان غیر عرب (موالی) و حتی غیر مسلمانان (اهل ذمه)؛ صبر و تحمل ستودنی در مقابل مخالفان - البته تا زمانی که امنیت جامعه را برهم نمی زدند - و حتی دستور به مدارا با کسی که به قتل او اقدام کرده بود، از جلوه های کم نظیر حکومت علی علیه السلام بود.

پژوهشگران تاریخ اسلام زندگانی امام علی علیه السلام را به سه دوره تقسیم کرده اند :

۱- بیست و سه سال جهاد در راه خدا [دوران پیامبر صلی الله علیه و آله]

۲- بیست و پنج سال سکوت برای حفظ وحدت مسلمانان [دوران سه خلیفه اول]

۳- پنج سال مبارزه برای استقرار عدالت [دوران خلافت]

خلافت امام حسن مجتبی علیه السلام

پس از شهادت امام علی علیه السلام، مردم مناطقی چون کوفه، یمن، فارس و بصره با فرزندش امام حسن علیه السلام بیعت کردند؛ اما عواملی چند موجب گردید که امام حسن علیه السلام ناچار به کناره گیری از خلافت شود، از جمله آنکه :

۱- تلاش معاویه برای تسلط بر سرتاسر سرزمین های اسلامی پس از شهادت امام علی علیه السلام به اوج خود رسید. معاویه مانند گذشته از دو راه به پیشبرد اهداف خود پرداخت :

الف) مهیا کردن قوای نظامی چند هزار نفری برای

جنگ

ب) تشدید جنگ روانی علیه امام حسن علیه السلام از طریق فرستادن جاسوسان و مزدورانی برای فتنه گری، تفرقه افکنی و شایعه پراکنی در سرزمین های اسلامی به خصوص عراق مرکز خلافت امام حسن علیه السلام

۲- امام حسن علیه السلام برای مقابله با سرکشی معاویه اقدام به سازماندهی سپاه کرد. اما او نیز مانند پدرش فاقد سپاهی یک دست، با انگیزه و مطیع بود. جز افراد انگشت شماری که تا پای جان حاضر به همراهی با امام بودند، بقیه افرادی سست عنصر و کم انگیزه بودند و به راحتی در مقابل مبلغ ناچیزی که توسط جاسوسان معاویه به آنان پیشنهاد یا پرداخت می گردید، به سپاه معاویه می پیوستند و یا حداقل سپاه امام را ترک می کردند. سستی و زبونی کوفیان در برابر وسوسه های جاسوسان و حيله گری های یاران معاویه نه تنها موجب ناکامی امام علی علیه السلام در جنگ صفین گردید که سپاه امام حسن علیه السلام را نیز در جنگ ساباط در آستانه شکست قرار داد. دسیسه ها و شایعات دشمن چنان تزلزل و اغتشاشی در میان کوفیان ایجاد کرد که افراد دسته دسته گریخته و یا به سپاه معاویه می پیوستند، برخی حتی به خیمه امام یورش برده، آن را غارت کردند. کار به جایی رسید که امام را زخمی کرده، فرش زیر پای او را ربودند.

در چنین شرایطی، امام تصمیم نهایی را برای ادامه جنگ یا خاتمه آن به معدود یاران باقیمانده خود سپرد و فرمود اگر اهل نبرد هستید تا پای جان بجنگیم و اگر زندگی را به مرگ در راه خدا ترجیح می دهید، با معاویه صلح کنیم؛ آنان راه دوم را پذیرفتند و امام برای جلوگیری از وقوع شکستی قطعی که می توانست جان و مال همه مردم عراق را در مقابل سپاه شصت هزار نفری معاویه به مخاطره اندازد، خلافت را با شرایطی به معاویه واگذار

کرد. مهم‌ترین تعهدات معاویه در پیمان صلح با امام حسن علیه السلام عبارت بود از:

- ۱- براساس کتاب خدا و سنت نبوی حکومت کند.
- ۲- از دشنام به امام علی علیه السلام و آزار شیعیان و پیروان او پرهیز نماید.
- ۳- جانشینی برای خود تعیین نکند.

امام حسن علیه السلام پس از صلح با معاویه، همراه خانواده خود به مدینه بازگشت. معاویه تمام تعهدات خود را زیر پا نهاد و مردم عراق که بیشترین تقصیر را در تنها گذاشتن امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و در نتیجه پیروزی معاویه داشتند، بیشترین رنج و خسارت را در طول حکومت او و سایر خلفای اموی متحمل شدند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چه عواملی موجب گردید پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به سفارش او در مورد جانشینی امام علی علیه السلام عمل نشود؟
- ۲- تحولات مهم جامعه اسلامی را در زمان خلیفه دوم تحلیل کنید.
- ۳- مسائل مهم جامعه اسلامی در زمان خلیفه سوم چه بودند؟
- ۴- حضرت علی علیه السلام در طول خلافتش با چه مشکلات اجتماعی روبه‌رو بود؟
- ۵- گروه‌های مخالف حضرت علی علیه السلام را نام برده، دلایل سرکشی آنان را در برابر امام ذکر کنید.
- ۶- مواد صلح نامه امام حسن علیه السلام با معاویه بیانگر چه واقعیت‌هایی در جامعه آن روز است؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- جریان یکی از فتوح مسلمانان را در ایران گزارش کنید.
- ۲- آیا تاکنون فیلمی درباره تاریخ اسلام در عصر خلفای نخستین دیده‌اید؟ به نظر شما مهم‌ترین قسمت‌های آن فیلم کدام‌اند؟ چرا؟
- ۳- شیوه انتخاب چهار خلیفه نخست را با هم مقایسه کنید. از این مقایسه چه نتایجی می‌توان گرفت؟
- ۴- درباره رفتار امام علی علیه السلام با موالی یا غیر مسلمانانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کردند، مطلبی تهیه کنید.
- ۵- با بررسی نمونه‌های تاریخی، درباره معنای بیعت و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی قرون نخست، مطلبی تهیه کنید.

خلافت امویان (۴۱-۱۳۲ق)

مقدمه

در درس گذشته، با تحولات جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ و دوران خلافت خلفای راشدین آشنا شدید. تحولات عصر خلافت امویان، کارنامه خلفای این خاندان و سیر دگرگونی و تبدیل حکومت دینی به سلطنت دنیوی، حماسه شکوهمند حسینی و فتوحات مسلمانان نکاتی است که در این درس درباره آن سخن گفته خواهد شد. در پایان نیز عوامل مؤثر در انقراض خلافت امویان بررسی می‌شود.

امویان در عصر جاهلیت و دوره اسلامی

پیامبر اسلام برای کامل کردن مکارم اخلاق و تربیت انسان‌هایی پاکیزه از جهت اندیشه و عمل مبعوث شد^۱ و به همین دلیل از آغاز رسالت تا هنگام رحلت اهتمام جدی به ایجاد تحول در فکر و رفتار جامعه عصر جاهلی داشت. تحولی که دشمنان پیامبر ﷺ و در رأس آنها بنی‌امیه تا آخرین روزهای پیش از فتح مکه در مقابل آن مقاومت کردند. گرچه سرانجام این مقاومت فروریخت و ابوسفیان و فرزندان او و سایر سرکردگان شرک در جریان فتح مکه ناچار به پذیرش ظاهری اسلام شدند؛ اما تاریخ نشان داد که اسلام آوردن دیر هنگام آنان، به تحولی بنیادین نینجامید و به محض آنکه بار دیگر امکان اثرگذاری بر جامعه را یافتند،

همان اندیشه و خصلت‌های جاهلی را در لباسی جدید به جامعه عرضه و تحمیل کردند. در واقع خلافت امویان تداوم تفکر جاهلی در بستر جامعه اسلامی بود.

معاویه بنیانگذار خلافت اموی

معاویه فرزند ابوسفیان، در جریان فتح مکه اسلام آورد. در دوران خلیفه اول با سپاه اسلام عازم فتح شام شد و در دوره خلافت خلیفه دوم در آن دیار به امارت رسید و تا زمان خلافت امام علی علیه السلام در این منصب باقی ماند. دوری شام از مرکز ظهور اسلام و طبعاً ناآگاهی نومسلمانان شامی از محتوای واقعی دین و پیشینه پیشرفت اسلام موجب گردید فرزندان ابوسفیان در نگاه مردم شام،

۱- پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ من تنها برای تام و تمام ساختن مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام.

ادامه دادند، بدگویی از امام علی علیه السلام بود که توسط مبلغان مزدور انجام می‌شد. هدف از این کار محو الگوی کامل دینداری و نمونه عالی حکومت اسلامی و جایگزینی آن با صورت تحریف شده دین و سیاست بود. در همین راستا شیعیانی که حاضر به همکاری با معاویه نمی‌شدند، مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند و برخی از آنان مانند حجرین عدی به وضع فجیعی به شهادت رسیدند. معاویه حتی با وعده‌های فریبنده، همسر امام حسن علیه السلام را واداشت تا آن حضرت را مسموم کرده، به شهادت برساند.

۴- جذب و استخدام افراد حیله‌گر و جاه‌طلب:

معاویه به تنهایی قادر به اقناع افکار عمومی و ممانعت از مخالفت‌های گسترده مردم نبود. بنابراین، از هر راه ممکن از جمله با سوءاستفاده از بیت‌المال، واگذاری حکومت و حتی تهدید، تعدادی از افراد جاه‌طلب و حیله‌گر را به خدمت گرفت. برخی از این اشخاص با حیله‌گری و تزویر او را در طراحی روش سلطه بر مردم یاری می‌رساندند، جمعی دیگر نیز در لباس دانشمند و عالم دین با جعل حدیث و تحریف تاریخ، راه غلبه بر افکار عمومی را برای او هموار می‌ساختند و گروهی با نبوغ و توان نظامی خود، او را در سرکوب مخالفانش یاری می‌دادند. کسانی چون عمرو عاص، مغیره بن شعبه و زیاد بن ابیه از جمله این افراد بودند.

دردوره خلافت معاویه، فتوحات خارجی ادامه یافت. مسلمانان قبرس را فتح کردند و تا نزدیکی قسطنطنیه پیش رفتند و در شرق نیز سیستان و بلوچستان امروزی و قسمتی از سرزمین سند را تصرف کردند. ثروت حاصل از این پیروزی‌ها، دست معاویه را برای انجام اقدامات یاد شده باز می‌گذاشت.

مسلمانانی راستین شناخته شوند. معاویه با معرفی خود به عنوان صحابی پیامبر، پایگاهی نسبتاً محکم برای امویان در شام ایجاد کرد و از حمایت و همراهی مردم آن سرزمین برای دستیابی به اهداف دنیوی خود بهره برد. وقتی امام علی علیه السلام در آغاز خلافتش او را از حکومت شام برکنار کرد، امام و یارانش را به عنوان قاتلان خلیفه مقتول به مردم شام معرفی کرد و به بهانه خونخواهی عثمان، شامیان را به جنگ با امام علی علیه السلام کشاند. او سرانجام بعد از شهادت امام علی علیه السلام با تحمیل قرارداد صلحی به امام حسن علیه السلام رسماً خلافت را به دست گرفت.

معاویه در مقام والی شام و سپس خلیفه مسلمانان هدفی جز تداوم قدرت و سلطه امویان از هر طریق ممکن نداشت. او برای دستیابی به اهدافش شیوه‌های مختلفی به کار گرفت. از آن جمله است:

۱- تبدیل و تغییر حکومت دینی به سلطنت دنیوی: اسراف و تجمل‌گرایی معاویه که با تعالیم اسلام، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و حتی شیوه حکومتی خلیفه اول و دوم هم سازگار نبود، آشکارترین نشانه این تغییر است. افزون بر آن، معاویه با موروثی کردن خلافت و اعلام جانشینی فرزند ناصالح و فاسق خود (یزید)، گامی اساسی در جهت تغییر شکل و محتوای حکومت دینی برداشت.

۲- تفسیر جبر گرایانه دین و فریب افکار عمومی: براساس این تفسیر، تحولات سیاسی و اجتماعی، تقدیر یا مشیت خدا تلقی گردیده، مبارزه و مخالفت با حکومت‌های ناصالح خلاف تقدیر و مشیت خداوند شمرده می‌شد.

۳- بدگویی از امام علی علیه السلام و آزار شیعیان: از سیاست‌های زشت معاویه که جانشینان وی نیز آن را



قلمرو مسلمانان در دوره بنی امیه

خلافت یزید: کارنامه شوم

امام حسین علیه السلام، مسلم بن عقیل را برای بررسی وضع کوفه به آن شهر فرستاد. پس از ۳۵ روز اقامت مسلم در کوفه، بالغ بر هجده هزار نفر با او به نمایندگی از امام حسین علیه السلام بیعت کردند. مسلم در نامه‌ای آمادگی مردم کوفه را برای پشتیبانی از امام حسین علیه السلام به اطلاع آن حضرت رساند. امام پس از دریافت نامه او، مکه را به قصد عراق ترک کرد. از سوی دیگر یزید سریعاً دست به کار شد و با عزل حاکم کوفه که میلی به خونریزی نداشت، عبیدالله بن زیاد را که مردی سنگدل و خونریز بود، به کوفه فرستاد. عبیدالله پس از ورود به آن شهر چنان رعب و وحشتی ایجاد کرد که کوفیان عهدشان را با مسلم نادیده گرفته، او را در چنگال طرفداران بنی امیه رها کردند. مسلم که تنها مانده بود، مظلومانه به شهادت رسید.

معایه پیش از مرگ در سال ۶۰ق، زمینه را برای خلافت یزید فراهم آورد. با مرگ معایه، یزید از والی خود در مدینه خواست تا از امام حسین علیه السلام برای او بیعت بگیرد. بیعت نشانه تأیید و اطاعت بود. امام که حکومت یزید را برخلاف اسلام و قرارداد صلح امام حسن علیه السلام می دانست از بیعت با او که به بی بند و باری و فسق و فجور نیز شهرت داشت، سر باز زد. امام حسین علیه السلام برای در امان ماندن از دسیسه کارگزاران یزید عازم مکه گردید. آن حضرت قصد داشت از فرصت حج استفاده کرده، شرایط نامطلوب جامعه و حکومت اسلامی را برای عموم حج گزاران تشریح نماید. مدتی بعد نامه‌های بسیاری از مردم کوفه به دست امام رسید. کوفیان در این نامه‌ها ضمن دعوت امام به کوفه، بر پشتیبانی قاطع خویش از او تأکید کرده بودند.

«ای مردم، آنکه سلطان جباری ببیند که حلال خدا را حرام می‌نماید، میثاق او را می‌شکند و بر ضد راه و روش رسول خدا عمل می‌کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم فرمان می‌دهد، اگر به زبان یا کردار در صدد تغییر و اصلاح بر نیاید، سزاست که خداوند، جباران را بر او چیره سازد».

امام حسین علیه السلام

جباران را جز تنگ نمی‌شمارم». سرانجام پس از چند روز صف‌آرایی دو سپاه، در ۱۰ محرم سال ۶۱ ق در نیم‌روزی خونین، امام و هفتاد و دو تن از یاران وفادار و با ایمانش به شهادت رسیدند. حربن یزید ریاحی و چند تن دیگر از سپاه یزید نیز که پیش از آغاز نبرد به امام حسین علیه السلام پیوسته بودند، از جمله شهیدان کربلا بودند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

با مطالعه رویدادهای عمر امامت امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نمونه‌هایی از تغییر سریع تصمیم‌های مردم آن زمان را برشمارید.

اهداف قیام امام حسین علیه السلام

امام پیش از حرکت، در وصیت‌نامه‌ای به برادرش، محمدبن حنفیه انگیزه خود را از قیام علیه یزید، امر به معروف و نهی از منکر برای تحقق هدف‌های زیر برشمرد:

۱- اصلاح و بازسازی جامعه اسلامی بر اساس الگوی حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام.

۲- جلوگیری از رواج فساد و بی‌بندوباری در میان مسلمانان.

امام در مسیر خود به کوفه در حالی خبر پیمان شکنی کوفیان و شهادت مسلم بن عقیل را دریافت کرد که مأموران این زیاد به فرماندهی حزن یزید ریاحی راه را بر او بسته بودند. امام و اندک یارانش در صحرای کربلا، بر سر دوراهی بیعت و اطاعت توأم با ذلت و خواری و یا استقبال از مرگ شرافتمندانه و شهادت در راه خدا قرار گرفتند. او راه دوم را برگزید و در خطبه‌ای فرمود: «من مرگ در راه عقیده و ایمان را سعادت می‌دانم و زندگی در سایه حکومت

حرم و مرقد مطهر حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا



رفتار لشکریان یزید با پیکر شهدا و بازماندگان آنان : لشکریان یزید بر اجساد شهدا اسب تاختند و سر مطهر آنان را بر نیزه کردند. زنان و کودکان را به اسارت گرفته، به کوفه و سپس شام بردند. با وجود همه این مصیبت‌ها حضرت زینب علیها السلام، سرپرست کاروانیان و

امام سجاد علیه السلام - که سخت بیمار بود - در طول مسیر و در کوفه و شام با خطبه‌های خود، پیام نهضت حسینی، فرجام بد ظالمان و تکلیف مسلمانان و همه انسان‌های شرافتمند را با عزت و سربلندی بیان داشته، مانع فراموشی حقیقت حماسه دینی و تاریخی کربلا شدند.

یک توضیح

وقتی که سربریده امام حسین علیه السلام را به همراه اسرا نزد یزید بردند، او در حضور جمع، شعری با این مضمون خواند : «ای کاش امروز پدران ما که در جنگ بدر کشته شدند، شاهد بودند و می‌دیدند که ما به تلافی قتل آنان امروز شیری شجاع و پهلوان (امام حسین) را به قتل رساندیم». یزید در ادامه با انکار نبوت گفت : «بنی‌هاشم با حکومت بازی کردند، و حال آنکه نه پیامبری آمد و نه وحی‌ای نازل شد.»

جانشینان یزید

پس از یزید، پسرش معاویه دوم به حکومت رسید. او حدود چهل روز پس از تکیه بر کرسی خلافت، در مسجد حاضر شد و در مقابل عموم مردم به نکوهش از رفتار گذشته خاندان اموی پرداخت. از طغیان جدش، معاویه علیه خلیفه برحق - امام علی علیه السلام - و رفتار زشت پدرش در قتل و کشتار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و شکستن حرمت مکه بیزاری جست و در حالی که می‌گریست کناره‌گیری خود را از خلافت اعلام نمود. او چندی بعد در گذشت یا به روایتی مسموم گردید.

کوفه پس از عاشورا

فاصله میان مرگ یزیدبن معاویه تا خلافت عبدالملک مروان، به دوران فترت خلافت اموی معروف شده است. امویان در دوره فترت علاوه بر شورش ابن زبیر با دو جنبش سیاسی - نظامی دیگر در عراق مواجه شدند :

واقعه حرّه : جنایات عمال یزید در قتل عام و اسارت خاندان پیامبر، دینداران و پرهیزکاران مدینه را سخت نگران و مضطرب کرد. نمایندگان مردم مدینه که به شام رفته بودند پس از بازگشت، اخلاق و رفتار زشت و پلید یزید را به اطلاع عموم رساندند؛ در نتیجه، مردم مدینه عبدالله بن حنظله را به رهبری برگزیدند و حاکم اموی را از شهر بیرون راندند. یزید لشکری را برای سرکوبی مخالفان به مدینه اعزام کرد که با قساوتی تمام جنبش را سرکوب و شهر پیامبر صلی الله علیه و آله را عرصه تاخت و تاز قرار داد. در این واقعه، جمع کثیری از جمله هفتصد تن از قاریان قرآن و هشتاد تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله کشته شدند.

این سپاه سپس برای سرکوب عبدالله بن زبیر، یکی دیگر از مخالفان یزید عازم مکه شد و برای وادار ساختن او به تسلیم، مسجد الحرام را به منجنیق بست و موجب ویرانی کعبه گردید. در همین زمان خبر مرگ یزید به سپاهیان رسید و کارنامه شوم خلافت وی بسته شد.

قیام توابین و قیام مختار.

قیام توابین : نخستین قیام به قصد خونخواهی امام حسین علیه السلام را گروهی از مردم کوفه که به توابین معروف شدند، برپا کردند. قیام توابین بیش از آنکه حرکتی آگاهانه، هدفمند و برنامه‌ریزی شده باشد، نوعی واکنش عاطفی شتابزده بود. به همین دلیل توابین پس از درگیری کوتاهی با سپاه اموی، شکست خوردند و بسیاری از آنان به قتل رسیدند.

قیام مختار : مختار از خانواده‌های اشراف کوفه بود. او به بهانه خونخواهی امام حسین و با بهره‌گیری از احساسات جریحه‌دار شده مردم کوفه و میدان دادن به موالی، به ساماندهی سپاهی برای مبارزه با امویان از یکسو و عبدالله بن زبیر از سوی دیگر پرداخت. وی به موفقیت‌های بزرگی دست یافت و با شکست لشکر شام، بسیاری از عاملان فاجعه کربلا از جمله عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد و شمر را مجازات کرد. اما توجه و تکیه او به موالی، موجب رنجش رؤسا و اشراف کوفه شد. آنان

با نیروهای عبدالله بن زبیر هم‌داستان شدند و مختار را شکست دادند. قیام مختار نخستین صحنه حضور گسترده ایرانیان در یک جنبش ضد اموی بود.

انتقال خلافت اموی از شاخه سفیانی به شاخه مروانی : پس از درگذشت معاویه دوم، به سبب درگیری‌های قومی و قبیله‌ای در میان طرفداران بنی امیه و شورش دیگر مدعیان خلافت، روند تداوم قدرت در خاندان اموی دچار اختلال گردید. سرانجام مروان سالخورده پس از سال‌ها انتظار، در شام به خلافت رسید. او اندکی بعد در گذشت، اما خلافت اموی تا هنگام سقوط در دست فرزندان و نوادگان وی که به مروانیان یا بنی مروان معروف‌اند باقی ماند. عبدالملک، پسر و جانشین مروان با کمک حجاج بن یوسف ثقفی که به سنگدلی و قساوت مشهور بود، تمامی مدعیان خلافت را از میان برداشت و دوباره اقتدار و حاکمیت امویان را بر سرتاسر سرزمین‌های اسلامی برقرار کرد.

یک توضیح

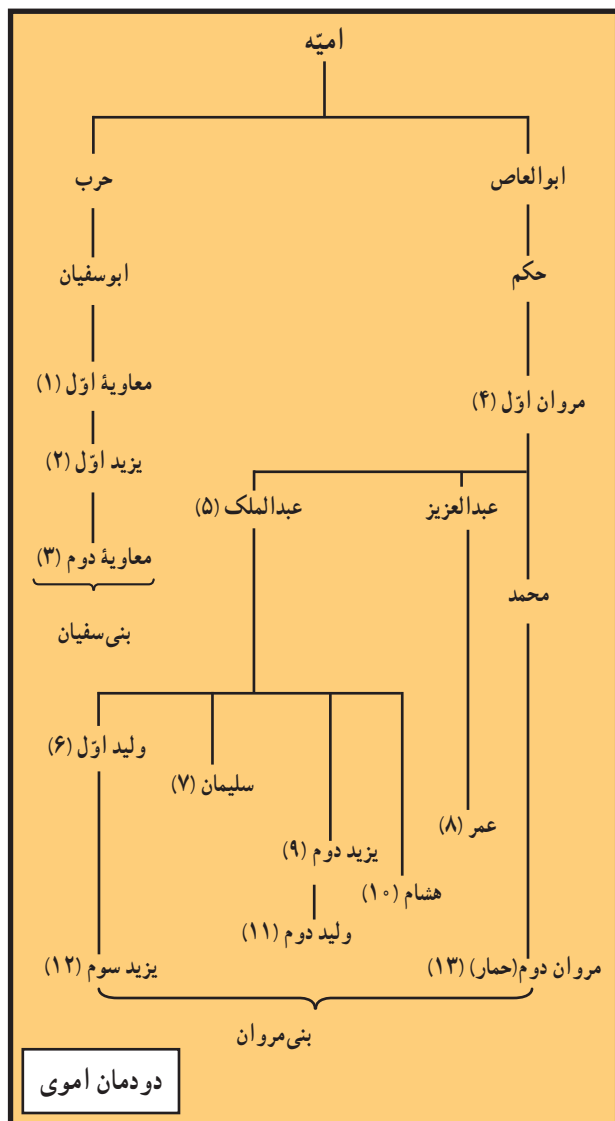
امام سجاد علیه السلام، آمیزش عظمت مبارزه و شکوه عبادت

امام سجاد علیه السلام پسر امام حسین علیه السلام و چهارمین امام شیعیان است. شدت بیماری موجب گردید که با وجود حضور در کربلا، نتواند در نبرد شرکت کند. آن حضرت پس از قیام کربلا، به همراه سایر بازماندگان حادثه، وظیفه انتقال پیام این حرکت الهی را به عهده گرفت. امام سجاد علیه السلام در روزگار آشفته پس از امام حسین علیه السلام و اختناق حاکم بر جامعه اسلامی، ضعف بنیه فکری و اعتقادی و فقدان معنویت را اصلی‌ترین مشکل جامعه تشخیص داد. بنابراین، با تربیت و آموزش شاگردانی، نخستین هسته دانشمندان شیعه را تشکیل داد. دعا‌های امام سجاد علیه السلام از جمله روش‌های غیر مستقیم او برای آموزش عمومی مردم بود. شیوه دیگر امام آن بود که بردگان را می‌خرید و پس از تعلیم آموزه‌های دین به آنان، آزادشان می‌کرد. به این صورت طی یک جریان تدریجی و درازمدت، زمینه‌های تحولی بنیادین در تفکر و اندیشه جامعه اسلامی را فراهم آورد. آثار این آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم، در اقبال گسترده دانش پژوهان به محضر درس امامان بعدی آشکار گردید.

خلافت عمر بن عبدالعزیز : هر چند خلفای اموی

به ظاهر می‌کوشیدند با ادعای دینداری و فریب مردم، اعمال خود را توجیه نمایند، اما عملکرد آنان و دست‌نشانده‌گانشان موجب تنزل مقبولیت و مشروعیت دستگاه خلافت اموی در میان مردم شد. این مسئله حاکمیت اموی را دچار مخاطرات جدی کرد. لذا عمر بن عبدالعزیز، هشتمین خلیفه اموی شیوه‌ای متفاوت با دیگر خلفای اموی در پیش گرفت. او در دوران خلافتش به انجام تغییرات و اصلاحاتی دست زد که می‌توانست به کاهش نارضایتی عمومی از امویان بینجامد. مهم‌ترین اقدامات اصلاحی این خلیفه عبارت بود از :

- ۱- توقف فتوحات و رسیدگی به مطالبات سپاهیان که از جانب فرماندهان مورد ستم و بهره‌کشی قرار گرفته بودند.
- ۲- رسیدگی به وضع مردم ولایات و مناطق مختلف و اعمال نظارت بر عملکرد والیان و استانداران اموی؛ از جمله منع اخذ جزیه از نو مسلمانان.
- ۳- ممنوع کردن دشنام‌گویی و اهانت به امام علی علیه السلام که از زمان معاویه به‌طور وسیعی در تمام سرزمین‌های اسلامی به اجبار اجرا می‌گردید. اما اجرای این اصلاحات تغییر جدی در شرایط اجتماعی و اقتصادی آن روزگار و جایگاه امویان در نگاه عمومی ایجاد نکرد؛ زیرا خلافت وی کوتاه مدت بود و خلفای بعدی سیاست‌های عمر بن عبدالعزیز را کنار گذاشتند. در نتیجه اعتراض و نارضایتی عمومی از حکومت اموی همچنان گسترش یافت.



سقوط حکومت بنی‌امیه

چون قیام‌های ضد اموی در مناطق عرب نشین نظیر عراق که تحت نظارت مستقیم دستگاه خلافت بود، با خشونت هرچه تمام‌تر سرکوب می‌شد و حکومت مستبدانه

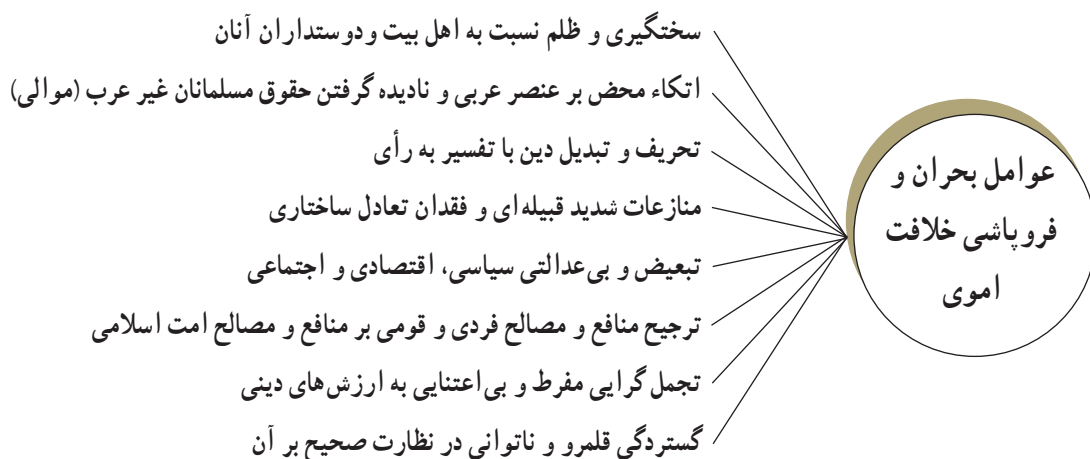
کسانی مانند حجاج بن یوسف (والی خشن عبدالملک در عراق) فرصت هرگونه اعتراضی را از مردم سلب کرده بود. مخالفان به منظور حفظ جان خود و تداوم مبارزه به تدریج در سرزمین‌هایی مستقر شدند که شرایط مناسب‌تری برای فعالیت داشته باشد. خراسان از جمله این سرزمین‌ها بود که به دلایل زیر به بزرگترین کانون انقلاب ضد اموی تبدیل شد:

- ۱- از آنجا که این سرزمین مرز قلمرو اسلامی با مناطق غیرمسلمان بود، همواره جمعیت قابل توجهی از جنگجویان مسلمان در آن منطقه حضور داشتند.
 - ۲- به دلیل امنیت این منطقه برای مخالفان، نیروهای ناراضی به ویژه علویان و بنی‌هاشم در این سرزمین مستقر شده، هواداران پرشوری برای خود یافتند.
 - ۳- اعراب مهاجر در این منطقه به واسطه اختلافات قومی و قبیله‌ای از وحدت و یکپارچگی لازم برخوردار نبودند؛ لذا مانع جدی در مقابل مخالفان ایجاد نمی‌کردند.
 - ۴- ایرانیان مسلمان که به عنوان موالی در معرض انواع تحقیر و ستم حکام نژادپرست اموی قرار داشتند، همراهی مؤثری با مخالفان اموی از خود نشان دادند.
- در چنین شرایطی داعیان عباسی که از تشکیلات تبلیغاتی منسجمی برخوردار بودند، با رعایت اصول

مخفی‌کاری، اصلی‌ترین بخش فعالیت‌های خود را در منطقه خراسان متمرکز کردند. آنان با جلب توجه مردم به اسلام و محسنات آن، بر انحراف بنی‌امیه از تعالیم اسلامی و ظلم نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ تأکید می‌ورزیدند. اما دو چیز بیش از همه در پیشبرد جنبش عباسیان مؤثر بود:

- ۱- تأکید عباسیان بر نسبت خویشاوندی‌شان با خاندان پیامبر ﷺ.
- ۲- انتخاب شعار کلی و مبهم «الرضا من آل محمد»: این شعار علاوه بر علویان، ایرانیان را نیز که گرایش وسیعی به تشیع و محبت اهل بیت پیامبر داشتند، به پشتیبانی از جنبش ترغیب می‌کرد. در درس آینده خواهید خواند که این شعار عباسیان تنها عاملی برای فریب افکار عمومی بود.

به هر حال جنبش خراسانیان که توسط ابو مسلم سازمان‌دهی گردید، نقش اساسی در تحولات تاریخی آن دوره بازی کرد. آنان چون لباس سیاه را نشان و شعار خود قرار داده بودند به «سیاه‌جامگان» معروف شدند. سرانجام با سقوط دمشق و قتل مروان حمار، آخرین خلیفه اموی در سال ۱۳۲ق، خلافت بنی‌امیه منقرض شد.



پرسش‌های نمونه

- ۱- معاویه برای رسیدن به اهدافش چه شیوه‌هایی به کار برد؟
- ۲- دلیل شکست قیام مختار را توضیح دهید.
- ۳- چه عواملی در پیشبرد جنبش عباسیان مؤثر بود؟
- ۴- مهم‌ترین عوامل فروپاشی حکومت امویان کدام‌اند؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد اقدامات حجاج بن یوسف گزارشی بنویسید.
- ۲- درباره فتوحات مسلمانان در اسپانیا یا شبه قاره هند در دوره اموی مطلبی تهیه کنید.
- ۳- عملکرد امام حسین علیه السلام را در زمان معاویه و در دوره یزید با هم مقایسه کنید و در مورد دلایل تفاوت عملکرد امام مطلبی بنویسید.

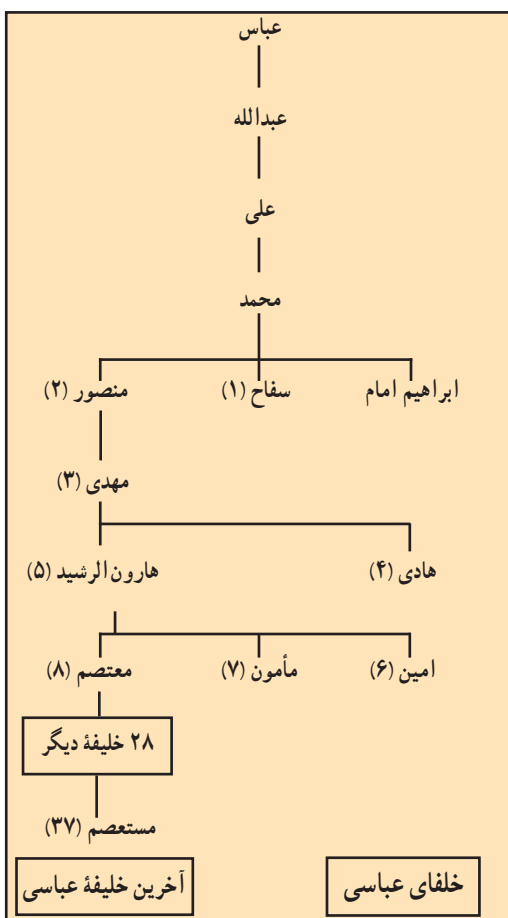
خلافت عباسیان (۱۳۲ - ۶۵۶ق)

مقدمه

در درس گذشته با تحولات عصر امویان آشنا شدید. در این درس تحولات عصر خلافت عباسیان را می‌خوانید و با مباحثی مانند چگونگی استقرار و تثبیت خلافت عباسی و نقش ایرانیان در این مسئله، عوامل رونق و شکوفایی تمدن اسلامی، نقش امامان شیعه در توسعه و تکوین فرهنگ و تمدن اسلامی و سرانجام خلافت عباسیان آشنا خواهید شد.

شکل‌گیری خلافت عباسیان

نخستین خلیفه عباسی ابوالعباس سفاح در سال ۱۳۲ق در مسجد کوفه رسماً بر مسند خلافت نشست. او در اولین خطبه خود با بیان انحراف امویان از تعالیم اسلام و یادآوری نسبت خویشاوندی عباسیان با پیامبر صلی الله علیه و آله و کوشید تا حقانیت خلافت جدید را توجیه نماید. سفاح از مردم خواست که خدا را به جهت استقرار دولت عباسی در سرزمین‌های اسلامی شکرگزار باشند. دوران حکومت چهارساله او عمدتاً به تلاش برای استقرار خلافت عباسیان و سرکوب بقایای امویان و وابستگان آنان گذشت؛ اما برادرش منصور، دومین خلیفه عباسی، طی بیست سال حکومت خود با شکست رقیبان و مخالفان، پایه‌های دولت عباسیان را مستحکم ساخت و ۳۵ خلیفه بعدی همگی از نسل او هستند.



اصلی‌ترین تهدیدهایی که در دوره زمامداری منصور متوجه خلافت عباسی بود و با خشن‌ترین شیوه سرکوب و مهار شد، عبارت بود از:

۱- ادعای خلافت تعدادی از اعضای خاندان عباسی: تمام این مدعیان از طریق تطمیع، تهدید و جنگ، تسلیم یا از صحنه خارج شدند.

۲- قدرت و نفوذ رو به ازدیاد ابومسلم خراسانی: وی یقیناً سهم زیادی در پیروزی عباسیان داشت. غرور و جاه‌طلبی سیاسی و نظامی ابومسلم و گسترش محبوبیت و نفوذ اجتماعی او در میان ایرانیان، دو خلیفه اول عباسی، به ویژه منصور را سخت به وحشت انداخت. منصور در همان ابتدای خلافتش با خدعه سردار خراسانی را از هوادارانش جدا کرد و ناجوانمردانه به قتل رساند. قتل ابومسلم موجب شکل‌گیری قیام‌هایی با ادعای خونخواهی او گردید. این جنبش‌ها که بیشتر

در شرق ایران بروز کرد تا مدت‌ها خلافت عباسی را به خود مشغول ساخت.

۳- جنبش‌های علویان: چون پس از سقوط امویان، به جای یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، فردی از خاندان عباسی بر مسند خلافت جلوس کرد، علویان که از نتیجه همکاری با عباسیان پشیمان شده بودند، در صدد برآمدند اعتراض و مخالفت خود را با خلافت جدید به شکل‌های مختلف نشان دهند. به رغم آنکه عباسیان پیروزی خود را مدیون حمایت شیعیان بودند، اما منصور از ترس به خطر افتادن مقام و موقعیت خود و خاندانش، سرکوب قاطع و خونین این جنبش‌ها را در دستور کار خود قرار داد. سختگیری شدید نسبت به ائمه علیهم السلام و چهره‌های برجسته از خاندان امام علی علیه السلام و عموم شیعیان در بیشتر دوران حکومت عباسی ادامه یافت.

بیشتر بدانید

عباسیان برای برخورداری از مشروعیتی که بتواند مردم را به همراهی با آنان متقاعد سازد، بیش از هر چیز نیازمند حمایت شخصیت‌های معتبر خاندان علوی به خصوص امام جعفر صادق علیه السلام بودند که در آن زمان امامت شیعیان را به عهده داشت. به همین دلیل به مذاکره و مکاتبه با ایشان و دیگر چهره‌های خوشنام از جمله برخی سادات حسنی مبادرت نمودند. امام صادق علیه السلام با فراست تمام دریافت که پیشنهاد همراهی عباسیان، تنها فریبی برای بهره‌برداری از موقعیت اجتماعی علویان است؛ لذا نه تنها حاضر به هیچ نوع همکاری با آنان نشد که سایر سادات را هم از این امر بر حذر داشت؛ اما برخی از سادات از جمله عبدالله بن حسن مثنی و فرزندانش این هشدار امام را جدی نگرفتند. اینان بعد از تسلط عباسیان بر امور، تلاش کردند که بار دیگر به سازماندهی نیروهای خود بپردازند، اما آن چنان که خواهید خواند با خشونت تمام سرکوب شدند.

یک توضیح

بغداد، دهی از دهات تیسفون (مداین) و به معنای داده‌بغ (خداداد) بود. منصور در طرح نقشه شهر بغداد از نظر خالد بن برمک استفاده کرد و هنگامی که از او خواست برای این کار طاق کسری را ویران کند، خالد این کار را صلاح ندانست.

اداری نیرومندی تأسیس کرد که عمدتاً تقلیدی از سازمان اداری دولت ساسانی بود. در دوران خلافت منصور، دماوند و طبرستان فتح شد.

منصور در سال ۱۴۵ق پایتخت عباسی را از هاشمیه که به کوفه، مرکز هواداران تشیع نزدیک بود، به بغداد انتقال داد. او به یاری خاندان ایرانی برمکی دستگاه



قلمرو مسلمانان در دورهٔ بنی‌عباس

۳- درایت و کاردانی وزیران ایرانی، به ویژه برمکیان: خاندان برمکی از اوایل تأسیس خلافت عباسیان پا به عرصهٔ فعالیت‌های سیاسی و اداری گذاشتند و با درایت خود و استفاده از تجربیات دیوانی و فرهنگی ایران نقش مهمی در پیشرفت امور داشتند. آنان سرانجام به سرنوشتی مشابه سرنوشت ابومسلم دچار شدند و به دستور هارون به زندان افتادند و یا به قتل رسیدند.

در عهد خلافت هارون، روابط و مناسبات خارجی توسعه یافت و هیئت‌های نمایندگی از طرف چین و اروپا به بغداد آمدند. در این دوره به تدریج نخستین حکومت‌های مستقل در شمال آفریقا شکل گرفت و سرزمین‌هایی از پیکرهٔ خلافت اسلامی جدا شد.

از هارون تا معتصم: دوران شکوفایی خلافت عباسی

مورخان اوج عظمت و شکوفایی خلافت عباسی را عصر هارون می‌دانند؛ گرچه خلیفه سهم چندانی در آن عظمت و شکوفایی نداشت.

عوامل مؤثر در رونق و شکوفایی اقتصاد و فرهنگ در این دوران را می‌توان در عوامل زیر جست‌وجو کرد:

۱- ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی: مقدمات این امر در دوران خلفای قبل فراهم شده بود و انتقال مستمر ثروت به مرکز خلافت عباسی آن را تقویت می‌کرد.

۲- برخورد اندیشه، فرهنگ و تمدن ملل و اقوام گوناگون: این جریان در فضای عمومی فرهنگ اسلامی مجال ظهور و بروز یافت و موجب رشد و ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه شد.

خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ق) دوره جدیدی از نفوذ و نقش آفرینی ایرانیان

پس از مرگ هارون و بروز اختلاف میان دو پسر او - امین از مادری عرب و مأمون از مادری ایرانی - شرایط سیاسی و اجتماعی جدیدی شکل گرفت. امین که در بغداد مستقر شده بود، بر نیروی سیاسی - نظامی اعراب تکیه داشت و از سوی اکثر اعضای خاندان عباسی حمایت می‌شد؛ در مقابل، مأمون که مرو^۱ را پایگاه حکومت خود قرار داده بود، از پشتیبانی قاطع ایرانیان سود می‌برد. رقابت دو برادر و به تعبیری رقابت اعراب و ایرانیان جز به جنگ و خونریزی فیصله نیافت؛ لشکریان هوادار مأمون به فرماندهی سرداری از خطه خراسان به نام طاهر بن حسین بغداد را تسخیر کردند و امین را به قتل رساندند.

مأمون و جنبش‌های شیعی: خلفای عباسی پیش از مأمون برای مهار جنبش‌های شیعی، به ویژه قیام‌هایی که

توسط سادات رهبری می‌شد از شیوه سرکوب نظامی استفاده می‌کردند اما مأمون روش دیگری در برخورد با امامان شیعه در پیش گرفت. او با تزویر، امام رضا علیه السلام را از مدینه به مرو دعوت و ولایتعهدی خود را به او پیشنهاد، بلکه تحمیل کرد. خلیفه با این اقدام امیدوار بود به هدف‌های زیر دست یابد:

- ۱- کسب امنیت بیشتر برای خلافت عباسی از طریق محدود کردن ارتباط امام رضا علیه السلام با مردم و به خصوص شیعیان

- ۲- کسب مقبولیت برای خلافت عباسی به ویژه نزد علویان و سادات، از طریق مشارکت دادن امام در امور حکومتی و ممانعت از شکل‌گیری جنبش‌های آنان
- ۳- جلب پشتیبانی بیشتر ایرانیان؛ زیرا مردم ایران گرایش و ارادت خاصی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام داشتند.



حرم حضرت امام رضا علیه السلام

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا معتصم اتکا به ایرانیان یا عرب‌ها

را به صلاح حکومت خود نمی‌دید؟

روش ائمه علیهم‌السلام در معارضة با قدرت‌های حاکم

پس از فاجعه کربلا، رهبران علوی برای مقابله با قدرت‌های حاکم (اموی و عباسی) دو شیوه متفاوت در پیش گرفتند:

شیوه اول: گروهی از آنان مبارزات سیاسی قهرآمیز و جنبش‌های مسلحانه را برگزیدند. قیام زید از فرزندان امام سجاد علیه‌السلام در دوره اموی که به گونه‌ای دلخراش سرکوب گردید، از جمله این تلاش‌ها بود. همراهی سادات حسنی با عباسیان برای مبارزه با خلافت اموی نیز با همین هدف انجام گرفت. مبارزه قهرآمیز و مسلحانه علویان در دوره عباسی ادامه یافت، اما هرگز نتیجه مطلوبی کسب نکرد.

شیوه دوم: گروه دیگری از علویان به رهبری ائمه علیهم‌السلام شیوه مبارزه فکری و فرهنگی را برگزیدند. دلایل آنان برای اتخاذ این شیوه عبارت بود از:

۱- بی نتیجه بودن جنبش‌های سیاسی نظامی در آن دوره؛ زیرا این جنبش‌ها به شکل خشونت‌آمیزی سرکوب می‌شدند و به سبب وحشت حاکم بر جامعه، امیدی به جلب پشتیبانی مؤثر مردم از این قیام‌ها وجود نداشت.

۲- ضرورت و نیاز مبرم جامعه اسلامی به فعالیت‌های علمی و فرهنگی، تشخیص چنین ضرورت و نیاز اساسی ناشی از دو مسئله بود:

الف) توسعه فتوحات از یکسو موجب افزایش سریع تعداد نومسلمانی شده بود که کمترین آشنایی با محتوای واقعی اسلام نداشتند و از سوی دیگر زمینه آمیزش عقاید

امام رضا علیه‌السلام با فشار و تهدید ناچار به پذیرش ولایتعهدی خلیفه عباسی گردید. اما قبول این پیشنهاد را مشروط به آن کرد که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و عزل و نصب‌ها دخالتی نداشته باشد. از یکسو هوشیاری و تدبیر امام مانع دستیابی مأمون به اهدافش شد و از سوی دیگر حضور امام رضا علیه‌السلام در ایران موجب آشنایی بیشتر ایرانیان با اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گردید. به علاوه اقدام مأمون در نزدیک شدن به ایرانیان و انتصاب امام رضا علیه‌السلام به ولایتعهدی، اعتراض و خشم شدید خاندان عباسی را در بغداد برانگیخت. مأمون برای خروج از این تنگنا دست به اقدامات جدیدی زد:

— بار دیگر مقر خلافت را از مرو به بغداد انتقال داد.
— در حین سفر به بغداد، مخفیانه دستور قتل فضل بن سهل، وزیر ایرانی خود را صادر کرد.

— پس از قتل سهل، در سناباد توس (که بعداً به مشهدالرضا معروف گشت) امام رضا علیه‌السلام را مسموم و شهید کرد (۲۰۳ق).

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما، چرا امام رضا علیه‌السلام با شرایط فوق حاضر

به پذیرفتن امر ولایتعهدی شد؟

خلافت معتصم (۲۱۸-۲۲۷ق)

خلافت معتصم آغاز دوره‌ای است که ترکان بر دستگاه خلافت عباسی غلبه یافتند. معتصم که مادرش ترک بود ترجیح داد به جای تکیه بر عرب‌ها یا ایرانیان، نیروی سومی را جایگزین آنان کند.

اسلامی را با سایر اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها از جمله افکار صوفیانه هندی و تفکرات فلسفی یونانی فراهم آورده بود.

ب) بی‌کفایتی حکومت‌ها در ساماندهی اوضاع فکری و فرهنگی جامعه، بلکه نقش مؤثر آنها در نابسامانی‌های موجود، زمینه‌گسترش جعل حدیث، توسعه خرافات، اظهار نظرها و تفاسیر غلط در مباحث دینی را فراهم آورده و موجب مخدوش گردیدن چهره اصیل دین و سردرگمی مسلمانان شده بود.

در چنین شرایطی ائمه علیهم‌السلام تلاش برای گسترش فرهنگ ناب اسلامی را بر مبارزه مسلحانه ترجیح دادند. این حرکت در عصر اموی و دوره امام سجاد علیه‌السلام با ملامت و به شکل غیر مستقیم در قالب دعا آغاز شد، پس از آن با تلاش‌های علمی امام باقر علیه‌السلام ادامه یافت و در عصر عباسی و دوره امامت امام صادق علیه‌السلام به اوج خود رسید. آموزش هزاران نفر از دانش‌پژوهان مشتاق به اندیشه متعالی اسلام توسط ائمه تأثیری عمیق بر نظام فکری جامعه گذارد و تحولی بنیادین را در تاریخ اسلام موجب گردید. بر اثر کوشش‌های علمی امام صادق علیه‌السلام نه تنها فقه شیعه به نهایت انسجام و جامعیت رسید و به نام ایشان (فقه جعفری) نامیده شد؛ بلکه سایر مذاهب بزرگ فقهی جهان اسلام نیز از حرکت علمی امامان شیعه تأثیر پذیرفتند؛ زیرا مؤسسين این مذاهب بی‌واسطه یا با واسطه شاگرد امام صادق علیه‌السلام معرفی شده‌اند.

مکتب فقهی که امام جعفر صادق علیه‌السلام بنیان نهاد، بعدها توسط امامان بعدی استحکام و توسعه یافت. پس از امام جعفر صادق علیه‌السلام، رهبری و هدایت شیعیان را امام موسی بن جعفر علیه‌السلام بر عهده گرفت. امام به سبب کثرت زهد به «عبد صالح» مشهور بود و به واسطه حلم و فروخوردن

خشم و صبر بر سختی و ناملایمات «کاظم» نامیده می‌شد؛ ایشان ضمن آموزش فرهنگ و علوم دینی و تربیت شیعیان، اسوه و نمونه عالی دینداری خالصانه و اخلاق والای انسانی بود. در نظر بسیاری از مردم، منزلت والای دینی و انسانی امام چنان بود که او را شایسته رهبری و خلافت مسلمانان می‌دانستند و همین امر موجب تشویش و نگرانی دستگاه خلافت عباسی شد تا جایی که خلفای معاصر وی (هادی و هارون) سال‌ها، امام را زندانی کردند. سرانجام، امام در سیاه چال زندان بغداد به شهادت رسید.

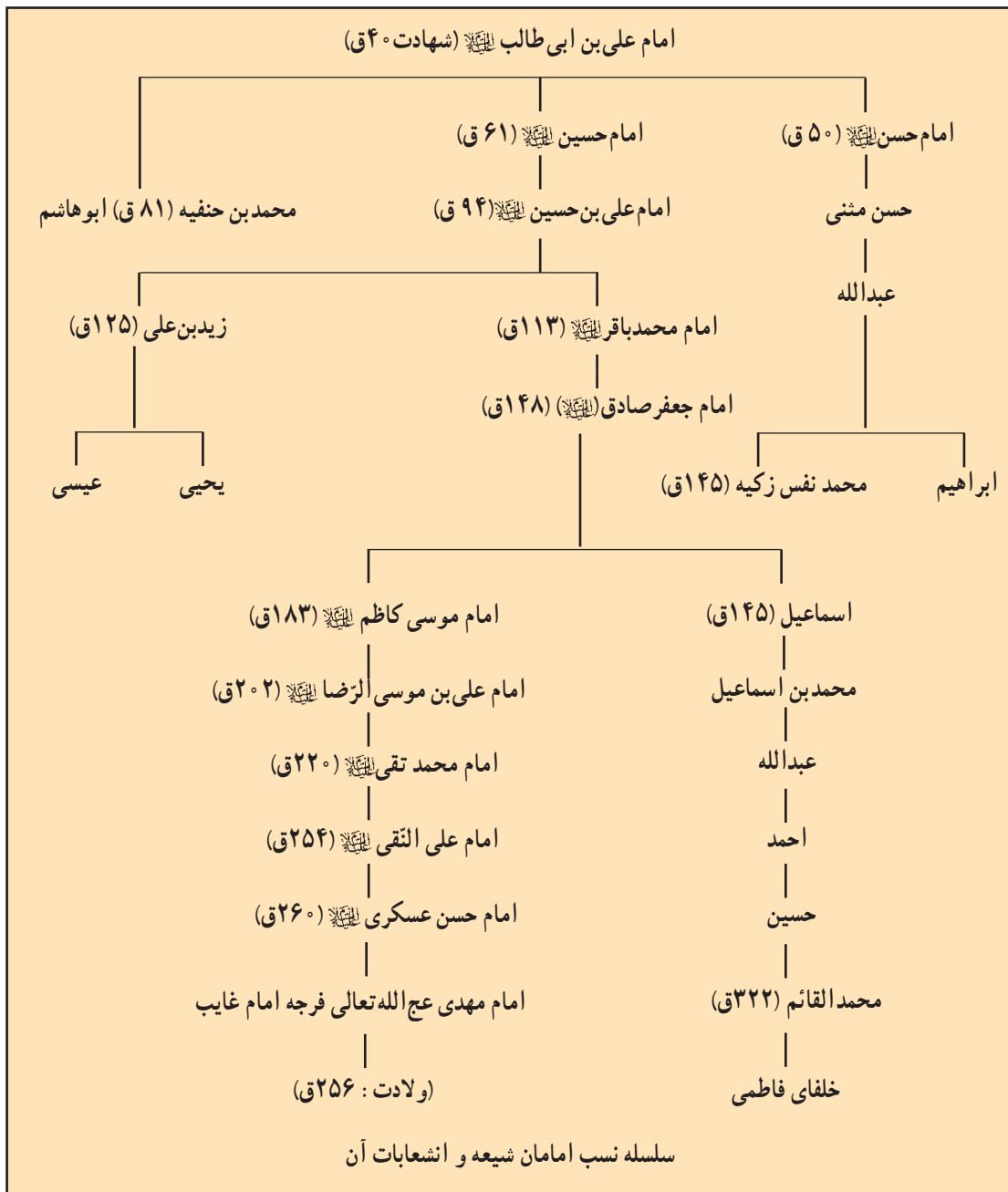
مهم‌ترین حادثه روزگار امام هشتم، امام رضا علیه‌السلام ماجرای انتصاب ایشان به ولایتعهدی مأمون بود که پیش از این درباره آن خواندید.

پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام، امام جواد علیه‌السلام به امامت رسید. مأمون از طریق اجبار امام علیه‌السلام به اقامت در بغداد و نظارت و مراقبت شدید بر فعالیت‌های آن حضرت، مانع ارتباط امام علیه‌السلام با مردم و پیروانش گردید. به رغم این محدودیت‌ها امام علیه‌السلام گاه در بعضی مجالس و مناظرات شرکت می‌نمود و دامنه وسیع دانش دینی خود را به اندیشمندان عصر خود عرضه می‌کرد.

سال‌های امامت امام هادی علیه‌السلام که معاصر با دوران استیلای ترکان و دوران خلافت متوکل بود، از سخت‌ترین روزهای زندگی شیعیان بود. به دستور متوکل بارگاه امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهدای کربلا ویران گردید و شیعیان مدتی از زیارت مرقد ایشان محروم شدند. او همچنین امام هادی علیه‌السلام را به اقامت در سامرا و ادار کرد. سرانجام امام هادی علیه‌السلام نیز به دستور معتز، خلیفه بعدی به شهادت رسید.

امام حسن عسکری^۱ نیز تحت مراقبت ویژه در

۱- دوران امامت آن حضرت از ۲۵۴ تا ۲۶۰ ق بود.



فضای اختناق آمیز شهر سامرا قرار داشت. نگرانی دستگاه

خلافت در این زمان به دو جهت بود :

۱- فعالیت های علمی و آموزش های دینی امام و ارتباط وی با مردم

۲- تولد حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه، منجی و موعود نجات بخش که قبلاً پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، ظهور ایشان را بشارت داده بودند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا خلفای عباسی به ویژه متوکل تلاش می کردند از توجه مردم به بارگاه امام حسین علیه السلام بکاهند و مانع زیارت بارگاه آن حضرت شوند؟

مورخان شیعه، تاریخ زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را به دو دوره تقسیم کرده اند :

۱- دوران غیبت صغری که از آغاز امامت آن حضرت در سال ۲۶۰ ق آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ق ادامه داشت.

در این دوران، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از طریق چهار نایب خاص خود با شیعیان در ارتباط بود.

۲- دوران غیبت کبری که از سال ۳۲۹ ق شروع شد و هنوز ادامه دارد.

واپسین ایام خلافت عباسی

پس از معتصم، ۲۸ خلیفه دیگر از سلسله بنی عباس به

خلافت رسیدند که غالباً ضعیف النفس و بازیچه دست غلامان ترک بودند. سلطه غلامان ترک در دربار خلافت، تجزیه و تفکیک قدرت سیاسی و دینی، پدید آمدن حکومت‌های رقیب مانند خوارزمشاهیان و اسماعیلیان در ایران و وقوع جنگ‌های صلیبی آخرین مشکلات و دشواری‌هایی بود که خلافت عباسی را دچار انحطاط کرد.

سرانجام، هلاکوخان مغول برای گشودن دژهای اسماعیلیه و فتح بغداد به مغرب فرستاده شد. با سقوط بغداد و قتل آخرین خلیفه عباسی خلافت پانصد ساله عباسیان به پایان رسید (۶۵۶ ق).

پرسش‌های نمونه

- ۱- اصلی‌ترین تهدیدهای پیش‌روی عباسیان در دوران خلافت منصور از ناحیه چه کسانی بود؟
- ۲- تأثیر ایرانیان را بر تحولات تاریخی عصر هارون و مأمون عباسی توضیح دهید.
- ۳- هدف مأمون از نزدیک شدن به امام رضا علیه السلام چه بود؟
- ۴- امامان شیعه برای مقابله با تهدیدهایی که جامعه اسلامی پس از واقعه کربلا با آن روبه‌رو بود چه اقدامی انجام دادند؟
- ۵- دلیل حساسیت ویژه خلفای عباسی نسبت به امام عسکری علیه السلام چه بود؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره مصادیق اثرپذیری خلافت عباسیان از حکومت ساسانیان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام و مقام علمی آنان گزارشی بنویسید.
- ۳- درباره آثار حضور امام رضا علیه السلام در ایران و ارتباط نزدیک آن حضرت با مردم ایران مطلبی تهیه کنید.

ایران از ورود اسلام تا صفویان

بخش چهارم

ورود اسلام به ایران

مقدمه

ورود اعراب مسلمان به ایران و سقوط امپراتوری ساسانی، رویدادی مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ کهن سرزمین ما به شمار می‌رود. پیامد این رویداد به تغییر و تحول سیاسی محدود نبود؛ بلکه از آنجایی که اعراب حامل دین جدیدی بودند، دگرگونی‌های اساسی در ابعاد عقیدتی، فکری، فرهنگی و اجتماعی زندگی ایرانیان رخ داد. در این درس با ورود اعراب مسلمان به ایران و دو قرن حکومت آنان بر ایران و نیز چگونگی گرویدن ایرانیان به دین اسلام آشنا می‌شوید.

ورود اسلام به ایران و سقوط ساسانیان

خلافت عمر، مسلمانان با جدیت بیشتری به فتح دیگر سرزمین‌ها ادامه دادند. در دوران این خلیفه، اعراب مسلمان در چند نبرد سرنوشت‌ساز از جمله قادسیه، جلولاء و نهاوند، ارتش ساسانی را شکست دادند و از مسیرهای مختلف اقدام به پیشروی در خاک ایران کردند. اعراب مسلمان به هر شهر و ولایتی که می‌رسیدند،

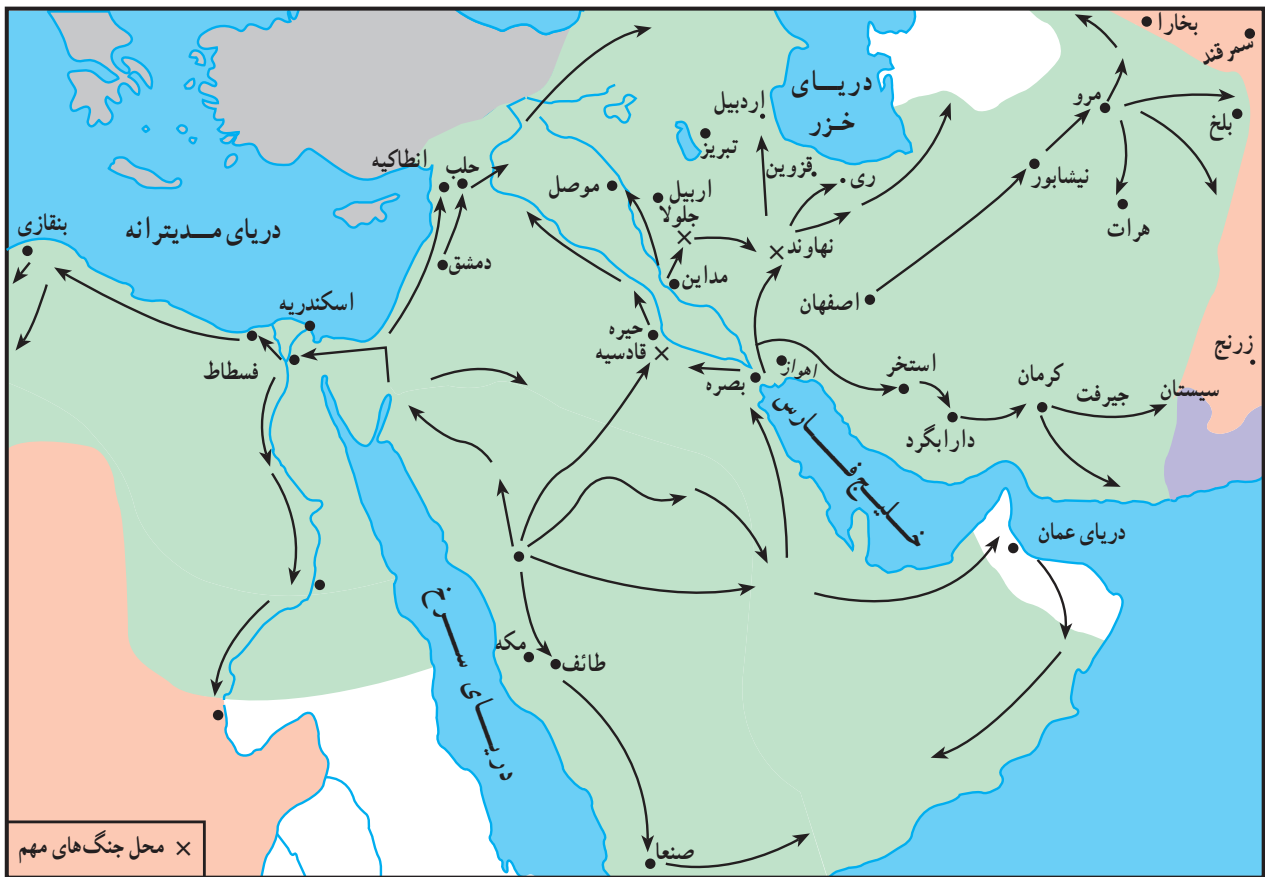
مطابق تعالیم اسلام و سنت پیامبر ﷺ سه پیشنهاد را مطرح می‌کردند: نخست، پذیرش اسلام؛ دوم، قبول جزیه^۱ و قرار گرفتن در امان مسلمانان و سوم جنگ. حاکمان و بزرگان محلی اغلب پرداخت جزیه را برگزیدند و قراردادهای صلح

تلاش مسلمانان برای گسترش اسلام در قلمرو تحت حاکمیت امپراتوری ساسانی از زمان پیامبر اکرم ﷺ آغاز شد. بر اثر آن تلاش‌ها، مرزبانان ساسانی و سایر ایرانیان مستقر در یمن، بحرین و عمان مسلمان شدند و یا در شمار اهل ذمه^۲ درآمدند.

در درس ۱۲ خواندید که ابوبکر، خلیفه اول پس از سرکوب مخالفان داخلی و دفع آشوب مدعیان دروغین نبوت، به سپاهیان مسلمان دستور داد در سرحدات امپراتوری‌های ساسانی و روم جهاد کنند. در دوران

۱- اهل ذمه به پیروان دین‌های مسیح، یهود و زردشت گفته می‌شد که اجازه داشتند با شرایطی از جمله پرداخت جزیه در قلمرو تحت حاکمیت مسلمانان زندگی کنند.

۲- جزیه به مالیاتی گفته می‌شود که دولت اسلامی از اهل ذمه در قبال اقامت آنان در سرزمین‌های اسلامی و جلوگیری از تعرض دیگران به آنها دریافت می‌کرد.



گسترش قلمرو مسلمانان

میان آنان و فرماندهان سپاه اسلام منعقد شد. البته خیلی از شوریدند، اما اعراب توانستند شورش‌ها را فروشانند و شهرها و ولایات فتح‌شده، به خصوص ری و فارس بارها سلطه خود را تحکیم کنند.

قسمت‌هایی از مفاد صلح‌نامه نهانند، ری و آذربایجان با اعراب مسلمان را مطالعه و تعهدات دو طرف را استخراج کنید.

نهانند

«... [فرمانده سپاه عرب] جان‌ها و مال‌ها و زمین‌هایشان را امان می‌دهد که کس [کسی] دینشان را تغییر ندهد و از انجام ترتیبات دینشان منع نکند، مادام که هر سال به عامل خویش جزیه دهند ... مادام که ره مانده را رهنمایی کنند، راه‌ها را اصلاح کنند و هرکس از سپاه مسلمانان را که به آنها گذر کند [یک شبانه روز] مهمان کنند... و مادام که نیک خواهی کنند. اگر خیانت کردند ... ذمه ما از آنها بری باشد».

(تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۹۶)



ری

«یکی از بزرگان شهر» پانصد هزار درهم بداد تا تازیان کسی از ایشان را نکشند و به اسیری نبرند و آتشکده‌ای را ویران نکنند، و نیز خواستند که مقدار خراج ایشان برابر خراج اهل نهاوند باشد».

(بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ص ۱۲۰)

آذربایجان

«مرزبان بر همه آذربایجان از حُدیفه [فرمانده سپاه عرب] طلب صلح کرد و بر آن شد که هشتصد هزار درهم پردازد به آن شرط که حذیفه کسی را نکشد یا به اسیری نگیرد و آتشکده‌ای را ویران نسازد... اهل شیز را از پایکوبی در روزهای عید و انجام مراسم دیگر باز ندارد».

(همان، ص ۱۶۳)

تعهدات اعراب مسلمان	تعهدات ایرانیان
۱.	۱.
۲.	۲.
۳.	۳.

صلح‌نامه‌ها تنظیم گردید. بزرگان ایرانی همچون گذشته، اداره امور محلی را برعهده داشتند و واسطه‌ای میان مردم و حاکمان عرب بودند. تا هنگامی که قراردادهای صلح نقض نمی‌شد و مشکلی برای حاکمیت سیاسی - نظامی اعراب پیش نمی‌آمد، آنان دخالتی در اداره امور داخلی شهرها و روستاها نمی‌کردند.

علی رضی الله عنه در دوران کوتاه حکومت خود برخی تبعیض و تمایزهای موجود میان مسلمانان را از میان برداشت و با اهل ذمه خوش رفتاری کرد. آن حضرت همچنین بر عملکرد والیان نظارت جدی و کاملی داشت و امیران متعددی را به دلیل رفتار غیراسلامی یا سوءاستفاده‌های مالی، برکنار کرد و مورد بازخواست قرار داد.

(ب) دوران خلافت امویان: در دوره حکومت امویان، ولایات مختلف ایران تحت فرمان و نظارت حاکم

حدود بیست سال پس از آغاز حمله اعراب مسلمان به ایران، و در حالی که مسلمانان وارد خراسان شده بودند، یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی به دست آسیابانی در مرو کشته شد. با قتل او حکومت ساسانیان پایان یافت و عصر جدیدی در تاریخ ایران شروع شد. البته مناطق کوهستانی و صعب‌العبور البرز و نواحی ساحلی دریای مازندران، هنوز به تسخیر اعراب در نیامده بود.

دو قرن حکومت اعراب بر ایران

الف) عصر خلفای نخستین: پس از آنکه مسلمانان شهر و ولایتی را می‌گرفتند، به فرمان خلیفه، فردی از میان فرماندهان ارشد و یا سران قبایل عرب به حکومت آن شهر یا ولایت منصوب می‌شد. در جریان ورود مسلمانان به ایران، بیشتر ایرانیان بر دین خود باقی ماندند و به عنوان اهل ذمه شناخته شدند؛ روابط آنان با مسلمانان بر مبنای

عراق اداره می‌شدند؛ البته گاهی نیز خلفای اموی در عزل و نصب حاکمان ولایات مهمی مانند خراسان و آذربایجان به طور مستقیم دخالت می‌کردند. در آن دوره، حکومت ولایات ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی در انحصار کامل سران قبیله‌ها و اشرافیت عرب بود. بیشتر فرمانداران و والیان سلسله اموی در ستم و بیدادگری کم‌نظیر و بی‌همتا بودند. زید بن ابیه و پسرش عبدالله، حجاج بن یوسف و یوسف بن عمر که در عصر خلافت بنی‌امیه، بر عراق و ایران حکومت می‌کردند، ظلم و جنایت بسیاری در حق مسلمانان و غیرمسلمانان به خصوص اهل بیت علیهم‌السلام و ایرانیان مرتکب شدند.

در دوران حکومت امویان از یکسو به سبب مهاجرت گسترده قبایل عرب به ایران و سکونت در داخل و حومه شهرها و روستاها، و از سوی دیگر به دلیل اسلام آوردن گروه‌هایی از جامعه ایرانی، شرایط مناسبی برای همزیستی و توسعه روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان ایرانیان و اعراب فراهم آمد. با این حال، امویان برخلاف تعالیم اسلام و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به سیاست قوم‌گرایی افراطی روی آوردند و قوم عرب را برتر از دیگر اقوام می‌شمردند. نتیجه این سیاست، تقسیم امت اسلامی به دو گروه متمایز عرب و غیرعرب بود. مسلمانان غیرعرب از جمله ایرانیان که موالی خوانده می‌شدند، شأن و مرتبه پایین‌تری نسبت به اعراب مسلمان داشتند و مورد تحقیر و توهین قرار می‌گرفتند^۱.

ایرانیان در برابر رفتار توهین‌آمیز و فخرفروشی قومی بنی‌امیه، واکنش نشان دادند. این واکنش ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشت. در بُعد اجتماعی و فرهنگی، گروهی از عالمان، شاعران و نویسندگان ایرانی با استناد

به آیات قرآن، هر گونه برتری‌جویی قومی را مردود و ناروا دانستند، اما شماری دیگر، با مقایسه زندگی ایرانیان باستان و زندگی اعراب در عصر جاهلیت، به تاریخ و فضائل فرهنگی و تمدنی خود تفاخر کردند. اینان به شعوبیان معروف شدند.

در بُعد سیاسی نیز ایرانیان مسلمان که از ظلم و بیدادگری امویان و عمال آنان نسبت به خود و اهل بیت رسول خدا به ستوه آمده بودند، از هر فرصتی برای مخالفت با حکومت بنی‌امیه و پیوستن به قیام‌ها و جنبش‌های ضد اموی، استفاده کردند. هنگامی که مختار ثقفی در کوفه به خونخواهی حضرت امام حسین علیه‌السلام برخاست، ایرانیان با جان و دل و تا آخرین لحظه او را یاری کردند. عبدالرحمان بن اشعث - از اشراف عرب - نیز با تکیه بر پشتیبانی موالی (مسلمانان ایرانی)، بر حجاج بن یوسف ثقفی، حاکم ستمگر و سفاک عراق شورش کرد. همچنین در درس ۱۳ خواندید که ایرانیان نقش مهم و اساسی در جنبش بنی‌عباس برای سرنگونی امویان داشتند.

پ) دوره خلافت عباسیان: با روی کار آمدن بنی‌عباس، تغییر محسوسی در موقعیت ایرانیان به وجود آمد. آنان فرصت یافتند با نفوذ در دستگاه خلافت، امور کشوری و لشکری مانند حکومت ولایات، فرماندهی سپاه و وزارت را در اختیار خود بگیرند. به تدریج دوگانگی و تمایز «عرب-موالی» کم‌رنگ شد. با این حال، غدر و خیانت عباسیان نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام، ظلم و سختگیری آنان نسبت به شیعیان و سایر مسلمانان و نیز برخی اقدامات ناروا مانند قتل ابومسلم، نارضایتی و خشم ایرانیان را برانگیخت و زمینه‌ساز بروز برخی جنبش‌های سیاسی - نظامی شد.

۱- در عصر اموی، موالی از پیش‌نمای اعراب، ازدواج با زنان عرب و فرماندهی سپاه یا حکومت ولایات منع شده بودند.

جنبش‌های سیاسی - نظامی ایرانیان علیه عباسیان در سده‌های دوم و سوم هجری به لحاظ فکر، عقیده و هدف متفاوت بودند. یک دسته از جنبش‌های مخالف خلافت، تلفیقی از افکار و عقاید زردشتی، مزدکی، بودایی و حتی اسلامی داشتند. شورش‌هایی که به بهانه خونخواهی ابومسلم به وقوع پیوست مانند شورش سَنَبَاد، استادسیس و مُفَنِّع و نیز جنبش بابک خرم‌دین در آذربایجان، از آن جمله‌اند. افراد زیادی فقط برای رهایی از ظلم و ستم به این جنبش‌ها پیوستند. تمامی این حرکت‌ها سرکوب شدند و راه به جایی نبردند. گروه دیگری از جنبش‌های سیاسی - نظامی را ایرانیان معتقد و مؤمن به اسلام به راه انداختند. هدف و انگیزه اصلی این جنبش‌ها، مخالفت و مبارزه با ستمگری و سلطه سیاسی خلفا و عوامل آنان بود. فعالیت این گروه از جنبش‌ها، تأثیر اساسی بر شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری داشت.

ایرانیان چرا و چگونه مسلمان شدند؟

چگونگی و چرایی مسلمان شدن مردم ایران توجه بسیاری از مورخان و پژوهشگران را جلب کرده است. شواهد و مستندات تاریخی بیانگر روند تدریجی اسلام آوردن ایرانیان است. اگرچه بیشتر مناطق ایران در کمتر از بیست سال فتح شد، اما چندین قرن طول کشید تا مردم ایران به دین اسلام درآمدند. گزارش مورخان مسلمان نشان می‌دهد که در جریان ورود اعراب مسلمان به ایران، معدودی از ایرانیان اسلام آوردند. در دوران حکومت بنی‌امیه نیز روند پذیرش اسلام گُند بود. عملکرد غیراسلامی برخی از حاکمان اموی، موانع و محدودیت‌هایی را بر سر راه

گروندگان به اسلام ایجاد کرد؛ تحقیر مسلمانان غیرعرب، محرومیت آنان از پاره‌ای حقوق اجتماعی و گرفتن جزیه از نو مسلمانان^۱، نمونه‌ای از آن رفتارهاست. البته ایرانیان هیچگاه این رفتارهای غیرانسانی و غیراسلامی را به حساب اسلام نگذاشتند. در زمان خلافت عباسیان و به‌خصوص در عصر حکومت‌های ایرانی، گرایش به دین اسلام در ایران شتاب گرفت و سرانجام اکثریت ایرانیان مسلمان شدند.



مسجد تاریخانه دامغان از کهن‌ترین مساجد ایران



مسجد فهرج یزد از کهن‌ترین مساجد ایران

۱- براساس شریعت اسلام، هر فردی از اهل ذمه که به دین اسلام درمی‌آمد از پرداخت جزیه معاف می‌شد اما در دوره اموی از نو مسلمانان هم جزیه می‌گرفتند.

نکته بسیار جالب در خصوص مسلمان شدن ایرانیان آن است که آنان با پذیرش اسلام، تاریخ و فرهنگ خود را از یاد نبردند و بسیاری از عناصر فرهنگی و تمدنی خود را همچنان حفظ کردند. درباره این موضوع در درس ۱۹ مطالب بیشتری خواهید خواند.



حرم شاه چراغ در شیراز



حرم حضرت معصومه عليها السلام در قم

روند آرام و تدریجی اسلام آوردن مردم ایران، شور و حرارت نومسلمانان ایرانی برای تبلیغ اسلام و مشارکت جدی آنان در پایه گذاری و نشر معارف اسلامی، دلالت بر آن دارد که ایرانیان بر اساس شناخت و علاقه به اسلام روی آوردند. بنابراین، اجبار و منفعت جویی، نمی توانسته نقش تعیین کننده و مؤثری در گرایش آنها به اسلام داشته باشد. ایرانیان خواه زردشتی و خواه مسیحی و یهودی، مردمی یکتاپرست و معتقد به معاد، بهشت و جهنم و ظهور منجی بودند. از این رو، درک و پذیرش جهان بینی توحیدی و پیام مکتب اسلام برای آنان، دشوار و ناخوشایند نبود. سابقه آشنایی ایرانیان با اسلام به زمان حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باز می گردد. علاوه بر سلمان فارسی، صحابی برجسته پیامبر که نقش مؤثری در گسترش اسلام در ایران داشت، ایرانیان ساکن یمن نیز در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به دین اسلام گرویدند.

سکونت گسترده اعراب مسلمان در ایران، تأثیر بسزایی بر آشنایی ایرانیان با دین اسلام گذاشت. سادات و شیعیانی که از ظلم بنی امیه و بنی عباس به میهن ما پناه آوردند، ارتباط خوبی با ایرانیان برقرار و آنان را جذب اسلام کردند. شمار زیادی از ساکنان مازندران و گیلان، در نتیجه سکونت و تبلیغات سادات علوی (نوادگان امام علی علیه السلام) به دین اسلام درآمدند. حضور امام رضا علیه السلام و امام زادگان در ایران نیز توجه و گرایش مردم را به اسلام جلب کرد.

سلمان فارسی صحابی ایرانی رسول خدا ﷺ

سلمان فارسی یکی از یاران و اصحاب مشهور حضرت محمد ﷺ بود. نام اصلی و ایرانی او روزبه بوده و در یکی از روستاهای اصفهان در خانواده‌ای از بزرگان زردشتی به دنیا آمد. پدر در تربیت دینی فرزندش کوشا بود، ولی تعلیمات موبدان روزبه کنجکاو را اقناع نکرد؛ از این رو، خانه را ترک کرد و به عبادتگاه راهبه‌های مسیحی رفت. سپس مدت‌ها در عراق و شام در طلب گمشده خود، به سیر و سیاحت و تفکر و تأمل در ادیان مختلف پرداخت. نشانی حجاز را به او دادند. هنگام عزیمت به حجاز وی را به بردگی گرفتند و به یک یهودی در یثرب فروختند. همان‌جا بود که از بعثت آخرین رسول خدا آگاه شد. پس از هجرت حضرت محمد ﷺ به یثرب در حالی که برده بود در محضر رسول خدا به دین اسلام درآمد. رسول خدا او را خرید و آزاد کرد و نام سلمان را بر وی نهاد. در جنگ احزاب (خندق) به پیشنهاد او به دور شهر مدینه خندقی کنده شد و چون میان انصار و مهاجر در انتساب سلمان به خود مشاجره‌ای در گرفت، پیامبر رحمت فرمود: «(سلمان منا اهل البیت)»؛ سلمان از ما اهل بیت است.

سلمان در شمار یاران و شیعیان خاص امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. او در فتوحات مسلمانان به عنوان مبلغ اسلام حضور داشت و در جریان محاصره تیسفون (مدائن) پایتخت ساسانیان توسط اعراب، مردم شهر را به پذیرش اسلام و یا قبول جزیه دعوت کرد. وی در زمان خلافت عمر، به صلاح‌دید مولایش امام علی علیه السلام حاکم مدائن شد و سرانجام در سال ۳۴ یا ۳۶ ق در همان شهر از دنیا رفت.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چگونگی فتح شهرها و ولایات ایران را پس از جنگ نهاوند توضیح دهید.
- ۲- تفاوت‌ها و شباهت‌های شیوه حکومت امویان و عباسیان بر ایران چه بود؟
- ۳- موقعیت و شرایط ایرانیان را در دوره حکومت امویان و عباسیان مقایسه کنید.
- ۴- روند اسلام آوردن ایرانیان را به طور خلاصه در سه سطر شرح دهید.
- ۵- عوامل مؤثر بر اسلام آوردن مردم ایران را بررسی و تحلیل کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره برخورد و رفتار حجاج بن یوسف حاکم اموی عراق با ایرانیان مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره استقبال مردم شهرهای مختلف ایران از امام رضا علیه السلام به هنگام سفر به مرو، مطلبی تهیه کنید.

ایران در مسیر استقلال، شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی

پس از دو قرن حاکمیت اعراب مسلمان بر ایران، شرایط برای تشکیل حکومت‌های ایرانی در سده سوم هجری فراهم آمد. در این درس با فراز و فرود مهم‌ترین سلسله‌های ایرانی در فاصله سده‌های سوم تا پنجم هجری، آشنا می‌شوید.

زمینه‌های تأسیس حکومت‌های ایرانی

پس از روی کار آمدن بنی‌عباس، ایرانیان در اداره قلمرو خلافت سهیم شدند و علاوه بر وزارت و سایر مشاغل دیوانی، حکومت ولایات و فرماندهی سپاه را نیز به عهده گرفتند. انتصاب افرادی از خاندان‌های قدرتمند و ریشه‌دار ایرانی به حکومت ولایات توسط خلفای عباسی و سپس موروثی شدن زمامداری آن افراد، زمینه‌ساز تشکیل برخی سلسله‌های ایرانی شد. از سوی دیگر، تسلط امرای ترک بر بغداد و اقدام آنان در عزل و نصب خودسرانه خلفا در سده سوم هجری، به تضعیف نفوذ و قدرت سیاسی و نظامی خلافت انجامید. این‌رو، فرصت مناسبی برای بروز حرکت‌های استقلال‌طلبانه در گوشه و کنار قلمرو عباسیان، به ویژه ایران فراهم آمد.

خراسان، پیشگام جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی: ولایت خراسان در سده‌های نخست هجری سهم برجسته‌ای در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خلافت اسلامی داشت. خراسانیان در جریان دو رویداد مهم تاریخی (نابودی امویان و به قدرت رسیدن عباسیان و نیز انتقال خلافت از امین به مأمون) نقش آفرین بودند. همچنین در پی قتل ابومسلم، آن دیار صحنه ظهور جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی متعددی شد که برای مدتی خلافت را به خود مشغول کرد.

خراسانیان در سده سوم هجری به پشتوانه پویایی فرهنگی، تمدنی و اقتصادی خود، در مسیر استقلال سیاسی و فرهنگی ایران گام نهادند. نخستین سلسله‌های حکومتی ایران اسلامی از خراسان سر برآوردند.

۱- ولایت خراسان در سده‌های نخست هجری بسیار پهناور بود و شامل مناطقی در حدفاصل دشت کویر در مرکز ایران تا فلات پامیر و کوه‌های هندوکش می‌شد؛ از این رو

خراسان بزرگ نامیده شد.

همچنین در همین ولایت بود که فرهنگ ایرانی جوانه زد و دوران شکوهمندی ادب فارسی آغاز شد.

طاهریان؛ طلیعه استقلال

سلسله طاهریان را سرداری به نام طاهر ذوالیمینین تأسیس کرد. طاهر در ماجرای اختلاف امین و مأمون، (پسران هارون الرشید) فرمانده سپاه خراسان بود. وی

پس از فتح بغداد، امین را به قتل رساند و خلافت را برای مأمون استوار ساخت. او مدتی پس از آنکه از سوی خلیفه به حکومت خراسان منصوب شد (۲۰۵ق)، نام مأمون را از خطبه^۱ انداخت و اعلام استقلال کرد، اما اندکی بعد درگذشت.^۲ این اقدام طاهر را می‌توان نقطه عطفی در مسیر کسب استقلال ایران در دوره اسلامی دانست.

یک توضیح

ذوالیمینین

ذوالیمینین، واژه‌ای عربی به معنای «دارنده دو دست راست» است. درباره ملقب شدن طاهر به این لقب دو روایت تاریخی وجود دارد. یکی آنکه چون طاهر خواست با امام رضا علیه السلام بیعت کند، برخلاف معمول دست چپش را دراز کرد و عذر آورد که دست راستش در بیعت خلیفه است؛ از این رو، ذوالیمینین لقب گرفت. بر اساس روایت دوم، طاهر به دلیل مهارت ویژه در شمشیرزنی با هر دو دست، به ذوالیمینین معروف شد.

مملو از نکات ظریف و مهم کشورداری است، دلالت بر شعور و خرد سیاسی او دارد. طاهریان نسبت به اوضاع و احوال توده مردم، بی توجه و غافل نبودند؛ وقتی سیستان دچار قحطی شد، به دستور عبدالله بن طاهر ۳۰۰ هزار درهم میان ضعیفان و فقیران آنجا تقسیم شد. خاندان طاهری همچنین به عمران و آبادی، به ویژه کشاورزی و نیز ترویج علم و دانش اهمیت زیادی می‌دادند. حکومت طاهریان که بر اثر شورش‌های بی‌وقفه خوارج و نهضت علویان طبرستان ضعیف شده بود، سرانجام توسط یعقوب لیث بر افتاد.

مأمون به واسطه اهمیت مناطق شرقی ایران و محبوبیت طاهریان در خراسان، ناگزیر شد که حکومت آنجا را به فرزندان طاهر واگذار کند. پس از آن خاندان طاهری به مدت نیم قرن بر خراسان و سرزمین‌های مجاور آن فرمان راندند.

طاهریان اگرچه خود را تابع و مطیع خلافت نشان می‌دادند و با مخالفان و دشمنان آن مقابله می‌کردند، اما در اداره قلمرو خود مستقل بودند.

حاکمان طاهری، سیاستمدارانی عاقل، میانه‌رو و مردم‌دار بودند. نامه طاهر ذوالیمینین به پسرش عبدالله که

۱- ذکر نام خلیفه در خطبه نماز جمعه، حک کردن نام وی بر روی سکه و پرداخت منظم خراج به او، نشانه‌های فرمانبرداری و تبعیت حاکمان ولایات از خلافت بود.

۲- به قولی توسط عمال و جاسوسان خلیفه مسموم شد.

صفاریان؛ حکومت عیاران

امنیت به صحنه آمدند.

عیاران، گروهی منسجم و ریشه‌دار در تاریخ ایران بودند که بر اساس اصول اخلاقی و مبارزاتی ویژه‌ای به دور هم جمع می‌شدند و فعالیت می‌کردند. آنان به جوانمردی، شجاعت، چالاکی و دفاع از مظلومان و تهیدستان در مقابل ستمگران و ثروتمندان شهرت داشتند. عیاران که اغلب از مردم فرودست شهری بودند، از طریق راه‌زنی و تصاحب اموال ثروتمندان، امرار معاش می‌کردند، گاهی نیز به عنوان مزدور در جنگ‌ها حاضر می‌شدند.

سلسله مستقل صفاریان از سیستان، سرزمین افسانه‌های حماسی و زادگاه پهلوانان برآمد. این ولایت از سال‌ها پیش از تأسیس حکومت صفاریان، صحنه فعالیت گروه‌های ناراضی و دشمنان خلافت از جمله خوارج بود و عاملان خلیفه عباسی و حکومت طاهریان از عهده آنها بر نمی‌آمدند. در شرایطی که امنیت و آسایش عمومی سلب شده بود، جنگجویان داوطلب (مطوعه)^۱ و عیاران برای مقابله با شورشیان و برقراری

یک توضیح

لوا و شمشیر

صفاریان حکومت خود را مدیون سلحشوری و قدرت شمشیر خود می‌دانستند و نه فرمان خلیفه عباسی؛ در جریان فتح نیشابور، امیر طاهری به یعقوب پیغام داد: اگر به فرمان خلیفه آمده‌ای، عهد و لوائی وی عرضه کن تا ولایت به تو سپارم و اگر عهد و لوائی خلیفه نداری بازگرد. یعقوب شمشیر خود را بیرون کشید و گفت این عهد و لوائی من است.

و جهاد با کفار مرزهای شرقی، فرمان حکومت سیستان، کابل و بلخ را برای وی فرستاد؛ اما وقتی یعقوب نیشابور را گرفت و حکومت طاهریان را برانداخت، خلیفه او را یاغی خواند. روابط صفاریان و خلافت عباسی به دنبال لشکرکشی ناموفق یعقوب به بغداد، خصمانه‌تر شد.

یعقوب لیث صفاری که خود عیار بود، به اتکای نیروی عیاران و بی‌آنکه اجازه و فرمانی از خلیفه عباسی یا نایبان او داشته باشد، در مسیر دستیابی به قدرت گام نهاد. او پس از پیروزی بر مدعیان، حکومت صفاریان را در سیستان به مرکزیت شهر زرنج (زرنگ) تأسیس کرد. خلیفه به ملاحظه اقدام یعقوب در سرکوب خوارج

۱- مطوعه در برخی از ولایات مرزی مانند سیستان و ماوراءالنهر برای جهاد با کفار حضور داشتند.

بی‌اعتمادی صفاریان به خلافت

بی‌اعتمادی صفاریان به خلفای عباسی به حدی بود که: «یعقوب بسیار گفتی که دولت عباسیان بر غدر و مکر بنا کرده‌اند؛ نبینی که با بوسلمه [ابوسلمه خلیل] و بومسلم [ابومسلم] و آل‌برامکه و فضل‌بن سهل چندان نیکویی کایشان [که ایشان] را اندر آن دولت بودند، چه کردند؟ کسی مبادا که بر ایشان اعتماد کند».

(تاریخ سیستان، ص ۲۶۷)

درآمد و در بغداد به فرمان خلیفه به قتل رسید. پس از وی، امیران صفاری تا مدت‌ها تحت سیطرهٔ سامانیان و غزنویان بر سیستان فرمان راندند.

سامانیان؛ حکومت دهقانان

سامانیان یکی از خاندان‌های کهن ایرانی بودند که نسب خود را به بهرام چوبین (سردار معروف ساسانی)

پس از مرگ مؤسس صفاریان، برادرش، عمرولیث به حکومت رسید. عمرو، سیاست محتاطانه‌ای نسبت به خلافت در پیش گرفت. او به نام خلیفه خطبه خواند و خلیفه نیز فرمان امارت سیستان، خراسان و فارس را به نام او نوشت. با این حال، خلیفه همچنان به صفاریان بی‌اعتماد بود و از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به آنها استفاده می‌کرد. عمرو، سرانجام در جنگ با امیر اسماعیل سامانی به اسارت



خدا خانه مسجد جامع عتیق در شیراز از آثار دورهٔ صفاریان

امیر اسماعیل سامانی (یکی از نوادگان سامان) به فرمان خلیفهٔ عباسی بر تمام ماوراءالنهر حکومت یافت. او پس از پیروزی بر عمرو لیث صفاری و شکست فرمانروای علویان، خراسان، سیستان، گرگان، طبرستان و ری را نیز فتح کرد و حکومت سامانیان را در سرزمین‌های شرقی ایران تأسیس کرد. البته قلمرو جانشینان وی، بیشتر اوقات به ماوراءالنهر و خراسان محدود بود. فرمانروایی سامانیان بیش از یک قرن دوام آورد.

می‌رساندند. نیای ایشان، سامان خُدت از دهقانان^۱ خراسان بود که مسلمان شد و مورد حمایت حاکم اموی خراسان قرار گرفت.

دهقانان یکی از قشرهای اجتماعی بازمانده از دورهٔ ساسانی بودند که در سده‌های نخست هجری به خصوص در خراسان، نفوذ و قدرت قابل توجهی داشتند. فرزندان و نوادگان سامان در خدمت والیان خراسان بودند و در زمان خلافت مأمون به حکومت برخی شهرهای ماوراءالنهر منصوب شدند.



بقعهٔ امیر اسماعیل سامانی در بخارا

اداری شکل گرفت. در نتیجهٔ تدبیر و لیاقت حاکمان سامانی، ماوراءالنهر و خراسان دورانی از شکوفایی علمی و فرهنگی و رونق اقتصادی و رفاه را تجربه کرد. بخارا، پایتخت سامانیان و دیگر شهرهای قلمرو آنان رشد

سیاست و مُلک‌داری: امیران سامانی، سیاستمدارانی باتدبیر و لایق بودند و از وجود وزیران و مشاوران دانشمند و کاردانی بهره می‌بردند. در دوران حکومت سامانیان، تشکیلات منظم و کارآمد دیوانی و

۱- دهقان معرب واژهٔ فارسی دهگان است. دهگانان در دورهٔ ساسانی خرده مالکان ده‌نشین و شهرنشین بودند که ادارهٔ روستاها و گردآوری مالیات‌ها را بر عهده داشتند. اینان تا قرن سوم هجری موقعیت اداری و اجتماعی خود را حفظ کردند و پس از زوال آنان، واژهٔ دهقان در ادبیات فارسی مترادف با کشاورز و زارع شد.

و آبادانی فراوانی یافتند.

تسخیر کردند و به فرمانروایی خاندان سامانی پایان دادند.

علویان طبرستان^۲؛ حکومت سادات

ولایات ساحلی دریای مازندران به سبب موقعیت و شرایط خاص جغرافیایی و اقلیمی، دیرتر از سایر نواحی ایران توسط اعراب مسلمان تسخیر شد. در سده‌های دوم و سوم هجری شماری از سادات علوی پیرو مذهب شیعه که مورد آزار و اذیت خلفا و وابستگان آنها قرار داشتند به این منطقه پناه آوردند. علویان با اخلاق پسندیده و رفتار انسانی، مردم را جذب خود کردند و باعث گرویدن آنان به اسلام شدند.

سرانجام مردم و خاندان‌های قدرتمند طبرستان و دیلم، یکی از سادات علوی به نام حسن بن زید را که فردی جسور و عالم بود به رهبری خویش برگزیدند (۲۵۰ق). حسن بن زید با اخراج حاکم طاهریان از آن دیار، حکومتی مستقل به مرکزیت شهر آمل بنیان نهاد. او دامنه قلمرو خود را به گرگان و حتی ری و قزوین نیز رسانید و نظم و امنیت پایداری را برقرار کرد.

به وقت دولت سامانیان و بلعیمان

چنین نبود جهان، بانهاد و سامان بود

کسائی مروزی، شاعر اواخر عهد سامانی و اوایل عصر غزنوی

امیران سامانی اگرچه به خلفای عباسی احترام می‌گذاشتند و نسبت به آنها اظهار اطاعت و تابعیت می‌کردند، اما در عمل فرمانروایانی مستقل به حساب می‌آمدند. سامانیان توانستند خراسان و ماوراءالنهر را از مداخله خلیفه و نمایندگانش دور نگاه دارند.

زوال و سقوط: حکومت سامانیان با پشتیبانی دهقانان شکل گرفت، اما امیران سامانی با به خدمت گرفتن غلامان ترک در دربار و سپاه، به تدریج از نفوذ و قدرت سیاسی و نظامی دهقانان کاستند. درگیری و تضاد میان دیوان‌سالاران ایرانی و سپه‌سالاران ترک، به هرج و مرج و نابسامانی در ارکان زمامداری سامانیان انجامید. در چنین شرایطی، ترکان قراخانی^۱ و غزنویان سر برآوردند و یکی ماوراءالنهر و دیگری خراسان را

بک توضیح

حاکم دادگر و دانشمند

حسن بن علی ملقب به اطروش (ناشنوا) و معروف به ناصر کبیر، یکی از امیران مشهور حکومت علویان بود که پس از شکست سنگین علویان از سامانیان که به قتل محمد بن زید انجامید، دوباره قدرت سادات علوی را با پیروزی بر سامانیان احیا کرد. او حاکمی دادگر و مدافع طبقات محروم در مقابل زورگویی‌های زمین‌داران محلی بود. وی عالمی برجسته نیز بود و چندین کتاب در مباحث فقهی و اعتقادی نوشت.

۱- ترکان قراخانی که به ایلک‌خانین و آل‌افراسیاب معروف بودند بر قسمت‌هایی از ماوراءالنهر و ترکستان شرقی حکومت کردند (۳۸۲-۶۰۷ق).

۲- طبرستان (یا تیرستان - تپورستان)، نام قدیمی استان مازندران و به معنی سرزمین قوم تپور، یکی از اقوام بسیار کهن ایرانی است.

مرداویج در خیال احیای شاهنشاهی ساسانیان بود. او علاقه زیادی به آداب و سنن باستانی نشان می‌داد؛ تاجی جواهرنشان مانند تاج انوشیروان بر سر می‌نهاد و بر تخت زرین می‌نشست. همچنین در برگزاری جشن‌های باستانی مبالغه بسیار می‌کرد؛ به دستور وی، جشن سده با شکوه و تشریفات تمام در اصفهان برپا شد (۳۲۳ق). سلسله زیاریان پس از قتل مرداویج به دست غلامان شورشی، بیش از یک قرن دوام آورد. جانشینان او که گرفتار رقابت و درگیری آل بویه با سامانیان و غزنویان شده بودند، تنها بر گرگان و قسمت‌هایی از طبرستان حکومت می‌کردند.



برج قابوس از بناهای ساخته شده در دوره زیاریان

آل بویه؛ حکومت دیلمیان

تأسیس و استقرار: سلسله آل بویه را پسران ابوشجاع بویه (علی، حسن و احمد) از اهالی دیلم گیلان پایه‌گذاری کردند. بویه شغل صیادی را رها کرد و به همراه فرزندان خود به خدمت سرداران محلی درآمد. پسران بویه پس از پیوستن به مرداویج، به حکومت شهرهای مختلف منصوب شدند.

فرزندان بویه، پس از مرگ مرداویج، به پشتوانه

خلافت عباسی سیاست خصومت‌آمیزی علیه حکومت علویان در پیش گرفت. خلفا علاوه بر آنکه چندین سپاه را به جنگ علویان فرستادند، طاهریان و سامانیان را نیز به نبرد با آنها فراخواندند.

فرمانروایی علویان به سبب تهاجم نیروهای خلافت و حکومت‌های رقیب (طاهریان، صفاریان و سامانیان)، بارها تا مرز سقوط پیش رفت، اما به سبب حمایت مردم طبرستان و دیلم دوباره قدرت گرفت. حکومت علویان سرانجام در نتیجه اختلافات داخلی، گرفتار رقابت و کشمکش‌های سرداران دیلمی شد و فروپاشید (۳۱۶ق). در دوران زمامداری علویان، مذهب شیعه در قلمرو آنان گسترش یافت.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا خلافت عباسی خصومت شدیدی با علویان

طبرستان داشت؟

زیاریان؛ تلاش برای احیای سنت‌های باستانی

اگر در قرن سوم هجری مردان و خاندانی از شرق ایران (خراسان، سیستان و ماوراءالنهر) پرچم استقلال‌خواهی را برافراشتند، در سده چهارم هجری، سردارانی از گیلان و مازندران، حکومت‌های مستقلی برپا و سرزمین‌های مرکزی، جنوبی و غربی ایران را از تسلط خلافت عباسی خارج کردند.

در سال‌های پایانی حکومت علویان، شماری از فرماندهان محلی وارد رقابت و کشمکش با یکدیگر شدند. مرداویج زیاری یکی از آنان بود که ادعا داشت نسبش به شاهان قدیم گیلان می‌رسد. او پس از پیروزی بر تعدادی از سرداران مدعی، شهرها و مناطق وسیعی در شمال، مرکز، غرب و جنوب ایران را تحت فرمان خود گرفت و اصفهان را به پایتختی برگزید.

زمان فرمانروایی عضدالدوله به اوج اقتدار و شکوفایی خود رسید. قلمرو بویان در عهد او به نهایت گستردگی و وحدت سیاسی رسید و شامل بخش وسیعی از ایران (به استثنای خراسان و سیستان که به سامانیان تعلق داشت)، عراق و قسمت‌هایی از عربستان بود. عضدالدوله نخستین امیری بود که خلیفه به او لقب مَلِک (شاه) داد و نامش بعد از نام خلیفه در خطبه بغداد خوانده شد. به دستور او بناهای بسیاری مانند بیمارستان عضدی بغداد و بند امیر فارس ساخته شد.

اهمیت و نقش تاریخی: حکومت آل بویه در تاریخ ایران دوره اسلامی اهمیت و نقش خاصی داشت؛ زیرا:

۱- پسران بویه، حکومتی مستقل برپا کردند و خلافت عباسیان را به مدت یک قرن تحت سلطه و سیطره

جنگجویان گیل و دیلم، حکومت خود را بر بخش‌های وسیعی از مرکز، غرب و جنوب ایران گستراندند. یکی از برادران، سپس با استفاده از اوضاع نابسامان خلافت عباسی، بغداد را تسخیر کرد و عراق را نیز به قلمرو بویان افزود. او پس از فتح بغداد، خلیفه وقت را برکنار و برادر او را به جای وی منصوب کرد. پسران بویه با تقسیم متصرفاتشان میان خود، موجبات شکل‌گیری سه شعبه حکومت آل بویه را به مرکزیت شهرهای ری، شیراز و بغداد فراهم آوردند.

فکر کنید و پاسخ دهید:
چرا آل بویه شیعه مذهب پس از تسلط سیاسی بر بغداد، خلافت عباسی را نابود نکردند؟

اوج اقتدار و شکوفایی: حکومت آل بویه در



خود درآوردند.

۲- بویان پیرو مذهب شیعه بودند و در دوران حکومت آنان تشیع گسترش پیدا کرد و معارف و آداب و رسوم شیعه، نشر و رواج یافت.

۳- آل بویه همچون سامانیان و دیگر سلسله‌های ایرانی برای زنده کردن فرهنگ و سنت‌های ایرانی کوشش کردند و ادعا می‌کردند نسب آنان به بهرام گور (شاه ساسانی) می‌رسد.



سکه آل بویه

و عالمان پیرو مذاهب مختلف اسلام و دیگر ادیان توحیدی به وجود آمد. در آن دوره اهل علم و اندیشمندان مسلمان، زردشتی، مسیحی و یهودی با خیالی آسوده به گفت‌وگوی علمی می‌پرداختند و با استدلال و منطق گفته‌های خود را اثبات و آرای مخالف را نقد می‌کردند.

انحطاط و سقوط: تشدید رقابت و اختلاف

درونی خاندان بویه پس از عضدالدوله و بروز شورش در قلمرو آنان، موجبات ضعف و انحطاط سیاسی حکومت آل بویه را فراهم آورد. همچنین توسعه‌طلبی خلفای فاطمی مصر در شام و حجاز، پیامدهای سیاسی و اقتصادی نامطلوبی برای آن حکومت داشت. در چنین شرایطی، نیروی تازه‌نفس سلجوقیان به فرمانروایی آل بویه بر ایران و عراق پایان داد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا بنیان‌گذاران و فرمانروایان حکومت‌های ایران در دوره اسلامی، تلاش می‌کردند خود را به شاهان و سرداران عهد باستان منتسب کنند؟

یک ویژگی برجسته حکومت آل بویه و سایر سلسله‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری، مدارای مذهبی بود. بویان نه تنها با پیروان مذاهب مختلف اسلامی، بلکه با پیروان دیگر دین‌ها نیز به نرمی و مدارا رفتار می‌کردند. سامانیان پیرو مذهب سنت نیز چنین سیاستی داشتند. در نتیجه سیاست مدارا و آزاداندیشی حاکمان ایرانی، امنیت و آسایش مناسبی برای متفکران، دانشمندان

یک توضیح

آل حَسَنَوِیَه کُرد

علاوه بر آن حکومت‌هایی که در این درس با آنها آشنا شدید، سلسله‌های محلی دیگری نیز همزمان در گوشه و کنار ایران سر برآوردند. یکی از آنها آل حَسَنَوِیَه بود. آل حَسَنَوِیَه یا حَسَنَوِیَه، خاندانی از کردان بَرزَکَانی بودند که حدود نیمه دوم قرن چهارم هجری بر بخش‌هایی از کردستان، کرمانشاه، لرستان و ایلام فرمان راندند. حَسَنَوِیَه بنیان‌گذار این حکومت، دژ سَرماج را بر فراز بیستون ساخت و تختگاه خود قرار داد. روابط حَسَنَوِیَه با آل بویه گاهی خصومت‌آمیز و گاهی دوستانه بود.

با مطالعه درس، بررسی نقشه‌ها و راهنمایی دبیر خود، جدول زیر را کامل کنید.

آل بویه	زیاریان	علویان طبرستان	سامانیان	صفاریان	طاهریان	
۴۴۷-۳۲۲ ق	۴۷۵-۳۱۶ ق	۳۱۶-۲۵۰ ق	۳۹۵-۲۶۱ ق	۳۹۳-۲۴۷ ق	۲۵۹-۲۰۵ ق	دوره حکومت
پسران بویه	مؤسس
.....	و شمگیر زیاری قابوس بن و شمگیر	حسن بن علی (ناصر کبیر)	احمد بن اسماعیل نصر بن احمد خلف بن احمد	عبدالله بن طاهر	امیران مشهور
.....، ری، اصفهان، فارس، همدان و خوزستان، گرگان، ری و گیلان، سیستان، گرگان، طبرستان و کرمان، گرگان، طبرستان و سیستان	قلمرو
.....، شیراز،، گرگان	زرنج (زرنج)	پایتخت
.....	تأسیس نخستین حکومت ایرانی، درگیری با جنبش‌ها و حکومت‌های مخالف خلافت مانند قیام مازیار و حکومت علویان	رویدادهای مهم

فعالیت

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند تأسیس حکومت‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان و علویان طبرستان را مقایسه کنید و تفاوت و شباهت‌های آنها را ذکر کنید.
- ۲- سیر روابط یعقوب و عمرو لیث صفاری را با خلافت عباسی توضیح دهید.
- ۳- شیوه زمامداری و ملک‌داری سامانیان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۴- مناسبات سامانیان و علویان طبرستان با خلافت عباسی را مقایسه کنید.
- ۵- عوامل ضعف و سستی حکومت آل بویه را بنویسید.
- ۶- سه ویژگی مشترک برای حکومت‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری بیان کنید.

اندیشه و جست و جو

- درباره برگزاری مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در زمان حکومت آل بویه، پژوهشی انجام دهید.

ایران از غزنویان تا مغولان

مقدمه

در فاصله سده‌های چهارم تا هفتم هجری، سپهسالاران و سران قبایل ترک در ایران به قدرت رسیدند و حکومت‌های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان را بر سر کار آوردند. در این درس، مهم‌ترین تحولات ایران در آن دوره، مطالعه و بررسی می‌شود.

ورود ترکان به ایران

سرزمین‌های اسلامی راه یافتند. علاوه بر آن، برخی از طوایف و قبایل ترک با پذیرش اسلام، توانستند به ماوراءالنهر و سپس خراسان و دیگر نواحی ایران نفوذ کنند؛ زیرا بر اساس تعالیم اسلام کسانی که مسلمان می‌شدند، اجازه داشتند در قلمرو مسلمانان زندگی کنند. سلجوقیان از جمله قبایل ترکی بودند که پس از پذیرش اسلام، به ایران مهاجرت کردند.

حکومت غزنویان

تأسیس و استقرار: برخی از ترکانی که امیران سامانی در دربار و سپاه خود به خدمت گرفتند، تا مرتبه فرماندهی سپاه (سپهسالاری) و حاجبی (رئیس تشریفات دربار) پیش رفتند و شروع به دخالت در امور

قبایل کوچ‌نشین و پراکنده ترک از گذشته‌های دور در صحراهای جنوب سیبری و شمال چین می‌زیستند. در سده ششم میلادی این قبایل متحد شدند و حکومتی قدرتمند را به وجود آوردند. از آن زمان به بعد هجوم آنها به سرزمین‌های همجوار از جمله ایران آغاز شد. از این‌رو، یکی از مسائل و مشکلات ساسانیان در اواخر حکومتشان، دفع حملات ترکان بود.

اعراب مسلمان در جریان پیشروی در مناطق شمال شرق ایران با ترکان روبه‌رو شدند. در سده‌های نخست هجری، فرماندهان و امیران مسلمان، به منظور جهاد، بارها به ماوراءالنهر و سرزمین‌های آن سوی سیحون لشکرکشی کردند. در جریان این لشکرکشی‌ها شماری از ترکان به اسارت مسلمانان درآمدند و به درون

حکومتی کردند. آلبتکین از جملهٔ این سپهسالاران بود که چون نتوانست شخص مورد نظر خود^۱ را در بخارا به تخت امارت سامانیان بنشانند، به غزنه^۲ رفت و حکومت آنجا را به دست گرفت. حکومتی که او بنیان گذاشت به دلیل انتساب به شهر غزنه به غزنویان مشهور شد. حاکمان غزنه اگرچه در ظاهر خود را فرمانبردار سامانیان می‌شمردند، اما در عمل مستقل بودند.

محمود پسر سبکتکین^۳ که پس از پدر در غزنه به قدرت رسیده بود (۳۸۷ق)، به دنبال استیلای ایلک‌خانیان بر بخارا (پایتخت سامانیان)، با تسلط بر خراسان، قلمرو فرمانروایی خود را گسترش داد. خلیفهٔ عباسی نیز حکومت او را تأیید کرد.

فراز و فرود: دامنهٔ قدرت و قلمرو فرمانروایی غزنویان در دوران سلطان محمود همواره در حال گسترش بود. او، مدت زیادی از دوران سی سالهٔ زمامداری خود را به جنگ با حکومت‌های مسلمان همجوار و لشکرکشی به هندوستان گذراند و در بیشتر این نبردها، پیروز میدان بود؛ زیرا سپاهی آماده و مجهز در اختیار داشت و رقبایش نیز در شرایط ضعف و نابسامانی به سر می‌بردند. در نتیجهٔ موفقیت‌های نظامی سلطان محمود، قلمرو غزنویان از ری در مرکز ایران تا قلب شبه‌قارهٔ هند گسترش یافت.

یکی از رویدادهای مهم دوران حکومت غزنویان لشکرکشی‌های پیاپی به هندوستان بود. این اقدام که از



قلمرو غزنویان در زمان سلطان محمود

۱- شخص مورد نظر البتکین، نصر بن عبدالملک بن نوح سامانی بود، اما منصور بن نوح، عموی او به امارت رسید.

۲- شهری در شرق افغانستان

۳- پس از البتکین چند نفر از سرداران ترک از جمله سبکتکین داماد او در غزنه حکومت کردند.

زمان سبکتکین شروع شد، در عهد فرمانروایی سلطان محمود به اوج خود رسید و در زمان جانشینان او ادامه یافت. این لشکرکشی‌ها که به اسم جهاد برای گسترش اسلام انجام گرفت، آثار و نتایج مختلفی برای غزنویان داشت:

۱- تصاحب گنجینه‌های مملو از طلا و جواهر معابد و بتکده‌های هند؛

۲- کسب اعتبار و مشروعیت دینی و سیاسی به عنوان جهادگر؛

۳- جلوگیری از بحران‌آفرینی نظامیان از طریق سرگرم کردن آنان به عملیات‌های جنگی.

پس از مرگ سلطان محمود (۴۲۱ق)، پسرش محمد، مطابق تصمیم پدر در غزنه به تخت نشست، اما برادرش مسعود که از قابلیت نظامی بیشتری برخوردار بود، او را از قدرت کنار زد. برخورد شدید سلطان مسعود با درباریان و دیوانیان هوادار محمد و بردار کردن حسنگ وزیر، نتایج نامطلوبی برای حکومت غزنوی

داشت. اوضاع دربار غزنه نابسامان شد و نظارتی بر کار مقامات کشوری و لشکری نمی‌شد. وضعیت خراسان، مهم‌ترین ولایت پریشان‌تر از سایر ولایات بود و مأموران مالیاتی زیاده‌خواهی و ستم زیادی می‌کردند. طوایف سلجوقی مستقر در آن ولایت از این شرایط استفاده کردند و با شکست غزنویان به حاکمیت آنان بر خراسان پایان دادند. سلطان مسعود مدتی بعد از این شکست، توسط سپاهیان شورشی خود به قتل رسید. جانشینان او تا سال‌ها بر قسمت‌هایی از افغانستان کنونی و مناطق شمال‌غربی هندوستان حکومت کردند.

سیاست و مُلک‌داری: اساس حکومت غزنویان بر سپاهی مجهز و قدرتمند استوار بود، آنان نمی‌توانستند همانند سامانیان و دیگر سلسله‌های ایرانی به پشتیبانی خاندان‌های متنفذ محلی و توده‌های مردم دلگرم باشند؛ بنابراین ناگزیر بودند این ضعف را از طریق قدرت نظامی جبران کنند.

غزنویان تشکیلات منظم دیوانی حکومت سامانی

یک توضیح

داستان حسنگ وزیر

ماجرای بردار کردن حسنگ وزیر یکی از روایت‌های شنیدنی تاریخ بیهقی است. ابوعلی حسن‌بن محمد، معروف به حسنگ وزیر از خاندان مشهور میکالیان نیشابور بود. سلطان محمود او را به وزارت خود گماشت و حسنگ تلاش زیادی برای به تخت نشستن محمد، پسر محمود کرد. سلطان مسعود و برخی از رقبیان حسنگ مانند بوسهل زوزنی که کینه او را سخت به دل داشتند، وی را بردار کردند. در تاریخ بیهقی آمده است: «... و مادر حسنگ زنی بود سخت جگرآور... چون [خبر مرگ پسر] بشنید جزعی نکرد چنان که زنان کنند؛ بلکه بگریست به درد، چنان که حاضران از درد وی خون گریستند. پس گفت: بزرگ مردا که این پسرم بود که پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود آن جهان».



مهم ترین آثار به جا مانده از دوره حکومت غزنویان و غوریان، چند مناره در کشور افغانستان امروزی است. در سمت چپ، مناره ای مربوط به زمان یکی از فرمانروایان غزنوی و در سمت راست، مناره ای که توسط فرمانروایان غوری بنا شده، دیده می شود. شما فکر می کنید این مناره ها به چه منظوری ساخته شده اند؟

امپراتوری سلجوقیان

تأسیس حکومت: سلجوقیان طایفه ای از ترکان بودند که به واسطه رهبر خود سلجوق، به این نام معروف شدند. آنان پس از آنکه به اسلام گرویدند، ابتدا به ماوراءالنهر و سپس به خراسان کوچ کردند. در دوران زمامداری سلطان مسعود غزنوی، گروهی از سلجوقیان، به فرماندهی طغرل (نوه سلجوق)، با استفاده از اوضاع نابسامان غزنویان و غفلت سلطان از خراسان، شروع به تاخت و تاز در آن دیار کردند. آنان پس از تصرف چند شهر از جمله نیشابور، سپاه غزنوی را در جنگ دندانقان شکست دادند و بر خراسان مسلط شدند. طغرل سپس، ولایات ایران را یکی پس از دیگری تسخیر کرد و سرانجام به بغداد رفت و به سلطه آل بویه بر خلافت عباسی پایان داد. پس از آن بود که خلیفه حکومت طغرل را به

را به همراه دیوان سالاران آن به خدمت گرفتند. دربار غزنه مانند دربار بخارا، مملو از شاعران فارسی گو و دانشمندان ایرانی بود؛ اما سلاطین غزنوی هیچ گاه از سیاست مدارای مذهبی و فرهنگی سامانیان پیروی نکردند. آنان نسبت به پیروان مذهب شیعه سختگیر بودند. سلطان محمود پس از تسخیر ری، با شیعیان به خشونت و قساوت رفتار کرد.

فرمانروایان غزنوی و به ویژه سلطان محمود، روابط دوستانه ای با دستگاه خلافت عباسی برقرار کردند و خود را تابع و مطیع خلیفه بغداد نشان می دادند. آنان بخشی از غنایم جنگی هندوستان را به عنوان هدایا و عطایا به بغداد می فرستادند. خلفای عباسی نیز با دادن لوا، منشور، لقب و خلعت، سلاطین غزنوی را تأیید و پشتیبانی می کردند.



برج طغرل دری

رسمیت شناخت و مورد تأیید قرار داد.

گسترش قلمرو و اوج اقتدار: در زمان آلبارسلان، جانشین طغرل، قلمرو سلجوقیان گسترش یافت. وی نخست به قفقاز لشکر کشید و سپس در نبرد مهم ملازگرد، سپاه امپراتوری روم شرقی را شکست داد، امپراتور را اسیر کرد و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزود. در نتیجه این فتوحات، قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه در غرب گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایران دوره اسلامی بود؛ از این رو، برخی پژوهشگران تاریخ، عنوان امپراتوری را برای حکومت سلجوقی به کار برده‌اند.

در دوران ملکشاه حکومت سلجوقی به اوج قدرت رسید. دودمان‌های محلی حاکم منقرض شدند و یا تابعیت



قلمرو سلجوقیان در زمان ملکشاه

۱- لقبی ترکی به معنای شیر شجاع (آلب = شجاع، ارسلان = شیر)

اسماعیلیان فرمانروایان کوهستان

اسماعیلیه گروهی از شیعیان اند که اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام را جانشین آن حضرت می‌دانند. اینان خود به چندین فرقه و گروه تقسیم می‌شوند. اسماعیلیان از قرن سوم هجری فعالیت خود را در ایران آغاز کردند و در زمان سلجوقیان به رهبری حسن صباح به یک جریان مذهبی - سیاسی نیرومند تبدیل شدند. آنان با تصرف و یا بنای تعدادی دژ (قلعه) در نواحی عمدتاً کوهستانی ایران، پایگاه‌های مستحکمی برای خود ایجاد کردند. دژ الموت در نزدیکی قزوین و شاه‌دژ در اصفهان از جمله مهم‌ترین آنها بودند. سلجوقیان عملیات‌های نظامی گسترده‌ای را علیه اسماعیلیان تدارک دیدند؛ اما موفق به نابودی آنها نشدند. قدرت سیاسی و نظامی اسماعیلیان سرانجام توسط هولاکو خان مغول از بین رفت.

دچار آشفتگی شد. رقابت‌های خانوادگی و اختلاف و ناسازگاری خاندان سلجوقی، ثبات و استحکام امپراتوری را از بین برد و اتابکان را به طمع انداخت که حکومت‌هایی مستقل تأسیس کنند. مهم‌ترین آنها، اتابکان یزد، فارس و آذربایجان بودند. سرانجام در اواخر سده ششم هجری، خوارزمشاهیان، اتابکان و خلافت عباسی، هر کدام بر بخشی از قلمرو سلجوقی مسلط شدند و به زمامداری نوادگان سلجوق در ایران پایان دادند.

سلطان سلجوقی را پذیرفتند. ملکشاه به مرزهای غربی و شمال‌غربی امپراتوری توجه بسیار داشت. او به منظور تحکیم حاکمیت سلجوقیان بر آسیای صغیر، گروه‌هایی از ترکان را در آنجا سکونت داد. خواجه نظام الملک، وزیر مشهور آلبارسلان و ملکشاه، نقش مؤثری در اداره امور امپراتوری سلجوقی به عهده گرفت و سهم بسزایی در توسعه و اقتدار آن امپراتوری داشت. انحطاط و سقوط: پس از درگذشت خواجه نظام الملک و ملکشاه، سرزمین‌های زیر سلطه سلجوقیان

رسم اتابکی

اتابک، لقب یا عنوانی بود که سلاطین سلجوقی به برخی از امرای خود که تربیت و سرپرستی شاهزادگان را به عهده داشتند، می‌دادند. رسم اتابکی در دوره سلجوقیان رواج یافت. بر پایه این رسم، شاهزادگان سلجوقی از زمان کودکی تحت سرپرستی و تربیت امیری باتجربه به حکومت ولایات منصوب می‌شدند که راه و رسم حکومت‌داری را بیاموزند. هنگامی که حکومت سلجوقیان رو به ضعف گذاشت، اتابکان، شاهزادگان سلجوقی را کنار زدند و حکومت‌های مستقلی بر پا کردند.

نوبت وارد جنگ با سلجوقیان شدند.

حکومت خوارزمشاهیان

خوارزم یکی از سرزمین‌های کهن و آباد ایران بود. این سرزمین در جنوب دریاچه آرال و در محل اتصال رود جیحون به آن دریاچه واقع شده است.^۱ از دوران باستان، به حاکمان آن سرزمین، خوارزمشاه می‌گفتند. خوارزم در قرن چهارم هجری از مراکز مهم فرهنگی و اقتصادی ایران به شمار می‌رفت و دانشمندان بزرگی مانند فارابی، ابن سینا و ابوریحان بیرونی در آن دیار پرورش یافتند.

تأسیس و استقرار: در زمان ملکشاه سلجوقی، اداره خوارزم به یکی از امیران ترک به نام انوشتکین واگذار شد. فرمانروایی بر خوارزم در خانواده انوشتکین موروثی شد. خوارزمشاهیان با وجود استقلال داخلی، مطیع سلجوقیان بودند. آتسز، نوه انوشتکین با مشاهده بروز هرج و مرج در حکومت سلجوقی، از تابعیت سلجوقیان خارج شد و به کشورگشایی پرداخت. تکش، پسر و جانشین او، آخرین سلطان سلجوقی^۲ را شکست داد و بر مناطق وسیعی در شرق و مرکز ایران تسلط یافت. سلطان محمد خوارزمشاه، فرزند و جانشین تکش، راه پدر را در گسترش قلمرو ادامه داد. خوارزمشاهیان با پیشروی در شرق ماوراءالنهر و تصاحب بخش وسیعی از قلمرو قراختاییان^۳، با مغولان همسایه شدند.

سیاست و حکومت: هنگامی که سلجوقیان زمام قدرت سیاسی و نظامی را در ایران به دست گرفتند، با این که حدود یک قرن از مسلمان شدن و سکونت آنها در ایران می‌گذشت؛ اما هنوز به لحاظ فرهنگی و تمدنی به سطحی نرسیده بودند که از عهده امور پیچیده حکومتی برآیند؛ از این رو، ناگزیر بودند، مسئولیت امور دیوانی و فرهنگی را به ایرانیان واگذار کنند. شمار زیادی از دیوانسالاران ایرانی که پیش از آن در خدمت غزنویان و سامانیان بودند به فرمانروایان جدید پیوستند. آنان کوشیدند تا رموز و فنون کشورداری را به حاکمان سلجوقی بیاموزند و تشکیلات دیوانی را سامان دهند. در نتیجه کوشش دیوانیان، دانشمندان و عالمان ایرانی بود که حکومت سلجوقی به حکومتی مدافع و مروج سنت‌ها و فرهنگ ایرانی - اسلامی از جمله زبان فارسی تبدیل شد.

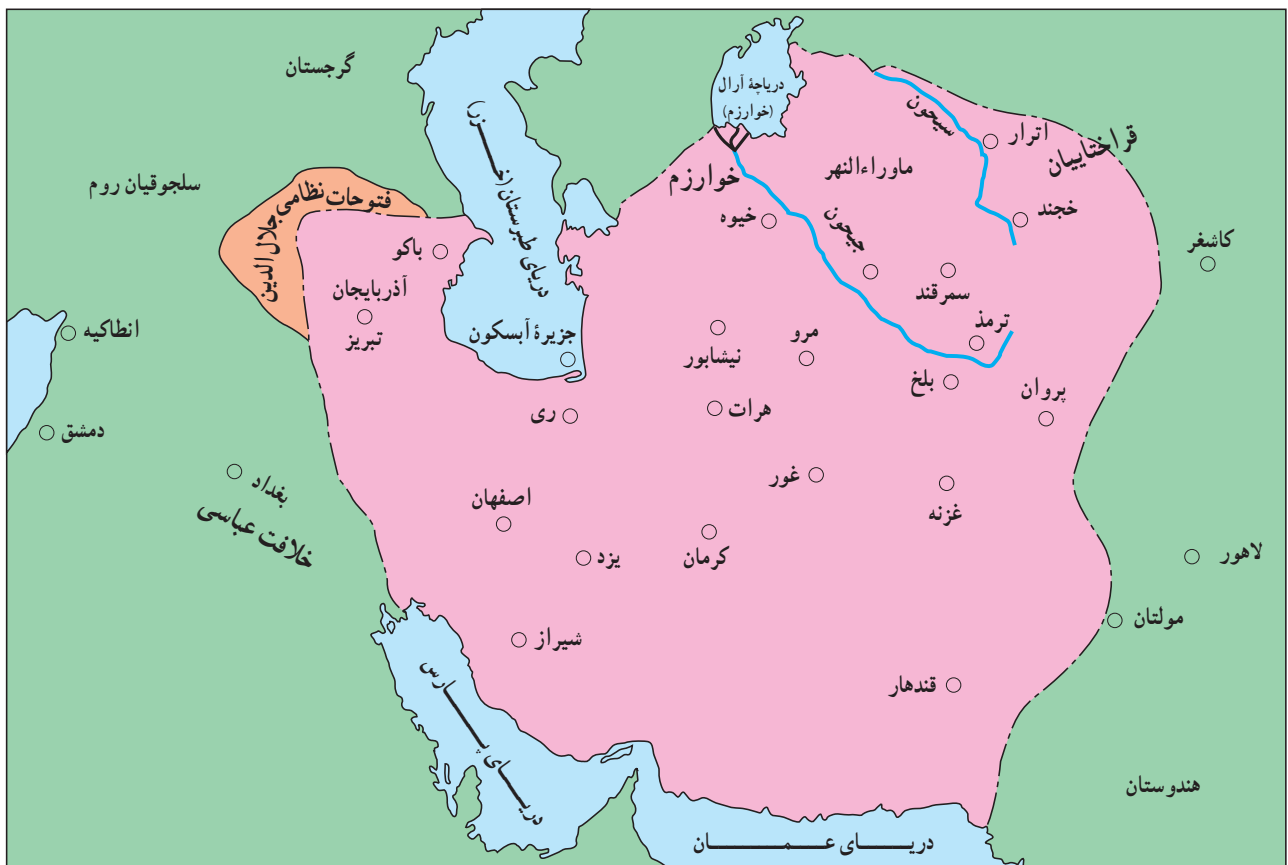
روابط سلجوقیان با خلافت عباسی با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بود. سلاطین سلجوقی خود را منجی و پشتیبان خلافت عباسی می‌شمردند و تمایل داشتند خلفا به پیشوایی مذهبی قناعت کنند و قدرت سیاسی و نظامی را به آنان واگذار نمایند؛ بنابراین، در مواقعی که خلفا مطابق میل آنها عمل نمی‌کردند، روابط دو جانبه تیره و خصمانه می‌شد. چنان که ملکشاه، خلیفه را به خاطر مخالفت با درخواست‌هایش تهدید به حمله نظامی کرد. در اواخر حکومت سلجوقیان، خلفای عباسی در اندیشه تجدید قدرت سیاسی و نظامی گذشته خود برآمدند و چندین

۱- منطقه خوارزم در کشور کنونی ازبکستان قرار دارد؛ گرگانج و کاث مهم ترین شهرهای قدیمی ناحیه خوارزم بودند.

۲- طغرل سوم

۳- قراختاییان، دسته‌ای از بیابانگردان مغولی شمال چین بودند که به سمت غرب آمدند و با تصرف ماوراءالنهر حکومت قراختاییان را نابود کردند و

بر قلمرو آنها حاکم شدند.



قلمرو خوارزمشاهیان (سلطان محمد خوارزمشاه)

تجاری مغول را به اتهام جاسوسی، قتل عام و غارت کرد، به چنگیزخان بهانه داد که به ایران هجوم آورد. خوارزمشاهیان به سبب اختلاف و درگیری با خلافت عباسی و ناهماهنگی و عدم انسجام قلمروشان، نتوانستند تمام نیروها و امکانات ایران و حتی جهان اسلام را برای مقابله با تهاجم مغولان بسیج کنند. شیوه دفاعی سلطان محمد خوارزمشاه به سود مغولان تمام شد؛ زیرا او سپاه را در شهرها متفرق کرد و خود به داخل ایران گریخت. فرار او،^۲ موجب تضعیف روحیه و کاهش توان پایداری سپاهیان و مردم شد.

خوارزمشاهیان و خلافت عباسی : فرمانروایان خوارزم نیز همچون سلجوقیان انتظار داشتند خلفای عباسی به پیشوایی دینی بسنده کنند و امور سیاسی و نظامی را به سلاطین واگذار نمایند، اما خلفا که در فکر احیای موقعیت سیاسی و نظامی خود بودند به تقاضای آنان پاسخ منفی دادند. سلطان محمد خوارزمشاه قصد داشت به بغداد لشکرکشی کند اما فرصت نیافت. البته برخوردهایی نظامی میان جانشین او و خلیفه عباسی رخ داد.

فروپاشی حکومت خوارزمشاهیان : وقتی که حاکم اترار^۱ به دستور سلطان محمد خوارزمشاه، کاروان

۱- اترار یا فاراب شهری کهن در کرانه غربی سیحون و بر سر راه ابریشم (واقع در کشور کنونی قزاقستان) قرار داشت.
 ۲- سلطان محمد خوارزمشاه از ترس مغولان به جزیره آبسکون در دریای مازندران پناه برد و همانجا درگذشت.

سلطان جلال‌الدین، آخرین خوارزمشاه، در صدد برآمد حکومت خوارزمشاهی را احیا کند و در جنگ با مغولان به پیروزی‌هایی نیز دست یافت؛ اما این موفقیت‌ها گذرا بود؛ زیرا نتوانست تمامی خاندان خوارزمشاهی، سرداران و حکومت‌های محلی را برای مبارزه با هجوم مغولان متحد کند. وی بیشتر دوران حکومتش را به درگیری با مخالفان داخلی و خلافت عباسی و جابه‌جایی از شهر و ولایتی به شهر و ولایت دیگر گذراند و سرانجام در یکی از جنگ و گریزها با مغولان، کشته شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

اختلاف، دشمنی و درگیری میان خوارزمشاهیان و خلافت عباسی چه تأثیری بر نتیجه تهاجم مغولان به ایران داشت؟

با مطالعه درس، بررسی نقشه‌ها و راهنمایی دبیر خود، جدول زیر را کامل کنید.

اتابکان لر کوچک	اتابکان لر بزرگ	اتابکان فارس	اتابکان آذربایجان	اتابکان یزد	خوارزمشاهیان	سلجوقیان	غزنویان	
۱۰۰۶-۵۸۰ ق	۸۲۸-۵۵۰ ق	۶۸۵-۵۴۳ ق	۶۲۲-۵۴۱ ق	۷۱۸-۵۳۶ ق	۶۲۸-۴۹۰ ق	۵۹۰-۴۲۹ ق	۵۸۳-۳۵۱ ق	دوره حکومت
شجاع‌الدین خورشید	ابوطاهر محمد	مظفرالدین سنقرین مودود	شمس‌الدین ایلدگز	رکن‌الدین سام	قطب‌الدین محمد بن انوشتکین	مؤسس
.....	لاهور	مرکز
.....	اران	قلمرو
تابعیت و عدم تابعیت متناوب عباسی و مغولان	درگیری با اتابکان فارس، اظهار اطاعت به مغولان	درگیری با اتابکان آذربایجان و لرستان، اظهار اطاعت به مغولان	همکاری با خلافت علیه سلجوقیان، درگیری با خوارزمشاهیان	پذیرش تابعیت مغولان	درگیری با سلجوقیان	درگیری با غزنویان	لشکرکشی به هند	رویدادهای مهم

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند قدرت‌یابی غزنویان را از البتکین تا سلطان محمود به اختصار شرح دهید.
- ۲- لشکرکشی‌های غزنویان به هندوستان چه نتایجی داشت؟
- ۳- وجوه تشابه و تفاوت روابط غزنویان و سلجوقیان با خلافت عباسی را بنویسید.
- ۴- نقش و اهمیت دیوان‌سالاران ایرانی را در نظام حکومتی سلجوقیان توضیح دهید.
- ۵- چرا مناسبات خوارزمشاهیان با خلفای عباسی خصمانه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره نقش و تأثیر ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه بر رویدادهای سیاسی آن دوره، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- مهدی حمیدی شیرازی، پیروزی جلال‌الدین خوارزمشاه در جنگ با مغولان (جنگ پروان) و عبور از رود سند را در شعری حماسی به تصویر کشیده است. این شعر را جست‌وجو کرده و در کلاس بخوانید و تحلیل نمایید.

ایران از مغول تا صفویه

مقدمه

از حمله مغول به ایران در سال ۶۱۶ ق تا قدرت‌گیری صفویه در سال ۹۰۷ ق را عصر مغول - تیموری می‌نامند. در این درس با مهم‌ترین تحولات دوران مذکور در قالب سه دوره:

(الف) هجوم و فرمانروایی مغولان

(ب) هجوم و فرمانروایی تیموریان

(ج) فرمانروایی ترکمانان، آشنا می‌شوید.

(الف) دوره هجوم و فرمانروایی مغول

۱- از قدرت‌گیری چنگیز تا هجوم مغول به ایران: مغولان، گروهی از طوایف زردپوست بودند که در سرزمین مغولستان زندگی می‌کردند. مغولستان، طبیعت و اقلیم نامساعدی داشت و بدین سبب، ساکنان خانه به دوش آن ناچار بودند که برای بر خورداری از حداقل امکانات موجود، با یکدیگر در ستیز دائمی باشند. بنابراین، مغولان مردمی سخت‌کوش، جسور و خشن بودند که به جنگ و غارت به عنوان شیوه‌ای مناسب برای تأمین معاش خود می‌نگریستند. در مغولستان شهر و شهرنشینی رواج و رونق نداشت و از مشاغل و حرفه‌های مختلف خبری نبود. ساکنان آنجا از خط، ادبیات، هنر و دیگر دستاوردهای فرهنگی بهره زیادی نداشتند. مغولان پیرو عقایدی



چنگیزخان مغول

با یکدیگر در حال ستیز و درگیری بودند و فرمانروایان چینی نیز به اختلافات آنها دامن می‌زدند. چنین شرایطی تا زمان قدرت‌گیری چنگیز^۲ ادامه داشت.

ابتدایی موسوم به آیین شَمَنی^۱ بودند. قبایل مغول پراکنده بودند و هر قبیله به طور مستقل زیر نظر خان قبیله اداره می‌شد و میان آنها اتحادی وجود نداشت. این قبایل مدام



امپراتوری مغولان در اوج گسترش

یک توضیح

یاسای چنگیزی

چنگیز، برای نخستین بار سنت‌های حقوقی قبایل تابع خود را با برخی از قواعد ملل متمدن روزگار خویش ترکیب کرد و یک مجموعه قانونی به وجود آورد که به «یاسا» معروف شد.

چنگیز سرکرده یکی از طوایف بود که به سرعت راه ترقی را پیمود و به رهبری قبایل مغول رسید. او ابتدا میان قبایل ساکن مغولستان اتحاد سیاسی برقرار کرد و سپاه منظم و توانمندی تشکیل داد. همچنین در زمینه‌های سیاسی، نظامی و حقوقی اصلاحاتی انجام داد. چنگیز سپس با هدف ایجاد گشایش در زندگی سیاسی و اقتصادی مغولان، گام در مرحله جهان‌گشایی نهاد و یک دوره هجوم را شروع کرد که آوازه مغول را جهانی نمود.

۱- آیین شَمَنی نوعی یگانه‌پرستی ابتدایی بود که در آن ایزدان گوناگونی در نگاهداری و نظم کائنات با خدای یکتا سهیم می‌شدند و بت‌های مختلفی به عنوان مظاهر این ایزدان مورد پرستش و ستایش قرار می‌گرفتند.

۲- نام اصلی چنگیز «تموجین» به معنای آهنگر بود که بعد از به قدرت رسیدن، عنوان «چنگیز» به معنای «دلاور، جهانگیر...» به خود گرفت. وی پسر خان قبیله خویش بود که پس از مرگ پدر، دوره‌ای از آواره‌گی و فلاکت را پشت سر نهاد، اما به سبب شخصیت قوی و سخت‌کوشی فراوان موفق به قدرت‌گیری شد.

نخستین هدف مغولان، سرزمین شمال چین بود. این سرزمین در مجاورت قلمرو مغولان قرار داشت و از ثروت و امکانات خوبی برخوردار بود. فتح شمال چین با قتل و غارت وحشتناکی همراه بود اما برای مغولان دستاورد زیادی داشت؛ چرا که علاوه بر کسب ثروت و غنائم بسیار، از دستاوردهای چینیان در امور تمدنی و فرهنگی بهره‌مند شدند و مهندسان و متخصصان چینی را در امور نظامی و تجهیز ارتش به خدمت گرفتند.

سپاهیان چنگیز پس از فتح شمال چین، مناطق غربی مغولستان و از جمله ترکستان و قلمرو قراختایان را نیز فتح کردند. در نتیجه این موفقیت نظامی قبایل



حمله مغولان به یکی از شهرهای چین، این نقاشی در قرن دهم هجری کشیده شده است.

متعددی از ترکان تابعیت و اطاعت چنگیز را پذیرفتند. مغولان با این فتوحات بر بخشی از جاده ابریشم مسلط شدند و تصمیم گرفتند از طریق آن جاده، منافع اقتصادی سرشاری از تجارت کسب کنند.

۲- از هجوم مغول تا قدرت گیری ایلخانان : در شرایطی که مغولان با ایران همسایه شده بودند، اقدام حکومت خوارزمشاهی در کشتن بازرگان مغول در شهر اترار، بهانه لازم را به چنگیزخان، برای حمله به ایران داد. این هجوم که از سال ۶۱۶ تا سال ۶۲۲ق به طول انجامید، یکی از تلخ‌ترین و هولناک‌ترین رویدادهای تاریخی سرزمین ما به شمار می‌آید. در نتیجه این تهاجم سهمگین، بیشتر شهرها و روستاهای بزرگ و پرجمعیت ماوراءالنهر و خراسان ویران و ساکنان آنها کشته، اسیر و آواره شدند.

کاهش محسوس جمعیت، تخریب شبکه‌های آبیاری و مزارع کشاورزی و نابودی کارگاه‌های تولیدی و اماکن مسکونی، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی موج نخست هجوم مغولان به ایران بود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا پژوهشگران تاریخ، کشتار بازرگانان مغول توسط خوارزمشاه را بهانه تهاجم چنگیز به ایران می‌شمارند و نه علت واقعی آن؟

پس از بازگشت چنگیز خان به مغولستان و مرگ او (۶۲۴ق)، از شدت حملات مغولان به ایران کاسته شد. البته گروهی از سپاهیان او در تعقیب جلال‌الدین خوارزمشاه، همچنان در حال تاخت و تاز بودند. اوکتای، پسر و جانشین او سیاست ملایم‌تری نسبت

به ساکنان قلمرو متصرفی در پیش گرفت. جانشینان چنگیز عنوان «قآن»^۱ داشتند. آنها قلمرو خود از جمله قسمت‌هایی از ایران را که تسخیر کرده بودند به وسیله نمایندگان اعزامی مغول اداره می‌کردند. این نمایندگان وظیفه گسترش فتوحات، سرکوب شورش‌ها، گردآوری مالیات‌ها و تثبیت حاکمیت مغول را بر عهده داشتند. مسئله مهم این دوره، پیوستن دیوان‌سالاران باتجربه ایرانی به مغولان بود. آنان تمام تلاش خود برای مهار خشونت و رفتار غیرمدنی مغولان به کار بستند.



مجلس جشن به افتخار تعیین هلاکو برای مأموریت ایران. منگوقاآن بر تخت نشسته و هلاکو در سمت راست او قرار دارد.

۳- از تشکیل حکومت ایلخانی تا هجوم تیمور: حکومت ایلخانی^۲ یا ایلخانان به سلسله‌ای اطلاق می‌شود که پس از اعزام هلاکو خان به ایران تشکیل شد. هلاکو نوه چنگیز بود و در زمان فرمانروایی برادرش منگوقاآن به ایران اعزام شد. وی مأموریت داشت، فتوحات مغول را در جهان اسلام تکمیل کند. هلاکو، نخست قلعه‌های اسماعیلیان را تسخیر و به قدرت آنان پایان داد (۶۵۴ق)؛ وی سپس بغداد را گرفت و خلافت عباسی را برانداخت (۶۵۶ق). سقوط خلافت عباسی سرآغازی بر تأسیس حکومت ایلخانان بود. او پس از انتظام امور سرزمین‌های متصرفی، به شام لشکرکشی کرد و تادمشقی پیش رفت. در حالی که هلاکو خان با شنیدن خبر مرگ برادرش راهی مغولستان شده بود، سپاه مغول در نبرد عین جالوت^۳ از سپاه مملوکان^۴ مصر به سختی شکست خورد. مغولان هرگز نتوانستند این شکست را جبران و فتوحات خود را در این بخش از سرزمین‌های اسلامی تکمیل کنند. تلاش‌های سیاسی بعدی آنها برای اتحاد با مسیحیان علیه مملوکان نیز موفقیت‌آمیز نبود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا خشونت و ویرانگری مغولان تحت فرمان هلاکو خان، کمتر از مغولان تحت فرمان چنگیز خان بود؟

۱- قآن به معنای خان بزرگ است. این عنوان برای افرادی از خاندان چنگیز که در مرکز امپراتوری ریاست کل امپراتوری مغول را داشتند به کار می‌رفت.

۲- ایلخان به معنای خان تابع است؛ از آنجایی که هلاکو و جانشینانش از خان بزرگ مغول در مغولستان تبعیت می‌کردند به این نام خوانده شدند.

۳- نام آبادی در فلسطین اشغالی و در شمال شهر بیت المقدس

۴- سلسله‌ای که در حدفاصل سال‌های ۶۴۸ تا ۹۲۳ ق بر مصر و شام حکومت کرد. از آنجا که بانیان این حکومت، خاستگاه غلامی داشتند به مملوکان شهرت یافتند.



قلمرو ایلخانان در زمان غازان خان

می‌کردند مانع خودسری امرای مغول و زیاده‌خواهی مأموران مالیاتی شوند. در نتیجه تلاش آنان، ایلخانان و بزرگان مغول مسلمان شدند، شریعت اسلامی بر یاسای جنگیزی برتری یافت و شرایط برای بازسازی و اصلاح امور ایران فراهم آمد.

غازان، اولین ایلخان مسلمانی بود که اسلام را دین رسمی اعلام کرد. او با خارج شدن از تابعیت خان بزرگ مغول، استقلال حکومت ایلخانی را تکمیل کرد. غازان به راهنمایی و مشاورت بزرگان ایرانی و به خصوص وزیر بزرگ خویش خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی اصلاحاتی را در زمینه سیاسی، نظامی و اقتصادی آغاز کرد. هدف این اصلاحات در عرصه سیاسی، یکپارچگی

دوران حکومت ایلخانان را می‌توان به دو دوره: عهد نامسلمانی^۱ (۶۵۴-۶۹۴ق) و عهد مسلمانی (۶۹۴-۷۳۶ق) ایلخانان تقسیم کرد. در عهد نامسلمانی ایلخانان، بزرگان ایرانی چه عالمان و چه دیوانیان، مسئولیت مهمی را بر عهده گرفتند. آنها تلاش کردند که ایلخانان و امرای مغول را با فرهنگ ایرانی - اسلامی آشنا کنند و قواعد و رموز زندگی یکجانشینی و رسوم کشورداری را به آنان بیاموزند. در این دوران، عالمانی چون خواجه نصیرالدین توسی و دیوانسالارانی مانند شمس‌الدین محمد جوینی و برادرش عظاملک جوینی در جهت انتظام امور، رونق فعالیت‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی و آرامش و آسایش مردم گام برداشتند و سعی

۱- البته در میان ایلخان عهد نامسلمانی، تکودار (سلطان احمد) پسر هلاکو خان، سومین ایلخان که از ۶۸۰ تا ۶۸۳ق حکومت کرد و به جرم تخطی از یاسا برکنار و اعدام شد، یک استثنا بود، زیرا او به دین اسلام گروید.

بخش برنامه اصلاحات غازان خان، ساماندهی و انتظام امور مالیاتی بود. همچنین در زمینه کشاورزی، اقدامات اصلاحی مانند بازسازی شبکه‌های آبیاری انجام گرفت.

و تمرکز امور کشوری و لشکری و مقابله با سرکشی سرداران مغول بود. در عرصه نظامی به منظور جلوگیری از بی‌نظمی و چپاول‌گری نظامیان، زمین‌هایی به فرماندهان واگذار و برای سربازان مقرری تعیین شد. مهم‌ترین



غازان خان در حال تلاوت قرآن

فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی مؤثر بود در تعالی جایگاه مسلمانان در دنیای آن روز نیز تأثیر مناسبی داشت. در این زمان شیعیان فعال‌تر بودند و افزون بر تلاش فکری و فرهنگی، در عرصه سیاسی نیز وارد عمل شدند. نتیجه این فعالیت‌ها در شکل‌گیری نهضت‌های شیعی و تأسیس حکومت سربداران اندکی پس از زوال حکومت ایلخانان مشاهده می‌شود.

از دیگر ویژگی‌های دینی و اجتماعی این عصر، گسترش تصوف و افزایش نفوذ اجتماعی و معنوی صوفیان در جامعه است. تصوف در عصر ایلخانان

برجسته‌ترین دستاورد حکومت ایلخانی در زمینه سیاسی، وحدت جغرافیایی ایران بود. ایلخانان موفق شدند سرزمین‌های پهناوری از جیحون تا فرات و بخش وسیعی از آناتولی را تحت فرمانروایی خود در آوردند. در عهد ایلخانی برای نخستین بار از عهد باستان، روابط مستقیم سیاسی میان ایران و کشورهای اروپایی برقرار شد.

یکی از ویژگی‌های دینی و اجتماعی دوره ایلخانان، وحدت و هماهنگی بود که میان مسلمانان اعم از شیعه و سنی برای مقابله فکری و فرهنگی با غیرمسلمانان به وجود آمد. چنین وحدتی علاوه بر اینکه در اثبات برتری



گنبد سلطانیه از شاهکارهای معماری ایران در عصر ایلخانان

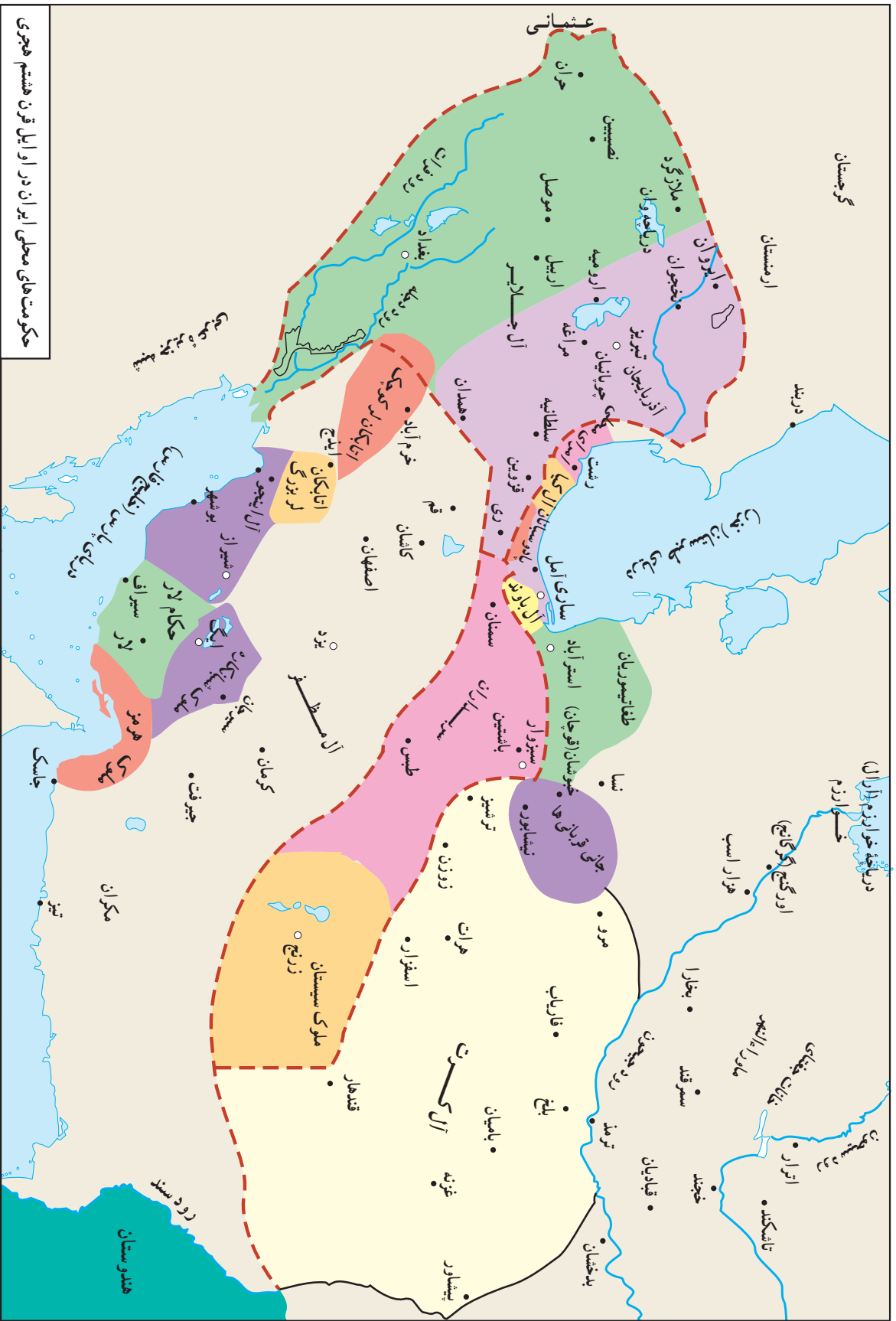
به تدریج ماهیت شیعی به خود گرفت و در پیدایش حکومت‌های شیعی که پس از سقوط ایلخانان به وجود آمدند، نقش مؤثری ایفا کرد.

در سال ۷۳۶ق با مرگ ایلخان ابوسعید، فرمانروایی ایلخانان منقرض شد و یک دوره بی‌ثباتی و آشفتگی سیاسی به وجود آمد که تا زمان هجوم تیمور به ایران ادامه داشت. در این دوران سرداران مغول، افرادی از خاندان چنگیز را عَلم کردند و با یکدیگر به رقابت برخاستند. در چنین شرایطی، چندین حکومت محلی مانند سربداران، آل چوپان، آل جلایر و آل مظفر در مناطق مختلف ایران به وجود آمدند.

یک توضیح

قیام سربداران در سبزوار (بیهق)

در اواخر عهد ایلخانان، سرداران مغولی حاکم بر خراسان ستمگری پیشه کردند و پس از مرگ آخرین ایلخان مغول ظلم و ستم آنان بر مردم فزونی گرفت. مردم سبزوار که پیرو مذهب شیعه بودند، در آن زمان تحت تأثیر فعالیت برخی مشایخ صوفی مانند شیخ خلیفه مازندرانی (مقتول: ۷۳۶ق) و شاگردش شیخ حسن جوری آمادهٔ مقابله با بی‌عدالتی و ظلم شدند. چون زیاده‌خواهی و گستاخی مأموران حکومت از حد گذشت، مردم روستای باشتین سبزوار، مأموران گستاخ و فاسق را مجازات و با شعار «سربه دار می‌دهیم، تن به ذلت نمی‌دهیم» قیام کردند. آنان سپس به رهبری دو تن از بزرگان آن دیار، سپاه حاکم خراسان را شکست دادند و با تسلط بر سبزوار، تأسیس حکومت سربداری را اعلام کردند. سربداران با پیروزی بر حکام محلی، قلمرو خود را به نیشابور، بسطام، دامغان و سمنان گسترش دادند. حکومت سربداران از بدو تأسیس گرفتار اختلاف و نزاع داخلی شد و به همین دلیل نتوانست از قیام‌های سربداری در دیگر نقاط ایران از جمله کرمان به‌خوبی پشتیبانی کند. سربداران مدافع و مروج مذهب شیعه بودند و سرانجام توسط تیمور برافتادند.



حکومت‌های محلی ایران در اوایل قرن هشتم هجری

ب) دوران فرمانروایی تیموریان

۱- عصر هجوم و استیلای تیمور : در اواخر سدهٔ هشتم هجری، کشور ما با یورش دیگری از سمت ماوراءالنهر به سرکردگی تیمور گورکانی مواجه شد. تیمور اصل و نسب مغولی داشت و برخی از مورخان نسب او را به خاندان چنگیز می‌رسانند. او از شرایط نابسامان ماوراءالنهر استفاده کرد و با شکست رقیبان و مدعیان، بر آن دیار تسلط یافت.

تیمور پس از آنکه قدرت خود را در ماوراءالنهر تثبیت کرد، با آگاهی از اوضاع آشفتهٔ ایران به فکر فتح میهن ما افتاد. او برای تسخیر کامل ایران سه مرحله یورش آورد. این یورش‌ها که با شدت و خشونت بسیار انجام گرفت، یادآور هجوم وحشتناک چنگیزخان مغول بود. در جریان این هجوم‌ها، شهرهای زیادی مانند هرات، سبزوار، اصفهان، تبریز، شیراز و بغداد ویران و هزاران نفر از ساکنان آنها قتل و عام شدند. در نتیجهٔ یورش‌های تیمور، حکومت‌های محلی ایران منقرض شدند یا به انقیاد او درآمدند. تیمور همچنین کشورها و سرزمین‌های همسایهٔ ایران را نیز مورد تهاجم قرار داد و در فکر حمله به چین بود که از دنیا رفت (۸۰۷ ق).



مقبرهٔ تیمور در سمرقند

یک توضیح

جهان‌گشای بزرگ صحراگرد

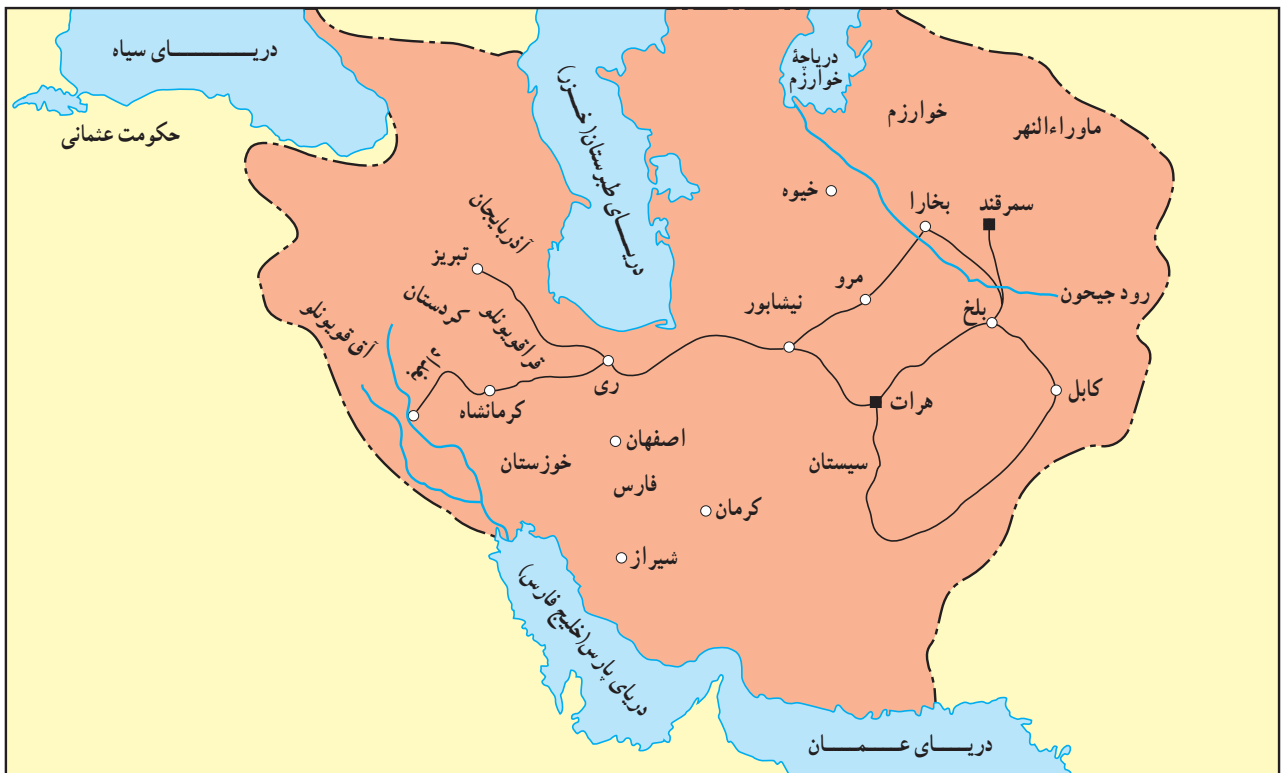
امیر تیمور به سان طوفانی سهمگین در برهه‌ای از تاریخ جهان پدید آمد و با یورش‌ها، ویرانگری‌ها و قتل عام‌هایش آوازه‌ای جهانی یافت. مورخان درباری او را ستوده‌اند و اعمال وی را مظهر قهر الهی شمرده‌اند و مورخان غیردرباری مانند ابن عرب‌شاه او را سرآمد تبهکاران دجال صفت خوانده‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز او نبوغ نظامی‌اش بود که در شیوه‌های جنگی او آشکار بود. زندگی و تربیت او در صحرا و پیروی از آداب زندگی و نظامی مغول، در موفقیت‌هایش نقش اساسی داشت. وی در تشکیلات نظامی به ایل و تبار خود تکیه می‌کرد (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶، مدخل تیمور گورکانی).

تیمور بیشتر یک جنگجو و فرمانده نظامی بود؛ از این رو، تلاش چندانی برای انتظام امور مناطق مفتوحه نداشت. علاقه او به عمران و آبادی به شهر سمرقند محدود بود. معروف است که: «تیمور جهانی را نابود کرد تا شهری را آباد سازد».

۲- عهد جانشینان تیمور: اختلاف و نزاع

فرزندان و نوادگان تیمور و ظهور قدرتمندان محلی، قلمرو وسیع تیمور را دچار آشفتگی و تجزیه کرد. پس از چند سال خصومت و درگیری میان اعضای خاندان تیموری، سرانجام یکی از پسران تیمور به نام شاهرخ برتری خود را نسبت بر دیگر مدعیان تحمیل کرد و بر بیشتر متصرفات پدر تسلط یافت. او شهر هرات را مرکز

حکومت خود قرار داد. شاهرخ که در محیط فرهنگی و تمدنی ایران پرورش یافته و از تربیتی اسلامی برخوردار بود، سیاست جنگ طلبانه پدر را کنار گذاشت و به صلح و آرامش توجه و تمایل بیشتری نشان داد. وی به علم و هنر علاقه مند بود و از علما، اندیشمندان و ادیبان حمایت می کرد. او به همراه همسرش گوهرشاد خاتون تلاش قابل توجهی برای عمران و آبادی شهرها انجام داد. اَلْغَبِیک، پسر و جانشین شاهرخ نیز فرمانروایی دانش دوست بود و علاقه خاصی به ریاضیات و نجوم داشت. بایسَنقَرُ، دیگر فرزند شاهرخ نیز شیفته هنر و ادب فارسی بود.



قلمرو تیموریان در زمان شاهرخ

پس از دیگری بر بخش‌های مرکزی و غربی ایران حکومت کردند. تلاش قراقویونلوها برای دستیابی به قدرت از سال‌های پایانی زندگی تیمور آغاز شد و در عهد جانشینان او به اوج خود رسید. آنها توانستند جانشینان شاهرخ را شکست دهند و سلطه خود را بر بسیاری از نواحی ایران به استثنای مناطق شرقی تثبیت کنند. این سلسله به مذهب تشیع گرایش داشت. قراقویونلوها توسط آق قویونلوها از میان رفتند. قدرت روزافزون امپراتوری عثمانی و پیشروی آن به سمت مناطق شرقی آسیای صغیر از یکسو و قدرت‌گیری صفویان از سوی دیگر موجبات نابودی آق قویونلوها را فراهم آورد.

در دوران زمامداری جانشینان شاهرخ، با ظهور مدعیانی چون قراقویونلوها و آق قویونلوها، قلمرو تیموریان به مناطق شرقی ایران محدود شد. سرانجام در اوایل سده دهم هجری صفویان خراسان و ازبکان ماوراءالنهر را تصرف کردند و نوادگان تیمور را به هند راندند تا در آنجا دولت گورکانیان هند را پایه‌گذاری کنند.

ج) عهد فرمانروایی ترکمانان^۱

اصطلاح ترکمان و ترکمانان به دو اتحادیه از طوایف و قبایل ترک به نام‌های قراقویونلوها^۲ و آق قویونلوها^۳ اطلاق می‌شود که در قرن نهم یکی



مسجد گوهرشاد مشهد

۱- به معنای «ترک مانند» و یا «ترک بزرگ»

۲- به معنای دارندگان گوسفندان و یا پرچم‌های سیاه

۳- به معنای دارندگان گوسفندان و یا پرچم‌های سفید

پرسش‌های نمونه

- ۱- اوضاع اجتماعی و سیاسی مغولستان را پیش از به قدرت رسیدن چنگیزخان شرح دهید.
- ۲- مغولان چگونه به مرزهای ایران رسیدند و بهانهٔ هجوم آنان به ایران چه بود؟
- ۳- پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تهاجم سپاهیان چنگیزخان را به ایران بنویسید.
- ۴- نقش بزرگان ایرانی (عالمان و دیوانیان) را در عهد نامسلمانی ایلخانان توضیح دهید.
- ۵- ویژگی برجستهٔ حکومت ایلخانان در زمینهٔ سیاسی چه بود؟
- ۶- اوضاع سیاسی ایران را در حدفاصل زوال ایلخانان تا یورش‌های تیمور گورکانی شرح دهید.
- ۷- شخصیت سیاسی تیمور گورکانی را با شخصیت سیاسی پسرش شاهرخ مقایسه کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- تحقیق کنید لشکریان چنگیز در جریان تسخیر شهرهای نیشابور، هرات و بلخ، چه برخوردی با ساکنان آنها کردند؟
- ۲- جست و جو کنید چه اثری منسوب به شاهزاده بایسنقر است؟ ویژگی آن اثر چیست؟

فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی (از ورود اسلام به ایران تا تأسیس حکومت صفوی)

مقدمه

در درس‌های پیش، روند تحولات سیاسی ایران از سقوط ساسانیان تا پایان حکومت تیموریان، مطالعه و بررسی شد. در این درس فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی، عناصر و ویژگی‌های آن مطالعه و بررسی می‌شود.

زمینه پیدایش و شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی

سقوط امپراتوری ساسانی به معنای فروپاشی فرهنگ و تمدن ایران نبود، بلکه ایرانیان با پذیرش تدریجی و آگاهانه اسلام، دوران جدیدی از پویایی و شکوفایی را در عرصه‌های اندیشه، علم، ادب و هنر آغاز کردند. آنان با انتقال میراث فرهنگی و تمدنی خود به دوره اسلامی، موجبات شکل‌گیری و شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی را فراهم آوردند.

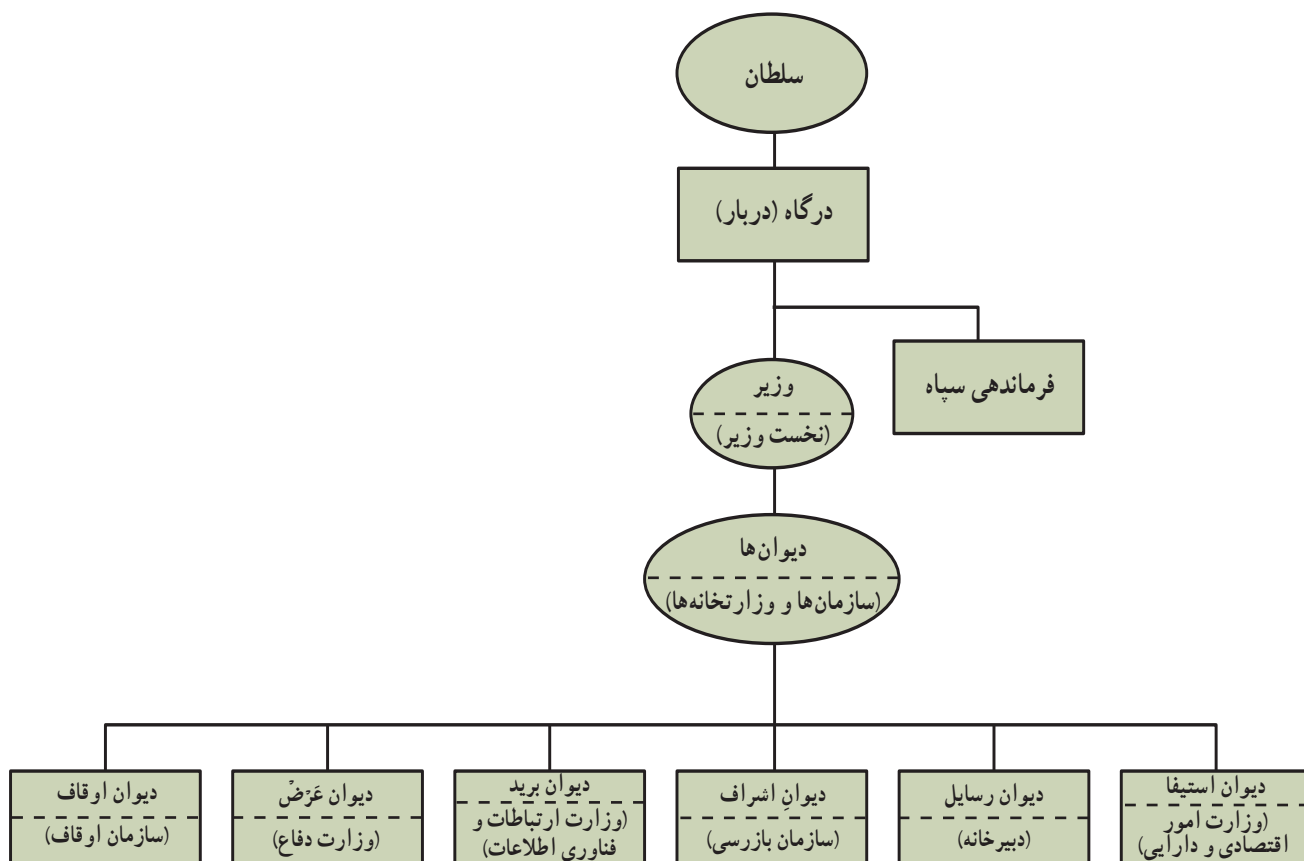
اسلام نیز فرهنگ و تمدن ریشه‌دار ایرانی را به تحرک واداشت و آن را غنی‌تر کرد. مردم ایران نیز با جدیت نیروی معنوی و تجارب فرهنگی و تمدنی خود را برای نشر و ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی به کار بستند. در نتیجه چنین تعاملی، فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی رشد کرد و شکوفا شد.

نظام حکومتی و تشکیلات اداری

انتقال میراث سیاسی و اداری ایران باستان به دوره اسلامی: اعراب مسلمان به دلیل آنکه در کشورداری و تشکیلات اداری، تجربه و آگاهی کافی نداشتند، پس از ورود به ایران ناگزیر شدند برخی امور اداری و دیوانی مانند نحوه محاسبه و گردآوری مالیات‌ها را به ایرانیان واگذار کنند. اولین دیوان حکومت اسلامی در زمان خلافت عمر به نام دیوان بیت‌المال، به پیشنهاد هرمزان (سردار اسیر ایرانی) در مدینه تأسیس شد. دفترها و دیوان‌های مالیاتی تا اواسط دوران امویان، همچنان به خط و زبان ایرانی بود. نظام اداری و دیوانی خلافت عباسی، اقتباس و تقلیدی از تشکیلات اداری ایران باستان بود؛ در آن دوره، نهاد وزارت و دیوان‌هایی مشابه آنچه در عصر ساسانی وجود داشت، شکل گرفت. سامانیان، نظام اداری و دیوانی منسجمی را تأسیس کردند که مورد

توجه سلسله‌های بعدی قرار گرفت. نه تنها غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان ترک‌تبار، بلکه ایلخانان مغول و تیموریان نیز راه و رسم حکومت‌داری ایرانی را مبنای زمامداری خود قرار دادند.

نمودار نظام اداری - دیوانی



او به مسائل اداری و مالی محدود بود؛ وزیر در رأس تشکیلات دیوان‌سالاری قرار داشت و بر جریان امور دیوان‌ها و فعالیت دیوانیان ریاست و نظارت می‌کرد.

در آغاز خلافت عباسی، نهاد وزارت دوباره شکل گرفت و به مرور اهمیت و تأثیر آن افزایش یافت. وزیران در اداره امور خلافت و سلسله‌هایی که از سده سوم تا سده دهم هجری بر ایران فرمان راندند، نقش مهمی ایفا کردند. آنان برای افزایش درآمدهای حکومتی، آبادانی، عمران، رونق کسب و کار و رفاه عمومی تلاش می‌کردند. بخش دیگری از مسئولیت وزیران، آشنا کردن زمامداران

در نظام حکومتی ایران مجموعه‌ای از تشکیلات اداری به مرور زمان به وجود آمد که به هر بخش آن دیوان^۱ و به کارکنان آن دیوانیان گفته می‌شد. تعدادی از مهم‌ترین این دیوان‌ها در جدول صفحه بعد معرفی می‌شوند.

وزارت در نظام حکومتی ایران: نهاد وزارت
رکنی مهم در تشکیلات حکومتی ایران در عصر باستان و دوره اسلامی به شمار می‌رفت. وظیفه اصلی وزیر، کمک به فرمانروا در اداره امور کشور بود. اگرچه وزیر می‌توانست در کلیه امور دخالت کند و به فرمانروا پند و مشورت دهد، اما به طور معمول دایره اختیارات

۱- به معنای دفتر و اداره، معادل وزارتخانه امروزی

نام دیوان	توضیحات
استیفا	استیفا به معنای تمام گرفتن و طلب تمام کردن است. دیوان استیفا یا دیوان بیت‌المال و دیوان خراج، معادل وزارت امور اقتصادی و دارایی امروزی بوده است. این دیوان به ریاست مستوفی یا مستوفی‌الممالک به امور مالی یعنی محاسبه و گردآوری درآمدها (مالیات‌ها) و هزینه‌ها (مخارج) رسیدگی می‌کرد.
رسایل	دیوان رسایل یا دیوان انشا به ریاست صاحب دیوان رسالت، وظیفه داشت احکام و نامه‌های حکومتی را نگارش، تنظیم، ثبت، دریافت و ارسال کند. عده زیادی دبیر در این دیوان مشغول کار بودند.
برید	دیوان برید یا چاپارخانه به ریاست صاحب برید، وظایفی شبیه اداره پست امروزی داشته است. چاپارهای این دیوان وظیفه داشتند علاوه بر انتقال پیام‌ها و نامه‌های حکومتی از مرکز به ولایات و بالعکس، برای فرمانروا خبرگیری و به نوعی جاسوسی کنند.
اشراف	دیوان اشراف مشابه سازمان بازرسی کنونی بوده است. این دیوان به ریاست مشرف بر دخل و خرج کشور و عملکرد دیوانیان به ویژه مستوفیان نظارت می‌کرد.
عزّص	دیوان عزّص به ریاست عارض تقریباً معادل وزارت دفاع کنونی بود و بر امور اداری و مالی و تدارکاتی سپاه، از قبیل آمار سپاهیان، پرداخت و حقوق و مواجب آنان نظارت می‌کرد.

— به‌ویژه حاکمان غیر ایرانی — باراه و رسم کشورداری بود. بسیاری از وزیران در عرصه علمی و فرهنگی نیز کوشا بودند و اقدامات مؤثری در این عرصه انجام دادند. آنان از عالمان، دانشمندان، شاعران و هنرمندان پشتیبانی می‌کردند و نسبت به رواج و گسترش آداب و سنن ایرانی

و به خصوص زبان فارسی توجه و اهتمام داشتند. برخی از وزیران، مدارس، مساجد و بیمارستان‌های متعددی در شهرهای مختلف ساختند و نیز تعدادی از آنان کتاب‌های ارزشمندی تألیف کردند.

یک توضیح

تاج و دوات

در اواخر عمر خواجه نظام‌الملک برخی از نزدیکان ملکشاه که به نفوذ زیاد خواجه و فرزندان و بستگان او در دستگاه حکومتی و دستیابی به مشاغل حساس رشک می‌ورزیدند در صدد لرزاندن پایه‌های قدرت این سیاستمدار کهنه‌کار برآمدند. خواجه مخالفان خود را از میدان به در کرد، ولی به تدریج موجبات دلسردی ملکشاه و حتی هراس سلطان از این وزیر مقتدر فراهم آمد به گونه‌ای که چند بار مشاجراتی تند بین آنان در گرفت. سرانجام خواجه با لحنی خشم‌آلود به ملکشاه هشدار داد: «به سلطان بگویند اگر نمی‌دانستی که من در ملک با تو شریکم، پس بدان که تو این دولت را به تدبیر و رأی من به دست آورده‌ای... از من به او بگویند که آنکه تو را تاج داد، دستار بر سر من نهاد، هر دو در هم بسته‌اند و به هم پیوسته، هر وقت این دوات بر گیرند، آن تاج نیز از سر تو برگرفته خواهد شد».

با وجود جایگاه و نقش خطیر وزارت، وزیران فاقد امنیت شغلی و جانی بودند. شماری از وزیران بر اثر سوءظن، حسادت و خشم خلیفه یا سلطان، برکنار شدند و دارایی و جان خود را از دست دادند. امرا و فرماندهان نظامی نیز همواره رقیب وزیران و دیوانیان به شمار می‌رفتند. وجود دو اصطلاح «اهل شمشیر» (نظامیان) و «اهل قلم» (دیوانیان) در ادبیات تاریخی ایران، بیانگر اختلاف و درگیری مداوم این دو گروه است. افزون بر این، حسادت و رقابتی شدید بیشتر اوقات در میان دیوانیان و به ویژه وزیران جریان داشت.

جست‌وجو کنید و جدول زیر را کامل کنید.

نام وزیر	دوره وزارت	اقدام و اثر مهم
.....	خلافت سفاح عباسی	نخستین وزیر عباسیان که نقش مؤثری در جنبش عباسیان و تأسیس خلافت عباسی داشت.
یحیی بن خالد برمکی	به دست گرفتن زمام امور خلافت و توسعه نفوذ و قدرت سیاسی و اقتصادی خاندان برمکی، حمایت از دانشمندان، عالمان، شاعران، نویسندگان و مترجمان
.....	خلافت مأمون عباسی	ایفای نقش مؤثر در پیروزی مأمون بر امین و رسیدن او به خلافت، تصدی امور کشوری (دیوانی) و لشکری، نقش داشتن در ولایتعهدی امام رضا <small>علیه السلام</small>
ابوالفضل بلعمی	حکومت سامانیان	کوشش برای تقویت و اشاعه زبان فارسی، تشویق شاعران پارسی‌گو از جمله رودکی، حمایت از دانشمندان و عالمان و کمک به توسعه علمی
ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی (جیهانی کبیر)	انتظام امور مالی و تکوین نظام دیوانی، کمک به توسعه علمی از طریق حمایت از دانشمندان
احمد بن محمد جیهانی	بسط و نشر علم، تألیف کتاب جغرافیای المسالک و الممالک
.....	حکومت سامانیان	بسط و نشر علم و فرهنگ، ترجمه تاریخ طبری با عنوان تاریخ بلعمی یا تاریخنامه طبری
ابوالعباس اسفراینی	حکومت غزنویان	به فارسی برگرداندن موقت دفاتر دیوانی و نامه‌های حکومتی
عمیدالملک کُندری	تعلق خاطر به زبان فارسی و برگرداندن دیوان‌ها و نامه‌ها از عربی به فارسی
.....	توسعه دامنه نفوذ و اقتدار وزارت، ترویج و تقویت فعالیت‌های علمی با تأسیس مدارس نظامیه، نگارش کتاب سیاستنامه با هدف آشنایی سلاطین و شاهزادگان سلجوقی با فرهنگ سیاسی و روش کشورداری ایرانیان
شمس‌الدین جوینی	کوشش برای آشنا کردن مغولان با فرهنگ و تمدن ایرانی، تلاش برای بسط و نشر علم، عمران و آبادی
.....	حکومت ایلخانان	فعال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، نگارش آثاری در تاریخ، کلام و فقه، بانی مجتمع فرهنگی و آموزشی ربع رشیدی در تبریز
امیرعلیشیر نوایی	متبحر در شعر و نویسندگی و صاحب آثاری به شکل نظم و نثر در زبان‌های فارسی و ترکی، بانی مراکز و بناهای علمی، آموزشی و مذهبی

زبان و خط

رسمیت زبان و خط عربی : پس از تسلط اعراب بر ایران، زبان عربی رسمیت یافت. فرمان‌ها و نامه‌های حکومتی به این زبان نوشته شدند. علاوه بر امیران و انبوه مهاجران عرب، بسیاری از ایرانیانی که با آنها همکاری می‌کردند نیز به زبان عربی سخن می‌گفتند؛ عربی چون زبان دین و دانش بود، دانشمندان، عالمان و شاعران

مسلمان ایرانی هم به آن زبان می‌نوشتند و می‌سرودند. فارسی، زبان توده مردم : با این حال توده‌های مردم ایران، زبان مادری خود را رها نکردند. ایرانیان با آنکه مسلمان شدند و به عربی به عنوان زبان قرآن ارج می‌نهادند، اما همچنان به فارسی سخن می‌گفتند. به مرور زمان، اعراب مهاجر به ایران، جذب زبان فارسی شدند.

یک توضیح

یعقوب لیث و شعر فارسی

وقتی یعقوب لیث هرات را گشود، شاعران اشعاری به زبان عربی در مدح او سرودند؛ امیر صفاری که عربی نمی‌دانست با شنیدن آن اشعار، گفت : « چیزی که من اندر نیابم، چرا باید گفت ». پس از آن شاعران شروع به سرودن شعر فارسی کردند.



بسی رنج بردم درین سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی

توسعه و تقویت زبان فارسی : دوره صفاریان، سرآغازی بر توجه و حمایت از زبان و ادب فارسی بود. پس از آن، در دوره سامانیان، امیران و وزیران ایران دوست آن سلسله کوشش زیادی برای تقویت و رواج زبان و ادب فارسی کردند. در نتیجه تشویق و حمایت آنان بود که شاعران پارسی‌گو از جمله رودکی پدر شعر فارسی، غزل‌ها و قصیده‌های خود را سرودند. فردوسی که یکی از دهقانان توس بود، در اواخر دوره سامانی، شروع به سرودن شاهنامه کرد، تا از آن طریق، زبان و تاریخ کهن ایرانیان حفظ و شکوه و جلال گذشته یادآوری شود. اگرچه سلطان محمود غزنوی قدر خدمت فردوسی را ندانست و آن شاعر میهن‌دوست و آزاده را آزرده‌خاطر کرد، ولی شاعران دیگری مانند فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، عنصری بلخی و... مروج زبان و ادب فارسی در دربار غزنوی بودند.

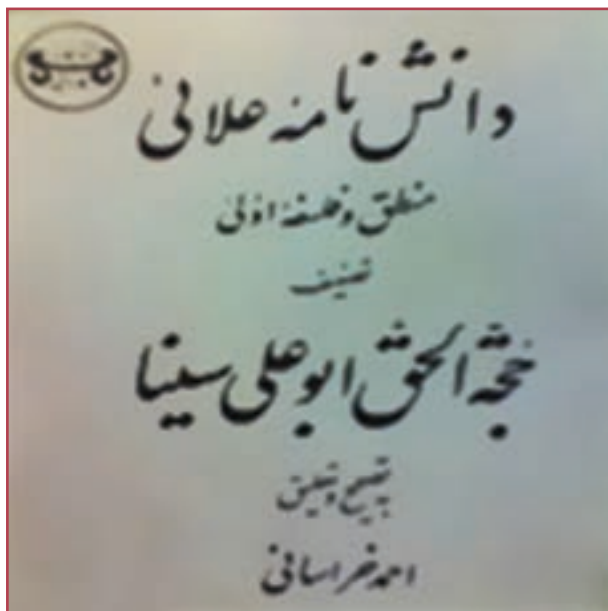
همچنین در دوران ساسانیان، زبان فارسی دری^۱ به‌عنوان زبان علم و دین نیز مطرح گردید و چندین اثر علمی و دینی به این زبان نگارش و یا ترجمه شد؛ ترجمه تاریخ طبری با عنوان تاریخ بلعمی و ترجمه تفسیر طبری، معروف‌ترین این آثار بودند.

به دلیل دشواری و نقایص خط پهلوی، الفبای جدید زبان فارسی، از الفبای خط عربی که ساده‌تر بود، اقتباس شد. دانشمندان بزرگی مانند ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا نیز برخی از آثار علمی خود را به زبان فارسی نوشتند که برای عموم ایرانیان قابل استفاده باشد.

رسمیت و گسترش زبان فارسی: در ابتدای زمامداری سلجوقیان به همت عمیدالملک کُندری، وزیر طغرل، فارسی زبان رسمی و اداری شد. زبان فارسی بی‌آنکه زبان‌های دیگر را نفی و یا با آنها مقابله کند، در سرتاسر قلمرو پهناور امپراتوری سلجوقیان گسترش یافت و کتاب‌های متعددی در رشته‌های مختلف علمی و مذهبی به آن زبان نگاشته شد. روند فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی در عصر حاکمیت مغولان و تیموریان رونق و شتابی بیش از گذشته یافت و گنجینه‌های بی‌نظیر و ارزشمندی از علم، ادب و عرفان در قالب آن زبان به وجود آمد.

آداب و رسوم

یکی از ویژگی‌های جالب ایرانیان در طول تاریخ، دلبستگی و تعلق خاطر به فرهنگ و سنت‌های دیرین خویش است. پس از انقراض ساسانیان، بسیاری از آداب و آیین‌های کهن زندگی ایرانی از قبیل جشن، تفریح و سرگرمی، بازی، موسیقی، خوراک و پوشاک،



دانشنامه‌ی علایی، نخستین دایرة‌المعارف فارسی، نوشته‌ی ابوعلی سینا در پنج علم: منطق، طبیعیات، هیئت (نجوم)، موسیقی و الهیات



التفهیم: بیرونی با نوشتن این کتاب، راه را برای به کار گرفتن واژه‌ها و اصطلاحات علمی به زبان فارسی باز کرد.

۱- واژه دری از در به معنای درگاه و دربار گرفته شده؛ زیرا زبان گفتاری درباریان و مردم شهرنشین پایتخت ساسانیان بوده است.

دهقانان یکی از قشرهای اجتماعی بودند که در سده‌های نخست هجری نقش و سهم زیادی در حفظ و تداوم سنت‌ها، آداب و رسوم و در یک کلام فرهنگ ایرانی داشتند.

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما دل‌بستگی ایرانیان به فرهنگ و آداب رسوم خویش و بزرگداشت آنها در طول تاریخ، چه آثار و نتایجی داشته است؟

همچنان متداول و مرسوم ماند. ایرانیان پس از آنکه به دین اسلام درآمدند، همراه با بزرگداشت شعائر و ارزش‌های اسلامی، بسیاری از سنت‌های کهن خود را با شور و شوق فراوان پاس داشتند.

با گذشت زمان، بیگانگانی که بر ایران سلطه یافته بودند، مجذوب فرهنگ و رسوم ایرانی شدند. آیین جشن‌های نوروز و مهرگان که از ابتدای دوره اسلامی پابرجا بود، در زمان خلافت عباسیان با شکوه بسیار برگزار می‌شد. سرگرمی‌ها و بازی‌های کهن ایرانی مانند چوگان، شطرنج و تیراندازی نیز در دوره اسلامی تداوم داشت.



ایرانیان مُبدع بازی چوگان



سفره هفت‌سین ایرانی

را نسبت به ایجاد مدارس، کتابخانه‌ها و سایر مراکز علمی جلب کرد. مساجد نخستین و مهم‌ترین مراکز آموزشی اسلامی بودند. در بیشتر مساجد بزرگ شهرهای ایران، حلقه‌های درس بزرگی تشکیل می‌شد. کم‌کم مدرسه‌هایی هم در شهرهای بزرگ دایر شد. تجربیات و نهادهای آموزشی تمدن‌های گذشته نیز مورد استفاده قرار گرفت. مدرسه پزشکی جندی‌شاپور همچنان تا قرن سوم هجری به فعالیت خود ادامه داد.

آموزش و علوم

توجه و تأکید ویژه اسلام و آموزه‌های قرآن به علم و دانش، زمینه مناسبی را برای پیشرفت علم در قلمرو پهناور اسلامی فراهم آورد. ایرانیان که به خردورزی و دانش‌دوستی مشهور بودند، با استفاده از تجربه و سابقه تمدنی، فعالیت‌های علمی خود را گسترش دادند.

مدارس و مراکز علمی: جایگاه رفیعی که تعلیم و تربیت در اسلام و فرهنگ ایران داشت، توجه مسلمانان

علم‌دوستی مسلمانان به ویژه ایرانیان و علاقه آنان به یادگیری از دیگران، موجب شکل‌گیری نهضت ترجمه شد. از این‌رو، در زمان مأمون عباسی، مرکزی با عنوان «بیت‌الحکمه» برای ترجمه آثار از زبان‌های مختلف به زبان عربی به وجود آمد که زبده‌ترین مترجمان آن را ایرانیان تشکیل می‌دادند.

یک توضیح

کتابخانه صاحب

به همت صاحب‌بن‌عباد وزیر ادیب و دانشمند آل‌بویه، کتابخانه‌ای بزرگ در ری شکل گرفت. فهرست کتاب‌های آن کتابخانه را مشتمل بر ده جلد دانسته‌اند. پیش از صاحب، فرمانروایان و وزیران معمولاً کتاب‌های خود را در گنجینه‌ای می‌نهادند و دانش‌طلبان و شیفتگان کتاب را از مطالعه آنها محروم می‌کردند، اما صاحب، کتابخانه خود را بر روی دانش‌پژوهان و عموم طالبان علم گشود.

سلسله‌های طاهریان، علویان طبرستان، سامانیان و آل‌بویه، توجه و اهتمام ویژه‌ای به توسعه سوادآموزی و پیشرفت علمی داشتند. مدارس و کتابخانه‌های زیادی به فرمان امیران و یا به همت وزیران فرهنگ‌پرور این سلسله‌ها به وجود آمد.

تأسیس مدارس نظامیه در شهرهای مختلف توسط خواجه نظام‌الملک در عصر سلجوقی، بسیاری از بزرگان سیاسی، مذهبی و علمی را ترغیب به برپایی مدارس مشابه کرد.

جست و جو کنید که مدرسه‌های نظامیه در چه شهرهایی تأسیس شد و دو نفر از استادان آن مدارس را نام ببرید.

فعالیت

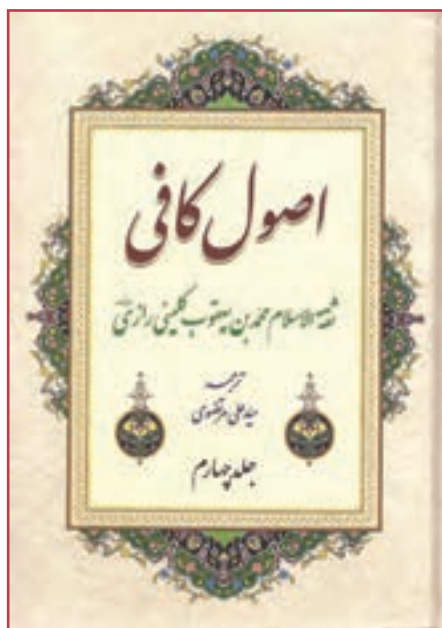
پس از فروکش کردن ویرانگری‌های آغازین مغولان و تیموریان، مدارس و مراکز علمی متعددی در ایران شکل گرفت که برخی از آنها را امرا و بزرگان مغولی و تیموری به تشویق دانشمندان و دیوان‌سالاران ایرانی بنیان نهادند. رصدخانه مراغه و ربع‌شیدی تبریز از جمله مراکز علمی و آموزشی معروف دوران حکومت ایلخانان بودند. در سده نهم هجری، مدارس و مراکز علمی و آموزشی شهرهای هرات (پایتخت تیموریان) و سمرقند، شهرت بسیاری داشتند و طالبان علم و معرفت را از نقاط مختلف جذب خود کردند.

معارف دینی (فقه، حدیث، تفسیر و کلام) :
 مسلمانان تلاش می‌کردند که راه و رسم زندگی فردی و جمعی خود را با قرآن و سنت پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام مطابقت دهند. بنابراین، نیاز آنان برای مراجعه به قرآن، موجب پیدایش علم تفسیر شد و ضرورت رجوع آنان به گفتار و رفتار پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام، دانش حدیث را پدید آورد. همگام با حدیث و تفسیر، علم فقه نیز به منظور استنباط احکام دین به وجود آمد. ضرورت دفاع عقلی از باورهای دینی و پاسخ‌گویی به شبهات مخالفان، سبب شکل‌گیری علم کلام شد. عالمان ایرانی نقش بسزایی در تدوین، پیشرفت و تکامل معارف اسلامی داشتند.

مفسران، محدثان و فقیهان برای دسترسی به دانش مورد نظر، نیازمند آگاهی‌هایی در حوزه‌های دیگر به ویژه زبان و ادبیات عرب بودند. در حوزه دانشی زبان و ادبیات عرب نیز ایرانیان پیشگام و سرآمد بودند.



تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) فخررازی



اصول کافی کلینی



من‌لایحضره الفقیه شیخ صدوق

محدثان، فقیهان، مفسران، متکلمان و ادیبان ایرانی

علم	عالم، دانشمند	اثر، ابداع، ابتکار و خلاقیت
فقه و حدیث	محمدبن اسماعیل بخاری محمدبن حسن طوسی (شیخ طوسی)	مؤلف کتاب صحیح بخاری یکی از مجموعه های حدیثی معتبر اهل سنت مؤلف دو کتاب از کتب اربعه شیعه با عنوان: تهذیب الاحکام و الاستبصار
تفسیر	محمدبن جریر طبری شیخ طبرسی	نویسنده یکی از نخستین تفاسیر قرآن با عنوان جامع البیان نویسنده تفسیر معروف با عنوان مجمع البیان
کلام	ابوحامد غزالی خواجه نصیرالدین توسی	نویسنده کتاب الاقتصاد فی الاعتقاد نویسنده کتاب تجرید الاعتقاد
ادبیات عرب	ابن مقفع سبویه	پیشرو نشر عربی مرسل، نویسنده کتاب‌های ادب الصغیر و ادب الکبیر و مترجم آثاری از زبان بهلوی به عربی مانند کلیله و دمنه پیشرو علم دستور زبان عربی (قواعد صرف و نحو)

فلسفه: توصیه مکرر قرآن به تفکر و تعقل و ترجمه آثار فلسفی از زبان‌های مختلف به عربی، زمینه‌ساز شکل‌گیری و پیشرفت چشمگیر علم فلسفه در حوزه تمدن ایرانی – اسلامی شد. ابونصر محمد فارابی یکی از نام‌آورترین فیلسوفان ایرانی، مکتب فلسفی منسجمی را در چارچوب جهان بینی اسلامی ارائه کرد که اندکی بعد با ابوعلی سینا، فیلسوف بزرگ ایرانی به کمال رسید.

مشهورترین فیلسوفان مسلمان ایرانی در سده‌های سوم تا هفتم هجری

ابونصر محمد فارابی (معلم ثانی)	نوشتن شرح‌هایی بر آثار ارسطو فیلسوف یونانی
ابوالحسن عامری	نگارش کتاب‌های السعادة و الاسعاد و الاعلام بمناقب الاسلام
ابن سینا	نگارش کتاب فلسفی شفا
ابن مسکویه رازی	نویسنده کتاب‌های: الفوز الاکبر، حکمت خالده (جاویدان خرد)، السعادة و...
خواجه نصیرالدین توسی	نگارش کتاب شرح اشارات ابن سینا

جدول زیر را با راهنمایی دبیر خود کامل کنید.

کتاب	مورخ
.....	محمد بن جریر طبری
تاریخ بیهقی
.....	ابن مسکویه رازی
.....	ابن فندُق (علی بن زید بیهقی)
جهانگشای جوینی
.....	خواجه رشیدالدین فضل‌الله
روضه الصفا

بردند؛ آثار رازی و ابن‌سینا،^۱ نابغه‌های تاریخ پزشکی جهان، تا سال‌ها در مدارس و دانشکده‌های پزشکی اروپا تدریس می‌شد.

جست و جو کنید کدام فیلسوف معروف به معلم اول بود؟

فایز

تاریخ: توصیه و تأکید قرآن به مطالعه و بررسی زندگی گذشتگان و عبرت‌آموزی از سرنوشت آنان و همچنین ضرورت شناخت سیره و سنت پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام، موجب توجه مسلمانان به تاریخ و رونق چشمگیر علم تاریخ شد. در فاصله سده‌های سوم تا دهم هجری ده‌ها عنوان کتاب تاریخی به زبان‌های فارسی و عربی توسط مورخان ایرانی نوشته شد.

پزشکی: حفظ بهداشت و سلامت و مداوای بیماران، بدون دانش پزشکی ممکن نبود. ایرانیان مسلمان در دانش پزشکی و داروسازی، پیشرفت و موفقیت‌های خیره‌کننده‌ای کسب کردند. افزون بر مسلمانان، اروپائیان نیز از دستاوردهای علم پزشکی ایرانیان مسلمان بهره

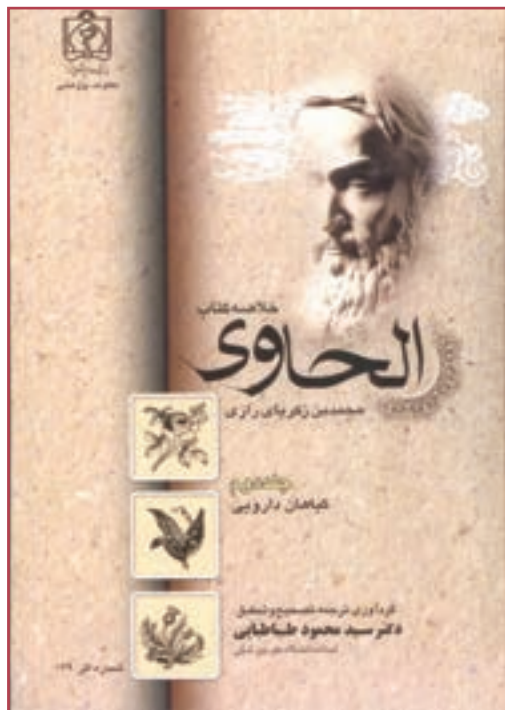
۱- حاوی و قانون عنوان‌های دو کتاب معروف در علم پزشکی هستند که به ترتیب توسط رازی و ابن سینا نوشته شدند.

بودند. بیمارستان عَصْدی بغداد که به دستور عضدالدوله، فرمانروای آل بویه، ساخته شد از آن جمله است.

در ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی بیمارستان‌هایی وجود داشت که دارای بخش‌هایی برای تربیت پزشکان



ابوعلی سینا



ریاضی‌دانان و منجمان مشهور ایرانی در سده‌های دوم تا نهم هجری

ابوجعفر محمدبن موسی خوارزمی	پدر علم جبر، حل معادله‌های خطی و درجه دوم، تغییر عددنویسی رومی به هندی و عربی
ابوالوفای جوزجانی	نقش بسزایی در پیشرفت دانش مثلثات داشت و در نجوم نیز متبحر بود.
ابوریحان بیرونی	نگارش کتاب‌های قانون مسعودی و التفهیم فی اوائل صناعة التنجیم، علاوه بر نجوم در ریاضیات، تاریخ و جغرافیا نیز مقام شامخ داشت.
عمر خیام	علاوه بر ریاضیات و نجوم در فلسفه نیز تبحر داشت. صاحب آثار علمی متعددی است و اصلاح تقویم جلالی یکی از کارهای اوست.
غیاث‌الدین جمشید کاشانی	مخترع روش‌های کنونی چهار عمل اصلی، محاسبه عدد p با دقت زیاد، دسته‌بندی معادلات

ریاضیات : ریاضیات از جمله علوم کاربردی بود که در تمدن ایرانی - اسلامی پیشرفت فوق‌العاده‌ای کرد. مسلمانان برای انجام فعالیت‌های مختلف نیازمند دانش ریاضی بودند که بتوانند محاسبات عددی و هندسی دقیق را انجام دهند. محمدبن موسی خوارزمی، ابوالوفای جوزجانی و غیاث‌الدین جمشید کاشانی بزرگ‌ترین ریاضی‌دانان ایرانی مسلمان بودند که ابداعات و اکتشافات مهمی در علم ریاضی به نام آنان ثبت شده است.

نجوم: تشخیص جهت قبله، تعیین اوقات شرعی از جمله وقت نماز، تشخیص زمان شروع و پایان ماه‌های قمری و تدوین گاه‌شماری (تقویم)، به دانشی دقیق درباره آسمان و وضعیت و حرکت ستارگان و سیارگان احتیاج داشت. ابوریحان بیرونی و عمر خیام سرشناس‌ترین منجمان ایرانی بودند که در علم ریاضی نیز مهارت و تبحر داشتند.



حالت‌های مختلف ماه در هنگام خسوف در کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم اثر ابوریحان بیرونی



أسطرلاب، وسیله‌ای برای اندازه‌گیری در نجوم که مورد استفاده منجمان ایرانی بوده است.

جغرافیا: دانش جغرافیا به دلیل کاربردهای مختلف مورد توجه مسلمانان قرار گرفت. آنان برای شناسایی محدوده سرزمین‌ها، آبادی‌ها و شهرهای اسلامی، تعیین حدود مناطق مالیاتی و شناخت راه‌ها، نیازمند اطلاعات جغرافیایی دقیق و کاملی بودند. جغرافی‌دانان مسلمان ایرانی از طریق مطالعه، تحقیق و مسافرت، موفق شدند آثاری درباره جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی ایران و سرزمین‌های دور و نزدیک تألیف کنند.^۱ حمدالله مستوفی، جغرافی‌دان برجسته سده‌های هفتم و هشتم هجری کتاب ارزشمند نزهة القلوب را در جغرافیای طبیعی، تاریخی، انسانی و اقتصادی ایران و دیگر سرزمین‌ها نوشت.

هنر و معماری

معماری و هنر ایران در دوران اسلامی در ادامه معماری و هنر دوره باستان بود و معماران و هنرمندان ایرانی این دوره، میراث و سنت‌های معماری و هنری ایران باستان را تداوم و تکامل بخشیدند. آنان با تکیه بر تجربه و دستاوردهای گذشته و متناسب با ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی، نبوغ و استعداد خود را در خلق آثار معماری و هنری بروز دادند.

معماری: مساجد یکی از جلوه‌های مهم معماری ایرانی-اسلامی هستند. مسجد جامع فهرج یزد و مسجد تاریخانه دامغان که در قرن نخست هجری بنا شده‌اند، نشانی از معماری دوره ساسانی دارند. در سده‌های بعد مساجد بزرگی در شهرهای مختلف ایران ساخته شد که در ظرافت و زیبایی بی‌همتا بودند و شکوه و عظمت معماری ایرانی-اسلامی را متجلی کردند.

۱- تعدادی از جغرافی‌دانان مسلمان ایرانی در سده‌های دوم تا چهارم هجری مانند ابن‌خردادبه، جیهانی و اصطخری آثار جغرافیایی خود را تحت عنوان المسالك والممالک

نوشتند.

جست و جو کنید و جدول زیر را کامل نمایید.

نام مسجد	مسجد جامع اصفهان	مسجد جامع ورامین	مسجد جامع یزد	مسجد گوهرشاد مشهد	مسجد کبود تبریز
دوره ساخت					

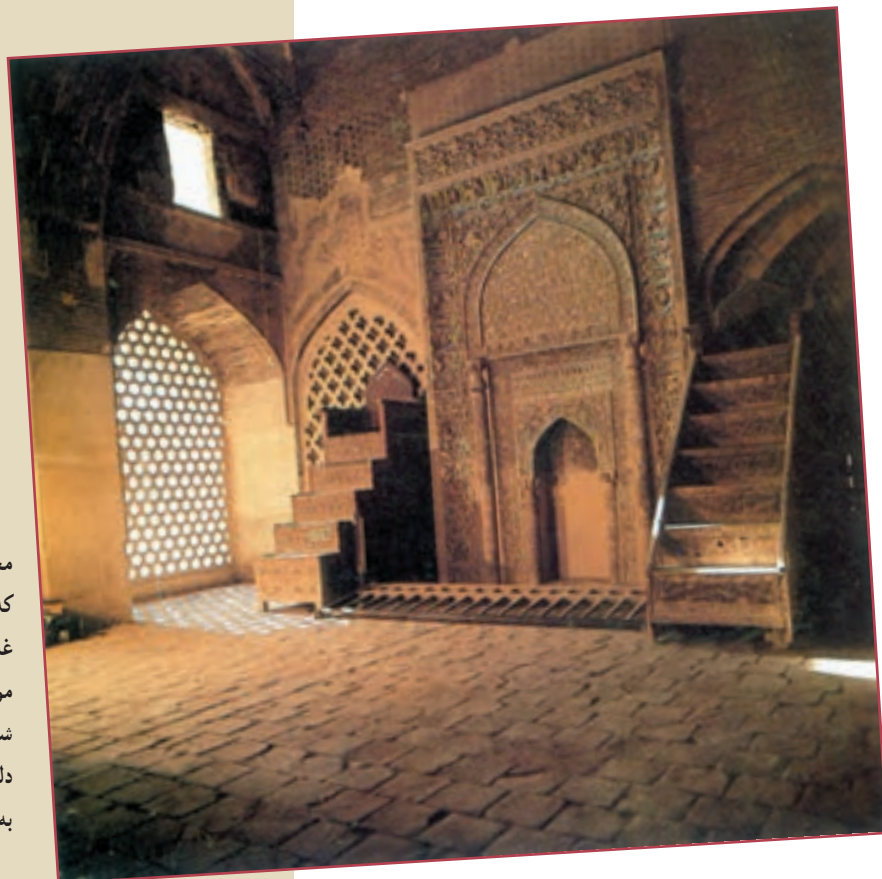
در جهان اسلام به شمار می‌روند. همچنین با تلاش و همت معماران ایرانی در دوره اسلامی، بناهای عمومی مانند مدرسه، کتابخانه، بازار، حمام، پل، کاروانسرا، برج (میل) و ساختمان‌های حکومتی چون کاخ‌ها و قلعه‌ها در شهرها و مناطق ایران ساخته شد.

آرامگاه‌ها و بناهای یادبود، جلوه شکوهمند دیگری از میراث معماری ایرانی - اسلامی به شمار می‌روند. مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا، گنبد قابوس (آرامگاه قابوس بن وشمگیر زیاری) و گنبد سلطانیه (آرامگاه ایلخان اولجایتو) نمونه‌های باشکوه معماری



مسجد جامع یزد، که در قرون ششم تا هشتم هجری ساخته شده است، از جمله شاهکارهای معماری و هنر اسلامی است. در تصویر سمت چپ همچنین گنبد بقعه سید رکن الدین یزدی دیده می‌شود. سید رکن الدین از عارفان و عالمان قرن هشتم هجری است. او موقوفات بسیاری را برای اداره این بقعه و تشکیل مجالس درس در آن اختصاص داده بود. وقف‌نامه او تا زمان حاضر باقی مانده است.

محراب الجایتو در مسجد جامع اصفهان. این محراب که در زمان سلطان محمد الجایتو (برادر و جانشین غازان خان) ساخته شده یکی از زیباترین گنج‌بری‌های موجود در ایران می‌باشد. این محراب در زمانی ساخته شده که الجایتو شیعه شده بود (۷۱۰ ق). به همین دلیل یکی از آثار تاریخی در تاریخ تشیع در ایران به شمار می‌آید.



سفالگری : هنر سفالگری ایران که پیشینه

آن به قرن ۸ ق.م. می‌رسد، در دوره اسلامی تنوع و کاربرد بیشتری یافت. در این دوره، سفال‌های لعاب‌دار و بی‌لعاب متداول بود و از جهت شیوه‌های تزئین در سفالگری، تحول بزرگی رخ داد. ظرف‌های معروف به زرین فام یا طلائی، مشهورترین سفالینه‌های دوران اسلامی هستند.

کاشی‌کاری : کاربرد کاشی در بناهای

دوره اسلامی از سده ۵ ق. گسترش یافت و معماران ایرانی علاقه‌مند شدند بناهای مذهبی از جمله مساجد را با کاشی تزئین کنند. اوج هنر کاشی‌کاری را می‌توان در بنای مسجد کبود تبریز (سده ۹ ق) مشاهده کرد. ری و کاشان از مراکز مهم کاشی‌سازی ایران در دوران اسلامی بودند.



مسجد کبود تبریز



ظرف برنجی تزیین شده با طلا و نقره. این ظرف در قرن نهم هجری در هرات ساخته شده است.



شمعدان برنجی با نوشته‌ها و نقوش طلایی و نقره‌ای مربوط به قرن هشتم هجری

فلزکاری، بافندگی، تذهیب (کتاب‌آرایی)، شیشه‌گری، نقاشی و نگارگری، خوش‌نویسی و... از جمله دیگر جلوه‌های برجسته هنر ایرانیان در دوران اسلامی به شمار می‌روند. هنرمندان ایرانی در هر یک از آن رشته‌ها، ابداعات و ابتکارات بدیع و شگفت‌انگیزی خلق کردند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- روند انتقال میراث سیاسی و اداری ایران باستان را به دوره اسلامی به اختصار توضیح دهید.
- ۲- وظایف و اختیارات وزیر را در نظام حکومتی ایران دوره اسلامی بنویسید.
- ۳- وضعیت زبان فارسی در قرون نخست هجری چگونه بود؟
- ۴- حکومت سامانی چه نقش و سهمی در تقویت زبان و ادب فارسی داشت؟
- ۵- وضعیت مدارس و مراکز علمی را در دوران مغول و تیموری شرح دهید.
- ۶- چه عواملی موجب توجه و علاقه مسلمانان به علم تاریخ شد؟
- ۷- دلایل گسترش و پیشرفت علم نجوم در فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی چه بود؟

اندیشه و جست و جو

با راهنمایی دبیر خود به کتاب‌های مرجع رجوع کنید و جدول زیر را تکمیل کنید.

عالم و دانشمند	محل تولد و وفات	محل تحصیل	محل تحقیق، تألیف و تدریس	مهارت و تخصص	دوره زندگانی
محمد بن جریر طبری					
شیخ طوسی					
فارابی					
ابوریحان بیرونی					
حمدالله مستوفی					

اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران (از ورود اسلام تا تأسیس حکومت صفوی)

مقدمه

اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران از سده اول تا دهم هجری تحت تأثیر ورود اسلام و تحولات سیاسی و نظامی دچار تغییر و دگرگونی شد. در این درس وضعیت و شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران مذکور بررسی می‌شود.

اوضاع اجتماعی

خارجی قرار گرفته است که شدیدترین آنها، یورش ویرانگر صحراگردان آسیای مرکزی به سرکردگی چنگیز و تیمور در سده‌های هفتم و هشتم هجری بود. این یورش‌ها، ضربات سنگینی بر پیکره جامعه ایران وارد کرد. قتل‌عام‌های هولناک و غارت و تخریب گسترده شهرها و روستاها، آثار و نتایج ناگواری چون کاهش جمعیت، آوارگی و سرخوردگی اجتماعی را به دنبال داشت. با این حال، مردم ایران به پشتوانه تجربیات تاریخی خویش توانستند بر مشکلات غلبه کنند و بار دیگر رونق و آبادانی را به ایران بازگردانند. ایرانیان به اتکای فرهنگ غنی خود دست به کار بزرگی زدند و نوادگان چنگیزخان مغول و فرزندان تیمور را چنان پرورش دادند که به جای قتل، غارت و ویرانی، پشتیبان و مشوق عمران، علم و هنر شدند.

ورود اسلام به ایران، آثار و پیامدهای اجتماعی مهمی داشت. دین اسلام، از یک سو با شعار برابری و برادری، موانع و محدودیت‌های اجتماعی رایج در دوره ساسانی مانند محرومیت عامه مردم از پیشرفت و دستیابی به مشاغل و مدارج عالی را از میان برداشت و از سوی دیگر بر تحرک و پویایی جامعه ایرانی افزود. مردم ایران پس از آنکه به تدریج اسلام آوردند، وارد عرصه گسترده‌ای از فعالیت‌های مختلف فکری، علمی، اقتصادی و سیاسی در قلمرو پهناور اسلامی شدند. بدین گونه موقعیت و منزلت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایرانیان ارتقا یافت.

سرزمین ایران در طول تاریخ بارها هدف حمله‌های

شهر و شهرنشینی

این دوران، علاوه بر بسیاری از شهرهای کهن که آباد و گسترده‌تر شدند، شهرهای جدیدی نیز به وجود آمد و جمعیت شهرنشین افزایش قابل توجهی پیدا کرد. اگرچه شهرهای زیادی در جریان هجوم چنگیز و تیمور ویران شدند، اما پس از آنکه جانشینان چنگیز و تیمور، تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، به عمران و آبادانی روی آوردند، زندگی شهری دوباره رونق گرفت.

سه شیوه زندگی شهری، روستایی و ایلی و عشایری در ایران پیشینه کهنی دارند. در عصر باستان به ویژه دوره ساسانی، شهرهای زیادی در ایران شکل گرفتند. در دوران اسلامی و به خصوص از سده سوم تا هفتم هجری به علت توسعه فعالیت‌های بازرگانی و رونق پیشه‌وری، شهرنشینی رشد چشمگیری یافت. در

با مرور درس‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ جدول زیر را کامل کنید.

سلسله‌ها	صفاریان	سامانیان	آلبویه	سلجوقیان	ایلخانان	تیموریان
شهرهای مهم						

فعالیت

فکر کنید و پاسخ دهید:

در شهر محل سکونت شما آیا محله‌هایی وجود دارد که به نام یکی از فرقه‌های مذهبی یا صنف‌های پیشه‌وری معروف باشد؟ نام ببرید.

دانشمندان بزرگ و بازرگانان سرشناس از جایگاه سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای در شهرهای ایران، برخوردار بودند. شمار زیادی از شهرنشینان را صنعتگران و پیشه‌وران تشکیل می‌دادند. آنان به حرفه‌های مختلف مانند سفالگری، آهنگری، بافندگی، نجاری و... اشتغال داشتند. پیشه‌وران بر اساس حرفه و پیشه خود صنف‌های مختلفی را پدید آورده بودند. اعضای هر صنف از میان خود فردی را به عنوان ریش‌سفید و رئیس

شکل شهرهای ایرانی-اسلامی تحت تأثیر عوامل سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی قرار داشت. ارگ یا کهن‌دژ، مسجد جامع و مدارس، بازار و محله‌های شهری، اجزا و عناصر اصلی شهرهای ایران را در دوران اسلامی تشکیل می‌دادند. ارگ محل سکونت و فعالیت حاکم بود؛ مسجد جامع و مدارس نیز کانون فعالیت عالمان و طلاب علوم دینی و بازار مرکز فعالیت بازرگانان و پیشه‌وران بودند. در اغلب شهرها، این مراکز بر گرد میدان مرکزی و اصلی شهر قرار داشتند و محلات شهری پیرامون آنها واقع شده بودند. پیروان مذاهب مختلف اسلامی، اقلیت‌های دینی و اصناف هر کدام دارای محله خاص خود بودند. معمولاً هر محله مسجد، بازارچه و گرمابه جداگانه‌ای داشت.

حاکم، مقامات بلند پایه کشوری (دیوان‌سالاران) و لشکری (فرماندهان نظامی)، پیشوایان مذهبی، عالمان و

لباس ایرانیان باستان ترکیبی از کلاه، پیراهن، شنل (بالاپوش)، شلوار، دامن، قبا، کفش و کمر بند بود که در طرح و رنگ‌های مختلف و با تزیین‌های متنوع دوخته می‌شد. آثار و شواهد باقیمانده از آن دوره، مانند نقش برجسته‌ها دلالت بر آن دارد که یک ویژگی شاخص پوشاک ایرانی، پوشش بدن بوده است.

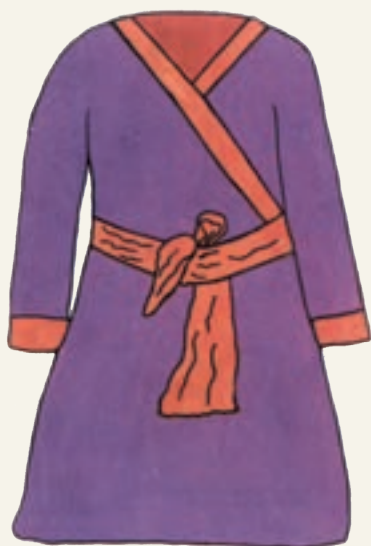
پس از سقوط ساسانیان، مردم ایران همچنان لباس‌های سنتی خود را می‌پوشیدند. تقریباً بیشتر گونه‌های مختلف لباس‌های ایرانی که در عصر باستان رایج بود در دوره اسلامی نیز رواج داشت و حتی اعراب و دیگر مهاجران به ایران نیز به پوشیدن لباس‌های ایرانی علاقه‌مند شدند.

صنف برمی‌گزیدند. همچنین شخصی از پیشکسوتان صنف به عنوان استاد کار تعیین می‌شد. هر یک از اصناف در بازار شهر، مکان و یا راسته‌ای مخصوص خود داشتند. اصناف تحت نظارت مقام‌های شهری مانند محتسب، داروغه و کلاتر فعالیت می‌کردند.

پوشاک

پوشاک، یکی از نمادهای مهم هویت هر جامعه است و ارتباطی تنگاتنگ با باورهای مذهبی، ارزش‌ها، فرهنگ، جغرافیا، اقلیم، نوع معیشت و حس زیبانشناختی آن جامعه دارد.

مردم ایران از دوره باستان، پوشاک خود را از پارچه‌های ابریشمی و پشمی تولید خود تهیه می‌کردند.



نمونه لباس مردان دوره صفاری^۱



نمونه لباس مردان دوره سامانی



نمونه لباس زنان دوران صفاری و سامانی

۱- مأخذ: تاریخ پوشاک ایرانیان: از ابتدای اسلام تا حمله مغول، تألیف محمدرضا جیت‌ساز، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

بافندگی

هنر و صنعت بافندگی (نساجی) ایران در دوران اسلامی پر رونق بود و مردم شهرهای مختلف در بافت انواع پارچه‌های ساده و پر نقش و نگار نخی، کتانی، ابریشمی، زربفت و پشمی، هنر و مهارت خاصی داشتند. شهرهای خوزستان از مراکز مهم صنعت بافندگی بودند و مردم شوشتر در بافت پارچه‌های ابریشمی و نخی، معروف عام و خاص بودند و دیبای شوشتری شهرتی جهانی داشت. در خوارزم، طبرستان، فارس، آذربایجان و توس نیز پارچه‌های مرغوبی تولید می‌شد.

گروه‌های اجتماعی و شغلی مانند درباریان، دیوانیان، قاضیان، روحانیان، بازرگانان، لشکریان، پیشه‌وران و اصناف، دارای پوشش متفاوتی بودند و هر یک از آنها لباس مخصوص خود را می‌پوشیدند. لباس خلفا، شاهان و امیران از پارچه‌های مرغوب و گران‌قیمت مانند دیبای شوشتری و پارچه‌های زربفت فارس تهیه می‌شد. اقلیم‌های متعدد جغرافیایی نیز تأثیر بسیاری بر نوع پوشاک مردم از جهت جنس، شکل، رنگ و طرح داشته است.



نمونه لباس بازرگانان دوره غزنوی و سلجوقی^۱

۱- مأخذ: همان

لباس‌های رنگارنگ

یکی از ویژگی‌های پوشاک ایرانی تنوع رنگ بوده است. به طور معمول رنگ‌های سفید، سرخ، زرد، ارغوانی و سبز نماد شادی و سرور محسوب می‌شدند. در این میان، نوع کاربرد دو رنگ سفید و سیاه در فرهنگ ایرانی - اسلامی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت بوده است. در برخی جاها و دوره‌ها، لباس سیاه، به عنوان رنگ عزا و ماتم قلمداد می‌شد؛ در عصر آل بویه همانند امروز در هنگام سوگواری جامه سیاه می‌پوشیدند؛ اما در زمان‌ها و محل‌هایی نیز لباس سفید نشانه ماتم بود و آن‌گونه که بیهقی در کتاب خود اشاره می‌کند، در مراسم سوگواری امیرمسعود غزنوی و خلیفه القادر بالله عباسی، لباس عزاداران سفید بود.

اوضاع اقتصادی

کشاورزی ایران از سقوط ساسانیان تا تشکیل

حکومت صفوی، دوره‌هایی از رونق و آبادانی و رکود و ویرانی را پشت سر گذاشت. حمله اعراب و سپس یورش‌های ویرانگر بیابانگردان آسیای مرکزی، آسیب فراوانی به کشاورزی و کشاورزان ایران وارد کرد؛ صحراگردانی که به سرزمین ما یورش آوردند، با زندگی یکجانشینی سازگاری نداشتند و باعث تخریب و نابودی مزارع کشاورزی، قنات‌ها و شبکه‌های آبیاری شدند.

کشاورزی: در ایران دوران اسلامی همچون عصر باستان، کشاورزی مهم‌ترین فعالیت اقتصادی بود و کشاورزان و روستاییان بخش عمده جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. فعالیت‌های کشاورزی (زراعت و باغداری) نه تنها در روستاها، بلکه در حومه و اطراف شهرها نیز رواج و رونق داشت. کشاورزان ایرانی در شرایط عادی بیشتر از نیاز داخلی تولید می‌کردند و مازاد بر مصرف را به سرزمین‌های دیگر صادر می‌نمودند.



بند امیر در فارس. این بند (سد) در دوره آل بویه (عضدالدوله) ساخته شده است.

البته در فاصله آن جنگ‌ها و یورش‌های خانمان‌سوز، دوره‌هایی از صلح، ثبات و آرامش نیز وجود داشت که کسب و کار به‌خصوص کشاورزی رونق می‌گرفت. در چنین دورانی به‌طور معمول امور کشور در دست حاکمان و وزیران با کفایت و کاردانی بود که به آبادانی و عمران به‌ویژه کشاورزی و کشاورزان اهمیت می‌دادند. برای نمونه طاهریان به کشاورزی و آبیاری توجه داشتند. در دوران حکومت آنها قنات‌های بسیاری در خراسان دایر بود و به دستور عبدالله بن طاهر (امیر طاهری) کتابی در باره قنات و چگونگی استفاده از آن تدوین شد.^۱ در عصر زمامداری سامانیان، آل‌بویه و سلجوقیان کشاورزی رونق خوبی داشت. ایلخانان مغول نیز پس از مدتی، تحت تأثیر عالمان دیوان‌سالاران ایرانی، در صدد جبران ویرانی‌های اجداد خود برآمدند. در دوره حکمرانی غازان‌خان اقداماتی برای مرمت شبکه‌های آبیاری و اصلاح قوانین و مقررات مالی صورت گرفت.

در دوره اسلامی نیز همچون عصر باستان، کشاورزان عموماً مالک زمین نبودند. عمده زمین‌های کشاورزی متعلق به دیوان و در تصاحب فرمانروایان، اعضای خاندان‌ها و مقام‌های حکومتی بود. همچنین زمین‌های وقفی نیز بخش قابل توجهی از اراضی کشاورزی را تشکیل می‌دادند. کشاورزان بر روی این زمین‌ها زراعت می‌کردند و سهمی از محصول به آنان تعلق می‌گرفت. یکی از پدیده‌های رایج در این دوره، واگذاری زمین‌های دیوانی به صاحب‌منصبان نظامی و دیوانی، اعضای خاندان حکومتی و ... در ازای خدمت و یا پاداش بود.^۲

دامداری: در کنار کشاورزی، دامپروری نیز توسط روستاییان و عمدتاً عشایر و قبایل کوچ‌نشین که بخش قابل توجهی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند، انجام می‌شد. با ورود اقوام ترک و سپس مغولان که زندگی آنان وابستگی زیادی به نگهداری دام داشت، دامپروری رونق بیشتری یافت.

بازرگانی: موقعیت جغرافیایی ایران از عهدباستان، زمینه‌ساز رونق و شکوفایی بازرگانی داخلی و خارجی بود؛ زیرا میهن ما همچون پلی، شرق و غرب جهان آن روزگار را به یکدیگر متصل می‌کرد. ایران همچنین از طریق خلیج فارس و دریای عمان به آب‌های



میل خسرو جرد در نزدیکی سبزوار؛ درباره کارکرد و اهمیت میل چه می‌دانید؟

۱- به دلیل توجه خاص طاهریان به قنات و آبیاری، بعدها قنات‌های کهن را در خراسان، قنات طاهری می‌خواندند.

۲- واگذاری املاک و زمین تحت عناوینی چون اقطاع، سیورغال و ثبوت انجام می‌گرفت.

سرزمین‌ها را در اختیار خود گرفتند. بازرگانان ایرانی در سده‌های نخست هجری از شرق و جنوب شرق آسیا تا شمال آفریقا و اروپا در حال داد و ستد بودند. در آن دوران خلیج فارس و بنادر ایرانی آن از جمله بندر معروف سیراف^۳ به یکی از کانون‌های مهم تجارت داخلی و خارجی تبدیل شدند. این بازرگانان سهم بسزایی در نشر و ترویج اسلام و فرهنگ ایرانی در سرزمین‌های دور و نزدیک و انتقال تجارب ملت‌های دیگر به ایران داشتند. شکوفایی تجارت در سده‌های نخست هجری، موجب گسترش شهرها و رشد شهرنشینی و پیشه‌وری در ایران شد.

آزاد دسترسی داشت. از این‌رو، اصلی‌ترین راه‌های بین‌المللی زمینی و دریایی از کشور ما عبور می‌کردند که مهم‌ترین آنها جاده ابریشم^۱ و راه ادویه^۲ بودند. (به نقشه جاده ابریشم در صفحه ۷۵ نگاه کنید.)

پس از آنکه مسلمانان در سده اول هجری امپراتوری پهنآوری را تشکیل دادند که از مرزهای هندوستان و چین تا مدیترانه و مرزهای امپراتوری روم شرقی گسترش یافت، بازرگانی داخلی و بین‌المللی به سرعت رشد کرد. ایرانیان که دارای تجربه و مهارت کافی در امور بازرگانی و دریانوردی بودند، جریان تجارت سرزمین‌های مسلمان‌نشین با دیگر



کاروانسرای (رباط) شرف، منزلگاهی در جاده ابریشم در حد فاصل مرو و نیشابور (نزدیکی سرخس کنونی) که در دوره سلجوقی بنا شده است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چه ارتباطی میان راه‌ها، شهرها و بازرگانی وجود داشته است؟

- ۱- جاده‌ای که از شرق چین شروع می‌شد و پس از عبور از خاک آن کشور از شمال شرقی وارد ایران می‌شد و با عبور از ایران به اروپا و آفریقا می‌رسید. از آنجایی که ابریشم ارزشمندترین کالایی بود که از طریق این جاده حمل می‌شد به راه ابریشم معروف شد.
- ۲- مسیری که از هند شروع می‌شد و پس از گذشتن از نواحی جنوبی ایران در میان رودان به جاده ابریشم می‌پیوست.
- ۳- بندری باستانی در استان بوشهر که آثار آن در مجاورت بندر طاهری قرار دارد.

در دوران سلجوقی و به ویژه عصر ملکشاه و خواجه نظام‌الملک نیز فعالیت‌های بازرگانی پر رونق بود، زیرا سرزمین‌های وسیعی از ماوراءالنهر تا شام تحت حاکمیت قدرت یکپارچه‌ای درآمدند و امنیت و آرامش مناسبی در مسیرهای تجاری برقرار شد. هجوم ویرانگر مغولان برای مدتی تجارت را مختل کرد، اما با استقرار امپراتوری مغول در شرق آسیا و سپس تأسیس حکومت ایلخانی در ایران و برقراری مناسبات سیاسی با کشورهای اروپایی، شرایط برای توسعه روابط بازرگانی در محدوده وسیعی از جهان آن روز فراهم آمد. تبریز، پایتخت ایلخانان، در آن عهد یکی از مراکز مهم مبادلات تجاری میان آسیا و اروپا بود. در عصر تیموریان نیز با فروکش کردن یورش‌های هولناک تیمور، بار دیگر تجارت رونق گرفت.

مالیات و مالیات‌گیری: گرفتن مالیات برای تأمین هزینه‌های عمومی در ایران پیشینه کهنی دارد. خواندید که داریوش بزرگ هخامنشی امور مالیاتی را انتظام بخشید و خسرو انوشیروان پادشاه ساسانی نیز نظام مالیاتی را

اصلاح کرد.

اعراب مسلمان پس از کشورگشایی، از تشکیلات و مقررات مالیاتی سرزمین‌های فتح شده از جمله ایران استفاده کردند. خراج و جزیه مهم‌ترین و اصلی‌ترین مالیات‌های دوره اسلامی بودند. در این دوران به مرور زمان بر اثر گسترش فعالیت‌های اقتصادی و تلاقی نظام‌های مالیاتی مختلف، بر تنوع مالیات‌ها افزوده شد. در عهد مغولان و تیموریان ده‌ها نوع مالیات رایج بود.

خراج^۱ مالیاتی بود که بر زمین‌های کشاورزی وضع می‌شد و یکی از منابع عمده درآمد حکومت در ایران از عصر باستان تا دوره قاجار بود. اهمیت و نقش این مالیات چنان بود که هرگاه حاکمی از تنظیم امور خراج باز می‌ماند و ترتیب منظمی برای وصول آن اتخاذ نمی‌کرد، اوضاع کشور مختل و نابسامان می‌شد.

میزان خراج و کیفیت گرفتن آن در دوره‌های مختلف تاریخی، متفاوت بود. خراج به صورت جنسی یا نقدی دریافت می‌شد و مبنای محاسبه آن به روش‌های مختلفی بود.

یک توضیح

روش‌های محاسبه خراج

مُقاسمه: قسمتی از محصول کشاورزی به عنوان خراج گرفته می‌شد.

مُحاسبه: میزان خراج بر اساس وسعت زمین زراعی و بدون توجه به مقدار محصول برداشتی،

تعیین و دریافت می‌شد.

مُقاطعه: میزان ثابتی (نقدی یا جنسی) به صورت سالانه و بدون در نظر گرفتن مساحت و مقدار

محصول برداشتی، تعیین و گرفته می‌شد.

در روش محاسبه و مقاطعه حتی اگر زمین کشت نمی‌شد و یا در اثر خشکسالی محصولی عاید

نمی‌شد، خراج‌گزار ملزم به پرداخت خراج مقرر بود.

۱- واژه خراج از واژه فارسی خراگ اخذ شده است.

بودند. با گرویدن تدریجی اهل ذمه به دین اسلام، اهمیت و نقش جزیه در تأمین درآمد حکومت‌ها کاهش یافت. در درس ۱۹ خواندید که تصدی امور مالیاتی به عهده دیوان استیفا بود. چگونگی فعالیت این دیوان و نحوه برخورد مأموران یا محصلان مالیاتی با مالیات‌دهندگان در دوره‌های مختلف تاریخی فرق می‌کرد. اگرچه در فرهنگ ایرانی - اسلامی همواره به فرمانروایان و صاحب‌منصبان سفارش شده بود که نخست در پی عمران و آبادی باشند و سپس با عدل و انصاف مالیات‌ها را وصول کنند، اما برخی از صاحبان قدرت و محصلان مالیاتی توجهی به این نصایح نداشتند.

علاوه بر کشاورزان، صاحبان حرفه‌ها و مشاغل دیگر مانند دامداران، بازرگانان، پیشه‌وران و ... نیز ملزم به پرداخت مالیات یا عوارض خاص خود بودند. همچنین اقشار مختلف مردم به ویژه روستاییان و عشایر می‌بایستی به مناسبت و بهانه‌های گوناگون برای صاحب‌منصبان و نهادهای حکومتی خدماتی را به صورت مجانی (بیگاری) انجام دهند.

جزیه^۱، مالیات سرانه‌ای بود که بر اساس شریعت اسلامی از اهل ذمه گرفته می‌شد^۲ و مقدار آن برای توانگران، مردم متوسط و ضعیف متفاوت بود. زنان، کودکان، از کارافتادگان و تهیدستان از پرداخت آن معاف

یک توضیح

بخشی از نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر در باره خراج و خراج‌ستانی

در کار خراج نیکو نظر کن، به گونه‌ای که به صلاح خراجگزاران باشد. زیرا صلاح کار خراج و خراجگزاران، صلاح کار دیگران است و دیگران حالشان نیکو نشود، مگر به نیکو شدن حال خراجگزاران، زیرا همه مردم روزی خوار خراج و خراجگزارانند. ولی باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه زمین باشی، زیرا خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی. هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا بریدن [قطع] آب یا نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین، ... شکایت نزد تو آوردند، از هزینه و رنجشان بکاه، ... و کاستن از خراج بر تو گران نیاید، زیرا اندوخته‌ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد... که عدالت را در میانشان گسترده‌ای. . . . (نهج البلاغه، نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر)

متن یک توضیح را به دقت بخوانید و دو سفارش امام علی علیه السلام به مالک اشتر را در مورد خراج و خراجگزاران بیان کنید.



۱- جزیه عربی شده گزیت فارسی است.

۲- در عهد ساسانی، گزیت یا مالیات سرانه از عامه مردم گرفته می‌شد و خاندان سلطنتی، صاحب‌منصبان حکومتی، اشراف و بزرگان از پرداخت آن معاف بودند.

آشوب و کشمکش‌های سیاسی حکمفرما و قدرت مرکزی متزلزل می‌شد و یا هنگامی که بیگانگان به کشور یورش می‌آوردند، وضعیت تغییر می‌کرد؛ در چنین اوضاعی، مردم مورد ظلم و تعدی قرار می‌گرفتند و مجبور به پرداخت مالیات‌های گزاف و نامتناسب بودند. همچنین به دلیل دست به دست شدن سریع قدرت، چه بسا امکان داشت که در سال بیش از یک بار مالیات گرفته شود.

بررسی‌های تاریخی بیانگر آن است که هر گاه حکومت مرکزی ثبات داشته و حاکمان و وزیرانی آینده‌نگر، کاردان و لایق بر سر کار بودند، اوضاع کشور بسامان و فعالیت دیوان استیفا و امور مالیاتی مرتب و منظم بوده است. در چنین شرایطی، مالیات‌دهندگان نیز در آسایش و رفاه نسبی بسر می‌بردند و حتی گاهی به سبب خشکسالی و یا بروز بلاای دیگر، مشمول عفو و بخشودگی مالیاتی نیز می‌شدند؛ بر عکس، در شرایطی که

یک توضیح

در خانه صاحبانش

طمع و حرص زمامداران در ثروت‌اندوزی، یکی از دلایل زیاده‌خواهی مأموران مالیاتی و اجحاف به مردم بوده است. علی بن عیسی بن ماهان که به فرمان هارون، خلیفه عباسی به جای فضل، پسر یحیی برمکی به حکومت خراسان منصوب شد، بیدادگری پیشه کرد و اموال بسیاری از مردم به ناحق و زور ستاند. او بخشی از این اموال را به خلیفه هدیه داد. به گفته ابوالفضل بیهقی: «وقتی هدایای سنگین علی بن عیسی را بر هارون عرضه کردند، هارون روی به یحیی برمکی کرد و گفت: این چیزها کجا بود در روزگار پسر فضل؟ یحیی گفت: زندگانی امیرالمؤمنین دراز باد، این چیزها در روزگار امارت پسر در خانه‌های خداوندان [صاحبان] این چیزها بوده به شهرهای عراق و خراسان».

می‌شد. غازان خان با راهنمایی دیوان‌سالاران ایرانی، اصلاحاتی را با هدف رونق کسب و کار و کاهش فشار بر مالیات‌دهندگان انجام داد.

در دوران مغول شدیدترین فشارهای مالیاتی بر مردم ایران وارد آمد. در این دوره انواع و اقسام گوناگونی از مالیات‌ها به بهانه‌های مختلف از مردم گرفته

پرسش‌های نمونه

- ۱- آثار و پیامدهای اجتماعی ورود اسلام را به ایران شرح دهید.
- ۲- در فاصله سده سوم تا سده هفتم هجری، شهر و شهرنشینی در ایران چه وضعیتی داشت؟
- ۳- اجزا و عناصر اصلی شهر ایرانی - اسلامی را نام ببرید و کارکرد هر یک از آنها را بنویسید.
- ۴- وضعیت پوشاک ایرانیان پس از ورود اسلام چگونه بود؟
- ۵- عوامل رکود و رونق کشاورزی ایران را در دوران اسلامی بیان کنید.
- ۶- چه عواملی موجب توسعه بازرگانی داخلی و خارجی ایران در سده‌های نخست هجری شد؟
- ۷- نقش و اهمیت اقتصادی و سیاسی خراج را در ایران دوران اسلامی توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

- از طریق مصاحبه و گفت و گو با بزرگ خانواده و یا فامیل، گزارشی در باره لباس‌های محلی و سنتی دیار خود تهیه کنید.

اروپا در قرون وسطا و عصر رنسانس

بخش پنجم

اروپا در قرون وسطا

مقدمه

آیا تاکنون با واژه قرون وسطا برخورد کرده‌اید؟ مثلاً شنیده‌اید که می‌گویند این کار قرون وسطایی است، یا آن طرز فکر یا اخلاق، قرون وسطایی است؟ این نحوه بیان وقتی به کار می‌رود که کاری به روشی که انجام گیرد یا طرز فکر و اخلاق یک شخص بر اساس علم و دانش و اصول تعلیم و تربیت نباشد. زمانی بود که در قاره اروپا شهرنشینی رواج نداشت و تعلیم و تربیت و رفتن به مدرسه و کسب علم چندان مورد استقبال قرار نمی‌گرفت. این شرایط مربوط به دوره‌ای از تاریخ اروپا است که مورخان آن را قرون وسطا نامیده‌اند و قرون وسطایی یعنی آنچه که متعلق به دوره قرون وسطا یا مانند آن دوران باشد. مثلاً کلیسای نتردام در پاریس یک بنای تاریخی متعلق به دوره قرون وسطا است. همچنین داستان‌های رابین هود مربوط به این دوره است. اگر شخصی هنوز معتقد باشد که زمین مسطح است و کروی نیست یا خورشید به دور زمین می‌چرخد می‌گویند او قرون وسطایی فکر می‌کند؛ زیرا در دوره قرون وسطا فکر می‌کردند زمین مسطح است و خورشید برگرد زمین می‌چرخد.

دوره قرون وسطا حدود هزار سال از تاریخ اروپا، یعنی از سال ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی را در بر می‌گیرد. دو دوره قبل و بعد از قرون وسطا را به ترتیب قرون قدیم و قرون جدید می‌گویند. قرون قدیم همان دوران شکوفایی تمدن‌های یونان و روم باستان است و قرون جدید به پانصد سال اخیر که تمدن جدید اروپا (غرب) در آن شکل گرفت گفته می‌شود. در این درس به تاریخ اروپا در نیمه اول قرون وسطا یعنی از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلادی می‌پردازیم.

اوضاع اجتماعی اروپا در قرون وسطا

دوره قرون وسطا پس از انقراض روم غربی به دست اقوام مهاجم و تصرف شهر رم شروع شد. اقوام ژرمن^۱، مجار^۲، فرانک^۳ و مانند آنها طی چند قرن مهاجم تقریباً سراسر اروپا را به تصرف خود درآوردند و پس از برجای گذاشتن ویرانی‌های بسیار به روستائیشینی و زندگی در قلعه‌ها روی آوردند. در نتیجه این حملات بسیاری از دستاوردهای تمدنی مانند شهرنشینی، تجارت و مراکز علم و آموزش به دست فراموشی سپرده شد. تا اینکه پس از گذشت چندین قرن، در اواخر قرون وسطا، بار دیگر شهرنشینی، تجارت و مراکز علم و آموزش در اروپا رونق گرفت که در درس‌های آینده با آن آشنا خواهید شد.

در قرون وسطا بر اروپا نظام فئودالی حاکم بود. فئودال^۴ یعنی مالک یا ارباب. هر فئودال املاک بسیار زیادی داشت که گاهی یک ولایت بزرگ را در برمی‌گرفت. در این املاک بزرگ مزرعه، شکارگاه، رودخانه، جنگل و روستا با هم وجود داشت. لذا از نظر تهیه مایحتاج خود کاملاً خودکفا به‌شمار می‌آمد. مردمی

که در ملک فئودال زندگی می‌کردند، زیردست فئودال به‌شمار می‌آمدند و رعیت خوانده می‌شدند. به همین جهت به نظام فئودالی نظام ارباب - رعیتی نیز می‌گویند. رعیت کاملاً تابع ارباب بود و ارباب علاوه بر اداره ملک به قضاوت هم می‌پرداخت. کار اصلی اروپاییان در قرون وسطا کشاورزی بود. ارباب بیشترین سهم را از محصول می‌برد و سهمی را نیز به رعیت می‌داد و رعیت مجبور بود با همین سهم در تمام طول سال به زندگی خود ادامه دهد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

تجارت و خرید و فروش در قرون وسطا رونقی

نداشت. آیا می‌دانید چرا؟

فئودال‌ها در اصل فرماندهان دسته‌های جنگجو بودند که پس از جنگ‌ها و سکونت در نواحی مختلف اروپا مالک زمین شده، جنگجویان خود و مردم بومی هر محل را نیز به صورت رعایای خویش درآورده بودند. فئودال‌ها در حقیقت اشراف قرون وسطا بودند. آنها بعد از استقرار تا مدت‌ها منش جنگاوری



یکی از قلعه‌های بازمانده از قرون وسطا در فرانسه

۱- Germans

۲- Magyars

۳- Franks

۴- Feudal

خود را فراموش نکردند و مهم‌ترین کاری که بدان می‌پرداختند، حفظ نظم و امنیت ملک خود و شرکت در جنگ‌ها بود. برای همین منظور هر فئودال قلعه بسیار بزرگی داشت که او و رعایایش را در مقابل دشمنان حفاظت می‌کرد. هر فئودال جنگجویانی هم در اختیار داشت که با آنها با دشمنان خود می‌جنگید. فئودال دفاع از رعیت را وظیفه خود می‌دانست و برای دفاع از آنها تلاش بسیار می‌کرد. در مقابل رعایا هم از او مانند پدرحرف شنوی داشتند.

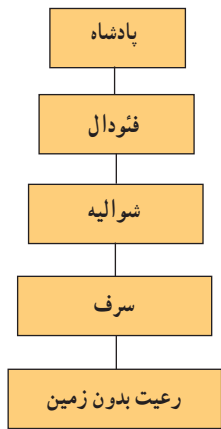


شوالیه‌ها هنگام جنگ سراندر با زرهیوش می‌شدند.

فئودال یا ارباب نیز به نوبه خود تابع پادشاه بود. البته در دوره قرون وسطا پادشاه به وسیله خود فئودال‌ها انتخاب می‌گردید؛ بدین ترتیب که فئودال‌ها جمع می‌شدند و از میان خود یک نفر را به عنوان فئودال اعظم برمی‌گزیدند و این همان پادشاه بود. فئودال‌ها برای وفاداری به پادشاه سوگند می‌خوردند. با این همه هر فئودال در ملک خود مستقل بود و کاری با دربار و پادشاه نداشت؛ مگر آنکه جنگی با دشمنان خارجی پیش می‌آمد که در این صورت فئودال‌ها با جنگ‌جویانشان به کمک پادشاه می‌شتافتند. در دوره قرون وسطا در اروپا جنگ‌ها بیشتر داخلی و میان فئودال‌ها بود نه با دشمنان خارجی. به همین جهت پادشاهان اغلب قدرت زیادی نداشتند و تنها در اواخر قرون وسطا بود که به تدریج قدرت گرفتند و فئودال‌ها را زیر دست خود ساختند.

در دوره قرون وسطا مشهورترین قشر جامعه شوالیه‌ها^۱ بودند. کلمه شوالیه به معنای نجیب‌زاده سوارکار است. اینان اشراف‌زادگان قرون وسطا بودند که تمام عمر خود را صرف جنگجویی می‌کردند. آنها به فراگرفتن فنون جنگ و به کاربردن اسلحه و نیز رعایت جوانمردی و وفاداری و به طور کلی رفتار پهلوانی می‌پرداختند. شجاع بودن بزرگ‌ترین افتخار آنان محسوب می‌شد و علم یا ثروت برایشان اهمیتی نداشت.

دوران کودکی اگر جزو اشراف (فئودال‌ها) بود، جنگجو می‌شد و اگر از رعایای وابسته به زمین بود به کار در مزرعه می‌پرداخت. مدرسه رفتن و درس خواندن وجود نداشت. تنها کسانی که می‌خواستند کیش بشوند از نوجوانی به کلیسا وارد می‌شدند و در آنجا علوم دینی می‌آموختند؛ زیرا آموختن علم برای خدمت به ایمان و اعتقاد صورت می‌گرفت.



سلسله مراتب جامعه فئودالی

کلیسا

در هر ملک فئودالی چند کلیسا وجود داشت که به وسیله کشیش‌ها اداره می‌شد. کشیش‌ها مدتی از عمر خود را در مکان‌هایی جدا از جامعه به نام «دیر» به درس خواندن می‌گذراندند. در این حالت به آنها راهب می‌گفتند. درس‌های آنها شامل ادبیات (زبان لاتین)، فلسفه، منطق، ریاضیات و نجوم بود. اما علوم تجربی مورد توجه نبود. بعضی از کشیش‌ها تمام عمر خود را در دیر باقی می‌ماندند. آنها همان‌جا زندگی می‌کردند و تمام وقت خود را صرف رونویسی کتاب‌ها می‌کردند. برای چند قرن کشیش‌ها تنها قشر باسواد مردم اروپا بودند و علم و اندیشه به وسیله آنان به نسل‌های بعد منتقل شد. در اروپا مدرسه‌ای وجود نداشت تا آنکه شارلمانی^۲ پادشاه فرانک‌ها مدرسه‌ای در دربار خود دایر کرد.

در زیردست شوالیه‌ها، رعایا قرار داشتند. آنان با کار کردن بر روی زمین و زندگی در قلعه، روزگار خود را می‌گذراندند و در محصولی که به دست می‌آمد سهم بودند و حق ترک کردن مزرعه و رفتن به جای دیگر را نداشتند. به اینان سرف^۱ یعنی رعیت وابسته به زمین می‌گفتند. شاید سرف‌ها در آن زمان احساس خوشبختی می‌کردند چون در محصول سهم داشتند و از امنیت زندگی در قلعه و حمایت شوالیه‌های جنگجو برخوردار بودند. همین شرایط از پدر به فرزندانش نیز به ارث می‌رسید. اما عده‌ای هم بودند که به عنوان رعیت بدون زمین از این امکانات برخوردار نبودند. آنها برای یافتن کار از روستایی به روستای دیگر می‌رفتند و در مقابل کار مقداری محصول به آنها داده می‌شد. برای آنکه این عده نیز از حمایتی برخوردار باشند، پادشاه ارباب همه آنها خوانده می‌شد به همین جهت رعیت پادشاه هم نامیده می‌شدند.

در دوره قرون وسطا معمولاً هر شخص پس از



نمونه‌ای از زندگی اروپاییان در قرون وسطا

۱- Serf

۲- Charlemagne

فکر کنید و پاسخ دهید :

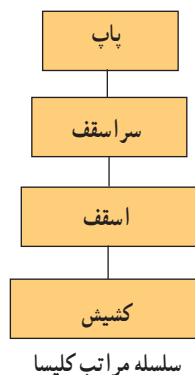
آیا می‌دانید همزمان با قرون وسطای اروپا
وضع علم و دانش در جامعه مسلمانان چگونه بود؟

اوضاع سیاسی اروپا در نیمه اول قرون وسطا

اروپا پس از سقوط امپراتوری روم و شروع قرون وسطا دچار آشفتگی بسیار بود. البته در جنوب شرقی اروپا، یعنی در شبه جزیره بالکان حکومت قدرتمند و منظم روم شرقی (بیزانس) به حیات خود ادامه داد. در قرن ششم میلادی ژوستینیان^۲ یکی از امپراتوران بیزانس توانست بر قلمرو بیزانس بیفزاید و به نظر می‌آمد که خواهد توانست روم باستان را احیا کند. اما جنگ‌های بیزانس با ساسانیان و سپس مسلمانان آن حکومت را بسیار ضعیف ساخت. هر چند بیزانس تا پایان قرون وسطا به حیات خود ادامه داد، لیکن به دلیل انحطاط داخلی دیگر نتوانست اقتدار خود را بازابد. صرف نظر از قلمرو بیزانس، در بقیه خاک اروپا اقوام مهاجمی که روم باستان را نابود کردند، مشغول تاخت و تاز بودند. مدت‌ها طول کشید تا به تدریج این اقوام ساکن شدند. ساکن شدن این اقوام همراه با مسیحی شدن آنها بود. در آن زمان پاپ از شهر رم پایتخت روم باستان به تبلیغ مسیحیت در میان بربرها اقدام می‌کرد. از جمله قبایلی که مسیحی شدند فرانک‌ها بودند. آنها حکومتی بزرگ در غرب اروپا به وجود آوردند که به پادشاهی فرانک معروف شده است. هر چند پادشاهان فرانک‌ها در برابر اشراف فئودال قدرت چندانی نداشتند؛ اما در برابر تهاجماتی که به اروپا می‌شد به موفقیت‌هایی دست یافتند. یکی از پادشاهان معروف فرانک به نام شارلمانی در قرن نهم میلادی توانست حکومتی مقتدر و درباری باشکوه برای خود به وجود آورد. شارلمانی بعضی از اقوام ژرمن^۳ را که هنوز مسیحی نشده بودند، شکست داد. او با همراهی پاپ مسیحیت را در اروپا گسترش داد و نیز با مسلمانان که از طریق اسپانیا وارد اروپا شده بودند جنگید. او حتی

عده زیادی از کشیش‌ها پس از درس خواندن به کلیسا می‌رفتند و به انجام وظایف دینی و روحانی می‌پرداختند. کارهایی مانند غسل تعمید، برگزاری مراسم دعا و عبادت، مراسم ازدواج و مانند آن برعهده آنان بود. کشیش‌های ساکن در کلیساهای ملک یک فئودال از کشیش عالی‌رتبه که اسقف نامیده می‌شد اطاعت می‌کردند. فئودال حق دخالت در امور کلیسا را نداشت.

اسقف‌ها از یک اسقف عالی‌رتبه که سراسقف نامیده می‌شد تبعیت می‌کردند. سراسقف بر تمامی کلیساهای یک کشور نظارت داشت و خود از جانب عالی‌ترین و بالاترین مقام مسیحی که پاپ^۱ نامیده می‌شد، منصوب می‌گردید و از او پیروی می‌کرد؛ یعنی از پادشاه کشور فرمان‌برداری نداشت. پادشاه اگرچه حق مداخله در کارهای پاپ را نداشت اما اغلب میان آنها اختلاف رخ می‌داد که گاهی به جدال می‌انجامید. پاپ که پیشوای همه مسیحیان قلمداد می‌شد، تمامی کلیساهای اروپا را زیر فرمان خود می‌دانست. به همین دلیل مقام او از پادشاهان اروپایی بالاتر به شمار می‌آمد. پاپ

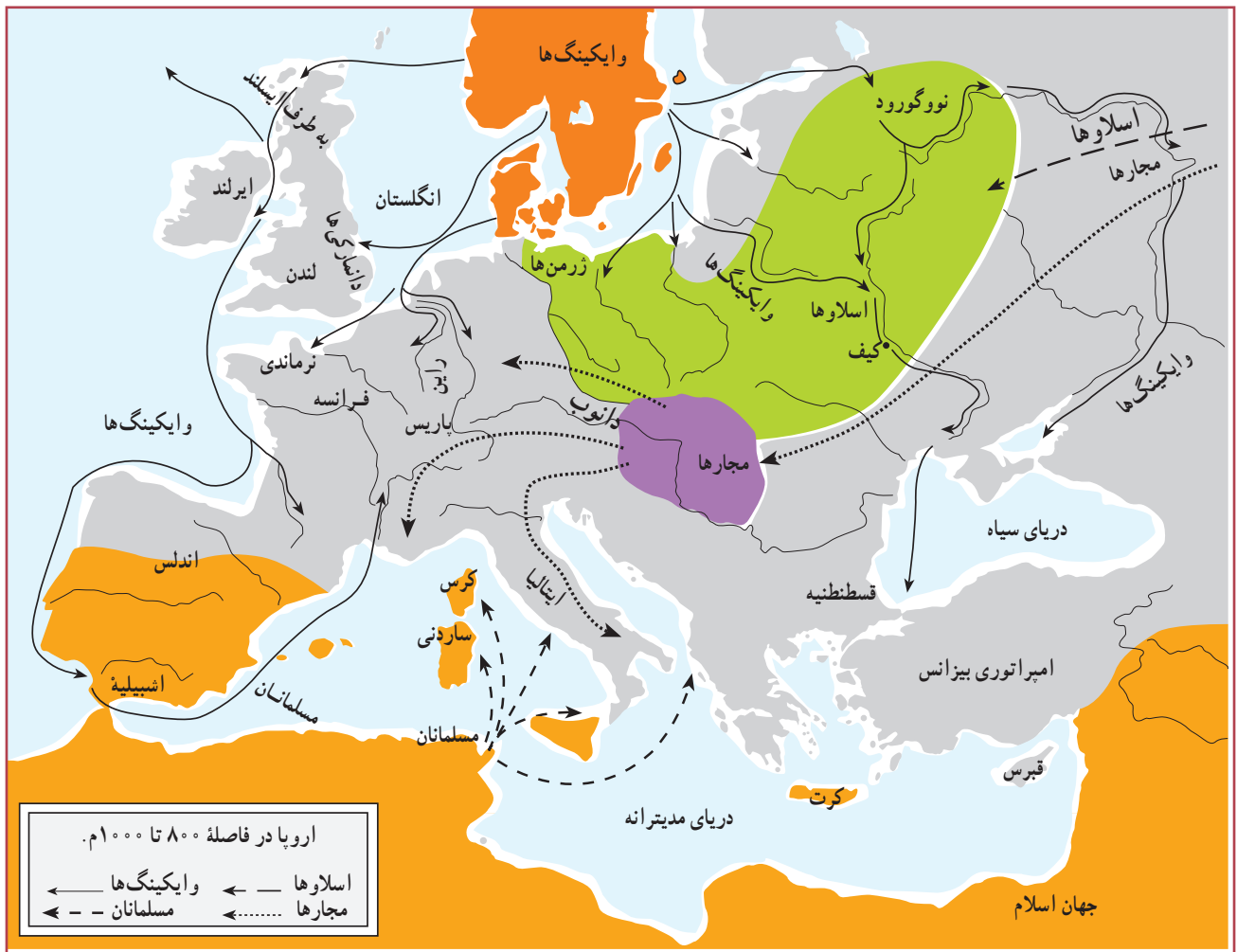


در شهر رم پایتخت امپراتوری روم باستان زندگی می‌کرد. پس از سقوط امپراتوری روم غربی دیگر در ایتالیا حکومتی وجود نداشت. از این رو، شهر رم و نواحی اطراف آن قلمرو پاپ محسوب می‌شد.

۱- Pope

۲- Justinian

۳- German



دولت‌های پس از شارلمانی قدرت چندانی نداشتند، در نتیجه بار دیگر تهاجمات اقوام مختلف از شمال و شرق به اروپا آغاز شد. در شرق اروپا روس‌ها و مجارها تاریخ خود را با استقرار در سرزمین‌های کنونی‌شان آغاز کردند. اقوام انگل^۱ و ساکسون^۲ با تهاجم به جزیرهٔ بریتانیا بنیاد حکومت و ملت انگلستان را گذاشتند. به همین نحو فن‌ها^۳ سرزمین فنلاند و دان‌ها^۴ کشور دانمارک را پایه‌گذاری کردند. این تحولات و وقایع که اساس شکل‌گیری ملت‌های بعدی در تاریخ اروپاست در حدود هزار سال پیش رخ داد. پس از آن نیز طی چندین قرن تغییر و تحول کشورهای کنونی اروپا

با خلافت عباسی رابطه برقرار کرد. شارلمانی بزرگ‌ترین پادشاه اروپا در نیمهٔ اول قرون وسطا است؛ به طوری که هم آلمان‌ها و هم فرانسویان او را پادشاه خود می‌دانند. پس از شارلمانی قلمرو او تجزیه شد و در قسمتی از آن، که تا حدودی با کشور کنونی فرانسه منطبق است، پادشاهی فرانسه شکل گرفت. در قسمتی دیگر نیز که تا حدودی با کشور آلمان کنونی منطبق است حکومتی به نام امپراتوری مقدس روم به وجود آمد که تا قرن‌ها ادامه یافت. این امپراتوری خود را هم پرچمدار مسیحیت و هم وارث امپراتوری روم باستان می‌دانست.

۱- Angle

۲- Saxon

۳- Fen

۴- Dan

بسیاری از ملل اروپایی را باید در قرون وسطا جست و جو کرد. نقش صلیب و دیگر نقوشی که بر پرچم بعضی از کشورهای امروز اروپایی دیده می‌شود، یادگارهایی از آن دوران به شمار می‌آید.

شکل گرفت. در آن هنگام تهاجم و تصرف سرزمین‌ها و سپس تأسیس حکومت‌های فئودال و قبول مسیحیت پایه‌های اصلی شکل‌گیری این ملت‌ها به شمار می‌آمد. پس از آن آداب و رسوم، زبان و خط و تاریخ نیز بر آن افزوده شد. بدین ترتیب، ریشه‌های تاریخی به وجود آمدن

پرسش‌های نمونه

- ۱- مشخصات اصلی تاریخ اروپا در قرون وسطا کدام‌اند؟
- ۲- درباره فئودال‌ها و اختیارات آنها توضیح دهید.
- ۳- در اروپای قرون وسطا شوالیه‌ها و سرف‌ها چه کسانی بودند؟
- ۴- مراتب کلیسایی در قرون وسطا چگونه بود؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره منشأ اقوامی که در قرون وسطا به اروپا آمدند، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- آیا فیلم یا کتابی را می‌شناسید که محتوای آن بیانگر اوضاع اروپا در قرون وسطا باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، درباره یکی از آنها گزارشی تهیه کنید.

جنگ‌های صلیبی

مقدمه

صلیب مهم‌ترین نماد مسیحیت است. این نماد بنا به اعتقاد مسیحیان یادبود شهادت حضرت عیسی (علیه السلام) به وسیله صلیب است. مسیحیان صلیب را به شکل‌های گوناگون رسم می‌کنند و از آن در تزیین پرچم‌ها و کلیساها استفاده می‌نمایند. مثلاً جنگجویان مسیحی قرون وسطا که برای تصرف بیت المقدس از اروپا به شام و فلسطین حمله‌ور شدند، بر روی لباس خود صلیبی نقش کرده بودند. به همین جهت به آنها صلیبی و به جنگ‌های دویست ساله‌ای که میان مسلمانان و مسیحیان اروپایی رخ داده است، جنگ‌های صلیبی می‌گویند. این جنگ‌ها اگر چه، جنبه مذهبی داشت اما نمی‌توان تمامی علل و زمینه‌های آن را به اعتقادات مذهبی نسبت داد. بلکه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اروپا نیز در آن دخالت داشته است. جنگ‌های صلیبی در نیمه دوم قرون وسطا و در فاصله سال‌های ۱۰۹۹ تا ۱۲۹۱ م. به وقوع پیوست.

جنگ‌های صلیبی

مرزها امری عادی شده بود زندگی توأم با مسالمت دو طرف استمرار می‌یافت. اما با نزدیک شدن به سال هزار میلادی (اواسط قرون وسطا) کم‌کم زمینه‌های جدیدی برای جدال مسیحیان اروپایی با جهان اسلام به وجود آمد. این زمینه‌ها عبارت بودند از:

۱- انتظار ظهور عیسی (علیه السلام): عده‌ای از مسیحیان عقیده داشتند مسیح (علیه السلام) پس از هزار سال ظهور خواهد کرد، و چون بر این باور بودند که این واقعه در شهر بیت المقدس رخ خواهد داد، زائران مسیحی بسیاری، و

زمینه‌های جنگ: از قرن هفتم میلادی، برابر با قرن اول هجری، دو جهان اسلام و مسیحیت رو در روی یکدیگر قرار گرفتند. مسلمانان در همان قرن اول هجری نواحی شام، فلسطین، مصر، شمال آفریقا و اسپانیا را از دست مسیحیان خارج کردند و پس از آن نیز جدال میان آنان با مسیحیان در مرزهای خشکی و آبی آسیای صغیر، مدیترانه، ایتالیا و اسپانیا ادامه یافت. با این حال، مسیحیان در قلمرو مسلمانان شرایط مناسبی برای زندگی به دست آوردند و در حالی که جدال در

به خصوص راهبان، به آن شهر مسافرت می‌کردند. هر چند مسافرت از اروپا به سرزمین‌های مسلمانان منعی نداشت، اما با مشکلات بسیاری چون ناامنی روبه‌رو بود. با این حال روز به روز بر تعداد زائران مسیحی در بیت المقدس افزوده می‌شد. البته واقعه‌ای که مسیحیان انتظار آن را می‌کشیدند رخ نداد، اما این مسافرت‌ها یک نتیجه مهم داشت و آن آگاهی اروپاییان از شرایط اجتماعی و اقتصادی زندگی مسلمانان بود. برای اروپاییان قرون وسطا که می‌توان گفت به مسافرت نمی‌رفتند و روابط تجاری با جایی نداشتند، اطلاع از فراوانی ثروت و رونق کار و کسب و گسترش سرزمین‌ها و مزارع در جهان اسلام بسیار پرجاذبه بود. هر چند اخبار ثروت مشرق زمین با اغراق گویی‌های بسیار همراه بود.

۲- افزایش جمعیت و بروز مشکلات اجتماعی

در اروپا: در پی چند قرن تهاجم به اروپا و ورود اقوام مهاجر به این سرزمین جمعیت اروپا روبه فزونی گذاشت. این مهاجرت‌ها مشکل کمبود زمین مناسب برای کشاورزی را به همراه داشت تا جایی که اروپاییان مجبور به خشک کردن باتلاق‌ها شدند. اما این کار نتیجه دلخواه را نداد. کمبود زمین موجب فقر نسبی می‌گشت و به تدریج از تعداد رعایای زمین دار کم و بر تعداد رعایای بی‌زمین افزوده می‌شد. این مشکل فقط مربوط به رعایا نبود؛ بلکه تعداد شوالیه‌ها نیز روز به روز بیشتر می‌شد. در جامعه فئودالی رسم بر این بود که ملک فئودالی، برای جلوگیری از تجزیه شدن، فقط به فرزند بزرگ برسد. از این رو، بقیه فرزندان (پسر) به شوالیه‌گری روی می‌آوردند. بدین ترتیب بود که تعداد شوالیه‌ها در اروپا زیاد شد و با ماجراجویی آنها ناامنی در اروپا گسترش یافت.

در چنین شرایطی فئودال‌ها و پادشاهان در جست و جوی سرزمین‌های جدید بودند. بنابراین، به

قصد تصرف سرزمین‌های دیگران اقدام به جنگ و جدال می‌کردند و چون قاره نسبتاً کوچک اروپا که از سه طرف نیز محصور در آب است امکان کشورگشایی چندانی نداشت در نتیجه به اراضی شرق مدیترانه (شام و فلسطین) که در دست مسلمانان بود، چشم دوختند.

۳- پیشرفت مسیحیان در آندلس^۱ (اسپانیا):

مسلمانان در اواخر قرن اول هجری اندلس را به تصرف خود درآوردند. آنان قرن‌ها با مسیحیان آن سرزمین زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند، اما در دوره فرانک‌ها مسیحیان اروپایی بر فشار خویش برای باز پس‌گیری اندلس افزودند. اندلس تا مدت‌ها با وجود ارتباط اندک با بقیه جهان اسلام، هم به خوبی در برابر فشار اروپاییان ایستادگی می‌کرد و هم صاحب تمدنی پرنور و باشکوه شده بود. اما به دلیل اختلافات داخلی، مسلمانان کم‌کم متحمل شکست‌هایی شدند و نواحی شمالی اسپانیا را از دست دادند. این شکست‌های مسلمانان، مسیحیان را به گشودن جبهه‌های جدیدی علیه آنان ترغیب کرد.

۴- نبرد ملازگرد: در چنین شرایطی پیروزی

برق‌آسای سلجوقیان بر روم شرقی (بیزانس) در جنگ ملازگرد ۱۰۷۱ م / ۴۶۳ ق رخ داد. امپراتور بیزانس که قسمت‌های وسیعی از قلمرو خود در آسیای صغیر را از دست داده بود از پاپ علیه مسلمانان کمک خواست و این برای پاپ فرصت مناسبی بود تا کلیسای بیزانس را که از سال ۱۰۵۵ م / ۴۴۷ ق از کلیسای رم جدا شده بود بار دیگر تحت فرمان خود درآورد. کلیسای بیزانس بر خود نام ارتدوکس^۲ گذاشته بود و کلیسای رم نام کاتولیک^۳. پاپ به تقاضای کمک امپراتور بیزانس پاسخ مثبت داد و بدین ترتیب جنگ‌های صلیبی آغاز شد.

۱- Andalusia

۲- Orthodox

۳- Catholic

یک توضیح

بخشی از سخنان پاپ اوربان دوم خطاب به صلیبی‌ها

... سرزمینی که اکنون شما در آن سکنا دارید و از همه جانب محاط به دریا و قتل جبال است از برای نفوس عظیم شما بسیار تنگ می‌باشد. خوراکی که از آن عاید می‌شود به سختی تکافوی احتیاجات مردمی را می‌کند که به کار کشت مشغول‌اند. از این روست که شما یکدیگر را می‌کشید و می‌درید و ... آن سرزمین را از چنگ قومی تبهکار بیرون آورید و خود بر آن استیلا یابید. بیت‌المقدس جنتی است مشحون از لذات و نعم ...



یک جنگجوی صلیبی

نخستین جنگ‌های صلیبی

افتاد و بدون برنامه‌ای معین آنها را به سوی مرزهای مسلمانان روانه ساخت. اگرچه عده زیادی از صلیبی‌ها در نتیجه گم شدن در بیابان‌ها و گرسنگی از بین رفتند؛ اما بقیه سرانجام از کرانه شرقی مدیترانه خود را به شام و فلسطین رساندند و در سال ۱۰۹۹ م / ۴۹۳ ق موفق به تصرف بیت‌المقدس شدند.

اوضاع جهان اسلام در آستانه جنگ‌های صلیبی: در هنگام شروع جنگ‌های صلیبی جهان اسلام از تفرقه و جدال داخلی رنج می‌برد. فلسطین در دست فاطمیان بود که روزگار ضعف و زوال خود را طی می‌کردند.

در سال ۱۰۹۶ م / ۴۹۰ ق پاپ اوربان دوم^۱ فرمان جنگ علیه مسلمانان را، برای تصرف بیت‌المقدس، صادر کرد. در پی آن جمعیت بزرگی از نواحی غربی و مرکزی اروپا به طرف بیزانس به راه افتادند تا از آن طریق خود را به این شهر کهن برسانند. این عده که اغلب روستاییان و شوالیه‌ها بودند به شکل ارتش بی‌نظم و فاقد یک فرمانده مشخص در مسیر خود بسیاری از روستاها و مزارع را غارت کردند. چون به قسطنطنیه رسیدند امپراتور بیزانس از دیدن این جمعیت گرسنه و سرکش سخت به وحشت



با فرمان پاپ اوربان دوم صلیبی‌ها برای تصرف بیت المقدس به حرکت درآمدند.

تصرف بیت المقدس و به دست آوردن اراضی فراوان موجب تشویق عده زیادی در حرکت به سوی شرق شده بود، ولی این بار فتودال‌ها نیز با شوالیه‌ها همراه شدند. بدین ترتیب جنگ دوم صلیبی آغاز شد؛ اما در این جنگ موفقیتی نصیب صلیبی‌ها نشد؛ زیرا از یکسو مسلمانان آماده شده بودند و از سوی دیگر فاتحان جنگ اول صلیبی از آمدن مهاجران جدید رضایتی نداشتند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا فاتحان جنگ اول صلیبی از

آمدن مسیحیان جدید ناراضی بودند؟

ناکامی در جنگ دوم صلیبی پاپ را بر آن داشت تا پادشاهان اروپایی را نیز به جنگ با مسلمانان تشویق کند. در نتیجه پادشاهان انگلستان، فرانسه و آلمان (امپراتوری

شام در دست سلجوقیان طرفدار خلافت عباسی بود. اما نه سلجوقیان با هم متحد بودند و نه عباسیان توجهی به مرزها نشان می‌دادند. از سوی دیگر عباسیان و فاطمیان نیز سخت با هم دشمن بودند. در نتیجه در برابر سیل جنگجویان صلیبی فقط نیروهای محلی شهرهای شام مدتی مقاومت کردند. بدین جهت قسمت‌های وسیعی از شام و فلسطین به دست صلیبی‌ها افتاد و بیت المقدس نیز پس از کشتار بسیار هولناکی که از مسلمانان صورت گرفت اشغال شد.

بیداری مسلمانان: بدین ترتیب جنگ اول صلیبی

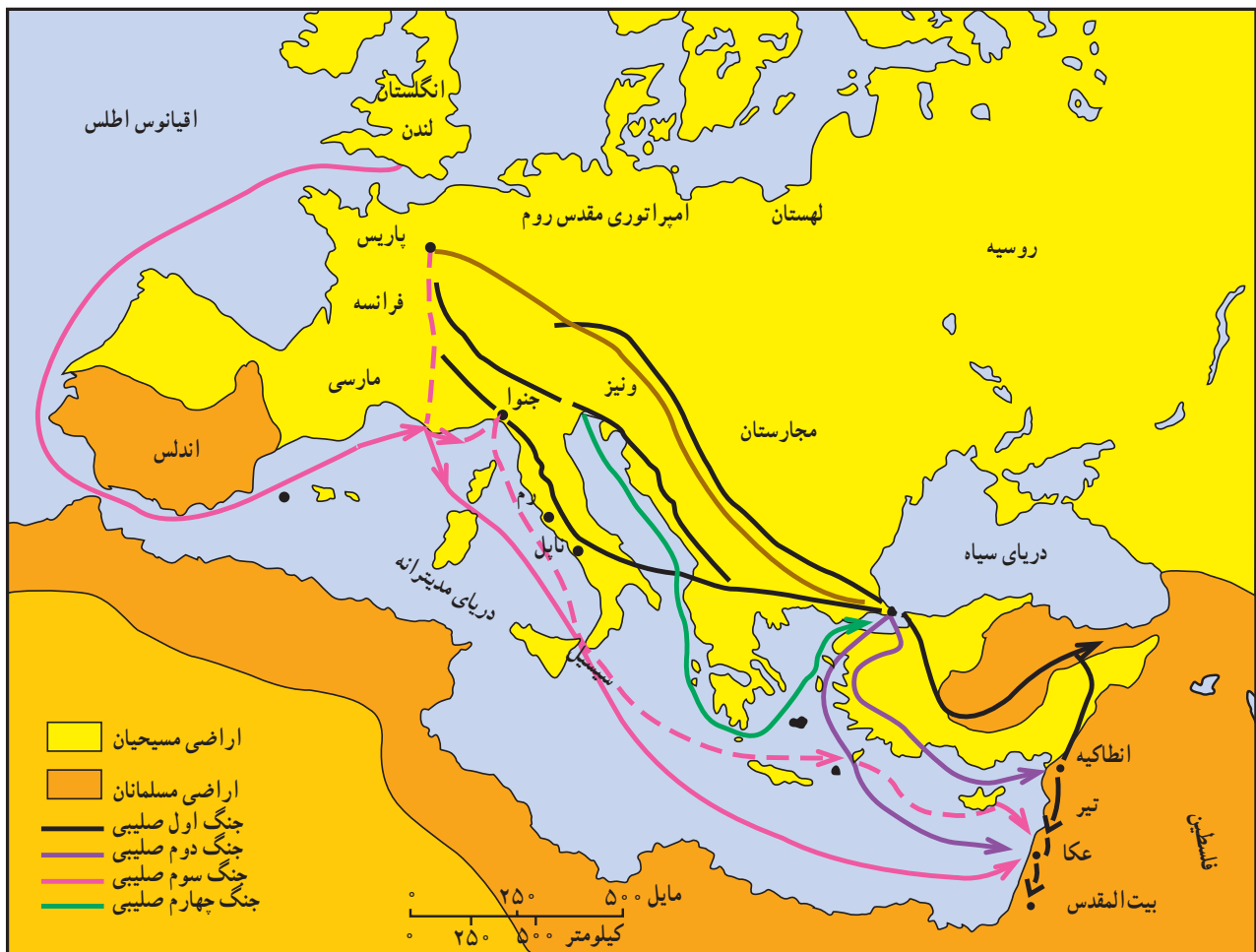
با پیروزی صلیبی‌ها به پایان رسید. اخبار این واقعه، جهان اسلام را تکان داد؛ لذا آل زنگی که در مرزهای شام حکومت می‌کردند، علیه صلیبی‌ها وارد عمل شدند و توانستند آنها را پس برانند و قسمتی از اراضی مسلمانان را باز پس گیرند. شکست صلیبی‌ها موجب حرکت نیروهای تازه نفس از اروپا به سوی بیت المقدس شد. اگرچه از قبل نیز خبر پیروزی و

بازگردانده شده بود و صلیبی‌ها تنها بعضی از نواحی ساحلی را در اختیار داشتند. اما برای حکومت‌های مسیحی اروپا تحمل این شکست‌ها بسیار دشوار بود. لذا لشکرکشی‌های جدیدی تدارک دیده شد.

دیگر جنگ‌های صلیبی

با توجه به سربازان زیاد و تجهیزات فراوانی که برای جنگ چهارم صلیبی تدارک دیده شده بود، امید به کسب پیروزی در دل صلیبی‌ها تقویت شد. آنان مصمم به پیروزی در بیت المقدس و دست یافتن به غنیمت در آنجا بودند. اما وقتی به قسطنطنیه رسیدند، تصرف و تاراج آن

مقدس روم) عازم فلسطین شدند. اگرچه آنان از این لشکرکشی چندان دل خوشی نداشتند؛ زیرا نگران اوضاع داخلی کشور خود بودند و از نافرمانی فتودال‌ها بیم داشتند، با این حال عازم جنگ شدند و بدین ترتیب، جنگ سوم صلیبی شکل گرفت. در همین جنگ بود که یکی از فرمانروایان مسلمان به نام صلاح الدین ایوبی سخت ایستادگی نشان داد. صلاح الدین که با انقراض حکومت آل زنگی و فاطمیان، حکومت ایوبیان را در مصر و شام تأسیس کرده بود توانست بیت المقدس را بازپس گیرد و جنگجویان سومین جنگ صلیبی را ناکام سازد. تا این زمان قسمت‌های وسیعی از شام و فلسطین به مسلمانان



جنگ‌های صلیبی

دو قرن، در سال ۱۲۹۱ م / ۶۹۰ ق، با پیروزی مسلمانان به پایان رسید.

بهره‌گیری اروپاییان از تمدن اسلامی

جنگ‌های صلیبی با شکست اروپاییان تمام شد، اما برای آنان این فایده بزرگ را هم داشت که با دستاوردهای تمدن اسلامی آشنا شدند و از آن بهره بردند. در اینجا به برخی از این نتایج اشاره می‌کنیم:

۱- قبل از هر چیز باید توجه داشت که جنگ‌های صلیبی محیط بسته و محدود قرون وسطا را برای اروپاییان درهم شکست. در جامعه‌ای که تا پیش از آن مسافرت و تجارت و آشنایی با فرهنگ‌های دیگر مطرح نبود، جنگ‌های صلیبی موجب تماس اروپاییان با پیشرفته‌ترین تمدن آن روزگار یعنی تمدن اسلامی شد. این خود در باز شدن افق اندیشه اروپاییان و گشودن چشم آنان بر واقعیات جهان و ارزیابی موقعیت خویش بسیار مؤثر بود.

۲- در نتیجه جنگ‌های صلیبی گشایش‌های جدیدی در عرصه‌های اقتصادی نیز صورت گرفت. با شروع تجارت اروپاییان با مسلمانان از طریق شرق مدیترانه و شمال آفریقا محصولات و کالاهایی نظیر شکر، قهوه، کاغذ، قطب‌نما، پارچه‌های پنبه‌ای، ادویه و داروهای گوناگون به دست اروپاییان رسید. این گونه کالاها و محصولات در اروپا وجود نداشت. به دست آوردن این کالاها و سپس شروع به تولید آنها در اروپا موجب ارتقای سطح زندگی، کار و فرهنگ در آن قاره شد.

۳- به همراه داروهای فراوانی که به اروپا می‌رسید کتاب‌های پزشکی جهان اسلام نیز مورد استفاده آنها قرار می‌گرفت. علومی که با پزشکی مرتبط بودند مانند شیمی، داروشناسی، داروسازی، زیست‌شناسی، مکانیک و مانند

شهر را پیروزی نزدیک تر و حتمی‌تری دیدند تا جنگیدن با مسلمانان و تصرف بیت المقدس؛ لذا به قسطنطنیه حمله‌ور شدند و آنجا را که بزرگ‌ترین شهر جهان مسیحیت بود تصرف و تاراج کردند.

پس از جنگ‌های چهارم و پنجم، جنگ‌های صلیبی در مسیری دیگر قرار گرفت. از یکسو حکومت بیزانس دیگر اجازه نداد جنگجویان صلیبی برای رفتن به مرزهای مسلمانان از قلمروش عبور کنند، به همین جهت آنان به جای خشکی از طریق دریا عازم جنگ شدند؛ یعنی از بنادر شمالی ایتالیا حرکت کرده با عبور از مدیترانه به بنادر و سواحل شام که در تصرف صلیبی‌ها بود رسیدند. از سوی دیگر پاپ برای تدارک لشکرهای صلیبی بر پادشاهان اروپایی تکیه کرد. لذا از جنگ ششم تا نهم صلیبی را پادشاهان با همراهی فتوادل‌ها و شوالیه‌ها رهبری می‌کردند. اگرچه آنان، در بسیاری از موارد، دوری از کشور خود و رفتن به یک سرزمین دوردست را به سود خود نمی‌دیدند. این امر کش مکش پاپ و پادشاهان را به همراه داشت.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا حکومت بیزانس اجازه نمی‌داد که جنگجویان صلیبی از قلمرو وی برای رفتن به جنگ با مسلمانان استفاده کنند؟

در این شرایط بر توان مسلمانان این منطقه در برابر صلیبی‌ها افزوده شد. حکومت پر قدرت مملوکان مصر و شام که به جای ایوبیان روی کار آمده بود با ضرباتی بی‌درپی آخرین بنادر و پایگاه‌های صلیبی‌ها در سواحل شام را تصرف کرد و بدین ترتیب جنگ‌های صلیبی پس از

آنها نیز به نحو وسیعی مورد اقتباس قرار گرفتند. از دیگر علمی که اروپاییان بدان علاقه نشان دادند جغرافیا و نجوم بود. این دو علم به شناخت سرزمین‌ها، راه‌ها، دریانوردی و تجارت کمک بسیار می‌کرد. علوم عقلی مانند فلسفه نیز در اروپا علاقه‌مندانی داشت و آثار ابن‌سینا و فارابی که فیلسوفان بزرگ جهان اسلام بودند، به لاتین ترجمه شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- اوضاع اجتماعی اروپا چگونه زمینه‌ساز جنگ‌های صلیبی شد؟
- ۲- جنگ سوم صلیبی چگونه شکل گرفت و به کجا انجامید؟
- ۳- برخورد امپراتوری بیزانس با صلیبی‌ها در مراحل مختلف جنگ‌های صلیبی چگونه بود؟
- ۴- عملکرد صلیبی‌ها در جنگ چهارم صلیبی بیانگر چه واقعیتی است؟
- ۵- در اواخر جنگ‌های صلیبی چه تغییری در نحوه نگرش اروپاییان نسبت به جهان اسلام پدید آمد؟
- ۶- جنگ‌های صلیبی چگونه به رشد تمدن و فرهنگ اروپا کمک کرد؟

اندیشه و جست و جو

— درباره سرگذشت یکی از حکومت‌های مسلمان در زمان جنگ‌های صلیبی (فاطمیان، آل‌زنکی، ایوبیان و...) گزارشی بنویسید.

رنسانس در اروپا

مقدمه

رنسانس^۱ یعنی تولد مجدد، و منظور از آن احیای فرهنگ و تمدن یونان و روم باستان است که با شروع قرون وسطا به دست فراموشی سپرده شده بود. احیای فرهنگ یونان و روم باستان، در واقع به صورت توجه به اصول و بنیادهای آن تمدن‌ها و بهره‌گیری از دستاوردهای آن تمدن‌ها تجلی می‌کرد. رنسانس به تدریج صورت گرفت و فرهنگ و تمدن قرون وسطا را با تغییرات و تحولاتی که در آن پدید آورد پشت سر گذاشت و زمینه‌ساز پیدایش تمدن جدید شد.

آنچه که در عصر رنسانس پدید آمد و چهرهٔ قرون وسطایی اروپا را تغییر داد عبارت بود از:

۱- رشد شهرنشینی و قدرت یافتن شهرنشینان

۲- افزایش قدرت پادشاهان و ضعف فئودال‌ها

۳- انسان‌گرایی و خردگرایی

۴- رشد تجارت و حرفه‌ها

۵- اکتشافات جغرافیایی

از آنجا که رنسانس در اواخر قرون وسطا رخ داده است در اینجا به بررسی تاریخ اروپا از ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰ م می‌پردازیم.

رشد شهرنشینی و قدرت گرفتن شهرنشینان

جنگ‌های صلیبی که طی آن عده‌ای از روستاییان و شوالیه‌ها از اروپا به شرق مدیترانه مهاجرت کردند، مشکلات جمعیتی اروپا را حل نکرد؛ زیرا:

۱- در نتیجهٔ کمبود زمین، عدهٔ بیشتری از

رعیت‌های زمین‌دار به رعیت‌های بی‌زمین تبدیل شدند.
۲- کشاورزان نیز، گاه به دلیل ستم فئودال‌ها دست به شورش زده و از روستاها می‌گریختند. بدین ترتیب، آنان هم بی‌زمین شده و به عبارتی رعیت پادشاه می‌شدند. همین گروه، چون کم‌کم به حرفه‌های گوناگون و داد و ستد

۱- Renaissance

ضعیف شدن فتودالیسم: فتودال‌ها اگرچه از این وضع ناراضی بودند اما کم‌کم توان مقابله با آن را از دست دادند. اتکای اصلی آنان به نیروی نظامی جنگجوی خود یعنی شوالیه‌ها بود که شوالیه‌ها هم، به دلیل شکست در جنگ‌های صلیبی، اعتبار خود را از دست داده بودند. بقایای نیروهای فتودال‌ها نیز صرف جنگ با فتودال‌های رقیب می‌شد. در نتیجه فتودالیسم در اروپا تضعیف شد. پادشاهان از فتودال‌ها می‌خواستند مالیات پردازند و این مالیات را هم به صورت پول پرداخت کنند. لازمه به دست آوردن پول مراجعه به بازرگانان و بانکداران شهرها بود. این وضع سرانجام به برتری اقتصاد شهرنشینی بر اقتصاد فتودالی منجر شد و اشراف شهرنشین را از مقام و موقعیت ویژه‌ای برخوردار ساخت. در این دوره فتودال‌ها

مشغول شدند، شهرهای جدیدی را در اروپا بنا نهادند. آنان از حمایت پادشاهان برخوردار بودند. رونق گرفتن تجارت نیز که در پی جنگ‌های صلیبی رخ داد به رشد اقتصادی ساکنان شهرها کمک بسیار کرد.

رشد شهرها در ابتدا بیشتر در نواحی ساحلی بود؛ زیرا در آنجاها کشاورزان و حکمرانان فتودال کمتر حضور داشتند. رشد شهرهای بندری شمال ایتالیا و سپس شمال آلمان زودتر از شهرهای دیگر آغاز شد، اما دیگر شهرها نیز با رشته‌ای از فعالیت‌های تجاری مرتبط با هم به وجود آمدند و رشد کردند. به ساکنان شهرها بورژوا می‌گفتند که به معنای شهرنشین است. شهر، به خصوص محل داد و ستد بود و چون لازمه داد و ستد هم، پول است، استفاده از پول گسترش یافت.



نمونه‌هایی از بازی‌های دوره رنسانس

می‌کوشیدند موقعیت گذشته خود را حفظ کنند. در مقابل، اشراف شهرنشین نیز خود را دارای علم و ادب معرفی می‌کردند. این کشمکش اجتماعی مدت‌ها طول کشید و سرانجام به پیروزی بورژواها (شهرنشینان) منتهی شد. در نیل به این پیروزی علاوه بر تحول اجتماعی و اقتصادی که رخ داده بود، حمایت پادشاهان از شهرنشینان نیز مؤثر بود. در هر حال بر تعداد شهرهای اروپا و جمعیت آنها افزوده شد و شیوه‌ها و قوانین شهرنشینی نیز بهبود یافت و با اقتباس از شیوه‌های شهرنشینی روم باستان اساس زندگی جدید اروپاییان شکل گرفت.

افزایش قدرت پادشاهان

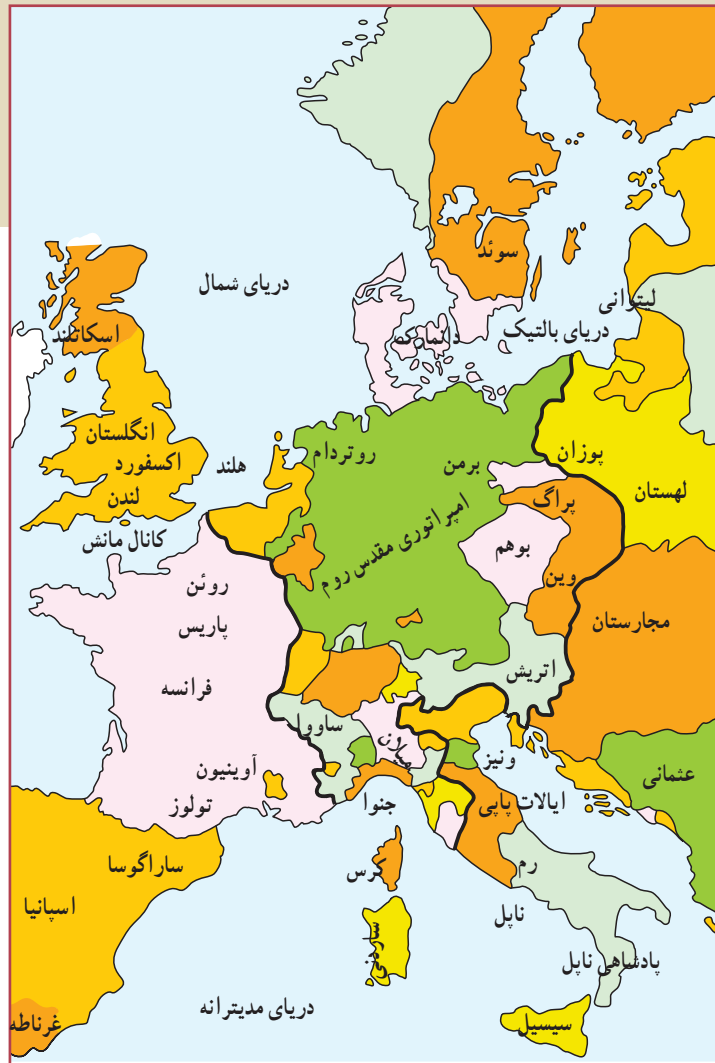
مالیاتی که پادشاهان از فئودال‌ها دریافت می‌کردند، بیشتر صرف قدرتمند ساختن حکومت خودشان می‌شد. بدین ترتیب پادشاهان با استخدام تعداد زیادی سرباز، کم‌کم ارتش‌های منظم و دائمی تدارک دیدند و به ساخت اسلحه به‌ویژه توپ اقدام کردند. در نتیجه این اقدام، پادشاهان از نیروی نظامی فئودال‌ها بی‌نیاز شدند، به‌ویژه که توپ نیز در صورت لزوم می‌توانست قلعه‌های فئودال‌ها را درهم بکوبد. بنابراین، از قدرت فئودالیسم، به نفع پادشاهان، بسیار کاسته شد. برای فئودال‌ها، املاک، القاب و افتخار به نجیب‌زادگی باقی مانده بود. پادشاهان که خود در اصل از همین طبقه بودند از آن پس، اشراف فئودال را به‌صورت حکمرانان ایالات و مقامات حکومت و دربار درآوردند. بدین ترتیب، قدرت در دست پادشاهان تمرکز یافت. از این تحول علاوه بر پادشاهان طبقه بورژوا نیز خرسند بودند؛ زیرا برقراری حکومت مرکزی موجب وحدت اداری و برقراری نظم و امنیت و قوانین یکسان می‌شد. این امر در تسهیل و توسعه تجارت که خواست بورژواها بود تأثیر داشت.

افزایش قدرت پادشاهان موجب دخالت آنان در امور کلیسا شد. آنان تعیین سراسقف به‌وسیله پاپ را نمی‌پذیرفتند و می‌خواستند در امور داخلی کشورشان مستقل باشند. اما پاپ در مقابل آنان ایستادگی کرد. در نتیجه بعضی از پادشاهان اروپایی از فرمان پاپ سرپیچیدند و حتی به مقر او نیز حمله کردند. اگرچه آنان نتوانستند به خواست خود برسند، اما تا حدود زیادی قدرت پاپ را محدود کردند و در مقابل بر قدرت و اختیار خود افزودند.

تحولات سیاسی و شکل‌گیری حکومت‌های مرکزی

هر چند کشورها و حکومت‌های اروپایی در عصر رنسانس تحولات مهمی را پشت سر گذاشتند، اما برای رسیدن به شرایط مطلوب، هنوز راه درازی در پیش داشتند. شکل‌گیری حکومت‌های مرکزی، قلمروهای متحد و ملت‌ها به آرامی در حال انجام بود. هیچ‌یک از کشورهای کنونی اروپا وضع امروزی خود را نداشتند. در انگلستان، اشراف فئودال با حضور در پارلمان، شکل جدیدی از حکومت مرکزی (مشروطه سلطنتی) را به‌وجود آوردند. پادشاهان انگلستان در قسمت‌های وسیعی از فرانسه کنونی هم دارای قلمرو بودند. اما پادشاهان فرانسه نیز برای تصرف این قلمرو وارد عمل شدند. نتیجه جنگ، ویرانی و خرابی بسیار بود؛ زیرا این جنگ‌ها صد سال طول کشید. علاوه بر این طاعون عده زیادی را از پا درآورد. در این جنگ‌ها، سرانجام فرانسویان با قیام دختری به نام ژاندارک^۱ به پیروزی رسیدند.

نتیجه مهم جنگ‌های صد ساله برای فرانسویان و انگلیسی‌ها، به‌رغم خساراتی که به آنان وارد شد، رشد فرهنگ ملی آنان بود. پس از این، این دو ملت بیش از پیش بر ملیت خویش پافشاری کردند.



اوضاع سیاسی اروپا در عصر رنسانس

بک توضیح

ژاندارک

ژاندارک قهرمان ملی فرانسه است. (۱۴۳۱-۱۴۱۲ م.) او به دینداری و پرهیزگاری شهرت داشت و مدعی بود که از الهامات غیبی برخوردار است. در جریان جنگ‌های فرانسه و انگلیس به حضور شارل هفتم پادشاه فرانسه رسید و با اصرار، از پادشاه خواست که وی را به فرماندهی سپاهی منسوب کند و به جنگ انگلیس‌ها بفرستد. ژاندارک بر انگلیس‌ها پیروز شد، اما در یکی از جبهه‌ها، گویا به دلیل خیانت بعضی از اطرافیان، اسیر شد. انگلیسی‌ها او را محاکمه کردند و به اتهام کفر و ارتداد به مرگ محکوم ساختند. ژاندارک با کمال خون‌سردی از خود دفاع کرد و حتی هنگام اجرای حکم از خود ترسی نشان نداد. او را زنده در آتش سوزاندند. ژاندارک هنگام مرگ ۱۹ سال داشت.



صحنه‌ای از جنگ‌های صدساله بین انگلیس (سمت راست) و فرانسه (سمت چپ)

می‌کردند. در روسیه نیز فئودال‌ها قدرت بسیار داشتند. سلطه مغولان بر روسیه که نزدیک به یکصد و پنجاه سال طول کشید نیز آنان را ضعیف نکرد. تا اینکه با به قدرت رسیدن ایوان چهارم^۱ اشراف سرکوب شدند و هرچند از بین نرفتند، اما حکومت مرکزی قدرتمند و وسیعی در روسیه شکل گرفت. ایوان چهارم (۱۵۳۳-۱۵۸۴) از مشهورترین پادشاهان روسیه است که به سبب خشونت‌هایش به ایوان مخوف مشهور است. او یک بار در حال عصبانیت پسر خود را کشت! توسعه مذهب ارتدوکس نیز به تقویت وحدت معنوی روس‌ها کمک می‌کرد.

اوضاع سیاسی نواحی جنوبی اروپا، به عکس نواحی دیگر آن، به سوی قدرت متمرکز سیر نمی‌کرد. در شبه جزیره بالکان حکومت بیزانس پس از ضربه‌ای که از

در اسپانیا تحولات دیگری در جریان بود. ایالت‌های شمال اسپانیا که در دست پادشاهان مسیحی بود به پیروزی‌های جدید علیه مسلمانان در جنوب دست یافتند. حکومت‌های ملوک الطوائفی مسلمان که تجزیه و تفرقه ضعیفشان کرده بود، عقب نشستند. سرانجام در اواخر قرون وسطا پادشاهان مسیحی مناطق مختلف اسپانیا با برقراری پیوند خانوادگی میان خویش، متحد شدند و توانستند به آخرین مقاومت مسلمانان پایان دهند.

نواحی مرکزی و شرقی اروپا برای رسیدن به یک دولت مقتدر کندتر از نواحی غربی آن، یعنی انگلستان و فرانسه و اسپانیا، حرکت می‌کردند؛ زیرا اشرافیت فئودال در آنها هنوز قدرت بسیار داشتند. در آلمان (امپراتوری مقدس روم) این اشراف مقام امپراتور را به طور رسمی تأیید

۱- Ivan IV

صلیبی‌ها خورد دیگر نتوانست قدرت خود را باز یابد و روبه زوال رفت. پیشروی ترکان عثمانی و استقلال طلبی صرب‌ها و مجارها نیز این زوال را تسریع کرد. در شبه‌جزیره ایتالیا آمیزه شگفت‌انگیزی از رشد و زوال دیده می‌شد. شهرها و بنا در شمالی این سرزمین از طریق تجارت و رشد شهرنشینی صاحب ثروت بسیار شده بودند. اما آن سرزمین فاقد حکومت مرکزی بود. شهرهای شمالی ایتالیا که خود را از تسلط دستگاه پاپ و امپراتوری مقدس روم خارج ساخته بودند، به صورت دولت - شهرهایی جدا از هم درآمد و نه تنها تمایلی به وحدت نداشتند؛ بلکه مدام نیز با هم در جنگ و جدال بودند. اشراف شهری، دولت - شهر مستقل خویش را بر یک کشور وسیع یک پارچه ترجیح می‌دادند.

رنسانس علمی و فرهنگی در اروپا

همگام با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اروپای عصر رنسانس، در عرصه اندیشه، هنر، علم و فن نیز تغییرات وسیعی به ظهور پیوست. یکی از وجوه مهم رنسانس انسان‌گرایی و خردگرایی بوده است. پس از جنگ‌های صلیبی آشنایی اروپاییان با آثار فلسفی به خصوص آثار مربوط به یونان باستان موجب شد تا باور به انسان و خرد او پذیرش بسیار پیدا کنند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید منظور از آثار فلسفی یونان

باستان، کدام آثار است؟

صرف‌نظر از آثار فلسفی و اخلاقی عصر رنسانس که گرایش‌های انسان‌گرایانه را در خود منعکس ساخته‌اند، در

عرصه هنر نیز به خوبی می‌توان این گرایش را ملاحظه کرد. موضوع بیشتر آثار نقاشی و مجسمه‌سازی عصر رنسانس انسان است. در این آثار که نقاشان بزرگی نظیر میکل آنژ^۱ و داوینچی^۲ به وجود آورده‌اند احساس انسان، اندیشه انسان، اعمال انسان و نیز طبیعت انسان مورد توجه قرار گرفته است. در آثار نقاشی دوره رنسانس می‌توان تصاویر بسیاری از ثروتمندان آن دوره را مشاهده کرد، ثروتمندان آن دوره در شهرهای شمال ایتالیا علاقه زیادی به فراهم آوردن اسباب شکوه و تجمل برای خود داشتند. لذا کاخ‌های زیبا و آثار هنری متعدد برای خود فراهم آوردند و هنرمندان را مورد حمایت و تشویق قرار دادند. در نتیجه در همه عرصه‌های هنری تحولاتی صورت گرفت. در عرصه ادبیات نیز عصر رنسانس شاهد تحولات مهمی بود. در تجارتخانه‌های شمال ایتالیا نویسندگان و منشیان زبردستی پیدا شدند که دستور زبان، لغت و نیز تاریخ و حساب و مانند آنها را می‌دانستند. همچنین از مقررات علم حقوق و مکاتبات و تنظیم قراردادها مطلع بودند. بعضی از آنها چند زبان مانند لاتین، عربی، عبری و یونانی می‌دانستند. بعضی از اینان، هرچند در کلیسا درس خوانده بودند؛ اما خدمات کلیسایی انجام نمی‌دادند. همچنین مدارس خارج از کلیسا تأسیس کردند. بدین ترتیب، به عکس چند قرن پیش همه با سوادان، اهل کلیسا نبودند، آنان نیز مانند هنرمندان به موضوع انسانی در آثار خود می‌پرداختند. دانته^۳ و پترارک^۴ از ادیبان بزرگ این عصر هستند. دانته برای اولین بار به زبان ایتالیایی جنبه ادبی داد که بعدها زبان ملی مردم آن سرزمین شد. در فرانسه، انگلستان و آلمان هم از این زمان زبان ملی برای کارهای ادبی، اداری و قضایی مطرح شد. دیگر زبان لاتین تنها زبان علمی و رسمی اروپا نبود.

۱- Michelangelo

۲- Davinci

۳- Dante

۴- Petrarco



انواع فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی در شهرهای اروپا در اواخر قرون وسطا

هاروی^۲ چگونگی گردش خون را کشف کرد. استفاده از علوم تجربی در رشته‌های دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت. در ریاضیات، نجوم و جغرافیا هم اندیشه‌های نوینی مطرح شد. کپرنیک^۳ کروی بودن زمین را و پس از او گالیله^۴ گردش زمین به دور خورشید را اثبات کردند.

علوم تجربی نیز که قبلاً مورد توجه نبود، علاقه‌مندانی پیدا کرد. انتقال علوم اسلامی به اروپا در این خصوص تأثیر مهمی داشت. یکی از دانشمندان این دوره به نام راجر بیکن^۱ بر اهمیت تجربه در شناخت علمی تأکید کرد، مطالعه درباره بدن انسان بیشتر و در پزشکی پیشرفت بسیار حاصل شد. یکی از دانشمندان به نام ویلیام

یک توضیح

کرویت زمین و گردش خون در آثار جغرافی دانان مسلمان

یکی از جغرافی دانان مسلمان، در سده چهارم هجری، کتابی به نام صورالاقالیم نوشت و در آن، نقشه‌ای از زمین کشید که آن را به شکل مُدَوَّر نشان می‌داد. همچنین ابوعبدالله ادیسی (متولد ۴۹۴ق) اولین کره جغرافیایی را از نقره ساخت که نقشه کامل جهان آن روز به شمار می‌آید. همچنین، ابن نفیس پزشک دمشقی سده ششم، در کتاب شرح قانون (شرح قانون ابن سینا) از کشف خود درباره گردش خون یاد کرده است. بی شک او این کشف را براساس تشریحی که بر روی بدن انسان انجام داده، به دست آورده است.

۱- Roger Bacon

۲- William Harvey

۳- Copernicus

۴- Galilee

مورخان و دیگر عالمان مورد بحث و بررسی بسیار قرار گرفته است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما کدام دوره از تاریخ ایران از نظر علمی و فرهنگی با اروپای عصر رنسانس قابل مقایسه است؟ چه تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد؟

در عرصه اختراعات، هرچند به اندازه علوم و هنرها و ادبیات پیشرفت وجود نداشت با این حال، اختراعات مهمی صورت گرفت؛ مانند اختراع دستگاه چاپ به وسیله گوتنبرگ^۱، و اختراع تلسکوپ به وسیله گالیله. دانش جغرافیایی اروپاییان نیز به دلایلی نظیر جنگ‌های صلیبی، مسافرت مارکوپولو به چین توسعه یافت.

این زایش دوباره فکری و فرهنگی در اروپا که رنسانس نامیده شده است کم کم به عصر دنیای کهن در اروپا پایان داد و عصر جدیدی را آغاز کرد. نتایج مثبت و منفی این تحولات در چند قرن اخیر توسط



دریانوردان عصر رنسانس با استفاده از ستارگان به تعیین موقعیت خود می برداختند.

رشد دریانوردی و آغاز اکتشافات جغرافیایی

پس از آنکه جنگ‌های صلیبی به دریا کشیده شد کم‌کم اروپاییان به تجارت در مدیترانه روی آوردند. آنان با استفاده از شیوه‌های کشتی‌سازی در اروپا و سرزمین‌های اسلامی کشتی‌های جدیدی ساختند که هم محکم‌تر و هم بزرگ‌تر از کشتی‌های قبلی بود و از سرعت و قابلیت هدایت بیشتری برخوردار بود. قطب‌نما که مسلمانان از طریق چینی‌ها با آن آشنا شده بودند، به اروپاییان رسید. قطب‌نما و نقشه‌های جدید جغرافیایی بهره‌گیری از راه‌های آبی و کشتیرانی را رونق فراوان بخشید. بندرهای بیزانس، شام، مصر، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال در نتیجه این پیشرفت‌ها شاهد رفت و آمد کشتی‌ها و گسترش فعالیت‌های تجاری بودند. سود فراوانی که از این طریق نصیب دریانوردان و بازرگانان می‌شد بر رونق تجارت دریایی افزود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

با توجه به آنچه گفته شد سهم مسلمانان را

در اکتشافات جغرافیایی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به داد و ستد پرداختند. اما حکومت‌های اسپانیا و پرتغال که با عثمانی در حال جنگ بودند نمی‌توانستند از این تجارت سود ببرند. بنابراین، در صدد برآمدند به جای دریای مدیترانه از اقیانوس اطلس استفاده کنند. آنان فکر می‌کردند که از طریق اقیانوس اطلس می‌توان به هندوستان و چین رسید و به کالاهای پرارزشی چون ادویه و عطر و ابریشم دست یافت. با موفقیت در این امر آنان می‌توانستند به قیمت بسیار ارزان به کالاهای مورد نظر خود دست یابند و مجبور به پرداخت بهای گران به عثمانی نباشند و در عوض می‌توانستند این کالای ارزان را در اروپا با سود خوب به فروش برسانند.

در پی این فکر، پرتغالی‌ها معتقد شدند که می‌توان از سمت جنوب قاره آفریقا دور زد. آنان هرچند با استفاده از نقشه‌های جدید، اطلاعاتی از خشکی‌ها و دریاها داشتند اما هنوز به وسعت عظیم و پهناوری قاره آفریقا پی نبرده بودند لذا راه اروپا به هند را خیلی دور تصور نمی‌کردند. اسپانیایی‌ها نیز تصور می‌کردند که اگر در اقیانوس اطلس به طرف غرب بروند به ژاپن و چین خواهند رسید (چون اطلاعی از قاره آمریکا نداشتند فکر می‌کردند اقیانوس‌های اطلس و آرام یکی هستند).

پرتغالی‌ها راه دریایی به مشرق زمین را کشف می‌کنند

از اواسط قرن پانزدهم میلادی پرتغالی‌ها از طریق سواحل غربی آفریقا به سمت جنوب اقدام به دریانوردی کردند. آنان کم‌کم ساحل غربی آفریقا را به امید دورزدن آن از سمت جنوب پیمودند. در همان حال به تجارت برده و عاج نیز مشغول شدند. برخلاف تصور آنها نقطه جنوبی آفریقا در فاصله‌ای بسیار دورتر قرار داشت. سرانجام در سال ۱۴۸۷ م. بارتولومودیا^۱ توانست از جنوبی‌ترین نقطه قاره آفریقا که دماغه امید نیک نام دارد بگذرد و به اقیانوس

در اواخر قرون وسطا رقابت برای کسب ثروت و قدرت از طریق تجارت دریایی روز به روز در اطراف دریای مدیترانه بیشتر می‌شد و بندرهای بزرگ در رقابت با یکدیگر درگیر می‌شدند. اختلافات سیاسی و مذهبی نیز به این رقابت‌ها دامن می‌زد. در سال ۱۴۵۳ م/ ۸۵۷ ق ترکان عثمانی که قسمت‌های زیادی از سواحل شمال شرقی مدیترانه را تصرف کرده بودند موفق شدند با تصرف قسطنطنیه به عمر امپراتوری بیزانس پایان داده و تجارت شمال شرقی مدیترانه را از آن خود سازند. از آن پس حکومت‌های اروپایی به جای بیزانس با عثمانی

^۱ Bartholomev Dias

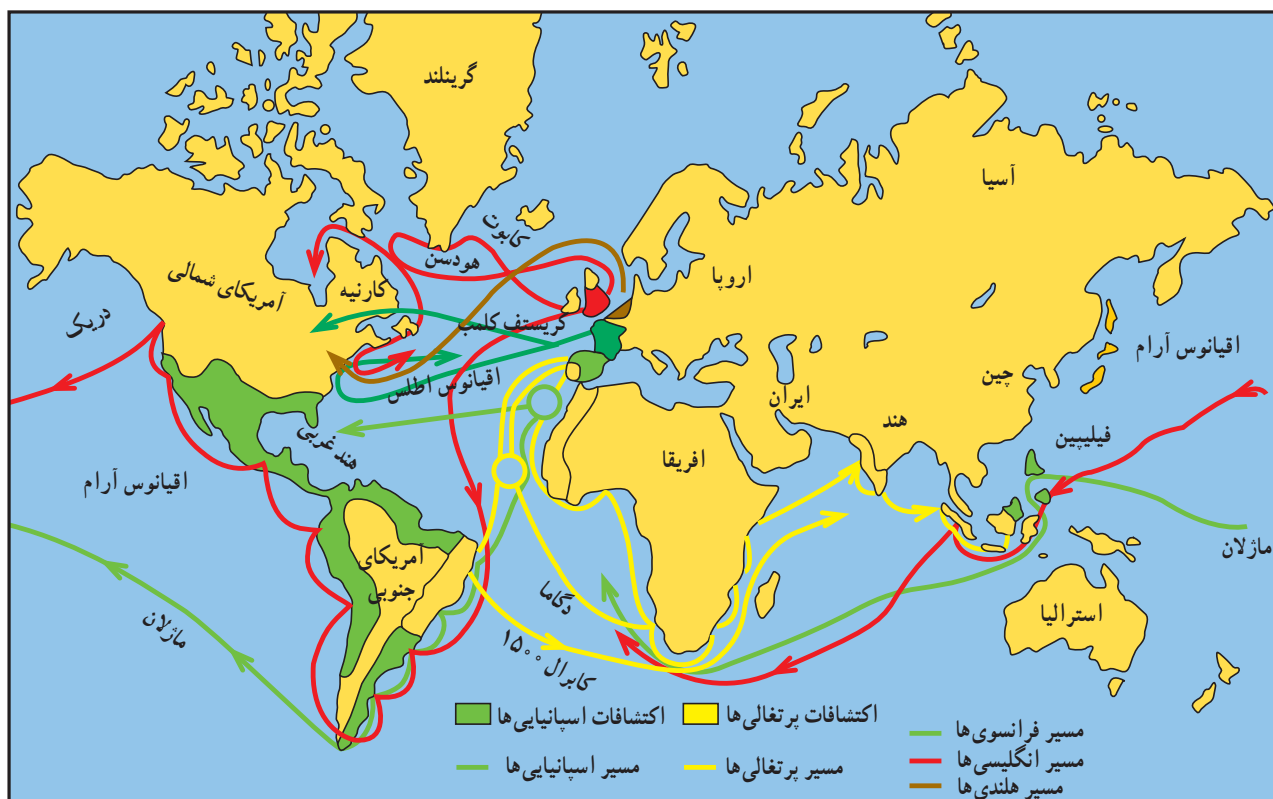
عبور از دریا‌های ناشناخته بسیار خطرناک بود. آنان نه مسیرهای دریایی را می‌شناختند و نه با آب و هوای نواحی دور دست آشنا بودند. در نتیجه تعدادی از کشتی‌ها غرق شد. کمبود آذوقه نیز آنها را بیمار ساخت و عده‌ای را از بین برد. سرانجام کریستف کلمب و همراهانش پس از ماه‌ها سرگردانی در دریا و تحمل مشکلات بسیار در سال ۱۴۹۲ م. به جزیره‌ای رسیدند. کریستف کلمب به تصور اینکه به یکی از جزایر هندوستان رسیده است بومیان سرخ‌پوست آنجا را هندی نامید. او به اسپانیا بازگشت و با کشتی و آذوقه و افراد جدید بار دیگر اقدام به مسافرت کرد. با استفاده از تجارب سفر قبلی او توانست به راحتی به مناطقی جدید برسد در حالی که همچنان فکر می‌کرد به هندوستان رسیده است. او تا پایان عمر در اشتباه خود باقی ماند.

هند در مشرق زمین برسد. این کشف بسیار مهمی بود. پس از او دریانورد دیگر پرتغالی به نام واسکودوگاما^۱ توانست سراسر اقیانوس هند را بگردد و راه‌های هند، اندونزی و خلیج فارس را بیابد.

با کشف راه دریایی اقیانوس اطلس به اقیانوس هند پرتغالی‌ها با سرعت بیشتری خود را به دیگر سواحل جنوبی و شرقی آسیا رساندند.

اسپانیایی‌ها قاره آمریکا را کشف می‌کنند

در همان زمان که پرتغالی‌ها با دور زدن آفریقا به سوی شرق در حرکت بودند، دریانوردان اسپانیایی، به فرماندهی کریستف کلمب، با چندین فروند کشتی حرکت به طرف غرب اقیانوس اطلس را با هدف رسیدن به هندوستان آغاز کردند.



اکتشافات جغرافیایی

۱- Vasco die Gama



کریستف کلمب

هندوستان جزیره‌ای به نام گوا را اشغال کرد و آنجا را مرکز مستعمرات پرتغال در مشرق زمین قرار داد. در سراسر سواحل غربی و شرقی افریقا نیز پرتغالی‌ها با گلوله باران شهرهای ساحلی سلطه خود را برقرار ساختند. بندر عدن و بندر هرمز نیز به وسیله آنها اشغال شد. پرتغالی‌ها بندر هنگ کنگ در چین را نیز متصرف شدند و بدین ترتیب تجارت با مشرق زمین را از آن خود ساختند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما علل ضعیف شدن مردمان مشرق زمین و برتری یافتن اروپاییان در عصر جدید چیست؟

پس از یک دوره غارت و کشتار، اروپاییان اقدام به بهره‌برداری از منابع مستعمرات کردند. آنان با بومیان به صورت برده رفتار می‌کردند. علاوه بر تجارت کالا، اروپاییان به تجارت برده نیز روی آوردند. سپس سیل مهاجرت از انگلستان، فرانسه، اسپانیا، پرتغال و هلند، به سواحل آمریکا و افریقا سرازیر شد که بعدها موجب پیدایش کشورها و ملت‌های جدیدی گردید.

دیگر دریانوردانی که پس از کریستف کلمب اقدام به دریانوردی و اکتشاف کردند نیز تا مدت‌ها نمی‌دانستند که به قاره جدیدی رسیده‌اند تا آنکه دریانوردی به نام امریکو و سپوچی پی برد که سرزمینی که به آن رسیده‌اند هند نیست بلکه قاره جدیدی است. این قاره را به نام او آمریکا نامیدند.

موفقیت‌هایی که پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها در اکتشافات جغرافیایی به دست آوردند ملت‌های دیگر را نیز به دریانوردی و کشف سرزمین‌های جدید تشویق کرد. کم‌کم نقشه کره زمین مشخص تر شد. قاره‌ها و اقیانوس‌ها و حدود آنها برای بشر معلوم شد و نقشه جهان به صورت کنونی شناخته گردید.

فکر کنید و پاسخ دهید:

همراه کاشفان، کسان دیگری نیز مانند سربازان، کشیش‌ها و بازرگانان به مناطق جدید اعزام می‌شدند، آیا می‌دانید علت این امر چه بود؟

استعمارگری پرتغال و اسپانیا

هرچند سرزمین‌هایی که پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و دیگران بدان رسیده بودند خالی از سکنه نبود و از روزگاران کهن حتی صاحب تمدن‌هایی بوده‌اند؛ اما چون برای اروپایی‌ها ناشناخته بود، آنها را کشف شده می‌دانستند. مثلاً در قاره آمریکا تمدن‌های سرخ‌پوستان وجود داشت. در سراسر اقیانوس هند ایرانی‌ها، عرب‌ها، هندی‌ها و... از قرن‌ها پیش دریانوردی می‌کردند و همه نقاط آن را می‌شناختند. بنابراین، به کار بردن اکتشاف توسط اروپاییان فقط از دیدگاه خودشان است. اروپاییان با استفاده از کشتی‌های جنگی و توپ اقدام به قتل و غارت در عرصه دریاها کردند و عده زیادی از بومیان را به قتل رساندند. یکی از دریانوردان پرتغالی به نام آلبوکرک^۲ در

۱- Amrigo Vespucci

۲- Albuquerque

پرسش‌های نمونه

- ۱- علل و زمینه‌های رشد شهرنشینی در اروپای عصر رنسانس چه بود؟
- ۲- چرا در عصر رنسانس قدرت پادشاهان اروپایی افزایش یافت؟
- ۳- در عصر رنسانس چه تغییراتی در عرصه هنر ایجاد شد؟
- ۴- مشخصات اصلی ادبیات عصر رنسانس کدام‌اند؟
- ۵- در دوره رنسانس چه تحولاتی در علوم تجربی پیدا شد؟
- ۶- مراحل مختلف کشف قاره آمریکا را توضیح دهید.
- ۷- اکتشافات جغرافیایی چه نتایجی برای اروپا داشت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- اگر تاکنون فیلمی دیده‌اید یا کتابی خوانده‌اید که موضوع آن با تحولات عصر رنسانس مربوط است، گزارشی کوتاه درباره محتوای آن بنویسید.
- ۲- درباره سرگذشت یکی از اندیشمندان، دانشمندان، ادیبان یا هنرمندان عصر رنسانس مطلبی تهیه کنید.

فهرست کتاب‌های مناسب برای دانش آموز

انتشارات مدرسه								
تاریخ نشر	مؤلف	عنوان کتاب	تاریخ نشر	مؤلف	عنوان کتاب	تاریخ نشر	مؤلف	عنوان کتاب
۱۳۹۲	محسن هجری	سرباران	۱۳۸۸	بهمن پگاه مراد	تخت جمشید	۱۳۸۵	ابراهیم زاهدی مطلق	آریو برزن
۱۳۹۰	منیرالدین بیرونی	سلمان فارسی	۱۳۸۷	عبدالرسول خیراندیش	تمدن ایران باستان	۱۳۸۸	بیژن آرفند	ابن سینا
۱۳۸۶	اصغر فکور	شیخ کلینی	۱۳۹۱	مهدی فراهانی منفرد	تیمور	۱۳۸۳	عباس جهانگیریان	ابن مقفع
۱۳۸۶	سید جواد مهدوی	طاهر	۱۳۸۹	وحید طلوعی	جریر طبری	۱۳۸۶	حمید نوایی لواسانی	ابوالوفای بوزجانی
۱۳۸۵	محمود طاهر احمدی	عضدالدوله	۱۳۸۷	حمید نوایی لواسانی	جمشید کاشانی	۱۳۸۶	محمود برآبادی	ابوریحان بیرونی
۱۳۹۱	عباس جهانگیریان	فارابی	۱۳۸۷	عبدالحی شماسی	خواجہ نصیر طوسی	۱۳۸۸	عباس جهانگیریان	اردشیر بابکان
۱۳۹۱	عزت‌اله الوندی	فردوسی	۱۳۸۶	فرهاد حسن‌زاده	خواجہ نظام‌الملک	۱۳۹۰	محمود برآبادی	اسکندر مقدونی
۱۳۸۶	منیرالدین بیرونی	ناصر خسرو	۱۳۹۲	منصوره شریف‌زاده	خوارزمی	۱۳۹۲	عباس جهانگیریان	انوشیروان
۱۳۹۱	لیلا برزگر	نصرالله منشی	۱۳۸۷	محمد کاظم مزینانی	داریوش هخامنشی	۱۳۸۶	محمود مهدوی	یاعقی
۱۳۹۰	مژگان شیخی	یعقوب لیث	۱۳۸۸	جعفر تونزنده جانی	رودکی	۱۳۸۷	اسفندیار معتمدی	نبو موسی
			۱۳۸۸	امید فلاح آزاد	زکریا رازی	۱۳۹۱	اصغر ندیری و معصومه حبیب‌پور	بسران ماهی‌گیر (آل بویه)

تاریخ نشر	ناشر	مؤلف / مترجم	عنوان کتاب
۱۳۸۵	افق	علی اصغر سیدآبادی	تولد دوباره : ورود اسلام به ایران (مجموعه داستان فکر ایرانی ۳)
۱۳۹۰	افق	حسین شیخ رضایی	دوران طلایی : از آغاز سلسله صفاریان تا تشکیل امپراتوری سلجوقی (مجموعه داستان فکر ایرانی ۴)
۱۳۹۰	افق	محمد هادی محمدی و شکوه حاجی نصرالله	سپیده دم/ندیشه ایرانی : از آغاز تمدن ایرانی تا پایان شاهنشاهی هخامنشی (مجموعه داستان فکر ایرانی ۱)
۱۳۹۰	افق	عزت‌اله الوندی	سرگذشت موسیقی در ایران (مجموعه فرهنگ و تمدن ایرانی ۲)
۱۳۹۱	افق	پرویز براتی	سرگذشت نقاشی در ایران (مجموعه فرهنگ و تمدن ایرانی ۴)
۱۳۸۷	محراب قلم	حسن سالاری	علم در ایران باستان
۱۳۹۰	افق	حسین بکایی	فرار از عقل : از تشکیل امپراتوری سلجوقی تا حمله مغول (مجموعه داستان فکر ایرانی ۵)
۱۳۹۰	افق	محمد هادی محمدی و شکوه حاجی نصرالله	فراز و فرود : از حمله اسکندر مقدونی تا پایان شاهنشاهی ساسانی (مجموعه داستان فکر ایرانی ۲)
۱۳۹۱-۱۳۶۵	فرهنگنامه کودکان و نوجوانان	شورای کتاب کودک	فرهنگنامه کودکان و نوجوانان (۱۴ ج)
۱۳۹۰	افق	محسن هجری	مغول‌ها (از حمله مغول تا آغاز صفویه) (مجموعه داستان فکر ایرانی ۶)
۱۳۸۷	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	زهره بربرخ	میراث فرهنگی ایرانیان به روایات موزه ملی ایران

منابع برای مطالعه بیشتر

الف) تاریخ ایران

- ۱- آذری، علاءالدین، تاریخ روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲- آمیه، پیر، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- اشپولر، برتولد، ایران در قرون نخستین اسلامی (۲ جلد)، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۴- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۵- اطلس تاریخی ایران، جمعی از مؤلفان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- ۶- اومستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- ۷- باسورث، ادmond کلیفورد، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ۸- بریان، پی‌یر، تاریخ امپراتوری هخامنشیان (از کورش تا اسکندر)، ترجمه مهدی سمسار، تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۷.
- ۹- بویس، مری و فرانتز گرنر، تاریخ کیش زرتشت (۳ جلد)، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، توس، ۱۳۷۵.
- ۱۰- بویس، مری و جورج فارمهری، دو گفتار درباره خنیاگری و موسیقی ایران، ترجمه بهزاد باشی، تهران، آگاه، ۱۳۶۸.
- ۱۱- بهار، مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران، فکر روز، ۱۳۷۶.
- ۱۲- بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول (۳ جلد)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ - ۱۳۶۷.
- ۱۳- ملک زاده بیانی، ملک زاده، تاریخ سکه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۴- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، تاریخ بیهقی، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران، انتشارات خواجه، ۱۳۷۰.
- ۱۵- پیرنیا، حسن، ایران باستان (۳ جلد)، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- ۱۶- تاریخ ایران کمبریج، گروه مؤلفان، ترجمه حسن انوشه، جلد‌های ۳ (قسمت اول و دوم)، ۴ و ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ - ۱۳۶۴ و جلد ۶ (تیموریان و صفویان)، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات جامی، ۸۰ - ۱۳۷۹.

۱- معرفی این منابع به معنی تأیید همه مطالب آنها نیست.

- ۱۷- حصوری، علی، آخرین شاه، تهران، مؤلف، ۱۳۷۱.
- ۱۸- خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ (۴ جلد)، تصحیح محمد روشن ومصطفی موسوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳.
- ۱۹- داندامایف، م. آ.، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۲۰- دیاکونوف، ا. م.، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۲۱- رضا، عنایت‌الله، ایرانیان و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- ۲۲- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- ۲۳- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران (۲ جلد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲۴- زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۷.
- ۲۵- ساندرز، ج. ج.، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۲۶- سلطان‌زاده، حسین، تاریخ مدارس ایران، تهران، آگاه، ۱۳۶۴.
- ۲۷- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، فردوس، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۲.
- ۲۸- فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۲۹- فرشاد، مهدی، تاریخ علم در ایران (۲ جلد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۳۰- فروزنده، مسعود، تحقیقی در دین صابئین مندائی، تهران، سماط، ۱۳۷۷.
- ۳۱- قفس اوغلی، ابراهیم، تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه دکتر داود اصفهانیان، تهران، گستره، ۱۳۶۷.
- ۳۲- کارنامه اردشیر بابکان، ترجمه قاسم هاشمی‌نژاد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۹.
- ۳۳- کامرون، جورج، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۳۴- کخ، هایدماری، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران، کارنگ، ۱۳۷۶.
- ۳۵- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چاپ نهم، ۱۳۷۷.
- ۳۶- کسای، نورالله، نظامیه‌ها و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۳۷- کسنوفون، آناباسیس، ترجمه احمد بیرشک، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۷۵.
- ۳۸- کلوزنر، کارلا، دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۳۹- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمدمعین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- ۴۰- گیرشمن، رومن، هنر ایران (۲ جلد)، ترجمه عیسی بهنام و بهرام فره‌وشی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۴۱- لمبتون، آن. اس.، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.

- ۴۲- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- ۴۳- محمدی، محمد، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی (۴ جلد)، تهران، توس، ۱۳۷۴.
- ۴۴- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
- ۴۵- منز، بتاتریس فوربز، برآمدن و فرمان‌روایی تیمور، ترجمه منصور صفت گل، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- ۴۶- مورگان، دیوید، ایران در قرون وسطا، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳.
- ۴۷- میرسعیدی، نادر، تاریخ سیاسی ایلام باستان، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۷۵.
- ۴۸- ناصح، ناطق، بحثی درباره زندگی مانی و پیام او، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۴۹- ویسهوفر، یوزف، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷.
- ۵۰- هرتسفلد، ارنست، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.
- ۵۱- هینتس، والتر، دنیای گمشده ایلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱.

ب) تاریخ اسلام

- ۱- آل علی، نورالدین، اسلام در غرب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تصحیح و تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرجی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۳- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، تاریخ کامل، ترجمه دکتر محمدحسین روحانی، تهران، توس.
- ۴- ابن جعفر، قدامه، کتاب الخراج، ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران، البرز، ۱۳۷۰.
- ۵- ابن طباطبا (ابن طقطقی)، محمد بن علی، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
- ۶- ابن هشام، سیرت رسول الله (دو جلد)، ترجمه رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، تصحیح دکتر اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲.
- ۷- احسن، محمد مناظر، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۸- ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا، ترجمه علی دوانی، تهران، حکمت، بی تا.

- ۹- باسورث، ادموند کلیفورد، سلسله‌های اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ۱۰- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، فتوح البلدان، ترجمه، مقدمه و تحشیه دکتر محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۷.
- ۱۱- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.
- ۱۲- جعفری، سیدحسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
- ۱۳- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (۲ جلد)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۴- چارشلی، اوزون، تاریخ امپراتوری عثمانی (۳ جلد)، تهران، کیهان، ۱۳۷۲-۱۳۶۸.
- ۱۵- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز، کتاب فروشی حاج محمدباقر کتابچی حقیقت با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۴.
- ۱۶- خضری، سیداحمدرضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- ۱۷- دنت، دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه دکتر محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، چ سوم، ۱۳۵۸.
- ۱۸- روزنتال، فرانتس، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام (۲ جلد)، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۱۹- زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- ۲۰- زرین کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ مکرر.
- ۲۱- زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ مکرر.
- ۲۲- شاو، استانفوردجی، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید (۲ جلد)، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۲۳- شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۷۷.
- ۲۴- الشیخی، صباح ابراهیم سعید، اصناف در دوره عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۲۵- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- ۲۶- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس (۵ جلد)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، کیهان، ۱۳۷۱.
- ۲۷- فلوتن، فان، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه، ترجمه مرتضی هاشمی حائری، تهران، اقبال، ۱۳۲۵.
- ۲۸- مرتضی عاملی، علامه جعفر، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام (۶ جلد)، ترجمه حسین تاج‌آبادی، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آزاد گرافیک، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

- ۲۹- مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- ۳۰- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب (۲ جلد)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- ۳۱- وات، مونتگمری، تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطا، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۶۱.
- ۳۲- وهزارد، هاری، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه محمود عرفان، تهران، ابن سینا، ۱۳۳۷.
- ۳۳- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی (۲ جلد)، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

(پ) تاریخ جهان

- ۱- آزادگان، جمشید، ادیان ابتدایی (تحقیق در توتیمیزم)، تهران، میراث ملل، ۱۳۷۲.
- ۲- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا، تهران، شرکت مطبوعات، ۱۳۱۲.
- ۳- اولسن، اوریان میکائیل، تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تا دوره معاصر، ترجمه رضا مشایخی، تهران، زوار، بی تا.
- ۴- بهار، مهرداد، از اسطوره تا تاریخ، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۶.
- ۵- پالمر، رابرت روزول، تاریخ جهان نو (۲ جلد)، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۹.
- ۶- جوهری، یسری عبدالرزاق، تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ترجمه عیسی متقی زاده و احمد برادری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- ۷- خیراندیش، عبدالرسول، تاریخ جهان، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۶.
- ۸- دولاندلن، شارل، تاریخ جهانی (۲ جلد)، ترجمه احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- ۹- رانسیمان، استیون، تاریخ جنگ های صلیبی (۳ جلد)، ترجمه منوچهر کاشف، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۱۰- روسو، پی یر، تاریخ علوم، ترجمه حسن صفاری، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۰.
- ۱۱- شبیانی، عبدالحسین، تاریخ عمومی قرون وسطا (۳ جلد)، تهران، اشرفی، ۱۳۴۵.
- ۱۲- شی یرا، ادوارد، الواح بابل، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۱۳- فاطمی، سعید، اساطیر یونان و روم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۴- کریمر، ساموئل، الواح سومری، ترجمه داوود رسائی، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۰.
- ۱۵- کوروفکین، تاریخ دنیای قدیم (۳ جلد)، ترجمه غلامحسین متین، تهران، شبگیر، ۱۳۵۳.

- ۱۶- گیون، ادوارد، انحطاط و سقوط امپراتوری روم (۲ جلد)، ترجمه فرنگیس شادمان (نمازی)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱.
- ۱۷- لینتون، رالف، تاریخ تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۱۸- لوکاس، هنری، اس، تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سدهٔ ما (۲ جلد)، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
- ۱۹- ماله، آلبر و ژول ایزاک، تاریخ قرون وسطا، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۰.
- ۲۰- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین‌النهرین باستان (۳ جلد)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
- ۲۱- ممتحن، حسینعلی، کلیات تاریخ عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۷.
- ۲۲- میک، توفیل، قانون‌نامه حمورابی، ترجمه کامیار عبدی، تهران، میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- ۲۳- نهر، جواهر لعل، نگاهی به تاریخ جهان (۳ جلد)، ترجمه محمود تفضلی، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۵۷.
- ۲۴- ویل دورانت، تاریخ تمدن (۱۱ جلد)، ترجمه گروه مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- ۲۵- هرودوت، تواریخ، ترجمه با حواشی وحید مازندرانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷.



فهرست مطالب

		سخنی با دبیران گرامی
۱۰۹	درس ۱۲ - عصر خلفای نخستین	دانش آموزان گرامی
۱۱۸	درس ۱۳ - خلافت امویان	
۱۲۷	درس ۱۴ - خلافت عباسیان	
بخش اول: تاریخ و آغاز آن		
	بخش چهارم: ایران از ورود اسلام تا صفویان	درس ۱ - تاریخ چیست و مورخ کیست؟
۱۳۶	درس ۱۵ - ورود اسلام به ایران	۲
	درس ۱۶ - ایران در مسیر استقلال،	۸
۱۴۳	شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی	
۱۵۳	درس ۱۷ - ایران از غزنویان تا مغولان	
۱۶۳	درس ۱۸ - ایران از مغول تا صفویه	
	درس ۱۹ - فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی	
	(از ورود اسلام به ایران تا تأسیس	
۱۷۶	حکومت صفوی)	
	درس ۲۰ - اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران	
۱۹۱	(از ورود اسلام تا تأسیس حکومت صفوی)	
بخش دوم: جهان باستان		
	بخش پنجم: اروپا در قرون وسطا و عصر رنسانس	درس ۲ - تمدن در «میان دو رود»
۲۰۳	درس ۲۱ - اروپا در قرون وسطا	۱۴
۲۱۰	درس ۲۲ - جنگ‌های صلیبی	۲۱
۲۱۷	درس ۲۳ - رنسانس در اروپا	۲۸
		۳۸
		۴۷
		۵۳
		۶۳
		۷۲
		۷۹
		۹۱
		۹۹
۲۳۰	منابع برای مطالعه بیشتر	
بخش سوم: ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ		
		درس ۱۰ - طلوع اسلام
		درس ۱۱ - اسلام در مدینه